هنرمعماری

۵۹

نقد، نظریه‌پردازی و پژوهش در معماری، مرمت و احیا و طراحی داخلی با رویکرد انسان‌دوستانه

شماره‌ی پنجاه و نه ـ زمستان ۱۳۹۹ قیمت: ۳۵،۰۰۰ تومان ISSN: 2008 - 7497

سرمقاله: معماری و تمدن سرزمین، هادی احمدی روشنی / نقد و نظریه: تفاوت و تشابه در شکل گیری فرانک لوید رایت / اولین جایزه‌ی ملی مرمت و احیای بناهای تاریخی و معاصر ایران

چهارمین جایزه‌ی بین‌المللی معماری باکو / هشتمین جایزه‌ی ملی طراحی داخلی ایران معاصر

۵۹

نقد، نظریه‌پردازی و پژوهش در معماری، مرمت و احیا و طراحی داخلی با رویکرد انسان‌دوستانه

ISSN: 2008 - 7497

زمستان ۱۳۹۹، قیمت: ۳۵،۰۰۰ تومان

سرمقاله

۲ **معماری و فُدن سرزمین**
دکتر هادی احمدی روشنی

نقد و نظریه

۴ **سنت آگادمیک و استعداد فردی؛ تشابه و تفاوت در شکل‌گیری فرانک لوید رایت، بخش دوم** / پاتریک پینل / ترجمه‌ی علیرضا سید احمدیان

رویدادها

۱۶ **توسعه‌ی کالبدی پایدار در بنادر جنوب ایران**
هشتمین سمپوزیوم بین‌المللی معماری، شهرسازی و عمران پایدار
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امارات و آکسفورد / دکتر وحید قبادیان، دبیر سمپوزیوم / گزارشی از مینا ولی‌زاده

۲۰ **اولین جایزه‌ی ملی مرمت و احیای بناهای تاریخی و معاصر ایران، ۱۳۹۹**

بیانیه‌ی هیئت داوران

مرمت و احیای بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی

۲۴ **رتبه‌ی نخست** / طرح مرمت و باززنده‌سازی روستای اصفهک / فرامرز پارسی

۳۴ **رتبه‌ی دوم** / طرح مرمت و باززنده‌سازی روستای اشین (عشین) / مژگان باقری

مرمت و احیای بناهای تاریخی

۴۰ **رتبه‌ی نخست و بهترین بهترین‌ها از میان آثار رسیده به دبیرخانه‌ی اولین جایزه‌ی ملی مرمت و احیا** / هتل‌سرای عامری‌ها / اکبر تقی‌زاده اصل، سید اکبر حلی

۵۰ **رتبه‌ی دوم** / مرمت و احیای عمارت تاریخی جمشیدی / سید حمید اشرفی، لادن شکرگذار جهرمی

۵۴ **رتبه‌ی سوم مشترک** / مرمت، بازسازی و احیای ساختمان تاریخی بانک تجارت / فرامرز پارسی

۵۸ **رتبه‌ی سوم مشترک** / مرمت و احیای خانه‌ی تاریخی رضا قلی‌نژاد / علی نیک‌سرشت، هادی یمینی

مرمت و احیای بناهای معاصر

۶۲ **رتبه‌ی نخست مشترک** / بوتیک هتل شمشک / امیررضا فرهید

۶۶ **رتبه‌ی نخست مشترک** / هاستل روبرو / ساتار خداداد، مهران عارفیان (استودیو طراحی مهرسان)، کیمیا معتمدی

۷۲ **تقدیر شده** / ساختمان اداری فرشته / امیر پاری، سارا پروجردی، رهام احمدیان

آرایه‌ها در معماری (تزئینات)

۷۶ **تقدیر شده** / مرمت و احیای خانه‌ی تاریخی شهید صدوقی یزد / مهدی صادق احمدی، فائزه اصفهانی‌پور، ساشا ریاحی مقدم

۸۰ **تقدیر شده** / مرمت و احیای خانه‌ی تاریخی دُرمیانی / علیرضا اشرفی

چهارمین جایزه‌ی بین‌المللی معماری باکو ۲۰۱۹

۸۶ نگار سریع‌الاطاق، محسن نوروزوند

پروژه‌های اجرایی امکانات توریستی

۹۰ **رتبه‌ی نخست** / تسهیلات توریستی روستای وینس، بوش‌اکریچ / کاترین ماری اوتن، آفریقای جنوبی

۹۲ **رتبه‌ی دوم** / کارگاه‌های سفالگری / حمدی السطوحی، مصر

۹۴ **رتبه‌ی سوم** / موزه‌ی تاریخ و مردم‌شناسی سوئدی در مستی (سوئدی) / کریکاندره گریکوک گرجستان

۹۵ **رتبه‌ی سوم** / مرکز توریستی کوهستانی یانلن یانتونا / ژوانگ ویمین، چین

بازسازی ساختمان‌ها و سایت‌های تاریخی

۹۷ **رتبه‌ی نخست** / تئاتر ماریونت / ترانه بالیراوا و جمعی از معماران، آذربایجان

۹۸ **رتبه‌ی دوم** / روپاهای سواحیلی / اورکو سانچز، کنیا

۹۹ **رتبه‌ی سوم** / لیه‌ی شهری به عنوان گالری شهری / محسن نوروزوند، ایران

مرمت فضای داخلی آثار تاریخی

۱۰۰ **رتبه‌ی نخست** / سه کلیه‌ی نوک تیز / تیاگودووالله، پرتغال

بازسازی کامل یک سایت در زمینه‌ی معماری منظر

۱۰۲ **رتبه‌ی نخست** / صومعه‌ی راهبه‌ی رانچن در دره‌ی «تسوم» در منطقه‌ی هیمالیایی نپال
سونگ میو سین مل، مالزی

۱۰۴ **رتبه‌ی دوم** / بازسازی اثر لیادین پیرالبت / کارلوس کودو رکساس، اسپانیا

۱۰۵ **رتبه‌ی سوم** / پارک پدر کالینز / فرناندو آلبیرو، ماتئورو رومرو

پروژه‌های اجرا نشده در زمینه‌ی بازسازی ساختمان‌های تاریخی

۱۰۷ **رتبه‌ی نخست** / ویرانه‌ها، مادر چندبیرز / جوائو تاوریس، آنا سانتوس، جوائو وارلا، پائولو دیاس، پرتغال

۱۰۸ **رتبه‌ی دوم** / مرکز طراحی بغداد / اسلام المشتولی، امارت

۱۰۹ **رتبه‌ی دوم** / احیا و تجدید زندگی،مرمت و بازسازی برج دوازدهم «روی موزه اسلحه‌های باستانی / راسیم بابا کیشی‌اُف، فیاض‌الدین میرعلی‌اُف، جمهوری آذربایجان

۱۱۰ **رتبه‌ی سوم** / اسلاید در زمان، مرمت معادن آنلاتنی در یونان / ایسام پیکوس پتراس، یونان

۱۱۱ **بهترین نشریه در زمینه‌ی استفاده از میراث فرهنگی با اهداف گردشگری**
رتبه‌ی اول / اصول اصلی پژوهش حفاظت و مرمت آثار معماری / توفیق شکیبانوف، جمهوری آذربایجان

۱۱۱ **رتبه‌ی دوم** / برج دختر باکو، تاریخ و مشخصات مندرج در کتیبه / جعفر قیاسی، آذربایجان

۱۱۱ **رتبه‌ی سوم** / معماری مسجد در بنگلادش / ابوسعید ام. احمد، بنگلادش

هشتمین جایزه‌ی ملی طراحی داخلی ایران معاصر، ۱۳۹۹

۱۱۴ **بیانیه‌ی هیئت داوران**

مسکونی-آپارتمانی

۱۱۸ **رتبه‌ی نخست** / ساختمان شماره‌ی ۱۰۱ / پسنا مختاری

۱۲۴ **رتبه‌ی دوم** / پروژه‌ی کامرانیه / آرش مدنی

۱۳۰ **رتبه‌ی سوم** / ساختمان مسکونی یاسمین / سروش شمس عالم، اشکان نیکبخت

مسکونی-ویلا

۱۳۴ **رتبه‌ی نخست** / ویلا دنا / امیرحسین اشعری

رستوران، فست‌فود و کافی‌شاپ

۱۴۰ **رتبه‌ی نخست و بهترین بهترین‌ها از بین آثار رسیده به دبیرخانه‌ی هشتمین جایزه‌ی ملی طراحی داخلی** / کافه IVY / نفا میرانی

۱۴۶ **رتبه‌ی دوم** / بوتیک رستوران خان / محمد وارسته، رزا تبادل، فاطمه محمدی

۱۵۰ **رتبه‌ی سوم** / کافه رستوران زیبوار / فروغ رضوی، کیمیا والیانی

۱۵۴ **بهترین کاربرد رنگ** / فودبوتیک فمینی / مرتضی همتی

عمومی

۱۵۸ **رتبه‌ی نخست** / باشگاه شاسب اندام کارن / مجتبی هوشنگیان شیرازی

۱۶۲ **رتبه‌ی دوم مشترک** / ساختمان اداری «میان» / بهناز سرتیپی، محسن کلایی

۱۶۶ **رتبه‌ی دوم مشترک و بهترین نورپردازی** / باشگاه بدنسازی راک / مجتبی هوشنگیان شیرازی

۱۷۰ **رتبه‌ی سوم** / مجموعه‌ی فرهنگی و سینمایی شهریار "سینما توپوگرافی" امیرحسین اشعری

کانسپت

۱۷۴ **رتبه‌ی نخست** / سونیت لواسان / پادمیس میرزاباباپی

۱۷۸ **رتبه‌ی دوم** / عمارت دهلیز / گروه هامون

۱۸۲ **رتبه‌ی سوم** / مجموعه‌ی چند عملکردی ELEVE8 / شهروز زمردی

مبلمان

۱۸۶ **رتبه‌ی نخست** / طراحی اثاث برای آرگولاتز / گروه هامون

۱۹۰ **رتبه‌ی دوم** / تشیله / منصور زارع

۱۹۲ **رتبه‌ی سوم** / صندلی شاهرخ / گروه هامون

صاحب امتیاز: موسسه‌ی فرهنگی ـ هنری هنرمعماری قرن

مدیرعامل: شهریار خانی‌زاد

مدیر مسئول: دکتر کامران ثوسلی

سردبیر: شهریار خانی‌زاد

مدیر بازرگانی و دبیر هنری: سارا رحیمی

طراح گرافیک و صفحه‌آرا: میترا استیری، فاطمه حیدری

مترجم و ویراستار: رکسانا خانی‌زاد

مدیر بخش فنی و رایانه: فرید عابدین شیرازی

مدیریت سایت‌ها و فضای مجازی هنرمعماری: آرین خانی‌زاد

همکاران بخش سایت دانشنامه هنرمعماری:
میترا استیری، فاطمه حیدری

هیات تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):
علی اکبری، محسن اکبرزاده، سید مهدی حسینی، علی خادم‌زاده، شهریار خانی‌زاد، رکسانا خانی‌زاد، سارا رحیمی، ساناز سروش‌فر، نگار سریع‌الاطاق‌فرد، وحید قبادیان، رضا مفاخر، محسن نوروزوند

واحد پژوهش و پیشبرد هنرمعماری:
آرین خانی‌زاد، رکسانا خانی‌زاد

عکاس: حسین برازنده

لیتو گرافی، چاپ و صحافی: اندیشه برتر (۷۷۵۰۵۰۰۱)

تیراژ: ۴۰۰۰ جلد

دانشنامه هنرمعماری

مرجعیت علمی در معماری معاصر ایران
www.aoapedia.ir

• تصویر روی جلد- خانه‌ی عامری‌ها، عکس از ارسیا سروش‌فر

• نقل و انتشار مطالب هر شماره از فصلنامه‌ی هنرمعماری به هر شکل با مجوز کتبی دفتر هنرمعماری امکان‌پذیر می‌باشد. • آرای نویسندگان لزوما نظر نشریه‌ی هنرمعماری نمی‌باشند. • مقالات و نوشته‌ها در صورت لزوم ویرایش و خلاصه خواهند شد.

نشانی: تهران، خیابان شهید مفتح (شمالی)، پایین‌تر از خیابان شهید مطهری، خیابان زهره، خیابان قابوسنامه، پلاک ۱، طبقه‌ی همکف، واحد ۶ کد پستی: ۳۲۱۱۷ - ۱۵۸۸۸ تلفکس: ۸۸۳۴۲۹۶۰-۸۸۳۴۲۹۶۱

E-mail: aoaholding@gmail.com Instagram: Honare_memari www.aoapedia.ir (دانشنامه هنرمعماری) www.aoa.ir (وب‌سایت رسمی هنرمعماری)

PROBAND پروبانڈ
بام‌های کنج و بین سطوح

بیش از ۲۰ کد با قابلیت تولید در رنگ های متنوع | محصولی مناسب جهت ارتقاء زیبایی | بالا بردن کیفیت نصب کاشی، سرامیک، چوب و...

IN THREE COLORS

+98 21 2207 1567
+98 21 2237 9868
+98 935 102 1712
www.probandco.com
proband.co@gmail.com
proband_company

WFP برنامه جهانی غذا wfp.org/fa

Harmony

Harmony Out Door | Harmony | Harmony BAROQUE | Harmony | Harmony Harmonic | Harmony | Harmony C&J | Harmony | Harmony | Harmony Café

خلق زیبایی کاستن ارزشتیهاست.

www.Harmony.ir

ADORN YOUR DREAM...

روکاسرام
RokaCeram
tile & ceramic company

CETRA
Group

(+98 21) 2267 3909
@CETRAGROUP
WWW.CETRA-CO.COM

la fabbrica · BELLOSTA · GALASSIA Italy · CERAMICA ALTHEA

Unique glass

یونیک گلس

طراح، سازنده و اجرای پروژه‌های شیشه‌ای و لوسترهای خاص

آدرس: تهران، حکیمیه، بلوار بهار، خیابان سازمان آب، کوچه نیلی، پلاک ۸

شماره تماس: ۰۹۱۲۱۸۳۲۳۴۶ - ۰۲۱۳۳۱۰۹۹۹۵

وب‌سایت: www.uniqueglass.co

اینستاگرام: Uniqueglass

uniqueglass

سامانه خدمات

کِی پلاس

یـک کلیـک فاصلـه
تا سقف و دیوار دلخواه شمـا

برای اجرای انواع سقف‌های کاذب و دیوارهای داخلی با استفاده از پنل های گچـی کـی‌پلاس می‌توانید هرکجا که هستید پـــروژه خود را در سـایت سامانه خدمات کی پلاس ثبت کنـید و تامین محصـول و اجـــرای آن را به عهده نصاب‌های متخصص بگذارید.

www.service.kplusi.ir

راه حـــل های جهانـــی
برای محیط های بهداشتی

کابین گستر
صفحات HPL ، برند ASD ترکیه

www.cabingostar.com 44093093-4 cabingostar@gmail.com

Arvinaj | Interior Design, Office Furniture

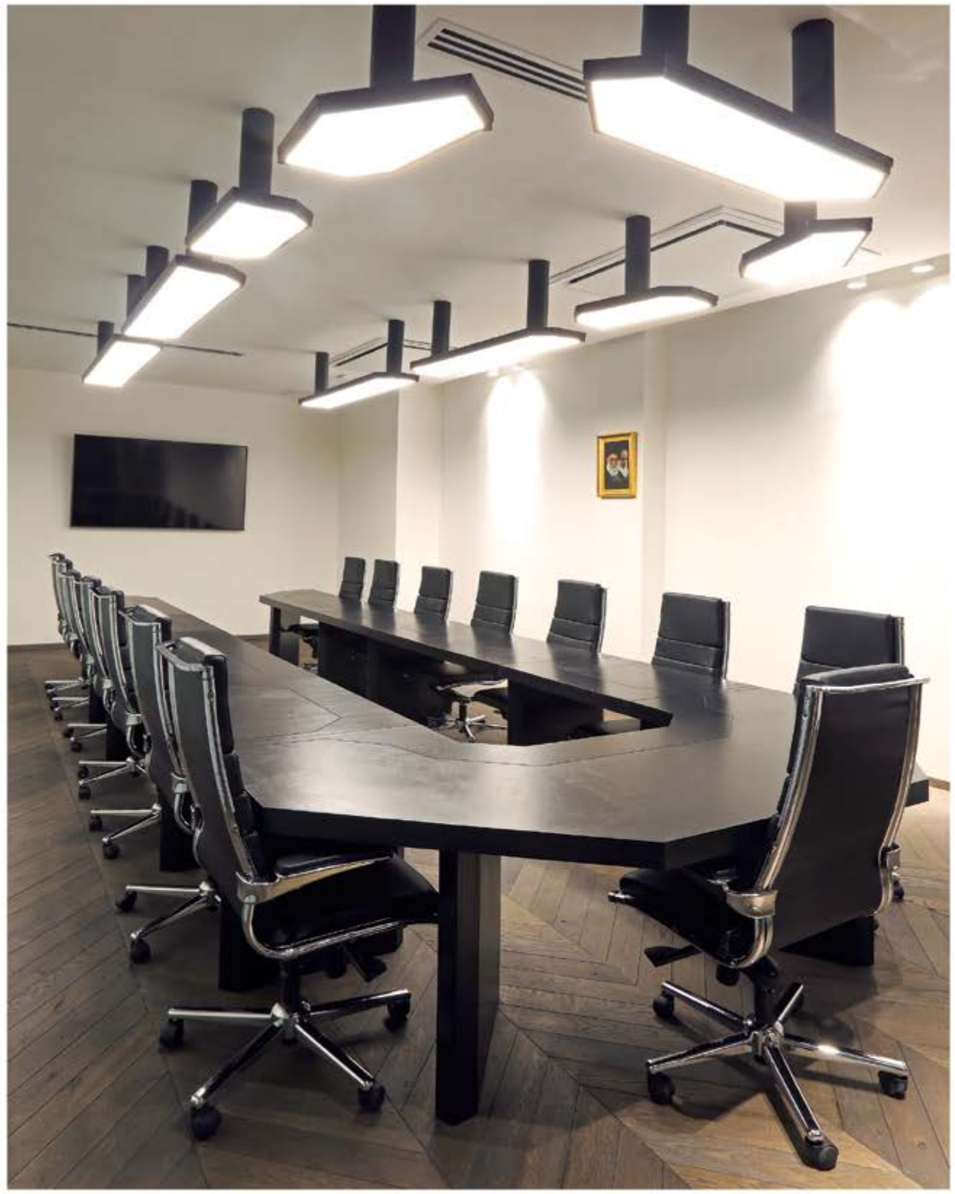

SIMPLE
AND
ELEGANT ...

آروینـاز | مبلمان اداری
طراحی داخلی

اتوبان چمران، خیابان ملاصدرا، خیابان خوارزمی، مجتمع ملاصدرا | تلفن: ۱۰۰۸ ۸۸۰۵ - ۳۰۴۶ ۸۸۰۵ فکس: ۰۷ ۱۰ ۰۵ ۸۸

www.arvinaj.com | arvinaj_furniture

آروینا ج | مبلمان اداری
طراحی داخلی

ELEGANCE
COMFORT
TRANQUILITY

Arvinaj | Interior Design, Office Furniture

اتوبان چمران، خیابان ملاصدرا، خیابان خوارزمی، مجتمع ملاصدرا | تلفن: ۱۰۰۸ ۸۸۰۵ - ۳۰۴۶ ۸۸۰۵ فکس: ۰۷ ۱۰ ۰۵ ۸۸

www.arvinaj.com | arvinaj_furniture

رویا، تجربه، خلاقیت

فضای کار رویایی

بستری برای رویش اندیشه‌های تو
و خلاقیتی که در خیال، به رنگ قرمز است.
در انتظار رویش، در انتظار تجربه شدن.
مهم است، در مسیر اندیشه‌هایمان قدم برداریم.
مهم است، قدم‌هایمان را کجا می‌گذاریم.
همراهی تو، داستان همسفری ماست...

Roya, a land for cultivating new ideas
Red is the color of this living ingenuity in imagination Waiting to thrive, waiting to be experienced Lets walk in the path of our dreams And it is important where we step in Your companionship is the story of our journey A Genuine thought, a lucid dream...

ROYA
TOTAL WALL & FLOOR COVERING SOLUTION
نمایشگاه مرکزی محصولات رویا | تهران ، خیابان دکتر شریعتی ، نبش خیابان کلاهدوز ، برج نگین قلهک ، طبقه اول ، واحد ۱۱
ارتباط با مشتری ۲۵۹۹۱ | ۲۲۶۱۰۰۰۱ | www.royaco.com | SOLO WOOD

MERANTI
مبلمان و پارتیشن‌های اداری

تهران، خیابان ولیعصر، نرسیده به میدان ونک، نبش کوچه فوزی
پلاک ۲۵۶۴
Hotline: 021 - 41176
merantico
www.meranti.co.ir

شرکت فراز عمران - تهران
عکس: فرشید نصرآبادی

021 22 63 91 63
@ fadlighting
info@fadco.ir
www.fadco.ir

Linear Light- Model: Flp 02
چراغ خطی

Cylinder S
چراغ استوانه ای

Spot Light
چراغ ریلی (نور موضعی)

فراد
طراحی و مشاوره نورپردازی
تولید چراغ های LED و تجهیزات روشنایی

کتاب سال معماری معاصر ایران، ۱۳۹۹

www.aoapedia.ir

آریـا پـرتـو پایا

دپارتمان تخصصی نماهای داخلی و خارجی ساختمان

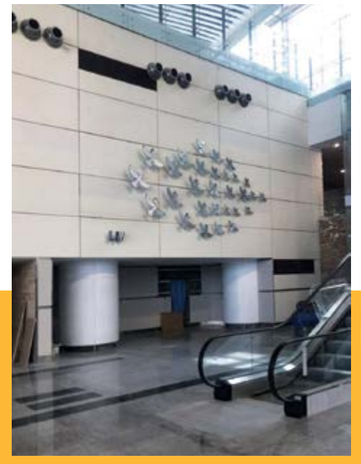

ترمینال سلام فرودگاه

ایستگاه مترو میرداماد

ساختمان پزشکان کرمانشاه

ساختمان اداری ونک

ساختمان اداری بلوار دادمان

ساختمان اداری بلوار شهرداری سعادت آباد

تامین، طراحی و اجرای انواع نمای خشک

نماینده‌ی انحصاری انواع ورقهای HPL آلفا ایکا هندوستان و مایکا مالزی

پروژه‌های شاخص:

نیروگاه سد کارون ۳
ایستگاه مترو میرداماد
نمایشگاه بین المللی منطقه آزاد چابهار
دفتر مرکزی منطقه آزاد ماکو
ترمینال سلام فرودگاه امام خمینی
ترمینال جدید فرودگاه کیش
دانشگاه خلیج فارس در بوشهر
کارخانه دارویی زیست تخمیر

ARIA PARTO NAMAPAYA
www.ariaparto.com

آدرس: تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از سیدخندان، نبش کوچه حافظ، ساختمان ایستا، واحد ۱

شماره تماس: ۲۶۷۱۱۹۲۴- ۲۲۸۴۱۷۷۴ **کد پستی:** ۱۹۳۷۶۴۵۹۶۱

وب‌سایت: www.ariaparto.com **تلگرام، اینستاگرام:** @ariaparto

ایمیل: sale@ariaparto.com info@ariaparto.com

ARIA PARTO PAYA

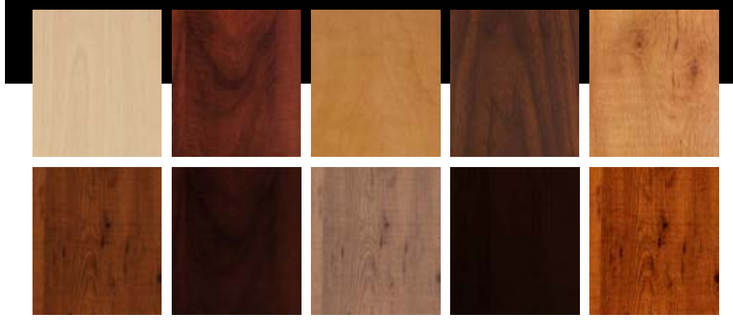

Aka

Tesla

Landa

Yoga

Omega

Olga

Luna

Philpa
Office Furniture & Partition

www.philpa.com
info@philpa.com

تلفن: ۸۸۰۹۵۳۰۵ - ۰۲۱
فکس: ۸۹۷۸۰۶۴۷ - ۰۲۱

تهران، شهرک غرب، بلوار فرحزادی، دادمان غربی
تقاطع پل یادگار امام، پلاک ۵، ساختمان فیلیپا

هویتی ماندگار برای کسب‌وکار

FREDERIQUE CONSTANT
GENEVE

LIVE YOUR PASSION
VINTAGE RALLY
HEALEY AUTOMATIC

frederiqueconstant.com

فردریک کُنستانت

مرکز خرید مدرن الهیه، طبقه رویال (پنجم)، واحد ۴۴

تلفن دفتر مرکزی : ۲۲۰۱۸۰۲۷

www.aryazaman.com

FREDERIQUE CONSTANT
GENEVE

LIVE YOUR PASSION

WORLDTIMER
MANUFACTURE

Handcrafted in-house movement.
Manufacture Collection: in-house developed, in-house produced and in-house assembled movements.

frederiqueconstant.com

فردریک کُنستانت

مرکز خرید مدرن الهیه، طبقه رویال (پنجم)، واحد ۴۴

تلفن دفتر مرکزی : ۲۲۰۱۸۰۲۷

www.aryazaman.com

گالستیان
GALSTIAN
Since 1917

100 YEARS

Furniture, Interiors, Accessories

www.galstian-furniture.com
instagram.com/galstianfurniture
facebook.com/galstianfurnitureco

شعبه مرکزی : خیابان بهشتی ، نرسیده به چهارراه تختی،شماره ۲۴۰، ساختمان گالستیان
شعبه بازار مبل ایران۳ : بزرگراه شهید سعیدی ، چهارراه بافت آباد طبقه همکف واحدG۱۵
تلفن دفتر مرکزی : ۸۸۷۴۰۱۹۹

گالستیان
GALSTIAN
Since 1917

100 YEARS

Furniture, Interiors, Accessories

www.galstian-furniture.com
instagram.com/galstianfurniture
facebook.com/galstianfurnitureco

شعبه مرکزی : خیابان بهشتی ، نرسیده به چهارراه تختی،شماره ۲۴۰، ساختمان گالستیان
شعبه بازار مبل ایران۳ : بزرگراه شهید سعیدی ، چهارراه بافت آباد طبقه همکف واحدG۱۵
تلفن دفتر مرکزی : ۸۸۷۴۰۱۹۹

گالستیان
GALSTIAN
Since 1917

CARPANELLI

Furniture, Interiors, Accessories

شعبه مرکزی : خیابان بهشتی ، نرسیده به چهارراه تختی،شماره ۲۴۰، ساختمان گالستیان
شعبه بازار مبل ایران۳ : بزرگراه شهید سعیدی ، چهارراه بافت آباد طبقه همکف واحدG۱۵
تلفن دفتر مرکزی : ۸۸۷۴۰۱۹۹

www.galstian-furniture.com
instagram.com/galstianfurniture
facebook.com/galstianfurnitureco

گالستیان
GALSTIAN
Since 1917

CARPANELLI

Furniture, Interiors, Accessories

شعبه مرکزی : خیابان بهشتی ، نرسیده به چهارراه تختی،شماره ۲۴۰، ساختمان گالستیان
شعبه بازار مبل ایران۳ : بزرگراه شهید سعیدی ، چهارراه بافت آباد طبقه همکف واحدG۱۵
تلفن دفتر مرکزی : ۸۸۷۴۰۱۹۹

www.galstian-furniture.com
instagram.com/galstianfurniture
facebook.com/galstianfurnitureco

Architectural Criticism, Theory, and Research by a Humanitarian Approach

[فرانک لوید رایت، منبع: https://www.pinterest.co.uk/pin/242068548693528485/]

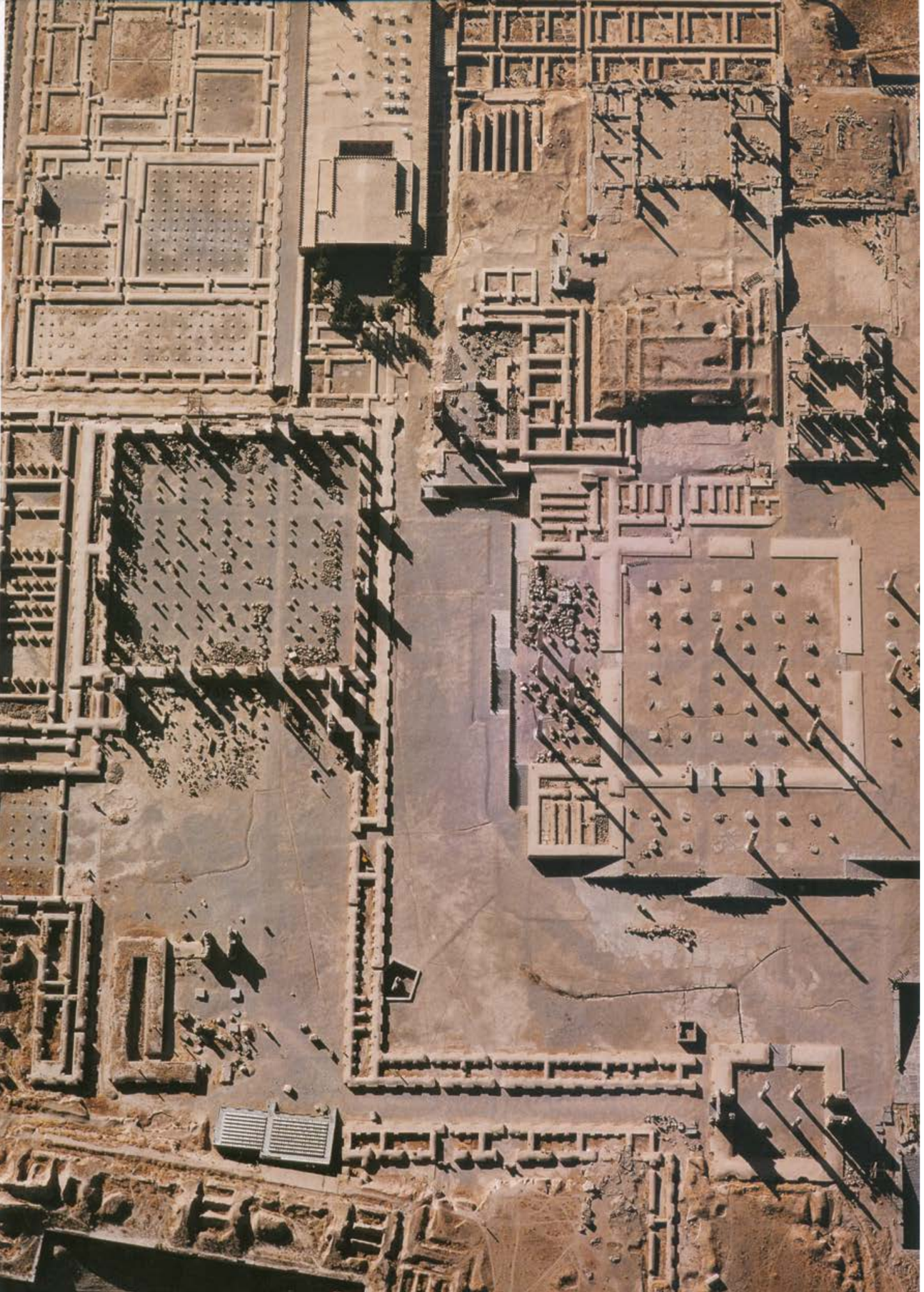

[تصویر صفحه‌ی روبرو، تخت جمشید،ماخذ: Gerster, Georg. Paradise lost, Phaiclon Press, Page 87]

سرمقاله

معــماری و تمدن ســرزمین

هادی احمدی روئینی*

هنگامی که از سابقه‌ی تمدن سرزمین صحبت به میان می‌آید، معماری می‌تواند بهترین و ملموس‌ترین سنجش در نظر گرفته شود. معماری هنری پویاست که به صورت مداوم در حال تکامل و خود پیرایی است که به نسبت ریشه‌های تاریخی خود، ویژگی‌ها و تمایز خود را از سایر گونه‌ها حفظ می‌کند. متاسفانه در نزدیک به یک قرن گذشته، حوزه‌ی معماری و شهرسازی ایران دچار نوعی انقطاع تاریخی شده و ارتباط مفهومی و کالبدی با ریشه‌های تاریخی تا حد قابل توجهی گسسته شده است. تنها حلقه‌های اتصال در دسترس آثار تاریخی می‌باشند که ثمره‌ی نزدیک به ده هزار سال زیست در سرزمین هستند و حاصل بارها و بارها سعی و خطا و شناخت انسان نسبت به محیط و جزئیات زندگی در محیط محسوب می‌شوند. این موضوع، اهمیت حفظ و حراست از این ذخیره‌های ژنتیک دانش سرزمینی را دو چندان می‌کند. از سوی دیگر، جدال نابرابر توسعه‌ی نامتوازن و بی‌هویت با اصالت و کیفیت باعث شده تا تقریبا تمامی آثار تاریخی در معرض نابودی قرار گیرند و همواره این خطر وجود دارد که این آثار جای خود را به جایگزین‌های صرفا نیاز یا اقتصاد محور بدهند.

آنچه در برآورد کمی مواریث فرهنگی ملموس ایران تخمین زده می‌شود حدود چهل تا پنجاه برابر تعداد آثار ثبت شده‌ی کشور است که در این میان بناهای تاریخی هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ میزان تاثیرگذاری در زندگی امروز جایگاه ویژه‌ای دارند و حدود نیمی از سیاهه‌ی آثار تاریخی کشور را تشکیل می‌دهند. بخش زیادی از این تیره آثار تاریخی همچنان در چرخه‌ی خدمت قرار دارند و علیرغم تغییرات شگرف در مختصات زیست امروزی، کمترین تناقض را با سبک زندگی و نیازهای امروزی دارند. در جنبه‌های ناملموس کیفیت زندگی هم، بناهای تاریخی در مقایسه با آنچه امروزه اکثریت فضاهای سکونتی را تشکیل می‌دهند بیشتر به سکونتگاه‌های آرمانی شبیه هستند. آنچه سال‌هاست در مجامع علمی جهان به عنوان هدف غایی معماری و شهرسازی به منزله‌ی یک رویا دنبال می‌شود در عمل بسیار منطبق بر اصول پنج‌گانه‌ی معماری ایرانی (پیرنیا) بوده و بی‌اغراق بناهای تاریخی هم مصادیق موجود این آمال محسوب می‌شوند. در حقیقت حفاظت و احیای آثار تاریخی نه تنها حفظ گذشته با تمام مختصات ناملموس آن است بلکه به نوعی می‌تواند ساختن آینده هم به حساب بیاید. تلاش‌های بی‌شماری برای اهمیت دادن به این موضوع چه در ایران و چه در سایر نقاط جهان صورت گرفته که لزوما همگی موفق و پایدار نبوده است. در ایران از سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌ی معماری و شهرسازی تا هزاران طرح کوچک و بزرگ شهری و روستایی، اگر چه در شعار و تئوری به دنبال نهادینه کردن این ارزش‌ها در معماری و شهرسازی امروز بوده‌اند اما در مقام عمل نتوانسته میراث فرهنگی را به صورت عین، یا ارزش‌های آن را به صورت اقتباس و امتداد حفظ نماید. اما نکته‌ی امیدبخش و قابل تامل اینکه علیرغم تمام تناقضات و تعارضات، نهضت مطالبه‌گری مردم به عنوان تاثیرگذارترین موجودیت در شهرسازی و معماری در حال شکل‌گیری است و ورود عملی به حوزه‌ی مرمت و احیا هم در لایه‌هایی از جامعه شکل گرفته است.

جنبشی که در دهه‌ی اخیر شاید به مدد توسعه‌ی گردشگری و شاید هم در نتیجه‌ی جستجوی اصالت در حوزه‌ی مرمت و باززنده‌سازی آثار تاریخی- فرهنگی پدید آمده، بسیار فراتر از حمایت‌های قانونی جاری کشور در حفظ و احیای میراث فرهنگی و به واقع فراتر از توان حاکمیت در جهت انجام وظیفه‌ی حفاظت از آثار تاریخی است. پشتوانه‌ی مالی این حرکت، بخش خصوصی خرد مقیاس و سرمایه‌ی انسانی پراکنده و کمتر دیده شده در کشور هستند. شاید اگر این جنبش شکل نمی‌گرفت، متاسفانه در کوتاه مدت هم دانش و منابع انسانی معماری سنتی و هم مصادیق کالبدی میراث فرهنگی به عنوان دو سرمایه‌ی غیرقابل جایگزین برای همیشه از دست می‌رفت و برای نسل‌های آینده تنها مصادیق موزه‌ای و توصیفی باقی می‌ماند. بنابراین فارغ از اینکه در سیاست‌گذاری‌های کلان حوزه‌ی معماری و شهرسازی چقدر به این موضوع توجه شود، حمایت و تکریم این جنبش بی‌ادعا اجتناب‌ناپذیر و ضروری به نظر می‌رسد. آنچه قابل پیش‌بینی است، اقبال روز افزون زندگی در خانه‌ای تاریخی، اقامت گردشگری در مجموعه‌های تاریخی و کوچ دفاتر اداری و خدماتی به این مجموعه‌ها و در نتیجه‌ی احیای محلات تاریخی و بناهای متروک میراثی است. این موضوعات باعث می‌شود تا هم سهم اشتغال پایدار میراث فرهنگی در معادلات کلان ملی و هم گردش مالی و اشتغال وابسته به آن در حساب و کتاب کشوری جای خود را پیدا کند و هم انقطاع فرهنگی بین معماری و شهرسازی امروز با ریشه‌ی سرزمینی کمتر گردد. نتیجه‌ی دیگر قابل پیش‌بینی در دراز مدت هم این خواهد بود که سطح انتظار و سلیقه‌ی مردم از معماری و شهرسازی به آنچه لایق آن هستند نزدیک‌تر شده و معماران هم ناچار به بروزرسانی خود خواهند شد و همه‌ی اینها سیمای شهرها را به آنچه باید باشد نزدیک‌تر خواهد نمود.

اولین رویداد ملی مسابقه‌ای مرمت در ایران صرفا به منظور ارج نهادن بر فعالان این جنبش آغاز شد و تلاش کرد تا مختصات این حوزه را که در حال تبدیل شدن به یک سهم قابل توجه در فرهنگ، اقتصاد و هویت کشور است معرفی و تکریم نماید. امید است در فرصت‌های آتی، امکان معرفی و تشویق فعالان و تاثیرگذاران این عرصه بهتر و وسیع‌تر فراهم شود.

* مدیر کل دفتر حفظ و احیای بناها، بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی وزارت میراث فرهنگی

سنت آکادمیک و استعداد فردی:
تشـــابه و تفـــاوت در شـکل‌گیری فرانک لوید رایت*، بخش دوم

به قلم پاتریک پینل
ترجمه‌ی علیرضا سید احمدیان

«آن کس که در وجودش چیزهای زیادی برای تحول یافتن دارد در آینده درکی حقیقی از خود و از دنیا پیدا خواهد کرد»-یوهان ولفگانگ گوته، سال‌های آموزش ویلهلم مایستر (۱۷۹۶).

خود فرانک لوید رایت اصطلاحی را که در ادامه آمده می‌دانست. این داستان مربوط می‌شود به جوانی که سالیان متمادی در حال کارآموزی و کشف خویشتن است، ترکیبی از بیلدونگس‌رُمان، اصطلاح رمانتیک آلمانی برای نوع خاصی از رمان‌های ادبی که به آموزش و پرورش جوانان اختصاص یافته بود. سؤال این است: چگونه فرانک از یک پسربچه‌ی خام اهل ویسکانسین به فرانک لوید رایت معمار تبدیل شد؟ می‌توان پروژه‌ها و مواجهات اولین سال‌های زندگی او را پیگیری کرد و به پاسخی، یا حداقل به پاسخ‌های متعددی، برای این پرسش رسید.

وجه مشخصه‌ی بیلدونگس‌رُمان یک مکاشفه‌ی نهایی است که ماجراهای غیروابسته‌ی شخصیت اصلی را در طول یک سفر حماسی بر خود او معلوم می‌کند. ماجراهایی که برای او به مثابه‌ی حلقه‌های اتصال غیرمنتظره‌ای بر یکدیگر انباشته می‌شوند و کلیتی را می‌سازند که فقط با عطف توجه به ماسبق، معنای آنها بر قهرمان داستان معلوم می‌شود. البته اپیزودهای منفرد و بی‌ربطی که در این سفر برای او پیش می‌آمده در زمان وقوعشان، یا در نگاه دیگران، بعد از وقوع، همگی نقشی در تعلیم و تربیت قهرمان ایفاء می‌کنند. لحظه‌ی مشاهده‌ی ارتباط میان وقایع، مصادف با لحظه‌ای‌ست که بلوغ شخصیتی فرا رسیده و دوران شاگردی به پایان می‌رسد. داستان رایت نیز چنین داستانی بوده است. برای فهم هنرمند در اوج دوران بلوغش، یعنی فرانک لوید رایت معمار، که در سال ۱۹۰۲ خانه‌ی وارد ویلیتس را طراحی کرد، لازم است که سیر و سلوک او را در سال‌های پیش از آن مورد بررسی قرار دهیم.

سلسله‌ای از طراحی‌های انجام‌شده توسط جوان نوزده ساله در زمان ورود به شهر شیکاگو، در اوایل سال ۱۸۸۷، و نخستین ساختمان‌هایی که با استفاده از زبان خاص معماری خود طراحی‌شان کرد، یعنی پانزده سال پس از این تاریخ، یک سفر حماسی را تشکیل می‌دهند. آثاری در میان آنها هست که واقعا درجه‌ی یک توصیف شده‌اند، به خصوص خانه‌های چارنلی و وینزلو، چرا که نوعی مدرنیسمِ خفته در آنها به چشم می‌آید، و علاوه بر اینها مابقی خانه‌ها هم هستند. رایت در طول این سال‌ها در میان جنگل‌ها و مزارع و مراتعِ سبک‌های معماری، از معماری بومی تا معماری کاذب تیودوری، به گشت و گذار می‌پرداخت تا تعلیم و تربیت کلاسیک خود را اصلاح کند، و به این ترتیب ماجراهایی را از سر می‌گذراند که ظاهرا با عناصر ساختمانی جدید او بی‌ربط به نظر می‌رسند. این عناصر در معماری لحن یک بیلدونگس‌رُمان را به خود گرفته‌اند.

کسی که بخواهد دوره‌ی فعالیت فرانک لوید رایت را تنها با توجه به انتظاراتی که او و دیگران در قرن بیستم داشتند توضیح بدهد، دچار سردرگمی خواهد شد و در نخواهد یافت که چه عناصری در تکوین شخصیتی او به نحو ملموس و مشهودی نقش ایفاء کرده‌اند. گفتن اینکه مثلا در دهه‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ حذف عناصر سنتی معماری و ایجاد شکل متفاوتی از طراحی داخلی توسط او آغاز شد، کار بسیار ساده‌ای است. استدلالاتی از این قبیل که بر تفاوت میان کار رایت و هر چیزی که قبل از او بوده تاکید می‌گذارند، در واقع رایت را با تبدیل به معماری نوعا مشخص و نه کیفا قابل توضیح محدود و مقید می‌سازند-و این نحوه‌ی توضیح دستاورد او به لحاظ اخلاقی و تاریخی نحوه‌ای قابل تردید و مشکوک به حساب می‌آید. آنها لحظات منفرد سیر تکوین شخصیت او را به انزوا می‌برند، و به این ترتیب منطق میان آنها نادیده انگاشته می‌شود، و به این ترتیب هم بصیرت پیرامون نیروهای سوق‌دهنده‌ی تغییر و رشد شخصی او و نیز غنای حقیقی ارجاعات در آثار دوران پختگی‌اش به طور کلی از دست می‌رود.

تفاوت در همه حال باید توسط آگاهی از موارد تشابه تعدیل شود.

عمل صدور حکم، که در آن درجاتی از تفاوت و تشابه از یکدیگر تمییز داده می‌شوند، به دو طریق، باطن مقاله‌ی حاضر را تشکیل داده است. نخست اینکه من کوشیده‌ام تا نشان دهم رایت چطور در لحظات خاصی از زندگی خود تصمیم گرفت تا خود را شبیه به معماران دیگر و نه متفاوت از ایشان نشان دهد، تا به این ترتیب بتوانم جزئا بر ناهماهنگی و فقدان تعادل در روایت تاریخی، جامه‌ی اصلاح بپوشانم. دوم اینکه من بر این اعتقاد هستم که مراحل مشخص و متمایز بیلدونگس‌رُمان رایت کلیت جامع‌تری را می‌سازند، نوعی منحنیِ سهمی که راس آن را مکاشفه و معکوس‌سازی‌ای تشکیل می‌دهد که وقتی رایت در آن موضع قرار می‌گرفت هویت خود را نیز باز می‌یافت، و به این ترتیب قوس منحنی شخصی خود را با درک نقطه‌ی عطف منحنی در پیرامون اولویت‌هایی که از بابت تفاوت و تشابه در طراحی در اختیار داشت تعریف می‌کرد. در پایان مشخص می‌شود که پارادوکسی در کار نیست که رایت تازه وقتی فهمید چه شباهت‌هایی با دیگران دارد به فردیت بالغ و متمایز خود نیز دست یافت.

این دوره‌ی شکل‌گیری فرانک لوید رایت معمار را می‌توان به مثابه‌ی سلسله‌ای از مواجهات ارادی و خودخواسته با ایده‌آل‌های آکادمیک و نیز موارد تقلید از عمل آکادمیک معماری در نظر گرفت. این مواجهات، از معماری معاصر آمریکایی تا بناهای عظیم یادمانی در تاریخ معماری اروپایی را در بر می‌گیرند، و به اشکال و انواع مختلف سبک‌شناختی، از معماری بومی تا سبک قرون وسطایی، و شاید از همه مهم‌تر، به صورت سنت آکادمیک خود را نشان داده و جلوه‌گر ساخته‌اند. بلوغ هنری رایت را می‌توان به عنوان فهمی دائما در حال تغییر و عمیق‌شونده از چنین میراثی در معماری غربی تعبیر کرد. تفاوتی ندارد که او بعدها عاملان به همین سنت را به باد ملامت گرفته باشد. کشمکش با کاربری و معنای این سنت، به خصوص جنبه‌ی کاملا کلاسیک آن، یک لایت‌موتیف در بیلدونگِ رایت (یعنی تعلیم و تربیت و کشف شخصیتی خود) بوده است. استعلا و ارتقایی که او نسبت به سبک‌های عمدتا آکادمیک پیدا کرد، مقارن بود با درک و درونی‌سازی متدهای اساسا آکادمیک، و این نه تنها حرکت جوهری دوره‌ی بلوغ او را تعیین کرده، بلکه حتی وقوع بلوغ فکری و هنری را در او ممکن ساخته است. از بطن این اغتشاش ظاهری در اهتمام به پیشرفت در دهه‌ی ۱۸۹۰، رایت توانست اساسا مجهز به نوعی عادات ذهنی اساسا آکادمیک و کلاسیک بشود که آثار او را بعدها در طول دوره‌ی فعالیتش شکل دادند.

برای مختصر کردن مفهومی پرابهام:«هیچ تاثیر خارجی، چه از بیگانه و چه از خودی، نپذیرفته‌ام، مگر از آن استادان عزیز، دانکمار آدلر و جان روبلینگ، ویتمن و امرسن، و شاعران بزرگ در عرصه‌ی جهانی. کار من نه فقط در عمل و بلکه در تمام رشته‌های معنوی‌اش، کاری اصیل بوده است. هیچ معمار اروپایی حداقل تا آن موقع بر من تاثیر نگذاشته بود.»

فرانک لوید رایت: وصیتنامه (۱۹۵۷)

---

* On and By Frank LIoyd Wright, A Primer of Architectural Principles, Robert McCarter, Editor

فرانک لوید رایت در هشتم ماه ژوئن سال ۱۸۶۷ در ریچلند سنتر، ویسکانسین، دیده به جهان گشود. او فرزند ارشد ویلیام کری رایت، یک کشیش و موسیقیدان و آنا لوید-جونز رایت بود که از یک خانواده‌ی اصیل، با فرهنگ، و به‌شدت قبیله‌گرا از کشاورزان، کشیشان، و معلمان مدرسه‌ی مهاجر از ناحیه‌ی ویلز انگلستان می‌آمد. حرکت رایت به بیرون از قلمرو تعیین‌شده‌ی مادرش، به سرزمین پدری‌اش یعنی نیوانگلند، آنقدر اهمیت دارد که به‌تنهایی بسیاری از نکات را در مورد زندگی او روشن می‌سازد. چند سال سرنوشت‌سازی که در تربیت و رشد معمار مرغزار (Prairie architect) در پاتوکت، رود آیلند (۱۸۷۴-۱۸۷۲) و وِیموث، ماساچوستس (۱۸۷۸-۱۸۷۴) گذشت.

بازگشت خانواده به ویسکانسین در سال ۱۸۷۸ توام شد با بحران در کانون زناشویی والدین. در ۲۵ آوریل سال ۱۸۸۵ پدر و مادر از یکدیگر طلاق گرفتند، و اندکی بعد بود که در فهرست مشاغل مدیسن عنوان «فرانک رایت، طراح/معمار» ظاهر شد. دو واقعیت در این میان به نظر مرتبط به یکدیگر می‌رسند: حتی به رغم اینکه همه‌ی خویشاوندان مادری، رایت را محاصره کرده بودند، او در سن هفده سالگی به درجاتی از استقلال رسید که به یک منبع درآمد خانوادگی بدل شد. تحت چنین شرایطی کار برای معمار و سازنده‌ی آمریکایی آلن د. کانوِور، رایت را از تکمیل تحصیلات دبیرستان بازداشت. در طول ماه‌های زمستان سال ۱۸۸۶ و سپس در پاییز همان سال، رایت هم برای کانوور کار می‌کرد، و هم در دانشگاه ویسکانسین در آن نزدیکی‌ها درس می‌خواند. در زمره‌ی کلاس‌های او در دانشگاه درس هندسه‌ی رقومی و ترسیمی بسیار سختی بود که برخی از ترسیمات او از دوره‌ی این کلاس‌ها نیز باقی مانده‌اند.

در تابستان حد فاصل میان دو ترم دانشکده، رایت در تزئینات داخلی و رنگ‌آمیزی یک نمازخانه‌ی روستایی، به نام یونیتی چپل («نمازخانه‌ی وحدت»)، نقش ایفاء نمود که در دره‌ی هلنا، واقع در غرب مدیسن در املاک خانواده‌ی مادریش واقع بود. تعهد کاری رایت در روزهای ۱۴ و ۱۵ ماه اوت تابستان همان سال، به نتایج عظیمی منجر شد، و این ساختمان کوچک بعدها به روشنی هر چه تمام‌تر از سوی او به یاد آورده شد. دایی‌اش، جنکین لوید-جونز، یک کشیش برجسته‌ی فرقه‌ی یونیتِرین که در زادگاه خویش در کلیسای آل سولز در شیکاگو به امور تبلیغی و تبشیری می‌پرداخت، بر عمل او به عنوان طراح نمازخانه‌ی مزبور نظارت عالیه داشت.

در لحظه‌ای که یونیتی چَپل مجددا مورد استفاده قرار گرفت، کار او به سمت یک پروژه‌ی بسیار عظیم‌تر سوق گرفت، و آن عبارت بود از ساختمان جدیدی برای کلیسای آل سولز، که در بهار سال قبل به او پیشنهاد شده بود. هم نمازخانه و هم کلیسا یک معمار داشتند، جوزف لایمن سیلزبی، که در ماه مه‌ی ۱۸۸۲ دفتر خود را از ایالت نیویورک به ایالت شیکاگو منتقل کرده بود. کار او به‌سرعت رونق گرفت، و سفارش‌هایی از سمت ساخت‌وسازچی‌ها، و مجتمع‌های مسکونی عظیم و برخی موسسات خصوصی دریافت می‌کرد. سیلزبی یک معمار مستقل فارغ‌التحصیل از دانشگاه هاروارد بود که عمدتا بنا به سبک پیچیده و درهم‌تنیده‌ی محبوب و مطلوب دوران خود فعالیت می‌کرد. این سبک از ساحل شرقی آمریکا آغاز شده بود، و کسانی چون هنری هابسن ریچاردسن نیز در شکل‌گیری و تکوین آن نقش ایفاء کرده بودند، و از آن زمان این معماری به عنوان سبک شینگل شناخته می‌شد.

نمازخانه و کلیسا دو دستاورد «ایمانی» در حوزه‌ی معماری شمرده می‌شوند. چنانچه اینها را بتوان دو پروژه‌ی سفارشی مستقل برای یک مشتری به حساب آورد، طراحی‌ها به طرز عجیبی با یکدیگر مغایرت دارند. سیلزبی ساختمان شهری کلیسا را وسیع‌تر، پیچیده‌تر و نهادی‌تر، و به مانند یک خانه‌ی مسکونی طراحی کرده و برجک و پنجره‌ی شیروانی در آن تعبیه کرده بود. اما نمازخانه‌ی واقع در فضای بیرون شهری سادگی و سنگینی خاص بناهای یادمانی را داشت. به رغم ابعاد آن و ساختمان چوبی‌اش، یونیتی چَپل بیشتر با سازه‌های بنایی/آجری بزرگ‌تر همخوان و موافق است. سیلزبی می‌توانسته خودخواسته درس سنگینی و ثبات را حتی پیش از دستاوردهای ریچاردسن در سالن آستین، دانشگاه هاروارد (که محل تحصیل سیلزبی، ریچاردسن، و چارلز فولن مک‌کیم هم بود)، در داخل این بنای نیمه‌روستایی فشرده و متراکم گرفته باشد. سالن آستین به ارتفاع دو طبقه به یک طبقه در نمازخانه تبدیل شده، پنجره‌ها و درها بسیار به یکدیگر نزدیک شده و به یک منطقه بین دیوار حائل سقف و دیوار پی تبدیل شده‌اند. یک سقف چوبی توفال‌دار و یک ازاره‌ی سنگی خبر از وجود محوریت عالم در این بنا می‌دهند، یعنی جاییکه پیکر ریچارد لوید-جونز، بزرگ خاندان، چند ماه قبل‌تر در محوطه‌ی آن به خاک سپرده شد. ترسیمات رایت برای یونیتی چَپل به نخستین اثر چاپ‌شده‌ی او تبدیل شدند.

ریچاردسن نیز در ۲۷ آوریل سال ۱۸۸۶، اندکی قبل از آنکه رایت عملیات ساختمانی نمازخانه را آغاز کند، درگذشت. مرگ او به معنای وفات نماد معماری معنوی و روحانی آمریکایی بود. (ریچارد موریس هانت تا سال ۱۸۹۳ نتوانست به درجه‌ای که ریچاردسن به آن رسیده بود دست یابد.) ریچاردسن که دومین فردی بود (بعد از ریچارد هانت) که توانسته بود از مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس، مشهور به «بوز-آر»، فارغ‌التحصیل شود، در دهه‌ی منتهی به مرگش، معماری آمریکایی و کلیه‌ی جوانب آن را در ید قدرت خویش داشت، و طراحی‌هایش بیش از یک دهه پس از مرگش کماکان سرچشمه‌ی لایزال الهامات هنری برای معماران به حساب می‌آمدند. سیلزبی در نگاهی که به میراث ریچاردسن و علاوه بر آن رقبای وی داشت (کسانی چون مک‌کیم، مید و وایت، معماران نیویورکی که همگی در دفتر ریچاردسن تعلیم گرفته بودند) به هیچ وجه تنها نبود، رقبایی که رایت بعدها آنها را «نخبگانِ برگزارکننده‌ی مسابقات معماری» می‌خواند.

روایت خود رایت از ترک پنهانی مدیسن به مقصد شیکاگو و اینکه به صورت ناشناس نزد سیلزبی کار کرده به نظر نامحتمل می‌رسد، به خصوص با توجه به کاری که روی یونیتی چَپل به انجام رساند و با نظر به ماهیت ترسیماتی که در اوایل سال ۱۸۸۷ از او به جا مانده است. این ترسیمات به کلیسای آل سولز مربوط می‌شوند که در آن هنگام به‌تازگی به پایان رسیده بود و نوعا نسخه‌های روزآمد اسکیس‌های خود سیلزبی به شمار می‌آیند. آنچه بیشتر محتمل می‌نماید این است که رایت آنها را برای اثبات مهارت ترسیم و اسکیس زدن خود برای سیلزبی تهیه کرده تا بتواند پایگاهی شغلی برای خود دست و پا کند. اگر چنین بوده باشد دسترسی او به ترسیمات سیلزبی به نشانه‌ی این بوده که چون خواهرزاده‌ی کشیش است این امکان برای او فراهم شده بود. یک احتمال دیگر این است که رایت می‌خواست به نحوی در دل سیلزبی به عنوان رئیس و کارفرمای خود جایی باز کند، هرچند سیلزبی خواهرزاده‌ی خود را برای اجرای ترسیمات کلیسا انتخاب کرده بود. به هر تقدیر، اینطور به نظر می‌رسد که رایت خود را به شیکاگو رسانده و در ۹ مارس سال ۱۸۸۷ به شهادت تاریخ نامه‌ای که از خاله‌اش در دست است در این شهر مقیم شده است:«احوالت در آن شهر بزرگ چطور است؟» و برای خواهرزاده‌اش اینطور آرزو می‌کند:«شاد و سلامت باشی و آقای سیلزبی هم از تو راضی باشد».

رایت در دفتر سیلزبی بر روی سفارش‌های متعددی کار می‌کرد-خانه‌های مستقل و خانه‌های سازمانی شهری. او به‌سرعت در شب‌های بیکاری به طراحی پروژه‌های آزاد خود می‌پرداخت. خاله‌اش در همان نامه او را تشویق کرده که ایده‌هایی که راجع به خانه‌ی خود او و خواهرش دارد را برایش بفرستد تا از آنها در ساخت یک مدرسه/خوابگاه استفاده کند. رایت احتمالا خود را به این کار بسیار مقید می‌دیده، زیرا دیری نگذشت که ترسیم جدیدی برای خاله‌اش تهیه کرد، و در ماه اوت نام او به عنوان معمار داده شد. نحوه‌ی کار و تعامل با مشتری از همین ایام در نهادش نقش بست. انتقال مضامین بین پروژه‌های شبانه و روزانه طبیعی است، که شاید به طرزی ناخودآگاه صورت گرفته باشد، اما شباهت کلی ساختمان‌ها به یکدیگر مقوله‌ی دیگری است. خانه‌ی والر که سیلزبی آن را طراحی کرده و مدرسه‌ی هیلساید رایت دارای حجم غالب، رواق جلویِ طاقدار، و گوشه‌های بالا رفته هستند. زمان‌بندی احداث این دو بنا جهت تاثیرپذیری را دچار تردید می‌کند، زیرا که طراحی سیلزبی ظاهرا دو سال بعد از طراحی رایت تکمیل شده و تاریخ خورده است.

در ماه ژوئن نخستین سال اقامت در شیکاگو، رایت نخستین طرح مستقل را منتشر کرد-یک سفارش دیگر از سوی یکی از خویشان، دایی‌اش جنکین. یونیتی چَپل در سیوسیتی، آیووا، که هرگز ساخته نشد، بازپرداختی از یونیتی چَپل تابستان سال قبل بود، و آدای دِین یک جوان به دوره‌ی همکاریش با سیلزبی. اما طراح در اینجا به ریچاردسن هم نظری افکنده. طرح رایت اگر در ارتباط با طرح نمازخانه‌ی سیلزبی لحاظ شود، سقف برجسته‌تر و غالب‌تری را به نمایش می‌گذارد، و یک پایه‌ی اغراق‌آمیز آجری در ابعادی غول‌آسا نیز دارد که به یک لوله‌ی دودکش و یک طاق قوسی در مدخل ورودی تسری یافته است. اینها قطعا و به طور مصمم نشانه‌های نوعی خوش‌بینی در خلق ساختار را نشان می‌دهند، یعنی برآیند موتیف‌هایی که خود سیلزبی اجازه‌ی کاربرد آنها را حتی به خودش هم نمی‌داد. اقامتگاه اِیمز گیت، اثر ریچاردسن، قطعا مرجع سنگ‌کاری برای رایت در این پروژه بوده، زیرا رایت بیش از یکبار در این دوره به آن بازگشته است. اما معماری آجریِ پیتورسکِ رایت مانع از این نشد که پلان ساختمان کاملا در انتظام قرار بگیرد؛ دو قطعه‌ی غیرمتقارن به یک حجم محوری با دیوارهای منحنی افزوده شده‌اند. این استراتژی شاید دِین رایت به ریچاردسن را نیز نشان می‌دهد.

تصویر صفحه‌ی روبرو: خانه‌ی فرانک لوید رایت
اوک پارک، ایلینوی، ۱۸۸۹، نمای شومینه‌ی اینگل‌نوک، ماخذ:
weintra uB, ALau, Frank Lloyd Wright the rooms. R: ZZILI, international publication. 2014

در اوایل سال ۱۸۸۸، یعنی یک سال و اندی پس از آغاز کار با سیلزبی، رایت از افتتاح شرکت آدلر و سالیوان خبردار شد و بر روی یکی از ترسیمات خود چنین نوشت: «ترسیم نشان داده شده به استاد عزیز جهت گرفتن کار». و منظورش از «استاد عزیز» البته در اینجا لویی سالیوان بود. خواننده شک می‌کند که نکند منظور رایت، آدلر باشد، چرا که سالیوان-همانند گوته در سال‌های آموزش و سفر ویلهلم مایستر-خود را نسبت به مسئولیت‌های کلان ملی در این عرصه متعهد یافته بود. این ورق کاغذ دارای یک طراحی به صورت نقشه‌ی نماست که خبر از مهارت مدادی بسیار بالای رایت در ترسیم و طراحی می‌دهد. اگر به حافظه‌ی رایت درباره‌ی تاریخ این طراحی اعتماد کنیم، طراحی توسط جوانی بیست ساله به‌راستی حیرت‌انگیز است.

نقشه‌ی نما قرابت بسیاری با یک پلان بر روی کاغذی دیگر دارد، که این یکی نه مدادی بلکه با قلم فلزی و جوهر ترسیم شده که شاخص طراحی پلان در اوایل تا اواخر دهه‌ی ۱۸۹۰ بوده و نام مشتری در آن «کوپر» ذکر شده است؛ کاغذ یاد شده شامل یک نقشه‌ی نما برای یک انباری پشت خانه‌ی اصلی نیز هست. اگر این را بتوان بازنگری رایت در یک طرح اولیه دانست که او به سالیوان نشان داده، نکته‌ی جالب توجه اینجاست که این طرح قرابتی نیز با «گیت لاج» دارد که در بیوگرافی ریچاردسن نیز به آن اشاره شده است. ساماندهی کلی در اسکیس ریچاردسن بی‌نقص و کاملا انتزاعی است و شامل درختی نیز هست که برای فضاسازی بیشتر به طرح اضافه شد؛ هر دو ساختمان سقف چوبی دارند که بر روی بازشوهای قوسی دیوارها نشسته و توسط یک برج در مدخل در جای خود قرص شده است؛ یعنی همان شیوه‌ای که ریچاردسن در طراحی کتابخانه‌هایش از آن استفاده می‌کرد. زمانی که طرح رایت تکمیل می‌شد، دروازه‌ی سنگی خانه‌ی ریچاردسن نظرش را جلب نکرد، و به همین دلیل هیچ استفاده‌ای از آن به عمل نیاورد.

ریچاردسن تنها معماری نیست که چونان شبح بر طراحی‌های رایت سایه افکنده است، پلان خانه‌ی کوپر شباهتی به خانه‌ی جولیا اپلتن دارد که در کتابی تحت عنوان اقامتگاه‌های هزمندانه در خارج از شهر، منتشر شده به تاریخ ۱۸۸۸-۱۸۸۷، ظاهر شده بود. احتمال اینکه رایت این کتاب را در کتابخانه‌ی سالیوان دیده باشد هست، زیرا وجود یک نسخه از این کتاب در حراج اجباری کتاب‌های او در سال ۱۹۰۹ گواهی شده است.

با مقایسه‌ی پلان‌ها سه نکته دستگیرمان می‌شود: نخست اینکه رایت قطعا به پلان مک‌کیم نظر داشته و نقشه‌ی نما را با عطف توجه به سالیوان طراحی کرده است؛ جانمایی جناحین در طرح رایت را نمی‌توان حاصل تصادف صرف دانست؛ دوم، رایت به دلیل ظرافتی که در کل ظاهر شده، به سبک کولونیال خانه‌ی اپلتن علاقه‌مند شده و به این نتیجه رسیده بود که شاید سبک‌های بومی دیگر نیز بتوانند به همین سیاق کارآمد باشند. سومین و مهم‌ترین نکته این است که رایت شاید با پلان مک‌کیم آغاز کرده باشد، اما آن را بیش از پیش آکادمیک ساخته، یعنی توجه بیشتری به دقت در انتظامات آن نشان داده است. محورهای بین اتاق‌ها در طراحی رایت منظم شده‌اند؛ لب‌برش (poche) در آن به کار رفته، سلسله مراتب اتاق‌ها مشخص‌تر و متعین‌تر از خانه‌ی قبلی با پلان ساده و سست آن از کار در آمده‌اند. تیم مک‌کیم، مید و وایت خیلی خوب می‌دانستند که چطور باید خانه‌های شخصی را طراحی کنند، اما توانایی خود را بیشتر برای سفارش‌های خاص داشته بودند، و نه خانه‌های شخصی. در طراحی رایت نوعی هیجان در کشف توانایی‌های بالقوه دیده می‌شود که هیچ بخشی از پلان را مصون از انتظامات فرمال باقی نگذاشته است؛ الگوهای رایت شاید هنوز چندان استوار نبودند، ولی او آنها را در کمال صلابت به کار می‌بست. شاید این رویکرد بود که رایت را بر آن داشت تا بگوید حرفه‌ی معماری‌اش فارغ از هرگونه تاثیرپذیری از غیر بوده است. طراحی‌های رایت شغلی را که در دفتر آدلر و سالیوان به دنبال آن بود برایش به ارمغان آوردند. اما بنا به شواهد موجود، رایت درباره‌ی اهمیت شغلی که در آن دفتر داشته هیچ مبالغه‌ای نشان نمی‌دهد. دو سال و نیم بعد از ورود به این دفتر (۷ ژوئن ۱۸۹۰) پلان جدید شرکت در ساختمان آودیتوریوم نشان می‌دهد که رایت و جرج اِمزلی در کنار اتاق سالیوان، یک اتاق مخصوص یافته‌اند.

یک سال پس از پیوستن رایت به دفتر آدلر و سالیوان، یعنی یک سال بعد از تاریخ یکم ژوئن سال ۱۸۸۹، رایت با کاترین تابین ازدواج کرد، که او را پیشتر در کلیسای آل سولز ملاقات کرده بود. در پاییز همان سال، زوج رایت با وامی که از دفتر آدلر و سالیوان دریافت کردند، خانه‌ی کوچک خود را در اوک پارک احداث نمودند. این خانه در واقع نسخه‌ای بود از یک پلان تیپیک و استاندارد آن سال‌ها، که سازندگان عمومی معمولا آن را مورد استفاده قرار می‌دادند و به آن پلان «چهارمیدانی» می‌گفتند، زیرا سرسرای ورودی، پلکانی به اتاق خواب‌های طبقه‌ی دوم داشت، و یک نشیمن و پذیرایی بلافاصله در کنار آن قرار می‌گرفتند، و یک آشپزخانه و بخش سرویس‌های بهداشتی به صورت مجزا از اینها. رایت مثل بتهوون بود که به آنتون دیابلی، ناشر موسیقی، گفته بود:«این تم کوچک احمقانه» دارای توانایی‌های بالقوه‌ی زیادی است، و همچون بتهوون همین پلان مبتذل را با بیشترین تعداد واریاسیون در معماری خود به کار می‌گرفت.

رایت همیشه شرایط خانه‌دار شدن خود را به یاد می‌آورد، و نسبت به آن حس قدردانی داشت. اما شرایط تادیه‌ی وام به‌تدریج سخت‌تر می‌شد. تادیه‌ی وام برای آدم ولخرجی مثل او و همسرش که فرزند نز و دُردانه‌ی پدر و مادر خود بود، به معضلی بدل شد. مادر و خواهرش از ویسکانسین به خانه‌ای در مجاورت خانه‌ی او و کاترین نقل مکان کردند، و نُه ماه بعد از ازدواج آن دو، در ماه مارس ۱۸۹۰، فرانک لوید رایت جونیور به دنیا آمد که نخستین از شش فرزند آنها بود.

خانه‌ی آر. اِی. والر، جوزف لایمن سیلزبی، ریور فارست، ایلینوی، ۱۸۸۹

مدرسه‌ی خانگی هیلساید، اسپرینگ گرین، ویسکانسین، ۱۸۸۷

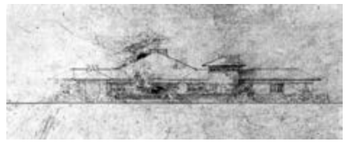

اف. ال. اِیمز گیت لاج، هنری هابسن ریچاردسن، ایستن، ماساچوستس، ۱۸۸۰، یونیتِرین چَپل، سیو سیتی، آیووا، ۱۸۸۷؛ ترسیم رایت برای جوزف لایمن سیلزبی

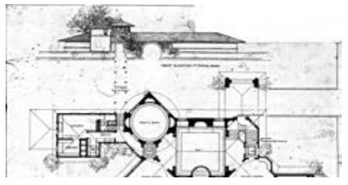

«ترسیم نشان‌داده‌شده به استاد عزیز جهت گرفتن کار»، اواخر ۱۸۸۶ یا اوایل ۱۸۸۷، خانه‌ی هنری ان. کوپر، لاگرانژ، ایلینوی، پرسپکتیو و پلان

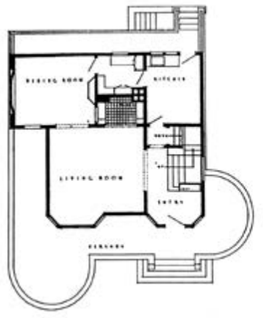

پلان چپ: خانه‌ی فرانک لوید رایت
پلان راست: خانه‌ی جولیا اپلتن، مک‌کیم، مید و وایت، لناکس، ماساچوستس، ۱۸۸۳
ماخذ تصاویر این صفحه:
McCarter, robert. on and by frank lloid wright.phaidon press.pages 26- 29

خانه‌ی فرانک لوید رایت با کتابخانه‌ی الحاقی، ۱۸۹۰
[ماخذ: https://onthegrid.city/chicago/oak-park/frank-lloyd-wright-home-studio]

در سال ۱۸۹۰ علاوه بر مشغله‌ی زیادی که در دفتر آدلر و سالیوان داشت، در طراحی دو خانه در اوشن اسپرینگز میسی‌سیپی نقش ایفا کرد. یکی از خانه‌ها برای خود لویی سالیوان بود که می‌خواست از شیکاگو دور باشد، و در طی سفری طولانی در ماه‌های ژانویه و فوریه بعد از کار ساختمان آودیتوریوم، زمینی در این منطقه خریداری کرده بود. طراحی‌های اولیه‌ی خانه‌ی سالیوان در آرشیو رایت حفظ شده‌اند، و نقش قدرتمند او را در پروژه نشان می‌دهند، اما در طراحی جناح گسترده‌ی ساختمان هنوز نشانی از پختگی رایت دیده نمی‌شود. سالیوان قطعا و به رغم اینکه طراحی خانه‌های شخصی را ارج زیاد نمی‌نهاد، در طراحی این خانه نظر خود را نیز داده بود.

در زمستان سال ۱۸۹۱-۱۸۹۰ شهر شیکاگو در پی برگزاری نمایشگاهی شد که بعدها اهمیتی جهانی یافت. حکومت فدرال به ایالت شیکاگو این امتیاز را داد تا پانصدمین سال کشف آمریکا توسط کریستف کلمب را جشن بگیرد. کل شهر بسیج شد: طراحی ساختمان‌های مختص این رویداد فرهنگی را کمیته‌ای از معماران بر عهده گرفت، و شرکت برنَم و روت در شیکاگو مسئول برقراری هماهنگی‌های لازم شد. اما این کمپین تازه‌کار با مرگ ناگهانی جان ولبورن روت در پانزدهم ژانویه‌ی سال ۱۸۹۱ به دلیل ذات‌الریه کاملا سرخورده شد و مدتی عقب نشست. با فشارهای صورت گرفته، برنَم معماری به نام چارلز بولر اتوود را به جای روت استخدام کرد. اتوود فارغ‌التحصیل جوان و درخشان معماری از هاروارد بود که توسط پروفسور دابلیو. آر. وِیر از کلمبیا به برنَم معرفی شده بود.

در طول زمستان سال بعد، تصمیم رایت برای ادامه‌ی تعهدات کاریش سستی گرفت. در ماه ژوییه سفارش یک خانه برای دکتر آلیسن هارلان در دو مجله‌ی شیکاگو اعلان گردید. معماری که در این خبر نامش ذکر شده بود سیسیل اس. کوروین، از دوستان نزدیک رایت در دفتر سیلزبی بود. کوروین احتمالا معمار «پوششی» بود. او نه فقط به‌تازگی دفتر سیلزبی را ترک کرده، بلکه در پی آن برآمده بود تا با جرج دابلیو. ماهر شراکتی را آغاز کند. ماهر، همان کسی بود که درباره‌اش می‌گفتند در ساختمان‌هایی که می‌سازد «ایده»های جالبی به کار می‌برد. از آنجا که این اعلانات به نظر خبر از شروع عملیات ساخت‌وساز را می‌دادند، و از آنجا که یک خانه‌ی پانزده هزار دلاری خانه‌ای در ابعاد مناسب بود، تصمیم به شروع کار قاعدتا می‌بایست در اوایل سال یعنی چند ماه زودتر از این تاریخ اتخاذ شده باشد.

خانه‌ی هارلان، یعنی نخستین خانه‌ای که خود رایت به نام معماری دیگر ساخت، به رغم همه‌ی این نکات حائز اهمیت و در خور توجه است. رایت در اینجا اصل صداقت را کنار گذاشته و تصمیم گرفته کار چندان ارزشمندی ارائه نکند. با اینکه طرح رایت به لحاظی نوعی طرح سالیوانی به حساب می‌آید، یک جنبه دارد که یادآور طرح‌های بعدی اوست. بدنه‌ی اصلی مربع‌شکل خانه زیر یک سقف هرمی چارگوش نشسته که محور عمودی آن مرکز یک دیوار انحنادار مشرف به سمت خیابان است-یعنی یک طراحی سه‌بعدی سرتاسری.

خانه‌ی هارلان دو خواهر همزاد نیز دارد که رایت آنها را در همان سال ۱۸۹۱ برای شرکت آدلر و سالیوان طراحی کرده بود. نخستین آنها برای شخص سالیوان و مادر بیوه‌ی برادرش آلبرت بود. برادران سالیوان یک قطعه زمین در محله‌ی هایدپارک/کن‌وود داشتند که به لحاظ جغرافیایی محله‌ای آشنا برای خود رایت محسوب می‌شد. در این خانه‌ی سالیوان، یک کنتراستِ «سالیوانی» از تزئینات ظریف در مقابل پس‌زمینه‌ای وسیع در پشت بنا به چشم می‌آید؛ مجموعه‌ی تزئینات این خانه بر نمای سنگی و تخت خانه یادآور سرسرای طبقه‌ی دوم خانه‌ی هارلان است. ادای دِینی نیز به طراحی شهری دارد، هرچند خصوصی‌تر از یک خانه‌ی شهری و منزوی‌تر از آن است. این انزوا از طریق جداسازی طبقه‌ی اصلی از سطح خیابان به انجام رسیده است. صرف نظر از اینکه رایت مسئول تمام جوانب طراحی باشد یا نه، او در این همکاری، در حال آموختنِ تاکتیک‌های معماری برای تنظیمات مختلف ساختمانی به نظر می‌رسد: اوشن اسپرینگز روستایی، اوک پارک حومه‌ی شهری، هایدپارک در فضایی تنگ‌تر و با استقلال کمتر، شیکاگوی کاملا شهری، که در این آخری خانه‌ی چِیمز چارنلی را ساخت.

خانه‌ی چِیمز چارنلی خانه‌ی بزرگی است که برای هر معماری در آن دوران دستاوردی خیره‌کننده به حساب می‌آید، تا چه رسد برای یک معمار جوان بیست و چهار ساله. با اطمینان به نفسی که در این خانه واقع در تقاطع خیابان‌های آستور و شیلر مشاهده می‌شود، طراحی آن ربط چندانی به خود سایت ندارد. این خانه بیشتر آرکه‌تیپ‌های فرمال را مد نظر قرار داده و شاهدی‌ست بر این مدعا که یک معمار مستعد و نابغه در لحظاتی مشخص از تاریخ می‌خواسته به مبانی معماری بازگردد، و این کار را با طراحی بسیار پرشکوهی به انجام رسانده است. این خانه را می‌توان با تلاش‌های کلود-نیکولا لودو در تصحیح زبان معماری در اواخر قرن هجدهم مقایسه کرد. در حالیکه استفاده از رواق ورودی در «معبد سپید» در مقبره‌ی شارلوت دیکسن وِین‌رایت، که آن هم کار خود رایت در دفتر آدلر و سالیوان بوده، تا اندازه‌ای یادآور موتیف‌های معماری مصری در طراحی مقابر بود که چشم‌ها را خیره ساخته بود، حضور همین ورودی در این خانه کلی‌تر و غیرشاخص‌تر به نظر می‌رسد؛ نعل درگاه این خانه، بیش از

قوس مدخل، عنصر اساسی از کار در آمده است؛ رایت در اینجا به تحقیقی بنیادین مبادرت کرده است. این طرح آنقدر مهم تلقی می‌شد که ترسیمی از آن، البته نه توسط خود رایت، بلکه به تاریخ ۱۸۹۲ در سطح کشوری، و احتمالا حتی قبل از آغاز به کار ساختمانی، انتشار یافت.

علاوه بر خانه‌ی چارنلی، پروژه‌های دفتر رایت شامل ساختمان شیلر و سهم دفتر سالیوان در نمایشگاه هنر کلمبیایی بودند، که به نام «ساختمان ترابری» نامیده شد، سایت از پیش برای نمایشگاه انتخاب شده بود و در ماه‌های زمستان سال ۱۸۹۲-۱۸۹۱ ترسیمات سازه‌اش در ژورنال‌های معماری منتشر شدند. جوزف لایمن سیلزبی سفارش‌های متعددی برای ساختمان‌های کوچک گرفته بود، که همگی در اطراف نمایشگاه واقع و عبارت بودند از پاویون وست ویرجینیا که آن هم در نوامبر سال ۱۸۹۱ انتشار عمومی یافت.

زمان‌بندی انتشار در خور توجه ویژه است، زیرا به این معناست که رایت فرصتی برای گنجاندن برخی از خصوصیات پاویون در یکی از خانه‌های «تقلبی» دور بعدی خود را یافت، یعنی در مراحل اجرایی خانه‌ی بلاسم. خانه‌ی بلاسم و خانه‌ی وارن مک‌آرتور در محله‌ی هایدپارک/کن‌وود هر دو در ماه ژوئن سال ۱۸۹۲ اعلان عمومی شدند، و مثل خانه‌ی هارلان سال قبل، نام معمار آنها سیسیل کوروین ذکر شد. هنری-راسل هیچکاک از مدت‌ها پیش، ارتباط بین خانه‌ی بلاسم و خانه‌ی اِیچ. اِی. سی. تیلور از شرکت مک‌کیم، مید و وایت را متذکر شده و خاطر نشان کرده بود که حجم خانه به سبک احیای کولونیال است و جزئیات آن را نیز باید مشخصا سبک ساری و جاری در آن سال‌ها به شمار آورد. خانه‌ی تیلور، مانند طراحی چهار سال قبل رایت برای نمایشگاه اپلتن، در کتاب اقامتگاه‌های هنرمندانه در خارج از شهر، اثر شلدون، ظاهر شده بود. هم طراحی سیلزبی و هم طراحی مک‌کیم نظر رایت را به سوی خود جلب کرده و هر دو مشتری را به نحوی تحت تاثیر قرار داده بودند.

خانه‌ی بلاسم با کلاسیسیسم آگاهانه و مصمم خود بسیار شاخص و جالب توجه است: پنجره‌های «پالادیویی» موسوم به «سِرلیانا» در آن فراوان به کار رفته‌اند، و رواق ورودی دارای ستون‌های اجراشده به سبک ایونی و به شیوه‌ی «اسکاموتسی» است. سقف هرمی چارگوش هارلان در اینجا نیز ظاهر شده، اما این بار بر روی پلان همکفی قرار گرفته که با سنت کلاسیک و دقت هندسی بیشتری طراحی شده است. پلان دارای نُه میدان است، که امروز به عنوان تیپ «نُه‌میدانی» [در مقابل تیپ «چهارمیدانی»] شناخته می‌شود، و در پشت ساختمان وسعت می‌یابد تا بخش سرویس‌های بهداشتی را در خود جای دهد و چشم‌اندازی نیز برای اتاق نشیمن فراهم آورد. در مقایسه با «پنج میدان» دیگر، چهار میدان چارگوش غلبه‌ی بیشتری پیدا کرده‌اند، و گوشه‌های آنها با شبه‌ستون و نیم‌ستون تعریف شده است. خانه‌ی بلاسم یک پروژه‌ی تحقیقاتی برای رایت به شمار می‌رفت و موضوع آن این بود که چطور می‌توان اجزای یک خانه را بنا به سنت کلاسیک در کنار یکدیگر قرار داد. این خانه «تمرینی» در اجرای گوشه‌ها و زوایای دقیق و نحوه‌ی کاربرد عناصر دقیق سبک‌شناختی در تعریف یک الگوی هندسی انتزاعی است. فضای عقب‌نشسته‌ی میانی دقیقا همان فضای بین شبه‌ستون‌هاست. پنجره‌های پالادیویی درست بر روی پی نشسته‌اند؛ پنجره‌های بالایی درست در موازات پیشانی ساختمان قرار گرفته‌اند. به رغم قرابت این طرح با سایر پروژه‌های منتشرشده‌ی رایت، این خانه تمرینی افتان و خیزان در یک سبک نیست، بلکه آن را باید یک اتود جدی به شمار آورد.

یک جنبه‌ی دیگر هم در خانه‌ی بلاسم هست که نظر بیننده را جلب می‌نماید. پلان خانه را می‌توان تلاشی برای معرفی یک پلان جدید تلفیقی به شمار آورد، رایت در خانه‌ی بلاسم دو برج شهری خانه‌ی چارنلی را جلوی پلان چهارمیدانیِ خانه‌ی خودش قرار داده است. هایدپارک، که محله‌ای کم‌رونق ولی در عین حال وسیع بود، اکنون خانه‌ای را در خود جای می‌داد که به لحاظ خصوصیات ظاهری حد بینابینی داشت. اگر بتوان این نوع استدلال را تعمیم داد، این، نخستین نمونه‌ی اندیشه‌ی تیپولوژیک در تاریخ ده سال بعدِ معماری رایت است.

همزاد ناجور دیگرِ خانه‌ی بلاسم، خانه‌ی مک‌آرتور در همان نزدیکی‌ها واقع است، که آن نیز لحظاتی از الهام ناب را در طراحی خود نشان می‌دهد. خانه‌ی مک‌آرتور، منهای رواقی که رایت بعدها به آن اضافه کرد، شباهتی به لوهاوس اثر جان کلوین استیونز دارد، که طرح آن اندکی پیشتر در فوریه‌ی سال ۱۸۹۰ منتشر شده بود. سقف دوشیبِ کمرشکن، نشسته بر یک طبقه‌ی همکف غالب، مضمون ترکیبی مشترکی میان دو خانه برقرار ساخته است. ورودی جنبی و عملکردهای طبقه‌ی همکف در هر دو خانه عینا یکسان در نظر گرفته شده‌اند. مطابق معمول، رایت جنبه‌هایی از مدل ذهنی خود را اصلاح می‌کرد و تعمیم می‌بخشید، و این بار پیش‌آمدگی‌های نزدیک گوشه را از استیونز گرفته و آنها را بر روی گوشه‌ی بخش «غیرخدماتی» که در اختیار داشت، آزموده، انگار که می‌خواسته ببیند وقتی گوشه‌ها زیر فشار این سقف دوشیبِ کمرشکن له شوند، چه اتفاقی می‌افتد.

خانه‌های «تقلبی» رایت به همین سال ۱۸۹۲ مربوط می‌شوند: علاوه بر خانه‌ی بلاسم و خانه‌ی مک‌آرتور، خانه‌های رابرت پارکر و تامس گِیل در اوک پارک، و خانه‌ی رابرت اِموند در لاگرانژ نیز در شمار خانه‌هایی هستند که رایت به نام معماری دیگر طراحی و اجرا می‌کرد. سه خانه‌ی اخیرالذکر به لحاظ پلان و نقشه‌ی نما بسیار به یکدیگر شبیه هستند، همگی ساده‌تر و ارزان‌تر از دو خانه‌ی هایدپارک/کن‌وود هستند، و ریزه‌کاری‌های اجرایی مختصرتری دارند و همان پلان چهارمیدانی را به نمایش می‌گذارند که رایت برای کاترین و خودش، سه سال قبل از این تاریخ، به کار گرفته بود. پیش‌آمدگی‌های کنج، یک موتیف تکراری هستند که قبلا در خانه‌ی مک‌آرتور نیز دیده شده بود، ولی صرف نظر از این موتیف بقیه‌ی پلان‌ها مشابه یکدیگرند.

اما اگر از زاویه‌ی دیگری به این سه خانه نظر بیفکنیم، متوجه‌ی تحولی در روش معماری رایت می‌شویم. به نظر می‌رسد که او پیچیده‌تر و همیشه در حال تجربه‌ی بیشتر بوده است، هرچند در این مرحله دنبال الگویی برای اصلاح می‌گردد. خانه‌های پارکر، اِموند و تامس گِیل، سه مورد عینی از چنین رویکردی به حساب می‌آیند. همگی بر خانه‌ی چارلز تی. کوک (۱۸۸۵) متکی هستند که تیم مک‌کیم، مید و وایت طراحی کرده و پیشتر در کتاب اقامتگاه‌های هنرمندانه نیز ظاهر شده بود. اما رایت رواق مشخص سایت این مدل را «ویرایش» و «پیرایش» و دو سقف حجم اصلی را متحد، و مثل همیشه محورهای داخل پلان را «هندسی‌تر» کرده است. خصوصیات زبان معماری کلاسیک کولونیال، و نیز استراتژی عمومی حجم‌سازی برج‌های دوقلوی هشت‌ضلعی در حجمی ساده‌تر و عظیم‌تر، بی‌تغییر مانده‌اند.

مادر لویی و آلبرت سالیوان هیچگاه در خانه‌ای که برایش ساختند، زندگی نکرد. آندرین سالیوان، در پانزدهم ماه مه‌ی سال ۱۸۹۲ و در حالیکه خانه‌ی مزبور هنوز مراحل ساخت‌وساز را پشت سر می‌گذاشت، بدرود حیات گفت. در عوض او، اندکی بعد خود سالیوان به خانه‌ی جدید نقل مکان کرد. خانه‌ی جدید نوساخته و متمایز هارلان سه خیابان با خانه‌ی سالیوان فاصله داشت، و احتمالی هست که از سمت میدان مورگان کاملا قابل رؤیت بوده باشد. از آنجا که سالیوان هر صبح و شام از جلوی خانه‌ی هارلان رد می‌شد تا به ایستگاه خیابان چهل و سوم که خودش آن را طراحی کرده بود برسد، حس نه چندان خوشایندی به رایت دست می‌داد. این حس ناخوشایند با نقل مکان آلبرت سالیوان در سال ۱۸۹۲ به خانه‌ای در خیابان کیمبارک، که درست مقابل خانه‌های بلاسم و مک‌آرتور [خانه‌های «تقلبی»] قرار داشت، تشدید شد. با اینکه این سه خانه را به نام «معمار سیسیل کوروین» اعلام کرده بودند، اما وجه مشخصه‌ی این سه خانه از چشمان تیزبین سالیوان پنهان نماند. جالب توجه اینجاست که هرچند سالیوان مشخصا مچ رایت را در حین ارتکاب جرم نگرفت، ده ماه بعد از نقل مکان به این محله او را از دفتر خود اخراج کرد. اما احتمالا چیزی بیش از آنچه رایت در زندگینامه‌ی خود ذکر کرده، میانشان به وقوع پیوسته باشد. آنچه میان آنها رفته، به احتمال قریب به یقین تا ابد نامکشوف خواهد ماند. اما یقینا مسئله‌ی تلخ لاینحلی میان او و رایت وجود داشته است. رایت همیشه و گاه و بیگاه از سالیوان خطاب به خودش اینطور نقل قول می‌کرد:«رایت، رفتارت آنقدر خائنانه و موذیانه بوده که دیگر نمی‌خواهم حرفت را هم بشنوم». باری به هر جهت، دست رایت رو شد، مواجهه‌ای رخ داد، و در بهار سال ۱۸۹۳ رایت خود را بیرون از دفتر لویی سالیوان و راهی خانه‌ی خود یافت.

اما تسلای خاطر خیلی زود به سراغش آمد. در اوایل ماه مه، رایت برنده‌ی طراحی یک قایق‌خانه در دریاچه‌ی مِندوتای مدیسن شد؛ ترسیمات اولیه احتمالا در دفتر سالیوان آغاز شده بودند. همگی این ترسیمات مُهر رایت خورده‌اند و تاریخ آنها ۸ ژوئن ۱۸۹۳، یعنی مقارن با بیست و ششمین سالگرد تولدش، ذکر شده است.

قایق‌خانه‌ی مِندوتا، که اکنون تخریب شده، طراحی زیبایی داشت. بعدها قرار بود در دریاچه‌ی دیگر مدیسن، یعنی دریاچه‌ی مونونا، خواهر دیگری نیز بیابد که حتی از خواهر بزرگ خود نیز خیره‌کننده‌تر باشد، اما قایق‌خانه‌ی مونونا با سقف مخروطیش که یادآور بوله بود و یک طبقه‌ی پیش‌آمده نیز داشت، سرانجام قربانی بودجه‌ی ناکافی طرح شد و هرگز به مرحله‌ی اجرایی نرسید. پلان خانه‌ی مِندوتا هیبریدی و به طرز هوشمندانه‌ای به یک بخش پشتی پیونده خورده بود-یک ایوان با یک انباری در زیر خود-که با یک نیم‌قوس بین دو برج دوقلوی نمای جلویی خانه به آن متصل و مرتبط شده است.

خاستگاه‌های شِمای خانه با آثار دیگر رایت در همین دوره همخوانی نشان می‌دهند، و منطقا رایت در اینجا بایست دو ساختمان مک‌کیم، مید و وایت را برای فضای تفریحی مجاور آب به عنوان الگو انتخاب کرده باشد. کازینوی لوجای نیوپورت الگویی برای نیمدایره‌ی پشتی و کازینوی ناراگانست الگویی برای کمپوزیسیون مشرف به

خانه‌ی فرانک لوید رایت، اتاق نهارخوری
[ماخذ: https://www.mansionglobal.com/articles/frank-lloyd-wright-s-dining-room-serves-up-his-signature-style-137578]

خانه‌ی فرانک لوید رایت، اتاق نشیمن
[ماخذ: https://archive.curbed.com/2017/5/23/16022/3//frank-lloyd-wright-furniture-prairie-style-robie-house]

دریاچه به شکل یک دروازه بوده است. در اینجا نیز تفکر تیپولوژیک رایت خود را علنی ساخته، و در این مورد تنوعی مد نظر او قرار گرفته که، در مقایسه با ساماندهی فرمال، اولویت را برای ساماندهی عملکرد قائل شده است. ساختمان‌های عمومی که مِندوتا یکی از آنهاست، از ساختمان‌های عمومی ناشی می‌شوند، و خانه‌های مسکونی از خانه‌های مسکونی. در جنب این همه، نکته‌ی قابل توجه سنتِ سبکدستی است که قایق‌خانه خود را به آن منسوب می‌سازد؛ پیوند با پل‌های پالادیویِ انگلیسی روحیه‌ای را به نُمایش می‌گذارد که فرم‌های کلاسیک را در تعامل با طبیعت به کار گرفته است، و نه به صورتِ یک وام‌گیریِ مستقیم.

تابستان ۱۸۹۳، زمان برگزاری نُمایشگاه کلمبیایی در شیکاگو، برای معمار مستقلی که باید معاش خانواده‌اش را نیز تامین می‌کرد، موقعیت مناسبی نبود. کشور در حال ورود به یک دوره‌ی رکود اقتصادی هولناک بود، و این چشم‌انداز تضاد مضحکی با قدرت و شکوه وعده داده شده در «شهر سپید» نُمایشگاه داشت. نُمایشگاه، ابداعات بی‌پایانی را در معرض دید می‌نهاد. درس‌های مستقیم و ضمنی این نُمایشگاه را فقط کسانی در می‌یافتند که مستعد تعلیم و تربیت بودند. یک درس این نُمایشگاه این بود که ایالات متحده‌ی آمریکا خود را به عنوان قدرتی اقتصادی، نظامی و از همه مهم‌تر به عنوان قدرتی فرهنگی به جهانیان معرفی می‌کرد. با نگاهی به گذشته، ساده‌ترین کار این است که برخی از آیتم‌های نُمایشگاهی مثل آب‌نُمای کلمبیاییِ فردریک مک‌کانیز را که بازدیدکنندگان به محض ورود به نُمایشگاه از آن دیدار می‌کردند، به عنوان نُمونه‌ای از «کیچ» [اثر هنری مبتذل] قلمداد و آن را مردود اعلام کرد؛ این آیتم در یک گوندولای ونیزی (قایق پارویی) یادآور کشتی سانتا-ماریا قرار گرفته بود و آمریکایی را نشان می‌داد که شکوه خود را با نوای ترومپت‌ها جشن گرفته، در حالیکه نُه الهه‌ی هنر در داخل این گوندولا نشسته و پارو می‌زدند، و خدای زمان سکاندار گوندولا بود و به نحو معناداری به سمت شرق می‌راند. کسانی که این آب‌نُما را درست کرده بودند، نُمایشگاه را با دلی سبُک و قلبی مطمئن در می‌یافتند، و آن را به نشانه‌ی رسالتی می‌دانستند که کشورشان آمریکا بر دوش خویش احساس می‌کند، که حتی امروز نیز بسیار قابل تامل به نظر می‌رسد.

تنها ساختمان واقعا قابل تحسین در نُمایشگاه، ساختمان هنرهای زیبا بود که توسط چارلز بولر آتوود، جانشین روت که توسط پِرنَم انتخاب شد، طراحی شده بود. این ساختمان، به لحاظ کاربرد سنت کلاسیک توسط مک‌کیم، مید و وایت حتی ملایم‌تر و آگاهانه‌تر، تنها سازه‌ای در کل نُمایشگاه بود که بعدها با استفاده از مصالح مقاوم‌تری از «ورق گچ با موی اسب» (horse-hair plaster) که پوشش استاندارد فولاد و اسکلت‌های سنگین چوبی به شمار می‌رفت، و نصب و راه‌اندازی سازه‌های نُمایشگاهی را سرعت می‌بخشید، بازسازی شد. آتوود نشان داده که طراح حاذقی است. او برای ساختمان هنرهای زیبا، پروژه‌ی مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس مربوط به سال ۱۸۶۷ را به عنوان نقطه‌ی عزیمت خویش برگزید، که کاخی بود برای هنرهای زیبا، و جایزه‌ی رم را نیز برای سازنده‌اش امیل بُنار به ارمغان آورده بود. طراحی آتوود، پروژه‌ی بُنار را رام‌تر و ملایم‌تر و سنتوری‌های متعدد آن را به یک سنتوری بدل کرد. پهنای ساختمان را بیشتر گرفت و تعداد زیادی پیش‌آمدگی و عقب‌نشستگی در پلان ایجاد کرد. در پشت رواقِ یونانی جدید، یک گنبد پانتئون‌مانند و یک اتاق مرکزی در نظر گرفت، فضایی برای اینکه آمریکایی‌ها بتوانند خدایان هنرمند قدیم و جدیدشان را در آن بپرستند. نوعی راحتی و صفای قلب در کل طراحی هست، که شاخص بسیاری از ساختمان‌های آتوود است.

فرانک لوید رایت هم به نیت‌های آتوود پی برده بود و هم به دلالت ضمنی گسترده‌تری که آمریکایی‌ها از زبان معماری کلاسیک در ساختمان هنرهای زیبا و سایر قسمت‌های نُمایشگاه دنبال می‌کردند. در ماه نوامبر همان سال، رایت یکی از هفتاد و پنج شرکت‌کننده‌ی طراحی یک کتابخانه و موزه در میلواکی بود. با اینکه رایت برنده‌ی رقابت نشد، اما از طرح خود چنان مطمئن شد که آن را در بهار سال بعد در نقشه‌ی نُمای کارهای آتی خود به کار گرفت.

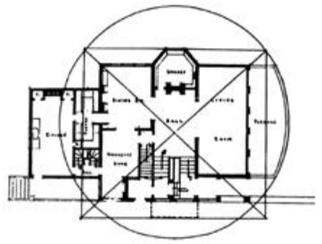

خانه‌ی اِی. دابلیو. هارلان
شیکاگو، ایلینوی، ۱۸۹۰؛ آنالیز پلان؛ ترسیم از مؤلف

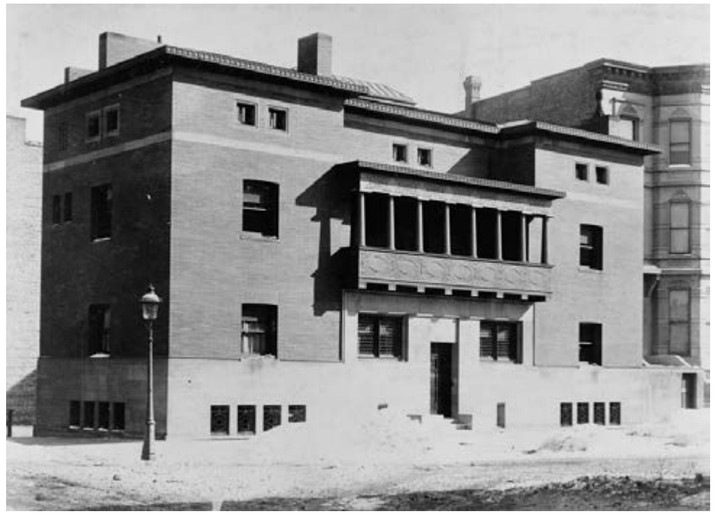

خانه‌ی جیمز چارنلی، فرانک لوید رایت برای آدلر و سالیوان، شیکاگو، ایلینوی، ۱۸۹۲
[ماخذ: https://en.wikipedia.org/wiki/James_Charnley_House]

مقبره‌ی شارلوت دیکسن وِین‌رایت، آدلر و سالیوان، سِینت لوئیس، میزوری، ۱۸۹۲
[ماخذ : lawyersgunsmoneyblog.com/201807//erik-visits-american-grave-part-276]

پروفسور دابلیو. آر. وِیر از کلمبیا، که پیشتر آتوود را به پِرنَم معرفی کرده بود، مشاور حرفه‌ایِ مسابقه‌ی یاد شده در میلواکی بود.

طراحی رایت بر مبنای طراحی آتوود بود، و به همین عنوان حق ثبت اولیه‌ی طرح آتوود را به جا آورده و به رسمیت شناخته بود. اگر بشود گفت، به لحاظ قواعد بیان کلاسیک، نسبت به طرح آتوود، مطمئن‌تر و آگاهانه‌تر هم بود. مثلا ورودی سرپوشیده‌ی آتوود را حذف کرده، و در نتیجه، در نُمای کلی بین پاویون‌های انتهایی ریتم ستون‌ها را ملایم و نرم گرفته بود. رایت به وحدت بیشتری نظر داشته و نسبت به زبان کلاسیک تعهد بیشتری از خود نشان داده است. اما این فقط بخشی از قسمت اِرِختِیون بنا در ساختمان آتوود بود. رایت اِرِختِیون را کلا حذف کرد که به نظرش جزئی غیرضروری در طراحی آتوود می‌رسید. ولی جنبه‌ی دیگری از معماری کلاسیک یونانی را به طرح خود اضافه کرد. نگاه رایت به گذشته حتی در قیاس با جریان سنت‌گرای معاصر آتوود قوی‌تر به نظر می‌رسد.

یک نیای دیگر برای ساختمان هنرهای زیبای آتوود، جبهه‌ی شرقیِ کاخ لوور است که طراحی آن را به کلود پِرو نسبت داده‌اند. رایت در طرح مقدماتی پروژه‌ی میلواکی حتی بیش از آتوود به نُمای شرقی لوور نزدیک می‌شود، و به قاعده‌ی مرتفع ساختمان و ورودی مرکزی کم‌ارتفاع آن برمی‌گردد.

خانه‌ی جرج بلاسم، شیکاگو، ایلینوی، ۱۸۹۱؛ عکس همان دوره از خارج خانه
[ماخذ: https://in.pinterest.com/pin/311874342946465942]

پلان خانه‌ی جورج بلاسام

پلان خانه‌ی چارلز تی.کوک، مک کیم، مید و وایت، ۱۸۸۵

خانه‌ی رابرت اموند، لاگرانژ، ایلینویز، ۱۸۹۲

[ماخذ پلان‌های این صفحه:
McCarter, robert. on and by frank lloid wright.phaidon press.pages 35]

روندِ کولوناد در طراحی رایت عمده‌ترین چیزی است که در طراحی او نیز جلب نظر می‌کند. با برابر ساختنِ کتابخانه و موزه‌ی میلواکی در استلزاماتِ ضمنیِ معماری، رایت یک برنامه‌ی فرهنگی کلان را مدنظر خویش قرار داده بود.

طراحی رایت زبان معماری بومی و ملی را که در نُمایشگاه شیکاگو پیشنهاد شده بود استمرار می‌بخشید، و بی‌جهت نیست که عکس‌های به جا مانده از بخش «دربار اشرافی» در این نُمایشگاه آنقدر به طراحی صفحه‌ی اول ترجمه‌ی پِرو از رساله‌ی ویتروویوس، به زبان فرانسه، شبیه هستند. نخستین تصویر آن کتاب یک استعاره در همان سنت آب‌نُمای کلمبیایی است: کِرِس، الهه‌ی نعمت، در حضور الهه‌ی «فرانسه‌ی زیبا» به خدای هندسه و ریاضیات ملحق می‌شود و با عصای سلطنتی و گل سوسن که نُماد سلطنت در فرانسه بود، «ده دفتر معماریِ ویتروو» را مزین می‌سازد. پِرو در پس‌زمینه‌ی همین طرح، سه تا از ساختمان‌های خود (از جمله، کاخ در حال ساخت لوور) را نشان داده، شاید به آن دلیل که این ساختمان‌ها با رعایت دقیق اصول ویتروویوسی ساخته می‌شده‌اند. پِرو، لویی چهاردهم و وزیر او کُلبِر را مخاطب قرار داده و می‌گوید: ویتروویوس و رُم اکنون متعلق به فرانسه هستند. در سال ۱۶۷۱ فرانسه یک آکادمی سلطنتی معماری داشت، و این مدعا تلویحا به آن معنا بود که رِدای عظیم سنت کلاسیک معماری از ایتالیا به فرانسه رسیده، به همان ترتیبی که پیشتر از یونان به ایتالیا رسیده بود.

در سال ۱۸۹۳ پِرنَم، مک‌کیم و شرکا در شیکاگو اعلام کردند که رِدای کلاسیک دوباره دست به دست شده و اکنون به آمریکا رسیده، و فرانک لوید رایت با شوق و ذوق فراوان از این رویداد استقبال می‌کرد. این باور حتی بعد از کاربردی که از فرم‌های کلاسیک به عمل آورد، تا چشمه‌ی الهامات بعدی خود را جوشان نگاه دارد، در نهاد وی باقی ماند.

به رغم اوضاع نابسامان اقتصادی در سطح کشور، رایت توانست با قبول سفارش‌هایی پاییز و زمستان بعدی را نیز به سلامت پشت سر بگذارد. این خانه‌ها یقینا بدون اینکه شهرت پروژه‌ی میلواکی، یا حتی پروژه‌ی مِندوتا، را داشته باشند، از این فضیلت برخوردارند که پروژه‌های واقعی هستند، و رایت حداقل می‌توانست آنها را تحت نام خود به جهانیان معرفی کند. در دو خانه‌ی کوچک، یکی برای فرانسیس وولی و دیگری برای پیتر گون، رایت برخی از نخستین تلاش‌های اولیه‌ی خود را دوباره از کشو بیرون

آورده است. خانه‌ی وولی واریانتی از خانه‌های دو طبقه‌ی پارکر، اِموند و تامس گِیلِ یک سال پیش است، و خانه‌ی گون تکرار دقیقی از ساماندهی «چهارمیدانی» خانه‌ی شخصی خودش از سال ۱۸۸۹. یک پروژه‌ی سومی هم بود، که برای والتر گِیل در اوک پارک اجرایی شد، و خوشبختانه بودجه‌ی بیشتری نیز در اختیار داشت. رایت برای این پروژه یک پلان چهارمیدانی در نظر گرفته که قرابتی با خانه‌ی سی. ای. ویتِر، کاری از مک‌کیم، مید و وایت، یافته است. خانه‌ی والتر گِیل یک ورودیِ جانبی و یک برج گرد دارد، که در تضاد با لوله‌ی دودکش نازک و بلند آن است، و نیز یک پنجره‌ی شیروانی بلند و تزئین‌شده. کمپوزیسیون کلی همگی زیر یک سقف عظیم با گوشه‌های موازی با خیابانِ مقابل تجمیع یافته است.

در اواخر سال ۱۸۹۳ یا در اوایل سال ۱۸۹۴، دو پروژه‌ی عظیم دیگر نیز بر سر راه رایت قرار گرفتند. این سفارش‌ها در ماه ژوئن سال ۱۸۹۴ قطعی شدند، و رایت به عنوان معمار هر دوی آنها معرفی شد، و احتمالا تازه در آغاز مراحل ساخت‌وساز بودند. یکی از این دو پروژه سفارش احداث چهار ردیف خانه برای رابرت رولوسن بود. به‌درستی معلوم نیست که خانه‌های رولوسن به چیزی جز استعداد شخصی رایت ارتباط داشته باشند. اگر هم چنین ارتباطی واقعا موجود باشد، دِین این خانه‌ها به ضابطه‌ی استواری برای خانه‌های ردیفی است که توسط مک‌کیم، مید و وایت در خانه‌ی فیلیپس و لوید فینیکس به مورد اجرا گذاشته شده بودند. کمپوزیسیون مرکزی رایت از پنجره‌ها و سنگ تزئینی و سفال، به تاسی از خانه‌ی فینیکس، خبر از نمای غیربارب ساختمان می‌دهد. اگر این ضابطه مورد بازنگری هم قرار گرفته بود، قاب‌بندی پنجره‌های فوقانی، برش عرضی در دیوارها، از آن واقعیتِ ساختاری به طرز بارزتری خبر می‌داد.

پروژه‌ی عظیم دیگری که رایت همواره نسبت به آن قدردان بود و از آن به عنوان نخستین خانه‌ای که واقعا ساخت نام می‌برد، خانه‌ی وینزلو بود. مطالب فراوانی تاکنون راجع به خانه‌ی وینزلو گفته شده، و در اینجا فقط به ذکر این نکته اکتفا می‌کنیم که رایت موقع طراحی و ساخت این خانه جوانی بیست و شش ساله بود و توانست نوعی معماری را از خود به جا بگذارد که اهمیتی جهانی یافت. با اینکه جنبه‌های خاصی از کاربرد فضایی بعدها از سوی رایت مورد تجدید نظر قرار گفتند، نکته‌ی شایان ذکر «کلاسیک» بودن خانه‌ی وینزلو در معنای موسع کلمه است. رایت با همه‌ی جنبه‌های نوآورانه‌ای که در این خانه به کار گرفته بود، می‌دانست که طراحی این ساختمان تحت سنت خاصی قرار دارد که خود رایت آن را نه سنتِ «هاوس» بلکه Villa für Herrn Winslow می‌نامید. شاید رایت در طراحی خانه‌ی وینزلو به امور جاری مثل ویلا تِستوی پالادیو نمی‌نگریست، چون در این نوبت سنت آکادمیک را با حس تعهد مطلقی که داشت، درست در نوک انگشتان خود حس می‌کرد. با اینهمه، شباهت‌های چشمگیری میان آنها وجود دارد که از حد شباهت خانوادگی میان ویلاهایی که طراحی هندسی دقیق دارند، بس فراتر می‌رود. مثلا اصطبل خانه‌ی وینزلو ستون‌های سه‌چهارمی مانند بنای یادشده اثر پالادیو دارد.

کازینو ناراگانسیت، مک‌کیم، مید و وایت، ناراگانسیت، رُد آیلند، ۱۸۸۶؛ عکس همان دوره از خارج بنا
[ماخذ: https://www.thetowersri.com/our-past/]

قایق‌خانه‌ی دریاچه‌ی مِندوتا، مدیسن، ویسکانسین، ۱۸۹۳؛ عکس همان دوره از خارج بنا، نما از سمت دریاچه
[ماخذ: https://www.thetowersri.com/our-past/]

ساختمان هنرهای زیبا، نمایشگاه جهانی فرهنگ و هنر کلمبیایی، چارلز آتوود از پرَنّم و آتوود، شیکاگو، ایلینوی، ۱۸۹۳؛ عکس همان دوره از خارج بنا

طرح برای شرکت در مسابقه‌ی کتابخانه‌ی عمومی و موزه‌ی میلواکی، میلواکی، ویسکانسین، ۱۸۹۳؛ پرسپکتیو
[ماخذ دو تصویر آخر: McCarter, robert. on and by frank lloid wright.phaidon press.pages38]

تصاویر صفحه‌ی مقابل: خانه‌ی وینزلو
[ماخذ تصاویر صفحه‌ی مقابل از بالا: https://i.pinimg.com/originals/f7/ed/f707ed095ead26c9fed8054b61627e49.jpg/07
FRANK LLOYD WRIGHT by Bruce Brooks Pfeiffer, 2006 TASCHEN GMBH
https://hgtvhome.sndimg.com/content/dam/images/door/fullset/20130/4/12//stunning-entry-gallery-of-rare-frank-lloyd-wright-winslow-house.jpg.rend.hgtvcom.966.644.suffix/1427753747352.jpeg]

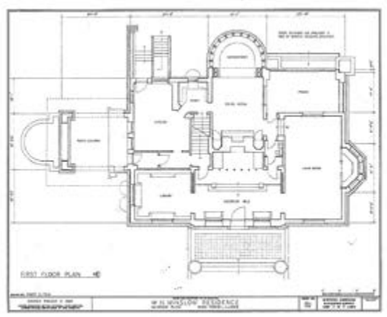

پلان طبقه‌ی اول

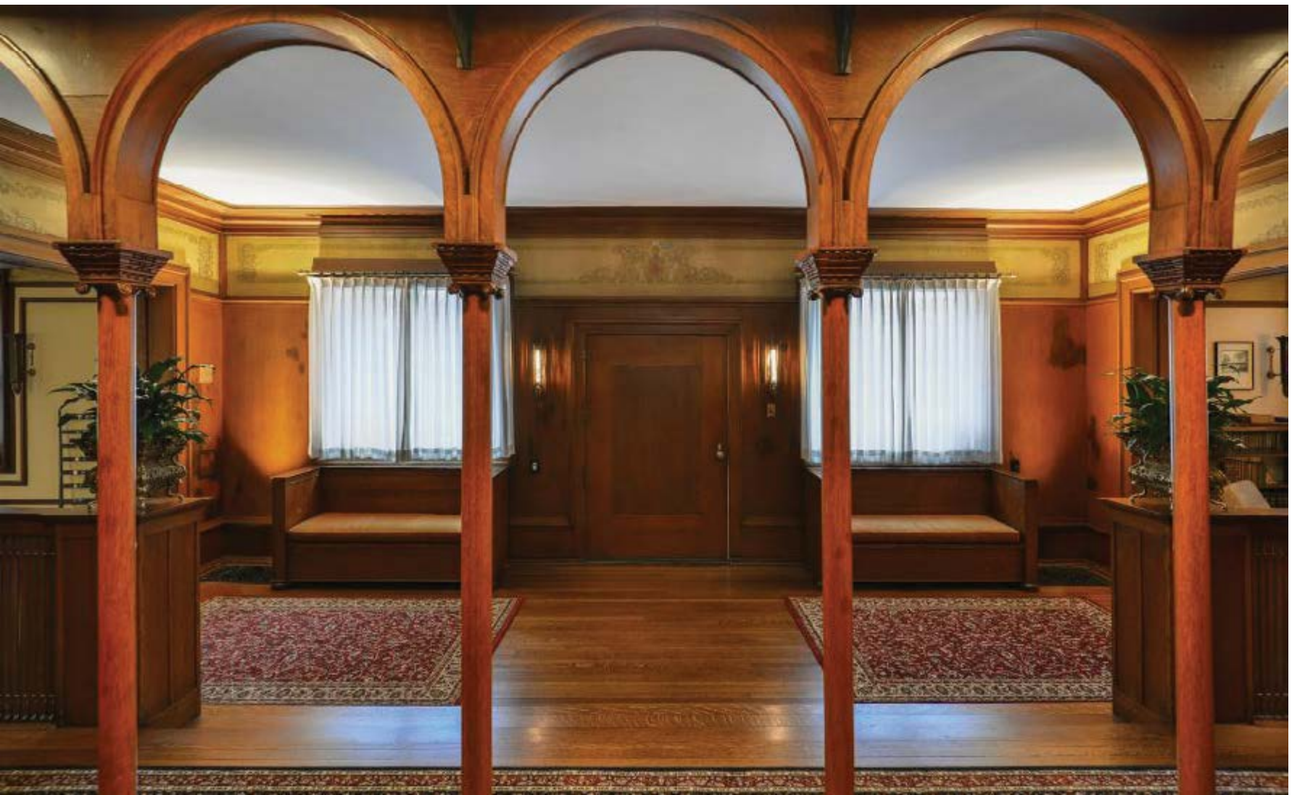

شرکت‌کنندگان سمپوزیوم

مجید عسکری زاده دبیر کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر بندرعباس

مهندس جواد محمودی شهردار بندر خمیر

مهندس ایوب زارعی شهردار بندر تاریخی کنگ

خانم دکتر فاطیما اسمیت

دکتر جان الکساندر اسمیت

مهندس کان لیم طراح شهر پوتراجایا، پایتخت جدید کشور مالزی

توسعه‌ی کالبدی پایدار در بنادر جنوب ایران

دکتر وحید قبادیان، دبیر سمپوزیوم / گزارشی از مینا ولی‌زاده

هفتمین سمپوزیوم بین‌المللی معماری، شهرسازی و عمران پایدار دانشگاه آزاد اسلامی-واحد امارات و آکسفورد

پروفسور نادر اردلان

دکتر وحید قبادیان، دبیر سمپوزیوم

هفتمین سمپوزیوم بین‌المللی معماری، شهرسازی و عمران پایدار در تاریخ ششم و هفتم اسفند ماه سال ۱۳۹۹ به مدت دو روز و به صورت آنلاین با حضور جمعی از اساتید، پژوهشگران و متخصصان حوزه‌ی معماری، شهرسازی و عمران به همت و مدیریت دکتر وحید قبادیان و با همکاری دانشگاه آزاد واحد امارات و آکسفورد برگزار شد. در هفته‌های منتهی به تاریخ برگزاری سمپوزیوم چندین جلسه جهت هماهنگی امور و رفع نواقص احتمالی با حضور دکتر قبادیان، دکتر فاطیما اسمیت، مسئولین دانشگاه و دانشجویان برگزار شد و در طی این جلسات هر یک از دانشجویان با توجه به شرایط و توانایی خود وظایفی را به عهده گرفته و فعالیت خود را آغاز کردند.

گزارش روز نخست:

هفتمین سمپوزیوم در روز ۶ اسفند ماه پس از تلاوت قرآن مجید و پخش سرود ملی امارات متحده‌ی عربی و جمهوری اسلامی ایران و با خوشامدگویی مهندس فروزان محمودنژادی، مجری برنامه، در بستر فضای مجازی آغاز شد. سپس دکتر عدنان ستاریان پیام ریاست محترم دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات، دکتر فدای وطن را به سمع حضار رساندند.

اولین سخنران، مهندس جواد محمودی، شهردار بندر خمیر صحبت خود را با مقدمه‌ای جهت آشنایی با این بندر آغاز کردند. در این مقدمه اشاره‌ای شد به جمعیت ۲۰ هزار نفری این بندر و همجواری آن با بزرگترین تالاب دریایی خاورمیانه که سبب شده کل سواحل شهرستان بندر خمیر در پهنه‌ای حفاظت شده قرار گیرد. همچنین عنوان شد که بندر خمیر بزرگ‌ترین سکونتگاه پرندگان در جوار تالاب خورخوران می‌باشد و به گونه‌ای هویت این شهر در طول تاریخ با این تالاب گره خورده است. الگویی که در بندر خمیر برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار پیاده‌سازی شده، بر اساس مزیت‌های رقابتی بندر بوده است. مهندس محمودی عنوان کردند که در بحث داشته‌های طبیعی و ماهیتی بندر خمیر می‌توان از طرفی به وجود تالاب به عنوان یک شاخصه‌ی طبیعی بزرگ و ارزشمند و از طرف دیگر به وجود روحیه‌ی مشارکت و همبستگی در بین مردم بندر خمیر اشاره کرد. حرکت به سوی توسعه‌ی پایدار در بندر خمیر از حدود سه سال پیش آغاز شده و دستاوردهای بزرگی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی به دست آمده، از جمله:

- ثبت بندر خمیر به عنوان اولین شهر تالابی ایران در سال ۱۳۹۷
- به دست آوردن اولین عنوان جهانی خود به عنوان "شهر یادگیرنده" و ثبت در یونسکو در سال ۱۳۹۹

ایشان در ادامه‌ی صحبت‌های خود الگوی تدوین شده برای بندر خمیر در راستای دستیابی به توسعه‌ی پایدار را مطرح کردند؛ که در آن از مبناهای علمی و به روز دنیا استفاده شده و یکی از این استانداردها، استاندارد ISO ۳۷۱۰۱ می‌باشد و ۶ هدف اصلی توسعه‌ی پایدار مطرح شده در آن عبارتند از:

۱) حفاظت و بهبود محیط‌زیست
۲) انسجام اجتماعی
۳) انعطاف‌پذیری یک شهر در برابر مشکلات
۴) ایجاد جذابیت در یک شهر
۵) استفاده‌ی مسئولانه از منابع
۶) رسیدن به رفاه و آسایش

مفهوم «شهر تالابی» عنوانی است که در کنوانسیون رامسر عنوان شده و هدف اصلی آن آماده‌سازی جوامع برای حفاظت از تالاب است. بندر خمیر می‌تواند از این تالاب در جهت رسیدن به توسعه‌ی پایدار استفاده نماید و در این راستا قدم اول، شناسایی افراد توانمند و علاقه‌مند برای حرکت در جهت توسعه‌ی پایدار می‌باشد. مهندس محمودی در ادامه در زمینه‌ی پارامترهای توسعه‌ی پایدار و وضعیت آنها در بندر خمیر صحبت کردند.

پارامتر اقتصادی: عنوان "گردشگری تالابی پایدار" به عنوان وزنه‌ی اقتصادی در بندر خمیر انتخاب شد و مفاهیم و حلقه‌های اصلی گردشگری تالابی باز تعریف شدند و در راستای تقویت آنها گام‌هایی برداشته شده است، از جمله:

- آموزش قایقران‌ها
- آموزش فعالین در اقامت‌گاه‌های بومگردی و هتل‌ها
- راه‌اندازی رستوران‌های سنتی
- راه‌اندازی مرکز سنچه در جهت تقویت بخش صنایع دستی
- دعوت از آژانس‌های گردشگری
- تقویت بازارچه‌های محلی

پارامتر فرهنگی: در جهت رشد وجوه فرهنگی برای پایه‌گذاری توسعه‌ی پایدار نیز اقداماتی انجام شده از جمله:

- راه‌اندازی "لنج موزه" که یک لنج قدیمی با قدمتی بیش از ۱۰۰ سال است.
- راه‌اندازی رستوران چوبی تمام بازیافتی
- ترویج ورزش‌های آرام آبی

پارامتر مشارکت مردمی: در این راستا نیز پروژه‌هایی انجام شده است از جمله:

- کف‌سازی معابر در بافت‌های تاریخی با مشارکت مردم
- سه بازار بزرگ مشارکتی و متمایز در حال ساخت در بندر خمیر در راستای ایجاد درآمد پایدار

نهایتا مهندس محمودی از راه‌اندازی مرکزی به نام CEPA در راستای رسیدن به مفهوم توسعه‌ی پایدار خبر دادند. این مرکز در سال ۱۳۹۸ راه‌اندازی شد. CEPA مفهومی است که از شهر تالابی گرفته شده و به دنبال دستیابی به مفهوم توسعه‌ی پایدار است. در پایان ایشان اظهار داشتند که امیدوار هستند تجربیات کسب شده از شهر تالابی بندر خمیر بتواند الگویی باشد برای توسعه‌ی پایدار در شهرهایی که شرایط مشابه دارند باشد. پس از پایان سخنرانی مهندس محمودی، دکتر قبادیان، دبیر محترم سمپوزیوم، توضیحاتی را در راستای ویژگی‌های هفتمین سمپوزیوم معماری و شهرسازی پایدار ارائه دادند و عنوان کردند که هدف از برگزاری این سلسله سمپوزیوم‌ها آشنایی با وجوه مختلف معماری و شهرسازی پایدار در ایران و سایر کشورها می‌باشد.

سخنران دوم مهندس ایوب زارعی، شهردار بندر کنگ، سخنرانی خود را با این سوال آغاز کردند که "احیا را باید از کجا آغاز کرد و چه مسیری برای آن در نظر بگیریم تا به توسعه‌ی پایدار برسیم؟" ایشان یکی از مولفه‌های اصلی توسعه‌ی پایدار برای بندر کنگ را "اقتصاد دریا محور" می‌دانند. مولفه‌ی دوم "سرمایه‌ی اجتماعی" است. به عنوان نمونه موزه‌ی مردم‌شناسی بندر کنگ، مرکزی است که در آن اشیای گرانبهایی که حاصل سفر دریانوردان به کشورهای مختلف می‌باشد، جمع‌آوری شده و به هسته‌ی مرکزی فعالیت‌های اجتماعی بندر تاریخی کنگ تبدیل شده است. سومین مولفه‌ی توسعه‌ی پایدار "میراث فرهنگی" می‌باشد. از نمونه‌های این مولفه در بندر کنگ می‌توان به معماری و شهرسازی خانه‌های این بندر اشاره کرد. مهندس زارعی پس از معرفی و بررسی این مولفه‌ها عنوان کردند که بعد از یادگیری مبحث پایداری و شناخت کامل شهر، حالا ما به دنبال احیا هستیم و رمز موفقیت در این زمینه تعامل بر اساس ارزش‌ها و باورها و داشته‌های شهر است. در پایان ایشان مبحث آرامش را مطرح کردند، مردم کنگ خواستند که به آرامش برسند و این آرامش در پایداری است. سپس دکتر قبادیان، توضیحاتی در مورد بندر کنگ ارائه دادند و اشاره به این مطلب داشتند که در ایران گسترده‌ترین بافت تاریخی فعال مربوط به بندر کنگ است، به این معنا که زندگی در این بافت‌های تاریخی جریان دارد. ایشان از شهردار، مسئولین و اهالی بندر کنگ جهت حفظ و بهره‌وری از این میراث پایدار تشکر کردند. همچنین از دکتر شیوا آراسته به عنوان طراح طرح احیای بافت تاریخی بندر کنگ قدردانی شد. در ادامه فیلمی از بندر کنگ پخش شد که در شناخت این بندر تاریخی برای حضار بسیار حائز اهمیت بود.

سخنران سوم آقای مجید عسکری‌زاده، رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای اسلامی شهر بندر عباس، سخنان خود را با مقدمه‌ای در زمینه‌ی تاریخ بندر عباس آغاز کردند. ایشان معتقد هستند که دگرگونی در عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی شهرها به طور عام و در محله‌ها به طور خاص اثرات منفی قابل توجهی بر کارایی آنها در پاسخگویی به نیازهای ساکنان داشته است. مهاجرت از سایر استان‌ها به این شهر سبب گسترش شهر و ایجاد محلات حاشیه‌ای و فرسوده شدن بافت قدیمی این شهر شده است که این محلات توسعه‌ی پایدار را در شهر بندرعباس به چالش کشیده است. آقای عسکری‌زاده اینگونه نتیجه‌گیری کردند که توسعه‌ی پایدار شهر بندرعباس یک رویداد نیست که به یکباره اتفاق بیفتد بلکه یک فرآیند پویا و هدفمند است که در طول زمان و با برنامه‌ریزی دقیق تحقق می‌یابد. پس از پایان این سخنرانی، پنل پرسش و پاسخ با حضور دکتر وحید قبادیان، دکتر فاطیما اسمیت، مهندس جواد محمودی، مهندس ایوب زارعی، جناب مجید عسکری زاده و حضار برگزار شد. سوال اصلی مطرح شده در مورد چشم‌انداز ده ساله در این سه بندر بود.

مهندس محمودی در مورد چشم انداز ده ساله‌ی بندر خمیر به بحث پایداری در حوزه‌ی اقتصادی به عنوان اصلی‌ترین مولفه‌ی توسعه‌ی پایدار اشاره داشتند و چنین بیان کردند:

- انتخاب گردشگری تالابی مبنی بر گردشگری کیفی به منظور ایجاد درآمد پایدار
- استفاده از خود مردم به منظور فعال‌سازی بنگاه‌های اقتصادی

مهندس زارعی در مورد چشم‌انداز ده ساله‌ی بندر کنگ عنوان کردند که چشم‌انداز بندر کنگ بر اساس زیست بوم پایدار و تاب‌آور و همچنین برخورداری از بافت ارزشمند تاریخی سرزنده و پویا می‌باشد. جناب عسکری‌زاده در مورد چشم‌انداز ده ساله‌ی بندرعباس عنوان کردند که چشم‌انداز این شهر را باید در چهار محور اصلی گردشگری، صنعتی، نظامی و اقتصادی نگاه کرد.

در پایان نشست نخستین روز از سمپوزیوم معماری و شهرسازی پایدار دو مقاله‌ی برتر معرفی شدند. مقاله‌ی اول با عنوان «واکاوی ساختار کالبدی و روابط فضایی کانون‌های سه‌گانه‌ی (بندرگاه، پس کرانه و شهر) جهت توسعه‌ی پایدار بندر-شهر چابهار با رویکرد معماری و شهرسازی پایدار» نویسندگان: ساسان صمدیان-محمد الهیاری و مقاله‌ی دوم با عنوان «بهینه‌یابی تناسبات کالبدی موثر بر تقاضای انرژی سرمایشی ساختمان‌های حیاط مرکزی در اقلیم گرم و مرطوب: نمونه‌ی موردی بوشهر» نویسندگان: ایفا اهوازی، مصطفی حسینی، شیوا شیخ فرشی و محمود شکوهی.

گزارش روز دوم:

اولین سخنران روز دوم مهندس کان لیم (Kun Lim)، طراح پایتخت جدید مالزی، سخنرانی خود را با موضوعی تحت عنوان "Design Thinking" آغاز کردند. تمرکز ایشان در این سخنرانی بر فلسفه‌ی طراحی است که به عنوان اولین نمونه، «مدرسه‌ی عکاسی» را ارائه می‌دهد. این مدرسه بسیار کوچک است و اولین چالش در طراحی آن به جانمایی در سایت بر می‌گردد که از چند زاویه قابل بررسی است. مسئله بعدی به نحوه‌ی چیدمان فضاهای مختلف در مدرسه مربوط می‌شود که ایشان برای حل این چالش از فرم خطی استفاده کرده است. ایشان در طراحی‌های خود به زمینه و بستر پروژه و همچنین تقابل ارگانیک و فرمالیستی توجه ویژه دارد.

ایشان علاوه بر این پروژه‌های بسیار دیگری در اندونزی کار کرده که در تمامی آنها برای کانسپت از بستر پروژه الهام گرفته است و از فرصت‌ها و عوارض طبیعی موجود در سایت به نحوی مطلوب استفاده کرده است. دو نکته‌ی مهم در طراحی‌های ایشان وجود دارد:

- در تمامی پروژه‌های کاری ایشان بحث کانسپت به عنوان مهم‌ترین مساله مطرح می‌شود.
- توجه بسیار هوشمندانه به محیط زیست و اقلیم به‌وضوح در طرح‌های ایشان به چشم می‌خورد.

سخنران دوم دکتر جان الکساندر اسمیت (John Alexander Smith) صحبت خود را در رابطه با شهر دبی و پایداری آن ارایه دادند. ایشان در صحبت‌های خود به چگونگی شکل‌گیری دبی از قرن ۱۹ و چگونگی توسعه‌ی آن و رسیدن به امروز اشاره می‌کند. در ابتدای سخنرانی تصاویری از دبی در اواسط نوزدهم و دبی معاصر نشان می‌دهد که در کنار خط ساحلی شکل گرفته است. سپس وی با استفاده از نقشه‌هایی که جزئیات زیادی را نشان می‌دهند به وجود پوشش گیاهی در این منطقه اشاره می‌کند. از اولین بناهای موجود در آن زمان می‌توان به قلعه‌ی الفهیدی (Al Fahidi) اشاره کرد. در اواسط قرن نوزدهم رفته رفته تغییراتی در بناها ایجاد می‌شود. از بناهای آن زمان می‌توان به برج الرویول (Burj Al Royool) اشاره کرد که ویژگی‌هایی همچون پیلوتی دارد. بناهای دیگری نیز از آن زمان باقی مانده‌اند همچون «خانه‌ی شیخ سعید» که بسیاری از قسمت‌های آن تخریب شده است. از آن زمان با توجه به اهمیت حفظ میراث، تغییراتی در ساخت و نگهداری از بناها ایجاد می‌شود. در اوایل قرن بیستم که برای بارانداز کشتی‌ها در خلیج فارس در بندر لنگه مالیات دریافت می‌شد، این قانون در دبی وجود نداشت و هیچ مالیاتی از این بابت از کشتیران‌ها دریافت نمی‌شد و همین امر سبب گسترش دبی در سال‌های بعد گشت. از بناهای باقی‌مانده‌ی این دوران می‌توان به السوق الکبیر (Al Souk Al Kabir) و قلعه‌ی نائف اشاره کرد. در همین دوران به دلیل نیاز به هواپیما، فرودگاه دبی طراحی و تاسیس شد و پس از آن اولین بانک و بیمارستان به صورت بناهای بتنی احداث شدند. در اواخر قرن بیستم، برنامه و نقشه‌ی ساختاری توسط گروهی از یونان تهیه شد. دبی از این زمان به سمت ساختمان‌های نمادین پیش می‌رفت که یک نمونه‌ی آن «برج‌العرب» می‌باشد

سخنران سوم خانم دکتر فاطیما اسمیت سخنرانی خود را در مورد شهر دبی اینگونه آغاز کردند که می‌خواهند دبی را از دیدگاه پایداری که در ۱۵۰ سال اخیر در دبی حاکم شده است بررسی کنند و در این بررسی بر اقتصاد تاکید دارند. ایشان در ادامه اشاره کردند که درآمد اصلی مردم دبی در قرن ۱۹ ماهیگیری و صید مروارید بوده است و بر این اساس تجارت ضعیفی هم وجود داشته و این در واقع شروع داستان دبی می‌باشد. در این بخش تصاویری از شهر دبی به نمایش گذاشته شد که نشان‌دهنده‌ی این بود که این شهر در کنار آب شروع به شکل‌گیری کرده و در واقع تغذیه‌ی اقتصادی آن از آب بوده است. بازار فعلی دبی نیز در همان زمان در کنار آب شکل گرفته و تا به امروز هم پابرجاست. دکتر اسمیت هدف خود از ارائه‌ی این تصاویر و مطالب را این گونه عنوان می‌کنند که با توجه به اقداماتی که شهر دبی در راستای توسعه‌ی پایدار داشته است ما نیز می‌توانیم در بنادر شمال خلیج فارس مانند بندر کنگ و بندر خمیر از این تجارب استفاده‌ی بهینه داشته باشیم.

سخنران بعدی پروفسور نادر اردلان بود که در مورد مباحث زیست محیطی و توسعه‌ی پایدار، مطالعات بسیاری انجام داده‌اند. ایشان سخنرانی خود را حول موضوع «توسعه‌ی پایدار شهری در خلیج فارس» ارائه دادند. اردلان به عنوان محقق و معمار سال‌های زیادی در حوزه‌ی خلیج فارس فعالیت داشته و به دنبال یافتن راه‌حلی برای توسعه‌ی پایداری در این ناحیه می‌باشد. ایشان پروژه‌ای را که تحت نظارت دانشگاه هاروارد با مشارکت عده‌ی زیادی از محققین انجام شده، ارائه کردند. این پروژه در اصل در هشت کشور و ده شهر در سواحل خلیج فارس و دریای عمان متمرکز شده است. سه مسئله‌ی اصلی برای پروژه تعیین شده که عبارتند از:

- محیط زیست و سلامت عمومی
- مسائل فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی
- فرم شهری و اجتماعی

امکانات زندگی مدرن مزایای بی‌شماری به همراه خود دارد ولی چالش‌هایی مانند افزایش جمعیت، صنعتی شدن، افزایش فناوری‌های نفتی، افزایش آلودگی‌ها و ریسک سلامت عمومی و گرم شدن زمین را پیش روی جامعه‌ی بشری قرار داده است. در نهایت مسئله‌ی اصلی در این دگرگونی محیط زیست، فرهنگ، اقتصاد و شهرسازی، منجر به آینده‌ای ناپایدار می‌شود. به همین دلیل برای چشم‌انداز آینده باید به محدود کردن استفاده از کربن و احیای انرژی‌های تجدیدپذیر توجه نمود. برای این منظور باید در سه دسته‌ی ساختمان‌ها، زیرساخت‌ها و حمل و نقل طرح‌هایی آماده شود. نحوه‌ی تعامل ما با محیط زیست، جامعه و تکنولوژی تعیین‌کننده می‌باشد. همچنین باید به اصول زیبایی‌شناسی در سه راستای زیبایی، سادگی و فرهنگ توجه شود. برای این منظور دو نمونه ابوظبی و دوحه از نظر هنر و فرهنگ و معماری منطقه بررسی و نقد شدند. جزئیات معماری در ابوظبی نظیر مشربیه، بادگیر، آتریوم، تهویه و نحوه‌ی کاهش دما در فضای داخلی و همچنین نحوه‌ی استفاده از این عناصر و موتیف‌های معماری در بناهای معاصر شرح داده شد.

بعد از اتمام سخنرانی‌های ایشان، پنل پرسش و پاسخ با حضور دکتر وحید قبادیان، دکتر جان اسمیت، دکتر فاطیما اسمیت، مهندس کان لیم، پروفسور نادر اردلان و حضار برگزار شد و در طی آن به پرسش‌های مطرح شده در زمینه‌ی معماری و شهرسازی پایدار پاسخ داده شد. دکتر فاطیما اسمیت یک جمع‌بندی جامع از روز دوم سمپوزیوم ارائه دادند:«مهم‌ترین بحث مطرح شده در این جلسه بحث آینده‌ی زمین و خطراتی که آن را تهدید می‌کند، بود و ما در طراحی‌های معماری و شهرسازی خود باید این مساله را مدنظر داشته باشیم. آنچه در قرن ۲۰ در طرح‌های معماری و شهرسازی اتفاق افتاده این است که در کنار فرم و عملکرد به زیبایی، فرهنگ، اقتصاد و محیط زیست هم باید توجه شود و دوران فرم و عملکرد تنها، به پایان رسیده است.» سپس مهندس الهه رادمهر عضو هیئت‌مدیره‌ی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و عضو کمیسیون آموزش، پژوهش و ترویج، صحبت‌هایی در زمینه‌ی پایداری در ساخت و ساز ارائه دادند.

در پایان روز دوم نمونه کارهای برتر دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات به نمایش گذاشته شد. ریاست دانشگاه، دکتر فدای وطن سخنرانی اختتامیه را ایراد کردند و بدین ترتیب هفتمین دوره‌ی سمپوزیوم معماری و شهرسازی پایدار به پایان رسید.

خانه‌ی تاریخی عامری‌ها[عکاس: طبائیان]

اولین جایزه‌ی ملی مرمت و احیای بناهای تاریخی و معاصر ایران، ۱۳۹۹

بنیان‌گذار: هنرمعماری، ۱۳۹۹

با مشارکت وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

بخش مرمت و احیای بناها در سال‌های گذشته به عنوان یکی از بخش‌های جایزه‌ی طراحی داخلی هنرمعماری تعریف شده بود. ولی، با توجه به اهمیت این حوزه از معماری و لزوم تمرکز و توجه بیشتر به بناهای ارزشمند کشور که سرمایه و تاریخ این مرز و بوم هستند و همچنین معرفی آثار برتر و جریان‌ساز جهت الگو شدن و تشویق سایر طراحان برای فعالیت بیشتر در زمینه‌ی مرمت و ایجاد حساسیت در بین مسئولین مربوطه، کارفرمایان و سرمایه‌گذاران جهت حفظ و احیای این آثار، این بخش از طراحی داخلی جدا و به عنوان رویدادی مستقل معرفی گردید.

فراخوان این رویداد در مهرماه ۱۳۹۹ و با مشارکت وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و با استقبال و حمایت دکتر محمد حسن طالبیان معاونت محترم و همچنین دکتر هادی احمدی رویینی مدیر کل محترم دفتر حفظ و احیای بناها، بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی وزارت میراث فرهنگی منتشر گردید. یکشنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۹ آخرین مهلت ارسال آثار بود. ترکیبی از کارشناسان داخلی و خارجی جهت قضاوت دعوت شدند و از شرکت‌کنندگان خواسته شده بود به دلیل حضور داوران بین‌المللی شیت‌ها به صورت دوزبانه ارسال گردند. پس از آن با بررسی آثار رسیده و سازماندهی آنها توسط دبیرخانه فایل‌ها برای داوران ارسال گردیدند. اولین جلسه‌ی داوری جهت انتخاب فینالیست‌ها در روز ۱۸ دی ۱۳۹۹ در سالن کنفرانس کاخ نیاوران با حضور دکتر سید هادی احمدی، مهندس علی سوداگران (به صورت آنلاین)، دکتر محمدحسن طالبیان، دکتر عبدالرضا محسنی، ، مهندس رضا مفاخر و دکتر محسن نوروزوند و جدول آرا و امتیازات دکتر محمد منصور فلامکی، مهندس کارلوس کودو (از اسپانیا) و مهندس الbی قاسم‌زاده (از جمهوری آذربایجان) برگزار گردید. طی این جلسه با بررسی دقیق آثار، فینالیست‌ها انتخاب گردیدند. از معیارهایی که به صورت دقیق مورد بررسی قرار گرفت، میزان تاثیرگذاری پروژه در محیط، حفظ کالبد و اصالت بنا و نوع ارائه و همه‌ی این موارد با توجه به اسناد ارائه شده بود. در این جلسه دو اثر در بخش مرمت و احیای آثار تاریخی با توجه به مرمت آرایه‌های موجود در بنا طبق نظر هیئت داوران در بخش آرایه‌ها نیز شرکت داده شدند که یکی از این دو، هم در بخش آرایه‌ها و هم در بخش مرمت و احیای بناهای تاریخی، و بنای دیگر در بخش آرایه‌ها به مرحله‌ی فینال رسیدند، همچنین به اتفاق آرای هیئت داوران در بخش نقد هیچ اثری برگزیده نشد.

بعد از اعلام نتایج، به فینالیست‌ها فرصت داده شد تا مدارک تکمیلی آثار خود را این بار بدون محدودیت در حجم و نوع فایل (پی دی اف، عکس، فیلم و ...) برای دبیرخانه ارسال نمایند. فایل‌های منتخب هر اثر برای هیئت داوران ارسال گردید و در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۹۹، جلسه‌ای با امتیازات داوران بین‌المللی و حضور داوران کشور (به صورت حضوری و آنلاین) در دفتر دکتر منصور فلامکی (موسسه‌ی معماری فضا) برگزار گردید.

در نهایت پس از چهار جلسه (دو جلسه‌ی حضوری و دو جلسه‌ی آنلاین) رتبه‌های برتر، آثار تقدیر شده، بهترین بهترین‌ها و بهترین مجری و همچنین اهدای نشان دکتر باقر آیت الله زاده شیرازی به یکی از فعالین و حافظان احیا و مرمت معرفی شدند و همچنین طبق نظر هیئت داوران هیچ اثری در بخش بهترین نورپردازی انتخاب نگردید.

ضمن سپاس از تمامی شرکت‌کنندگان و فعالان حوزه‌ی مرمت و احیا که آثار خود را برای ما ارسال نمودند، هیئت محترم داوران که علی‌رغم شرایط اپیدمی ویروس کووید ۱۹ به صورت جدی در جلسات حضور یافتند، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، حامیان رسانه‌ای، و تمامی عزیزانی که مار را در این راه همراهی نمودند.

لازم به ذکر است، تمامی اطلاعات آثار و اسامی دست‌اندکاران توسط شرکت‌کنندگان برای دبیرخانه ارسال گردیده و کلیه‌ی مسئولیت‌های حقوقی (مادی، معنوی و صحت اطلاعات آثار) بر عهده‌ی ایشان است.

بیانیه‌ی هیئت داوران اولین جایزه‌ی ملی مرمت و احیای بناهای تاریخی و معاصر ایران

با توجه به کیفیت آثار ارسالی، هیئت داوران به اتفاق آرا کلیه‌ی آثار دریافت شده در تمامی بخش‌ها را شایسته‌ی تقدیر تشخیص داده و تلاش‌های هنرمندان، سرمایه‌گذاران و مهندسان این سرزمین را در حفظ، مرمت و احیای آثار تاریخی کشور می‌ستاید. همچنین با توجه به اینکه پیمونی در کیفیت و کمیت مداخلات در آثار تاریخی وجود ندارد، توجه و حساسیت سرمایه‌گذاران این بخش به عنوان یک متغیر تاثیرگذار و تعیین‌کننده در مرمت اصولی مورد توجه هیئت داوران قرار گرفت.

هیئت داوران با آگاهی به اینکه آثار رسیده به این رویداد نه لزما بهترین آثار و نه تمامی آنها می‌باشند و بسیاری از آثاری که مرمت شده‌اند و شایسته‌ی توجه و تقدیر هستند احتمالا در میان این آثار قرار ندارند، ضمن تقدیر و تشکر از تمام فعالان این عرصه که به‌آرامی به یکی از میدان‌های ظهور و بروز استعدادهای سرزمین تبدیل شده است، بدین ترتیب از میان آثار دریافتی، برگزیدگان در هر بخش را معرفی می‌نماید:

برندگان و فینالست‌های هر بخش:

مرمت و احیای بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی

• **رتبه‌ی نخست:** مرمت و احیای روستای اصفهک

• **رتبه‌ی دوم:** مرمت و احیای روستای عشین (اشین)

به دلیل: در بخش مرمت و احیای بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی از میان آثار دریافتی، دو تلاش قابل تقدیر به مرحله‌ی فینال راه یافتند. امتیازدهی به این دو اثر برای اعضای هیئت داوران یکی از دشوارترین تصمیمات بود، تلاش‌های ستودنی و بی‌همتای جوانان روستای اصفهک برای باززنده‌سازی یک میراث از دست رفته در کنار کمک‌های علمی و مداخلات کالبدی علاقه‌مندان و مهندسان خارج از روستا باعث گردید تا مجموع اقدامات انجام شده و در حال اقدام این روستا رتبه‌ی نخست را در میان آثار رسیده به خود اختصاص داد. همچنین تلاش‌های بی‌بدیل، عاشقانه، قابل توجه و خستگی‌ناپذیر یکی از جوانان کشور برای مرمت و احیای روستای فراموش شده‌ی عشین در جایگاه دوم این بخش قرار گرفت.

مرمت و احیای بناهای تاریخی

• **رتبه‌ی نخست:** خانه‌ی تاریخی عامری‌ها

• **رتبه‌ی دوم:** عمارت جمشیدی

• **رتبه‌ی سوم مشترک:** بانک تجارت

خانه‌ی رضا قلی‌نژاد

• **فینالیست‌ها:**

مسجد جامع ساری اثر پیمان غضنفری

خانه‌ی منوچهری اثر سید اکبر حلی، شهناز نادر

خانه‌ی طباطبایی‌ها اثر سید اکبر حلی، مصطفی مقتدایی

مهینستان راهب اثر سید اکبر حلی

خانه‌ی دُرمیانی اثر علیرضا اشرفی

خانه‌ی مرتضوی اثر غلامحسین ارشادی، مرتضی بخردی

به دلیل: در بخش مرمت و احیای بناهای تاریخی، خانه‌ی عامری‌های کاشان به اتفاق آرا و امتیازات به دلیل چند دهه تلاش دلسوزان، هنرمندان، استادکاران و مهندسان کشور و دستیابی به نتیجه‌ای عالی و بی‌نظیر، تبدیل شدن به یک الگوی احیا و معرفی یکی از بهترین یادگارهای تمدنی کشور به عنوان رتبه‌ی نخست انتخاب گردید. در همین بخش، مرمت عمارت جمشیدی شیراز رتبه‌ی دوم و مرمت ساختمان بانک تجارت تهران و خانه‌ی رضا قلی‌نژاد گرگان نیز مشترکا رتبه‌ی سوم را کسب نمودند.

مرمت و احیای بناهای معاصر

• **رتبه‌ی نخست مشترک:** بوتیک هتل شمشک

• **رتبه‌ی نخست مشترک:** هاستل روبرو

• **تقدیر ویژه‌ی هیئت داوران:** ساختمان اداری فرشته در بخش مرمت و احیای بناهای معاصر به اتفاق آرا، هیئت داوران، بوتیک هتل شمشک (به دلیل حفظ اصالت و مرمت علمی) و هاستل‌روبرو را (به دلیل مداخله‌ی حداقلی خلاقانه) و هر دو به دلیل تلاش‌های ارزنده و ستودنی برای حفظ کالبد بنای اولیه و احیای این بناهای با ارزش، مشترکا به عنوان رتبه‌ی نخست معرفی نمودند. مرمت ساختمان اداری فرشته نیز به دلیل حفظ و احترام به بنای معاصر در سایت و احیا و مرمت آن تقدیر ویژه‌ی هیئت داوران را دریافت نمود.

آرایه‌ها در معماری

• **تقدیر ویژه‌ی هیئت داوران:** خانه‌ی دُرمیانی

• **تقدیر ویژه‌ی هیئت داوران:** خانه‌ی تاریخی شهید صدوقی

نظر به تصمیم هیئت محترم داوران، هر دو فینالیست در بخش مرمت آرایه‌های معماری شایسته‌ی تقدیر ویژه‌ی هیئت داوران شناخته شدند.

معماری در بافت میان‌افزا

• **فینالیست:** بوتیک رستوران خان

در بخش معماری میان‌افزا در بافت تاریخی، هیچ اثری برگزیده نشد.

هیئت داوران به اتفاق آرا، مرمت و احیای خانه‌ی عامری‌های کاشان را به عنوان بهترین بهترین‌ها در بین آثار رسیده انتخاب نمودند. همچنین سید اکبر حلی به عنوان بهترین مجری در مرمت خانه‌های تاریخی انتخاب گردید و نشان دکتر باقر آیت‌الله زاده‌ی شیرازی با نظر و تائید هیئت محترم داوران به استاد محمد علی جعفری‌زاده‌ی مالمیری به دلیل یک عمر تلاش بی‌وقفه در امر مرمت ابنیه‌ی تاریخی کشور و حفاظت از میراث تاریخی و فرهنگی ایران اهدا خواهد گردید.

علیرغم اقدامات تحسین‌برانگیز نورپردازی آثار تاریخی، هیچکدام از آثار، به عنوان بهترین نورپردازی نشدند و در بخش بهترین نورپردازی پروژه‌ای برگزیده نشد.

هیئت داوران و برگزارکنندگان اولین رویداد ملی جایزه‌ی مرمت و احیای بناهای تاریخی و معاصر ایران، ضمن سپاس مجدد از کلیه‌ی فعالان حوزه‌ی مرمت و باززنده‌سازی آثار تاریخی-فرهنگی و خصوصا عزیزانی که آثار خود را به این مسابقه ارسال نمودند، امیدوار است این گام نخستین، آغازی بر یک رویداد سالانه‌ی جامع، و عرصه‌ای برای شناسایی و معرفی فعلان این حوزه باشد.

اسامی از سمت راست بالا: دکتر محسن نوروزوند، مهندس رضا مفاخر، دکتر عبدالرضا محسنی، دکتر محمدحسن طالبیان، دکتر هادی احمدی روئینی و شهریار خانی‌زاد. کاخ نیاوران

اسامی از سمت راست بالا: آرین خانی‌زاد، دکتر محسن نوروزوند، دکتر محمدحسن طالبیان، دکتر عبدالرضا محسنی، دکتر محمدمنصور فلامکی، دکتر هادی احمدی روئینی، مهندس رضا مفاخر و شهریار خانی‌زاد. موسسه‌ی مطالعاتی نشر فضا

جلسات داوری اولین جایزه‌ی ملی مرمت و احیا

هیئت داوران

بخش اولین جایزه‌ی ملی مرمت و احـیای بناهای تاریخی و مـعاصر ایران ۱۳۹۹

اسامی از سمت راست بالا: البی قاسم‌زاده (از جمهوری آذربایجان)، دکتر محمدحسن طالبیان (معاونت محترم وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری)، دکتر منصور فلامکی، دکتر هادی احمدی روئینی(مدیر کل دفتر حفظ و احیای بناها ، بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی وزارت میرا فرهنگی)، دکتر عبدالرضا محسنی، مهندس علی سوداگران، دکتر محسن نوروزوند، مهندس رضا مفاخر، کارلوس کودو رکساس (از اسپانیا)

مدیر و دبیران علمی و اجرایی اولین جایزه‌ی ملی مرمت و احیا

اسامی از سمت راست: شهریار خانی‌زاد(مدیر رویداد)، محسن نوروزوند(دبیر علمی)، رکسانا خانی‌زاد(دبیر اجرایی)

مرمت و احیای بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی

رتبه‌ی نخست

طرح مرمت و باززنده‌سازی روستای اصفهک

فرامرز پارسی

اصفهک روستایی تاریخی است در ۳۵ کیلومتری شرقی شهر طبس که در جریان زمین لرزه‌ی روز ۲۵ شهریور ۱۳۵۷ به‌شدت آسیب دید. با کشته شدن بیش از ۸۰ نفر از ساکنان، روستای تاریخی که برای سده‌ها محل سکونت بود، متروکه گشت و به‌تدریج خالی از سکنه شد، به گونه‌ای که حدود ۵ سال پس از زلزله، تقریبا نشانی از سکونت در روستا به چشم نمی‌خورد. در پی اقدامات بازسازی پس از حادثه که بلافاصله پس از زلزله شروع شده بود، بازماندگان در خانه‌هایی که جهت اسکان موقت احداث شده بود، مستقر شدند. به‌تدریج و با ساخت خانه‌های جدید، ساکنان به بخش نوساز که عمدتا واحدهایی حیاط‌دار بوده و با سبکی متفاوت از الگوی خانه‌های بومی ساخته می‌شدند، نقل مکان کردند. با متروکه شدن روستای تاریخی، فرایند فرسایش و تخریب آن که در معرض عوامل طبیعی و انسانی قرار داشت، شدت یافت، به طوریکه در بازه‌ای ۳۵ ساله تاثیر فرسایش بر ابنیه‌ی خشتی روستا، به مراتب بیشتر از تخریب ناشی از زمین لرزه بود. ساختار منحصربه‌فرد معماری روستا از یک سو و منظر طبیعی جالب توجه بافت در کنار تمام خاطرات شیرین زندگی در روستا، از عواملی بود که ایده‌ی بازگشت به روستای تاریخی و مرمت آن را ایجاد کرد. با شکل‌گیری ایده‌ی مرمت در ذهن جوانان روستا، نخستین اقدامات بازسازی شامل نقشه‌برداری، محله‌بندی و برداشت گذرهای روستا در خلال سال‌های ۹۲-۱۳۹۱ انجام شد.

در اوایل سال ۱۳۹۳ و در پی بازدید اتفاقی مهندس فرامرز پارسی (از متخصصان مرمت کشور و مدیرعامل مهندسان مشاور عمارت خورشید) از بافت روستایی و آشنایی با اقدامات صورت گرفته در آن، آهنگ فرایند مرمت و بازسازی روستا شدت گرفت. در طول سال‌های آتی و با همت وی، بیش از چهار گروه دانشجویی با حضور در روستا، به تکمیل اسناد مطالعاتی و تهیه‌ی نقشه‌های وضع موجود و طرح مرمت پرداختند. نتیجه‌ی این امر، تهیه‌ی نقشه‌های وضع موجود بیش از ۴۰ بنا و آماده‌سازی نقشه‌های مرمت و معماری بیش از ۱۵ بنا و آموزش فنی جوانان روستا است که با پشتیبانی علمی و فنی مهندسان مشاور عمارت خورشید تهیه شده است.

نتیجه‌ی این اقدامات، بهره‌گیری از امکانات روز مرمت و مشارکت ساکنان روستا در فرایند بازسازی واحدهای مسکونی با رویکرد به اقامتگاه بوم‌گردی اصفهک است. امروزه، بیش از ۱۰ نفر از جوانان روستا، در مراحل مرمت واحدهای مسکونی آموزش دیده و اقدامات بازسازی را زیر نظر مرمتگران متخصص انجام می‌دهند. باززنده‌سازی و استحکام‌بخشی ابنیه‌ی خشتی شامل خانه‌ی بهداشت به عنوان قهوه‌خانه‌ی جدید روستا، تجدید بنای حمام (مردانه و زنانه) و مرمت مسجد قدیمی و مقبره‌های خانوادگی مجاور آن، خانه‌ی ساباط، خانه‌ی دو صفه، خانه‌ی اللهیاری، حسینی‌نیا و... در کنار بازسازی بخش‌هایی از جداره‌های خشتی روستا و توسعه‌ی زیرساخت‌های تاسیساتی، تنها بخشی از اقداماتی است که تاکنون انجام شده است. اقداماتی که همه و همه با همکاری و مشارکت اهالی روستا و به دست آنان صورت گرفته است؛ مرمتی که هنوز در روستا ادامه دارد ... .

اهمیت فعالیت انجام شده در مرمت روستای اصفهک علاوه بر نکات فنی و رویکردهای اجتماعی و مشارکتی در ارتباط بین دانشگاه و یک فعالیت واقعی بود. این فعالیت در ابتدا با کمک دانشجویان کارشناسی ارشد مرمت دانشگاه آزاد یزد ورودی ۱۳۹۲ انجام شد و سپس دو سال بعد با کمک دانشجویان کارشناسی ارشد مرمت دانشگاه یزد ورودی ۱۳۹۳ و دانشجویان مرمت کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران ورودی ۱۳۹۲ و در نهایت معماری داخلی آن با کمک دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌ی معماری داخلی دانشگاه تهران ورودی سال ۱۳۹۲ انجام شد. در ادامه فرامرز پارسی معتقد است:«کلاسی که با این دانشجویان داشتم هم برای خودم و هم برای دانشجویان بسیار با ارزش و جذاب بود. البته فعالیت‌های این دانشجویان در نهایت در دفتر عمارت خورشید رنگ و بوی حرفه‌ای گرفت و با اضافه شدن سازه و تاسیسات، قابلیت اجرا پیدا کرد.»

نام پروژه-عملکرد: طرح مرمت و باززنده‌سازی روستای اصفهک، مسکونی / **دفتر طراحی:** مهندسان مشاور عمارت خورشید
معمار اصلی: فرامرز پارسی / **همکاران طراحی:** کاوه منصوری، صابر اسدی، نیما طالبی، عماد شهابی، حامد پرهام، یونس قهرمانی، خورشید پارسی، الهه خواجویی / **برداشت و مستندنگاری و طراحی:** دپارتمان حفاظت و مرمت مهندسان مشاور عمارت خورشید، دانشجویان کارشناسی ارشد مرمت دانشگاه آزاد اسلامی یزد (نیمسال دوم ۱۳۹۳-۱۳۹۲) و (نیمسال اول ۱۳۹۴-۱۳۹۳)، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ورودی ۱۳۹۲، دانشجویان کارشناسی ارشد معماری داخلی دانشگاه تهران (نیمسال اول ۱۳۹۳-۱۳۹۲) / **طراحی و دکوراسیون داخلی:** فرامرز پارسی، خورشید پارسی، دانشجویان کارشناسی ارشد معماری داخلی دانشگاه تهران (نیمسال اول ۱۳۹۴-۱۳۹۳) / **نوع تاسیسات:** حداقل تاسیسات برقی و مکانیکی / **تیم اجرایی پروژه:** اهالی روستای اصفهک / **مدیر اجرایی پروژه:** محسن مهدی‌زاده، مصطفی یعقوبی **نوع سازه:** سازه‌های خشتی تقویت شده با مش ژئوگرید و جزئیات مربوطه / **آدرس پروژه:** استان خراسان جنوبی، ۳۵ کیلومتری شرقی شهرستان طبس، روستای اصفهک / **مساحت زمین-زیربنا:** ۳۵۰۰۰ مترمربع (۳,۵ هکتار)، ۴۰۰۰ مترمربع
کارفرما: اهالی روستای اصفهک **تاریخ شروع و پایان ساخت:** تیر ۱۳۹۴-ادامه دارد.
عکاسان: انوشه پیربادیان، کاوه منصوری / **وبسایت:** www.emaratkhorshid.com / **اینستاگرام:** @er.arc

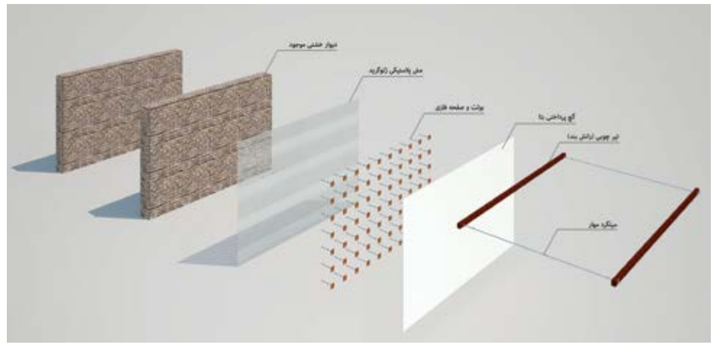
دیوار خشتی موجود
ملی پلاستیکی ژئوتکستایل
ملات و صفحه فلزی
لوله پوچی ژئوتکستایل بسته
میلگرد دیوار

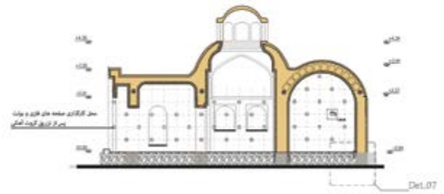

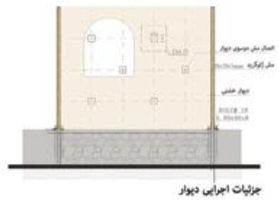
جزئیات اجرایی دیوار

خانه دوصله

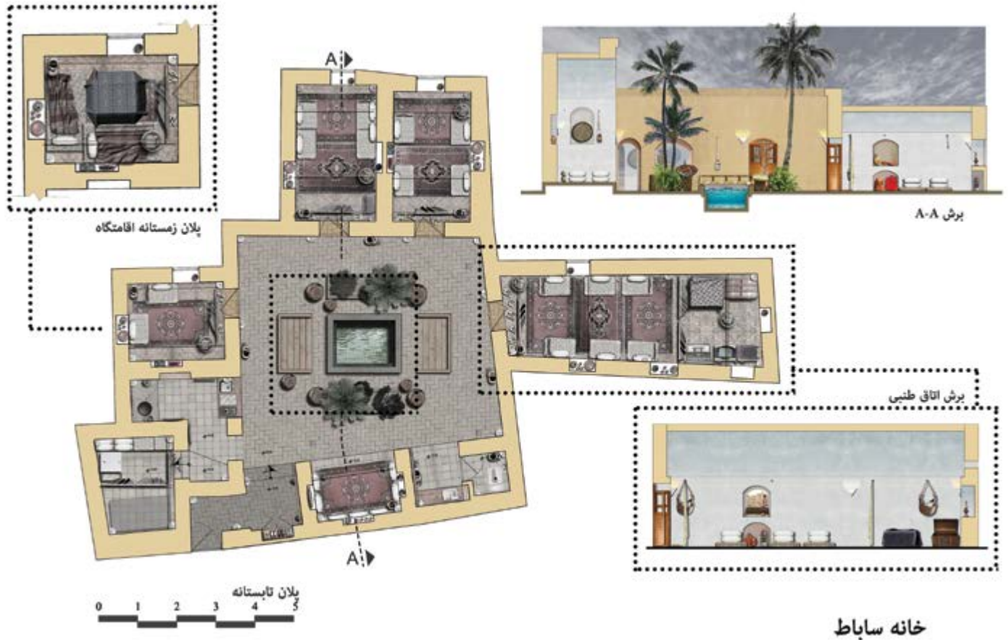
پلان زمستانه اقامتگاه
A
A
پلان تابستانه
0 1 2 3 4 5
برش A-A
برش اتاق طنبی
خانه ساباط

مرمت و احیای بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی

رتبه‌ی دوم

طرح مرمت و باززنده‌سازی روستای اشین(عشین)

مژگان باقری

به طور خلاصه ما در این پروژه چند هدف مهم را دنبال کرده‌ایم:

۱- حفاظت از منابع میراث فرهنگی روستا در بخش فراموش شده‌ی ایران مرکزی.

۲. حمایت از هویت تاریخی، معماری و فرهنگی روستا در مقابل یکنواختی ناشی از توسعه‌ی مدرنِ عصر حاضر.

۳. احیای سامانه‌ی زیستیِ خودکفا و ارزشمند روستایی با اهمیت در ادوار تاریخی.

۴- احیای جریان زندگی در روستا با تکیه بر هویت جامع آن، به جای تاکید بر احیای موزه‌ای به واسطه‌ی مرمت تک آثار شاخص روستا.

۵- درگیر نمودن جامعه‌ی محلی در مراقبت، معرفی و حفظ بستر طبیعی و تاریخی منطقه.

۶- ایجاد بستر حفاظت و توسعه‌ی پایدار به جهت بازیابی ارزش‌ها و سامانه‌ی زیستی روستا.

مهم‌ترین اقدامات انجام گرفته برای رسیدن به اهداف مذکور شامل مراحل ذیل بوده است:

۱- تکمیل پرونده و ثبت آثار با ارزش و شاخص روستا در فهرست آثار ملی.

۲- اخذ مجوز مرمت و احیا با رویکرد گردشگری برای روستای متروکه‌ی اشین.

۳- توجیه دلایل انجام کار و بازده‌ی آن در قالب طرحی کلی برای سازمان میراث فرهنگی، تایید و تصویب طرح مذکور.

۴- پلاک‌بندی خانه‌های متروکه و یافتن وارثین و مالکین آن خانه‌ها برای آغاز عملیات اجرایی.

۵- آغاز عملیات اجرایی با مرمت زمان‌بر و هزینه‌بر چند واحد روستایی در فاز اول احیا که دو سال به طول انجامید!

۶- گردشگرپذیر کردن روستا علیرغم محدودیت‌های موجود به عنوان یک اکولوژ روستایی.

۷- مرمت ۱۵ خانه‌ی روستایی با رعایت اصالت و هویت جامع روستا.

۸- ایجاد انگیزه برای بازگشت مردم محلی و بازسازی خانه‌هایشان که منجر به زنده شدن بیش از یک سوم از بافت روستایی گردید.

روند حفاظت فعال و مستمرمان در احیای اشین در پاییز سال ۹۶ باعث ایجاد انگیزه و مشارکت بیشتر مردم محلی برای مرمت و احیای خانه‌هایشان شد چنانکه طی سه سال اخیر ۹ خانه توسط افراد بومی احیا گشته است. همچنین در سال ۹۶ و با مشارکت یکی از مردمان محلی بیش از ۱۲ هزار خشت گلی در اشین تولید شد.

پس از تکمیل بخش سوم مرمت برای ۵ خانه‌ی دیگر روستایی و بخشی از مشاعات روستا اکنون بیش از یک سوم از بافت روستا مرمت و احیا شده است. احیای کالبدی، تاریخی و فرهنگی روستا اکنون زمینه‌ای را برای پرداختن جهت مرمت و باززنده‌سازی قلعه و حمام فراهم آورده است که به‌زودی بدان خواهیم پرداخت و پس از آن با احیای کامل باغات روستا، سامانه‌ی خودکفای زیستی روستا به عنوان واحه‌ای در دل کویر احیا می‌گردد همان چیزی که موجب تضمین جریان دوباره‌ی حیات به واسطه‌ی احیای نقش‌های اصلی روستا به شیوه‌ای نوین خواهد بود.

پروژه‌ی احیای اشین پس از ۴۰ سال متروکه بودن در پی تحصیل و تثبیت جایگاه تاریخی اشین به عنوان پایگاهی برای حفاظت از منابع طبیعی-تاریخی کویرنشینان با احیای سامانه‌ی زیستی خودکفای آن می‌باشد، جریانی از زندگی را متناسب با نیازهای انسان امروز اما در قالب سنت‌ها و شیوه‌های تاریخی محل به وجود می‌آورد، لذا به واسطه‌ی عدم دخالت در سامانه‌ی زیستی روستا به عنوان یک واحه در دل بیابان موجب پایداری بلند مدت طرح در سازگاری با زیست بوم می‌گردد. وضعیت نگهداری بخش‌های مرمت شده نیز به علت ایجاد جریان زندگی و استمرار آن باعث پایش مدام می‌شود که هر تنشی را در آثار برای حفاظت از خودش خنثی می‌کند. لذا این پروژه در ساده‌ترین حالت و به دشوارترین راه با رعایت و تقویت ارزش‌ها و اصالت‌های محیط و پس از آن با وسواس برای دخالت در بافت و معماری آن به صورت مرمت برگشت‌پذیر سعی در برآورده کردن قوانین مرمت و احیای جهانی با تاکید بر اصالت بومی منطقه نموده است.

بافت تاریخی روستای اشین مانند تمام بافت‌های تاریخی حامل بسیاری از ارزش‌های انسانی است که بشر در درازای تاریخ و تمدن در این گوشه از کویر به وجود آورده است. ورود بشر به دنیای صنعت و مدرنیته که باعث رفتن سکنه از اشین گردید به جای تبدیل و تطبیق روستا با نوع خاص زندگی ماشینی و صنعتی امروز که می‌توانست منجر به تغییرات ریشه‌ای و یا تخریب کلی بدنه‌ی تاریخی شود، سامانه‌ی زیستی روستا را در بخشی از تاریخ فریز نمود، تا اکنون برای بازیابی ارزش‌های روستا با تکیه بر علم مرمت بتوانیم به گونه‌ای نوین آن را زنده و احیا کنیم. چنانکه از نظر ما این بافت و ارزش‌های فرهنگی-تاریخی‌اش چنان کامل بودند که نباید چیزی بدان می‌افزودیم، کار ما فقط پاسداشت و برجسته‌تر کردن ارزش‌ها و اصالت‌های محیطی برای انتقال آن به نسل‌های آینده بوده است. لذا همه چیز منطبق بر روح و ساختار و اصالت اولیه‌ی خودش احیا شد. در واقع ما هیچ چیز بر روستا نیفزودیم جز آنکه خودمان روستایی و بخشی از آن شدیم، خودمان همه‌ی آن چیزی بود که به روستا اضافه شد!

نام پروژه-عملکرد: طرح مرمت و احیای روستای تاریخی اشین(عشین) منطبق بر نقش تاریخی روستا، اقامتی

معمار اصلی: مژگان باقری / **همکار طراحی:** عشرت گوهری انارکی / **طراحی و معماری داخلی:** مژگان باقری

مجری و مبتکر طرح: مژگان باقری / **نورپردازی:** مژگان باقری / **نوع تاسیسات:** ابتدایی و بومی روستایی / **آدرس پروژه:** استان اصفهان (فاصله‌ی ۲۵۰ کیلومتری)، شهرستان نائین (فاصله‌ی ۱۱۵ کیلومتری)، بخش انارک (با فاصله‌ی ۵۰ کیلومتری)، روستای اشین (عشین)

مساحت زمین-زیربنا: ۵ هکتار-۵۰۰ مترمربع شامل ۱۵ خانه‌ی روستایی / **کارفرما:** مژگان باقری

تاریخ شروع و پایان ساخت: فاز اول: ۱۳۹۳-۱۳۹۱، فاز دوم: ۱۳۹۶، فاز سوم: ۱۳۹۸-۱۳۹۷ / **عکاس:** مژگان باقری

وبسایت: www.AshinIran.com / **ایمیل:** mozhgan.anaraki@gmail.com / **اینستاگرام:** @AshinIran

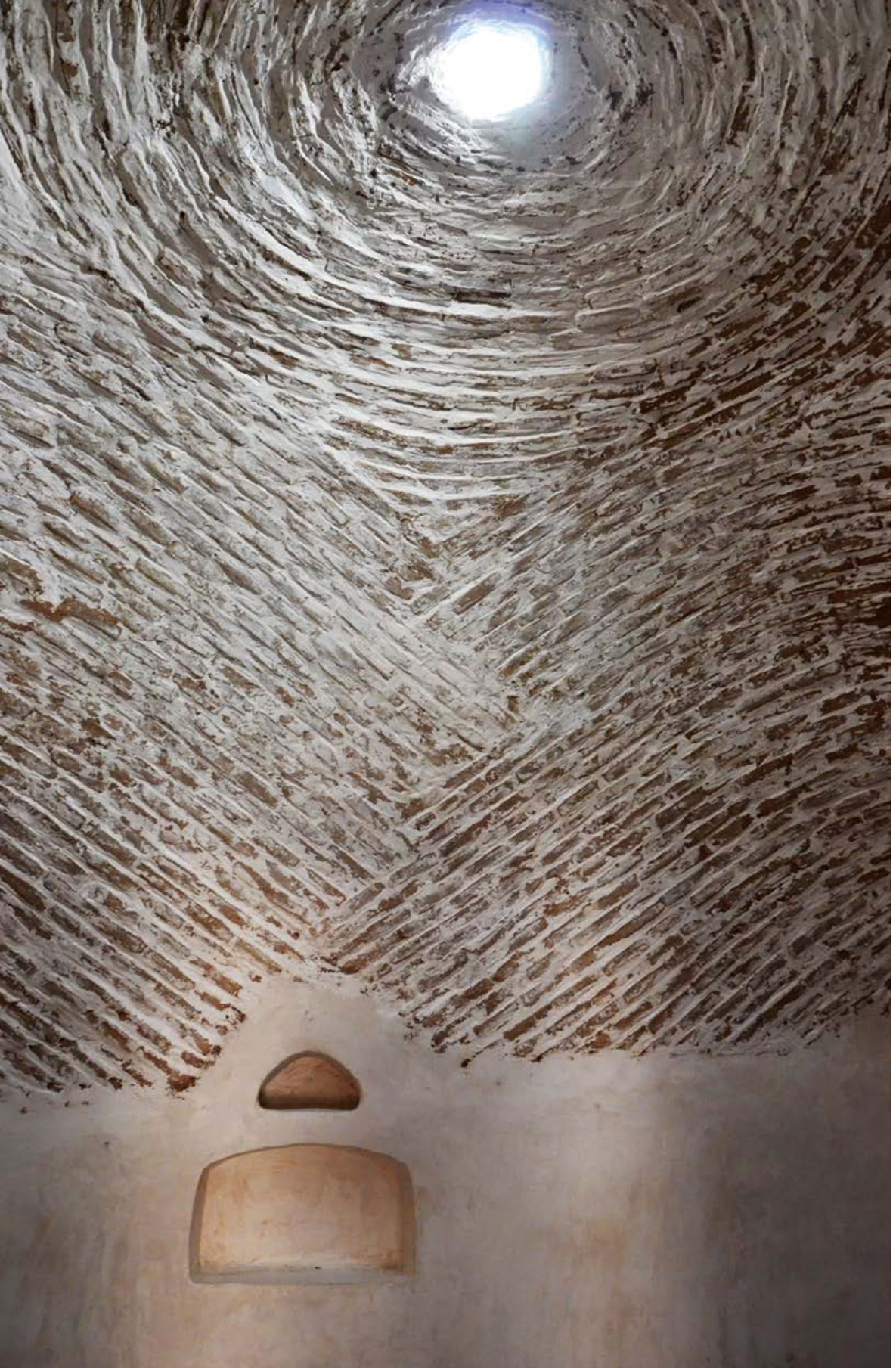

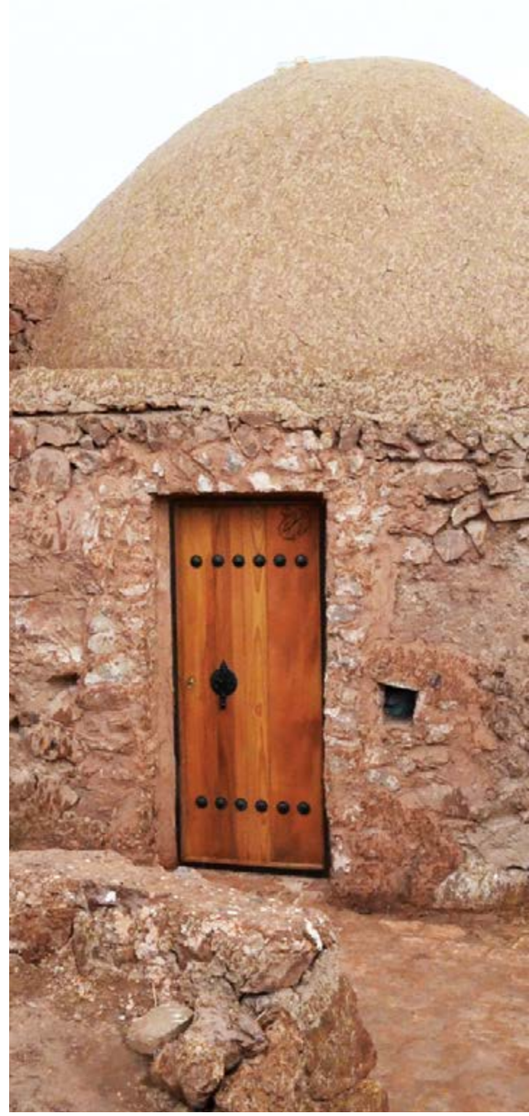

مرمت و احیای بناهای تاریخی

رتبه‌ی نخست و بهترین بهترین‌ها از میان آثار رسیده
به دبیرخانه‌ی اولین جایـــزه‌ی مـــلی مرمت و احیا

هتل‌سرای عامری‌ها

اکبر تقی‌زاده اصل، سید اکبر حلی

خانه‌ی تاریخی عامری‌ها یکی از خانه‌های دوران قاجاریه با حدود دو قرن قدمت موصوف به وسیع‌ترین خانه‌ی تاریخی در ایران است. این بنا دارای ۷ باب حیاط بیرونی و اندرونی تو در تو است که روی بقایای آثار صفوی که در زلزله‌ی سال ۱۱۹۲ در کاشان رخ داده بنا گردیده است.

در زمان آغاز مرمت قسمت‌هایی از بنا به شدت تخریب گردیده بود و بخش‌هایی از خانه زیر خروارها خاک دفن شده بود. این خانه‌ی زیبا متاسفانه حدود سی سال بزرگترین مصالح فروشی شهر کاشان شده بود و قبل از شروع کار مرمت بیش از ۵۰۰۰ مترمکعب خاک و نخاله‌های ساختمان‌های کاشان که سرداب‌ها و حیاط‌های خانه را بالاتر از سطح خیابان پر کرده بودند تخلیه شده و بقایای حوضخانه‌ی اصلی خانه نیز پس از تخلیه‌ی خاک و نخاله‌های پر شده در آن، در وسط خیابان علوی به رغم مخالفت شدید مدیران و مردم منطقه بیرون آورده و بنای فوق در سطح دو سوم عرض خیابان بازسازی شد.

فضاهای خاص خانه شامل سرداب‌ها و اطاق‌های شاه‌نشین و تالارهای جلوی آن به انضمام سرپوشیده‌های متنوع با نمونه‌هایی از تزئینات اصول اربعه در معماری ایرانی است.

این خانه یکی از زیباترین خانه‌های تاریخی کاشان به شمار می‌رود. بخش‌هایی از بنا توسط مصالح‌فروش بزرگ شهرستان تخریب گردیده بود. برای شروع مرمت و بازسازی ابتدا نخاله‌های موجود انباشته شده در فضاها از خانه به بیرون منتقل شد و آواربرداری پشت‌بام‌های باقیمانده صورت پذیرفت. سپس ضمن صندوقه‌سازی پشت‌بام‌ها عملیات شیب‌بندی و بام‌سازی صورت گرفت. سپس اقدام به ساخت درب‌های چوبی و اجرای عملیات گچبری و آیینه‌کاری اطاق آینه و آجرکاری ازاره‌ها و سایر نازک‌کاری و تزئینات وابسته به معماری بنا شد. و در خاتمه تثبیت مصالح نازک‌کاری انجام و پروژه جهت تجهیز و بهره‌برداری آماده شد.

نام پروژه: هتل سرای عامری کاشان
کارفرمای فاز اول: هیئت امنای مرمت و بازسازی خانه‌های تاریخی کاشان به سرپرستی حسین محلوجی
کارفرمای فاز دوم: طرح پردیسان میراث فرهنگی کشور با مدیریت اکبر تقی‌زاده اصل / **مرمت و بازسازی:** اداره میراث فرهنگی شهرستان کاشان (سیف اله امینیان، سید اکبر حلی)، سازمان میراث فرهنگی دفتر طرح پردیسان (سید محمد بهشتی و اکبر تقی زاده اصل)، صندوق احیاء و بهره برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی و شرکت سرمایه گذاری ساختمانی عظام (اکبر تقی زاده اصل) / **طراحی معماری:** سید اکبر حلی، شادروان مهندس مصطفی مقتدایی، عبدالرحمن ماهوش، احمد طالبی نژاد، اکبر تقی زاده اصل، عادل فرهنگی / **طراحی معماری داخلی:** امیر انوشفر، ساناز سروش‌فر / **مدیر پروژه:** اکبر تقی زاده اصل، عادل فرهنگی / **مساحت:** عرصه ۱۲۰۰۰ متر مربع، زیربنا حدود ۹۰۰۰ متر مربع / **روسای کارگاه:** سید اکبر حلی، مصطفی مقتدایی، طالبی، علی ادهمی، بهرام نسترنی / **مشاور طراحی معماری:** مرحوم مهندس مصطفی مقتدایی / **ناظرین:** شورای فنی میراث فرهنگی، شورای فنی دفتر طرح پردیسان، شورای فنی صندوق احیاء و بهره برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی / **سیستم گرمایش و سرمایش:** چیلر و فن کوئل / **آدرس پروژه:** کاشان، خیابان علوی / **عکاسان:** آرشیو دفتر شرکت سرمایه‌گذاری عظام
ایمیل: hellimemar@gmail.com

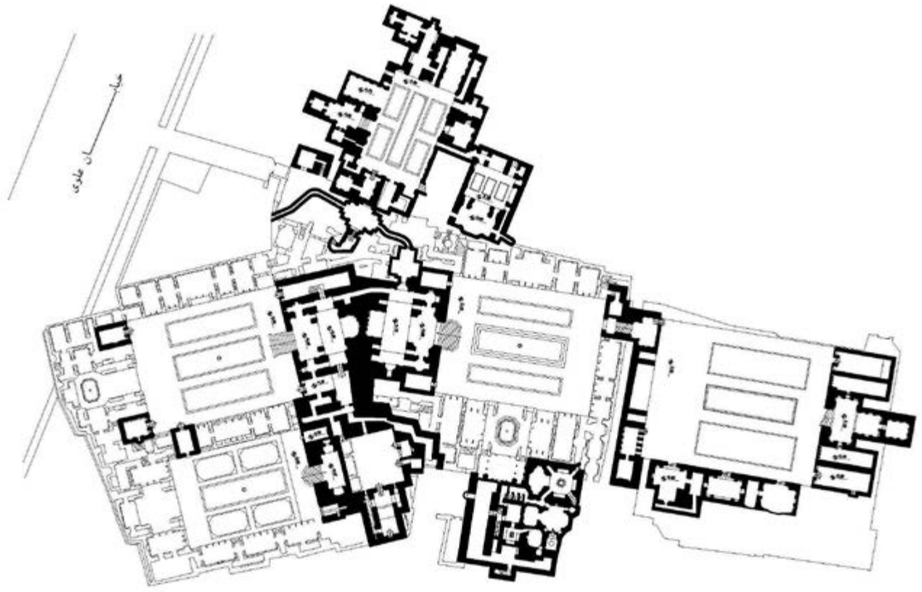

پلان زیرزمین

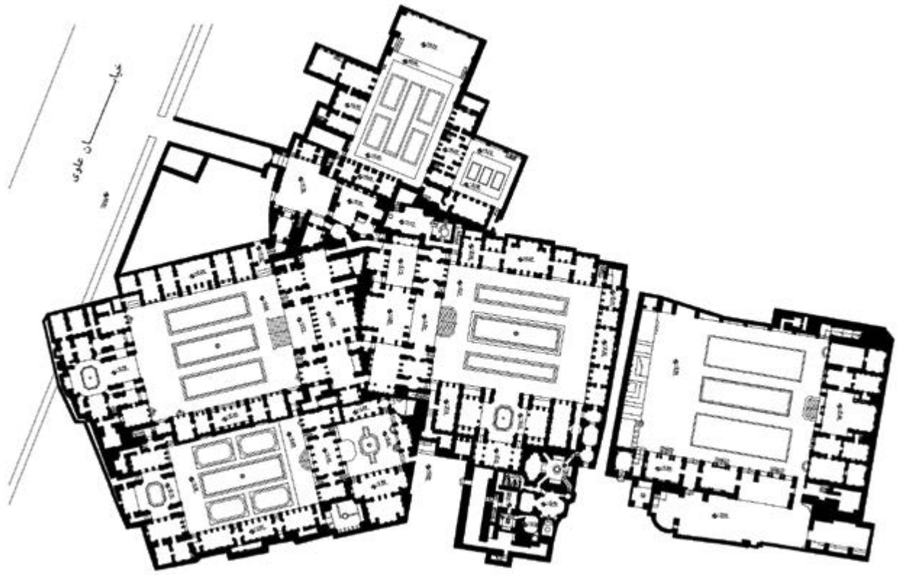

پلان همکف

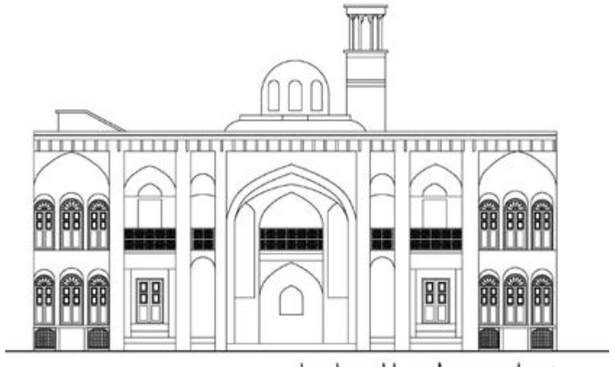

نـــمای جنوبی از حیاط عـــامریها

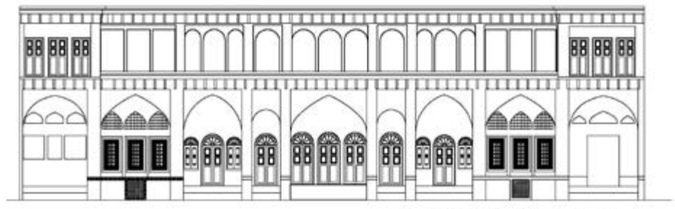

نـــمای غـربی از حیاط عـامریها

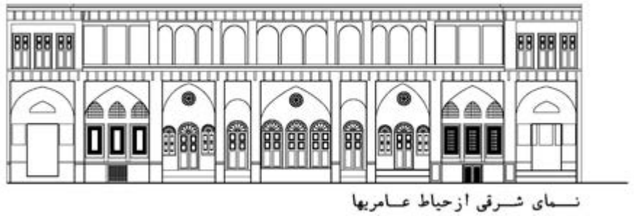

نـــمای شـرقی ازحیاط عـامریها

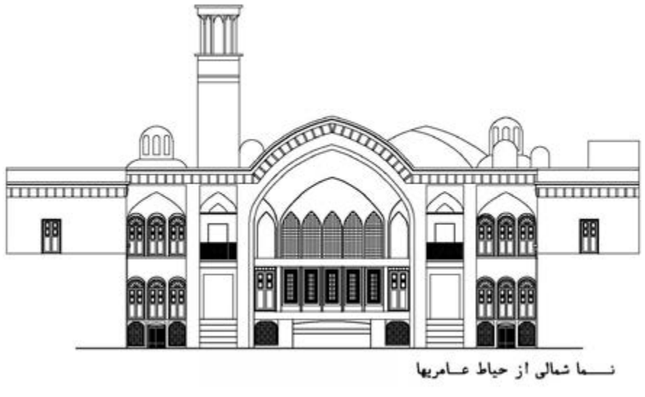

نـــما شمالی از حیاط عـامریها

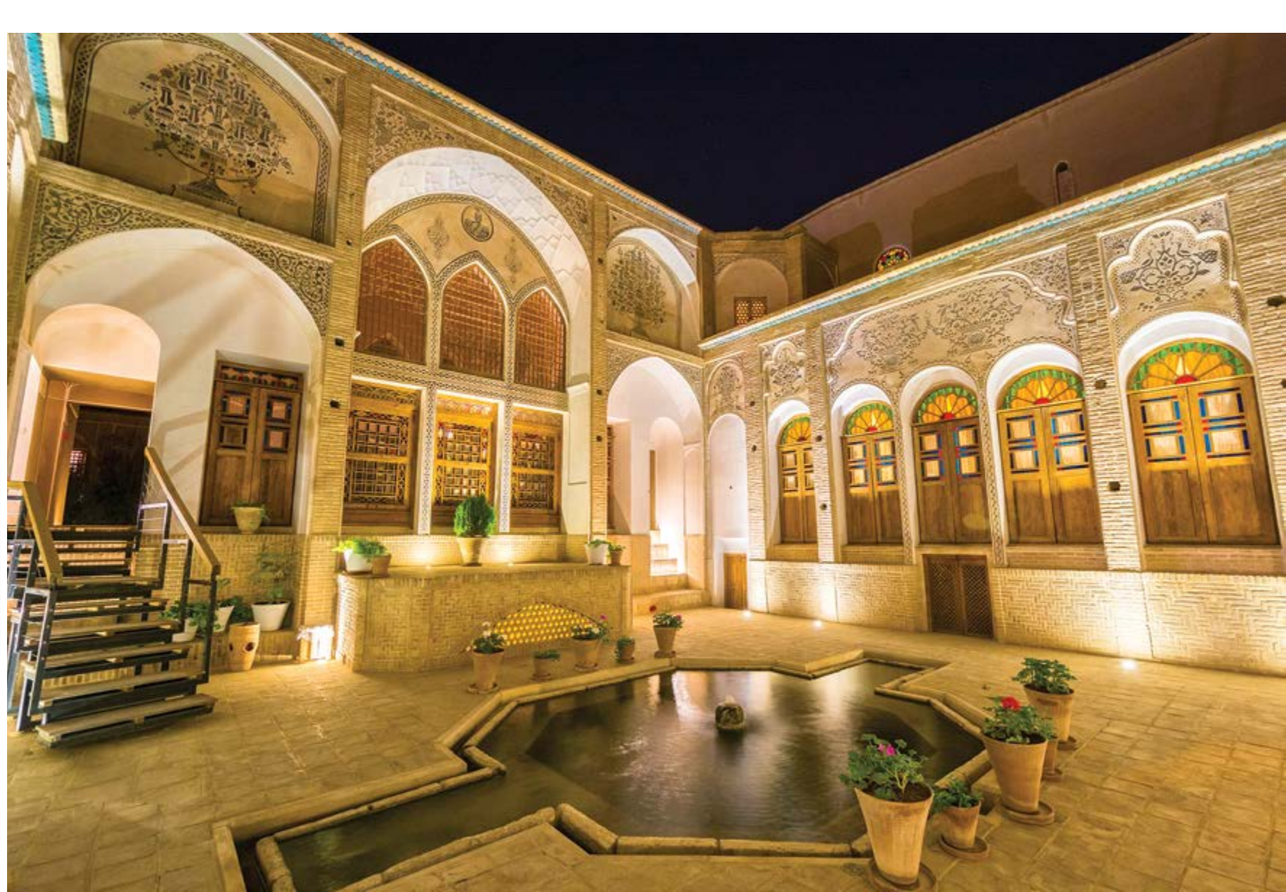

مرمت و احیای بناهای تاریخی

رتبه‌ی دوم

مرمت و احیای عمارت تاریخی جمشیدی

سید حمید اشرفی، لادن شکرگذار جهرمی

ایده‌ی کلی طرح بر اساس باززنده‌سازی بنای تاریخی با رویکرد بهره‌وری معاصر و حفظ الگوهای تاریخی-معماری بنا بدون هیچگونه دخل و تصرف شکل گرفت. طرح جامع مرمتی عمارت تاریخی منسوب به جمشیدی در سه مرحله‌ی بسترسازی و تدارک اولیه، طراحی و اجرا تشریح شد. در این راه تلاش حداکثری برای ارائه‌ی طرح‌های مقاوم‌سازی بنا و الگوپذیری صحیح از راهکارهای مفید مرمت صورت گرفته است.

عمارت جمشیدی (مدرسه‌ی سابق شهید مهدی قمری) مربوط به اوایل دوره‌ی پهلوی توسط معمار بنام شیرازی مرحوم ابوالقاسم مهندسی ساخته شده است. این اثر در سال ۱۳۸۰ با شماره‌ی ثبت ۴۶۷۶ به متراژ ۲۳۶۷ مترمربع به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. در سال ۹۶ این ملک توسط آموزش و پرورش به مزایده گذاشته شد و شرکت عمران و مسکن سازان استان فارس با توجه به اهداف بلندمدت خود و همچنین رسالت حفظ و نگهداری بناهای تاریخی، اقدام به مرمت بنا نمود.

ورودی عمارت جمشیدی در شمال شرقی بنا واقع شده است. ارتفاع طاق در سازه ۴/۱۶ متر و عرض آن ۲/۳۳ متر می‌باشد. نمای بیرونی عمارت شامل ۲ ایوان بزرگ، ۲ بالکن، ۶ عدد ستون، گچبری‌های بدنه، نورگیرهای مزین، در و پنجره‌های چوبی، ازاره‌ی سنگی، شیرسرهای چوبی، آجرکاری، ورق فلزی گل بری، حفاظ چلنگری، پله‌های ورودی سنگی، سنتوری و تناسبات سازه با تاکید بر عظمت‌گرایی بوده و مصالح به کار رفته در ساخت بدنه، خشت با نمای آجر می‌باشد.

در کل می‌توان گفت نمای جبهه‌ی شمالی شاخص‌ترین نما و گچبری‌های به سبک فرنگی یا چدنی بیشترین تزئینات نمای بیرونی را شامل می‌شود. پلان طبقه‌ی همکف و طبقه‌ی اول هرکدام به ۶ فضای مجزا و جمعا ۱۲ اتاق تقسیم می‌شوند. در بخش مرکزی سقف عمارت، دو بادگیر در مرکز بنا هستند که بازشوی دریچه‌های آن در دو اتاق شاه‌نشین قرار دارد. ارتفاع این دو سازه‌ی تهویه از سطح زمین حدود ۱۱ متر می‌باشد.

جهت بررسی و انجام مطالعات آسیب‌شناسی بنا، نیاز به دسته‌بندی و تفکیک آنها ضروری است، اما نباید فراموش کرد که آسیب، خود معلول یک یا چند عامل مخرب می‌باشد و به صرف مشاهده‌ی ظاهری نمی‌توان در خصوص علت یا علل قطعی آن اظهار نظر کرد، بنابراین اصلی‌ترین عامل آسیب‌رسان به عنوان علت در طراحی مرمت مورد نظر قرار گرفت. آسیب‌نگاری، همزمان با آسیب‌شناسی انجام شد. فتوگرامتری و خروجی عکس تخت در اضلاع بنا صورت گرفت. سپس عارضه‌های حادث شده ابتدا بر روی عکس‌ها پیاده‌سازی و به صورت کروکی در نقشه‌ها تحلیل شد. در نهایت طرح مرمت بر اساس درمان منشا آسیب‌ها و استحکام‌بخشی بنا ارائه و اجرا گردید. بر خود لازم می‌دانیم که از استادکاران و هنرمندان مرمت‌کار، سرکار خانم عاطفه حسین‌پور و آقایان بیژن حسینی و عبدالعلی قدرت که در حفظ این اثر ما را یاری کردند، تشکر کنیم.

نام پروژه-عملکرد: مرمت و احیای عمارت تاریخی جمشیدی، گردشگری (بوتیک هتل)
شرکت مهندسی: عمران و مسکن سازان استان فارس به مدیریت سید حمید اشرفی
طراح اصلی و مرمت: لادن شکرگذار جهرمی / **ناظران:** نصیر عباس‌زاده، لیلا سلطانیان / **همکار طراحی:** نفیسه گلستانی
کارفرما و مجری: شرکت عمران و مسکن‌سازان فارس / **آدرس پروژه:** شیراز، خیابان منوچهری، کوچه‌ی ۱۲
سال طراحی و مرمت: ۱۳۹۸-۱۳۹۷ / **عکاس:** مرتضی رضایی
وبسایت: www.rihfars.ir-www.msfars.ir / **ایمیل:** info@msfars.ir / **اینستاگرام:** @miras_maandegar

قبل از مرمت
حین مرمت
بعد از مرمت

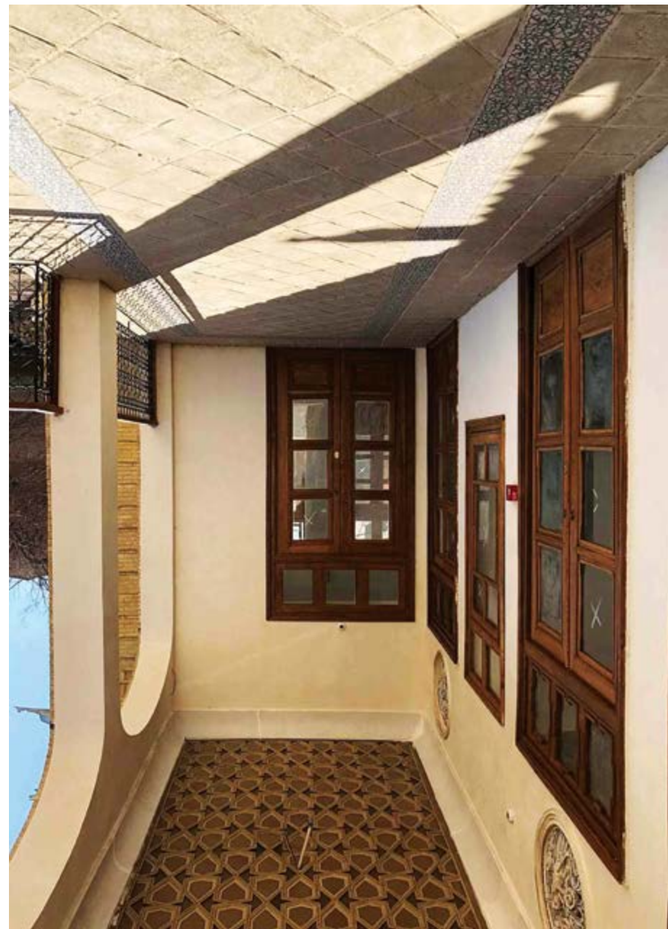

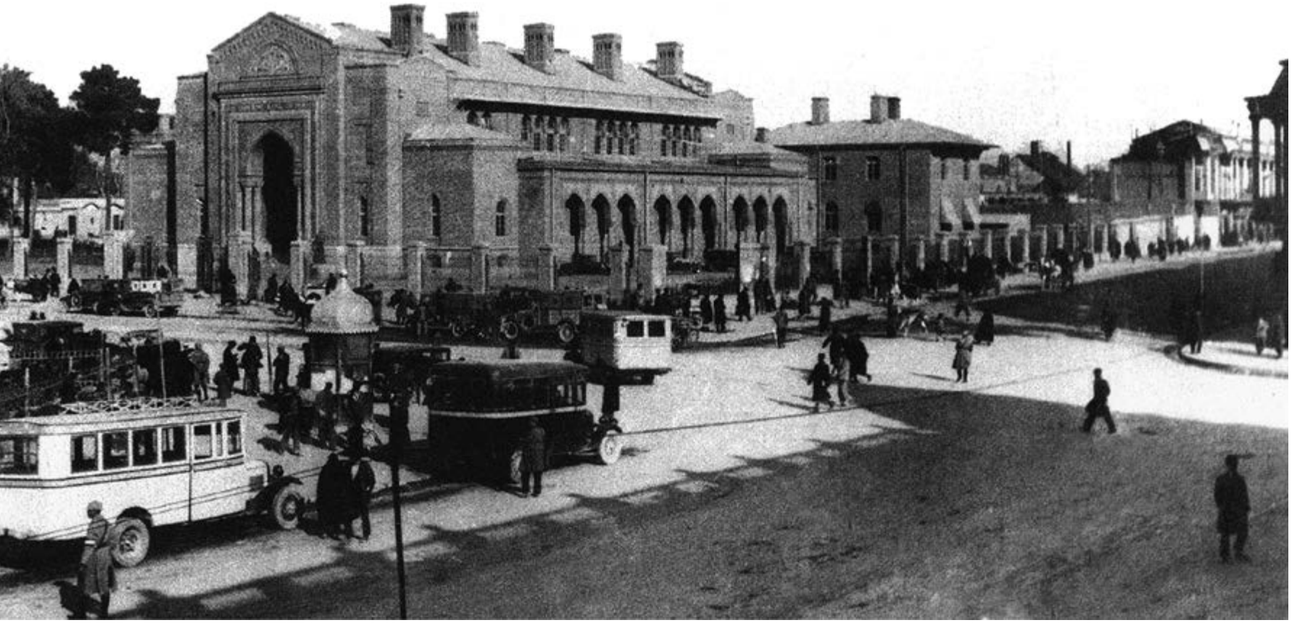

مرمت و احیای بناهای تاریخی

رتبه‌ی سوم مشترک

مرمت، بازسازی و احیای ساختمان تاریخی بانک تجارت

فرامرز پارسی

ساختمان تاریخی بانک تجارت (بانک بازرگانی)، نخستین بانک طراحی شده در ایران است که طی سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۰۶ ه. ش. پس از تخریب ساختمان بانک بازرگانی که خانه‌ی شخصی قهرمان میرزا امین لشگر بود، با بهره‌گیری از الگوی بانک‌های اروپایی احداث گردید. بنای اولیه، باسیلیکایی دو طبقه بود که طبقه‌ی همکف آن به فضای میانی (پیشخوان اصلی) و راهروهای اداری در طرفین و طبقه‌ی زیرزمین به خزانه‌ی بانک اختصاص داشت. معمار انگلیسی با وجود پیروی از الگوی اروپایی با توجه به معماری ایرانی، عناصر و موتیف‌های ایرانی را به بنا اضافه نمود که مهم‌ترین آنها سردر بنا توسط استاد حسین لرزاده طراحی و اجرا گردید. در طی دوران بهره‌برداری و با افزوده شدن عملکردهای جدید، شکل عمومی بنای اولیه دستخوش تغییر شده و طی چهار دوره ساخت‌وساز جدید (در دوره‌ی پهلوی)، فضاهایی به آن افزوده شد؛ به گونه‌ای که از مهم‌ترین الحاقات آن می‌توان به سالن ارزی بانک در بخش شرقی اشاره نمود که احتمالا از کارهای هوشنگ سیحون می‌باشد. ساختار التقاطی بنا که ترکیبی از الگویی وارداتی و تزئیناتی عمدتا ایرانی است، در کنار دیگر بناهای تاریخی محوطه و نیز همجواری‌های ارزشمند موجود در میدان توپخانه (از جمله ساختمان مخابرات، شهربانی سابق، موزه‌ی صنعتی و...)، بر اهمیت این مجموعه افزوده است.

وجود آسیب‌های متعدد در بنا از جمله آسیب‌های سازه‌ای (ترک‌های ناشی از نشست زمین، ناشاغولی دیوارهای باربر، شکست تیرهای خرپا و...)، ناهنجاری‌های معماری شامل الحاقات نامتجانس و فاقد ارزش، تخریب و حذف جزئیات اجرایی اصیل اولیه و ناخوانایی تزئینات منحصربه‌فرد و... و نیز آسیب‌های تاسیساتی مجموعه موجب گردید تا بهره‌برداران آن نسبت به انجام مرمت و باززنده‌سازی بنا اقدام نمایند. از همین رو، با طی روند قانونی، مشاور پروژه تعیین گردیده و اقدامات شناخت، آسیب‌شناسی و طراحی مرمت توسط مهندسان مشاور عمارت خورشید در سال ۱۳۸۹ صورت پذیرفت. با توجه به ساختار تاریخی و اصیل بنا و همچنین آسیب‌های بالقوه و بالفعل موجود در آن، مداخلات پیشنهادی در پروژه، به صورت محدود، کنترل شده و صرفا با هدف خواناسازی ارزش‌های فضایی و منحصرا محدود به پاکسازی الحاقات بی‌ارزش، تثبیت خاک بستر و فنداسیون و استحکام‌بخشی سازه (در کلیه‌ی ترازهای بنا)، الحاق تاسیسات مکانیکی، الکتریکی و الکترونیکی مرکزی بوده است. از سوی دیگر، عملکرد آتی این مجموعه با حفظ عملکرد بانک در طبقه‌ی همکف به عنوان شعبه‌ی ارزی و ریالی که به عنوان عملکرد تاریخی این بنا جزو ارزش‌های آن به شمار می‌رفت، در طبقه‌ی زیرزمین بخش خزانه تبدیل به موزه‌ی بانک و در طبقات دیگر به صورت مجموعه‌ی فرهنگی و نمایشگاهی احیا گردید.

نام پروژه-عملکرد: مرمت، بازسازی و احیای ساختمان تاریخی بانک تجارت، اداری

دفتر طراحی: مهندسان مشاور عمارت خورشید / **معماران اصلی:** فرامرز پارسی
همکاران طراحی: سید وحید افصحی، روناک فهیمی، عمید پارسی، آزاده یوسف‌نژاد، نیما طالبی، حامد پرهام، فرشته داوودی، علی شایسته / **برداشت و مستندنگاری:** دپارتمان حفاظت و مرمت مهندسان مشاور عمارت خورشید
طراحی و دکوراسیون داخلی: سیدوحید افصحی، آذر میرزایی / **سازه:** سازه‌های آجری تقویت شده / **تاسیسات:** موتورخانه مرکزی و سیستم فول برد الکتریکی و الکترونیکی بانکی / **کارفرما:** اداره‌ی مهندسی و توسعه‌ی املاک بانک تجارت / **آدرس پروژه:** تهران، ضلع شرقی میدان امام‌خمینی (توپخانه) / **مساحت سایت پروژه:** ۱۲،۰۰۰ مترمربع (۱،۲هکتار)
مساحت بخش مرمت‌شده: ۶۰۰۰ مترمربع / **تاریخ شروع و پایان ساخت:** ۱۳۹۷-۱۳۹۱
عکاسان: فرشید رحیمی، سید فرید توکلی / **وبسایت:** www.emaratkhorshid.com / **اینستاگرام:** @ek.arc

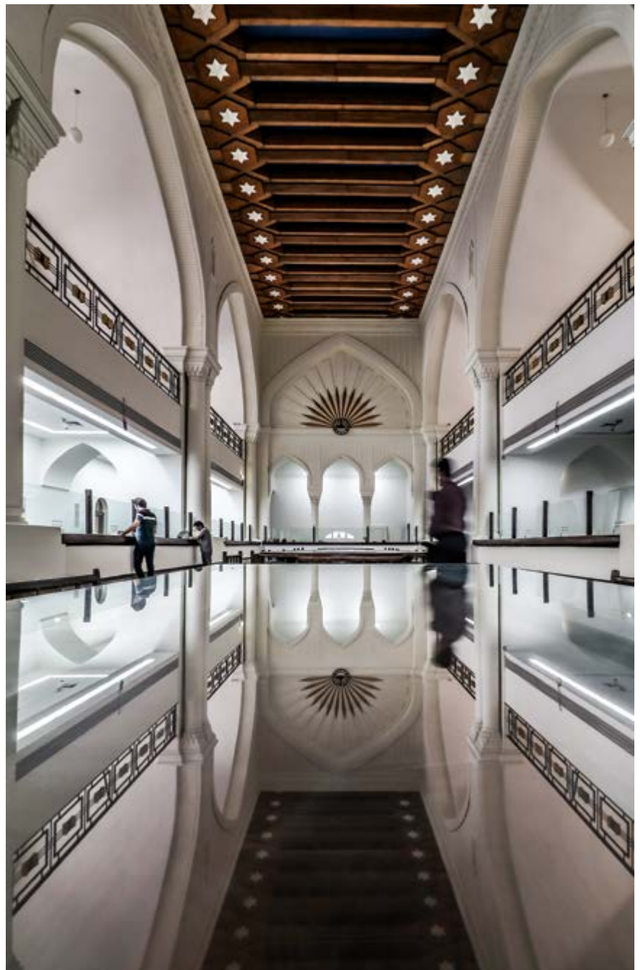

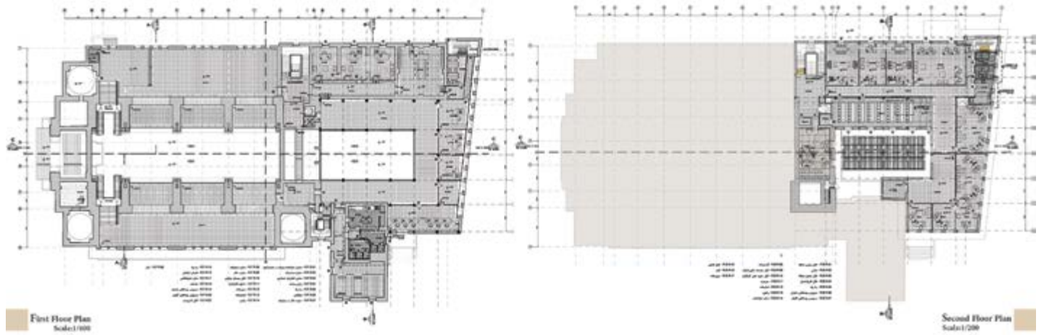

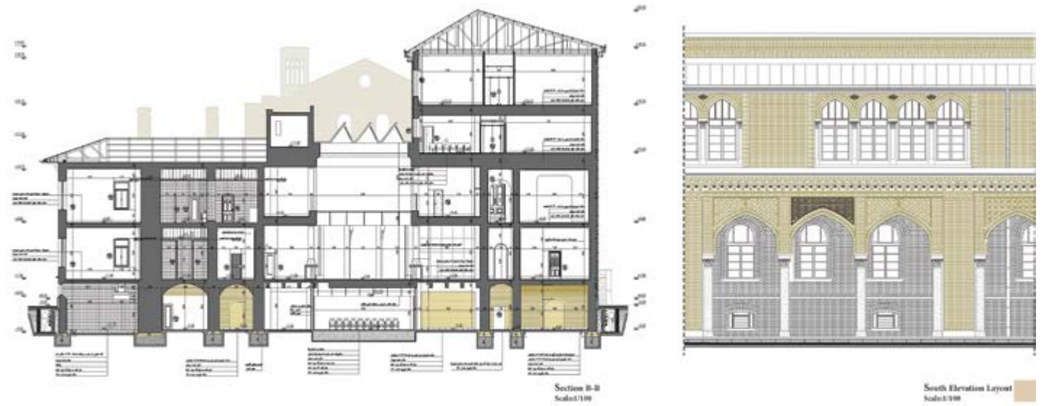

تصاویر قبل از مرمت

مرمت و احیای بناهای تاریخی

رتبه‌ی سوم مشترک

مرمت و احیای خانه‌ی تاریخی رضا قلی‌نژاد

علی نیک‌سرشت، هادی یمینی

خانه‌ی رضا قلی‌نژاد یکی از ده‌ها خانه‌ی قدیمی در بافت قدیم شهر گرگان است؛ خانه‌ای متعلق به دوران قاجار در ضلع جنوب‌غربی امامزاده نور که از سمت جنوب‌شرق نیز به مجموعه‌ی باقری‌ها و تقوی‌ها می‌رسد. این خانه در محله‌ی سرچشمه‌ی گرگان واقع شده که به لحاظ تاریخی و فرهنگی یکی از ارزشمندترین و مهم‌ترین محلات شهر گرگان است.

مجاورت سرای خان با بناهایی همچون امامزاده نور، عمارت تقوی‌ها و سرای باقری‌ها باعث محبوبیت بیشتر آن برای گردشگران شده است؛ زیرا آنها می‌توانند با طی مسافت‌هایی کوتاه خود را به هریک از این بناها برسانند و از آنها دیدن کنند. این بنای تاریخی دارای ۶۶۷ متر زیربنا و شامل دو بخش ورودی در ضلع جنوبی و شرقی خود است. درِ اصلی بنا به بخش حیاط مرکزی باز می‌شد و درِ فرعی به اصطبل بنا. دور تا دور حیاط مرکزی اتاق‌هایی وجود داشتند که برخی از آنها در زمان قاجار ساخته شده بود.

یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد خانه‌ی رضا قلی‌نژاد یا سرای خان این است که این بنا جزو معدود بناهای قدیمی گرگان است که زیرزمین دارد. فضای زیرزمین اغلب به عنوان محلی خنک برای فرار از گرما و رطوبت در روزهای تابستان، و همچنین محلی برای نگهداری مواد غذایی مورد استفاده قرار می‌گرفت. برای ساخت این بنا از مصالحی همچون خشت، چوب و سفال استفاده شده، سقف بنا نیز همچون سایر خانه‌های این منطقه به‌صورت شیروانی و از جنس سفال بوده است.

مجموعه‌ی تاریخی-فرهنگی سرای خان

(شکل فعلی خانه‌ی رضا قلی‌نژاد)

بخش ورودی اصلی سرا در بن‌بستی جنب امامزاده نور واقع شده است. دری چوبی با کوبه‌های مخصوص زنان و مردان که هر دو لنگه‌ی آن باز است. دیوارهای آجری اطراف خانه و همچنین سکوهای کوچکی که در دو طرف درِ ورودی قرار گرفته‌اند، شکل جالبی دارند. سکوهایی که روزگاری محلی برای نشستن مردم و گفت‌وگو با همسایگان بودند و اکنون گلدان‌های شمعدانی سعی می‌کنند جای خالی آن مردم و صدای صحبت‌های آنها را پر کنند.

اما وقتی قامت خم کنید و وارد خانه شوید، نخستین چیزی که جلب توجه می‌کند راهرویی باریک و کوتاه است که در سمت چپ خود سکویی دارد و حالا مزین است به گلدان‌های سفالی با گل‌های رنگارنگ. روی دیوار سمت چپ نیز آیینه‌هایی کار شده است که زیبایی‌های این بخش از خانه را منعکس و آن را دوچندان می‌کنند. از این بخش که عبور کنید، وارد بخش ابتدایی حیاط می‌شوید.

چیدمان چشم‌نواز حیاط اول و حوض

حوضی کوچک و فیروزه‌ای رنگ و چاه و سطل آبکشی که به شکلی زیبا در کنار آن ساخته شده است در میانه‌ی حیاط قرار دارند. در اطراف این فضا، بنایی دو طبقه دیده می‌شود با تراسی دور تا دور طبقه‌ی دوم، که در زبان محلی به آن تِلار می‌گویند، درهای چوبی با تزیینات شیشه‌ای و مشبک در طبقه‌ی دوم و سقف شیروانی سفالی. زیبایی و آرامشی که در این فضا احساس می‌شود، آنقدر گیراست که زمان از یاد می‌رود.

نور آفتابی که در حیاط پهن شده، زنده بودن فضا، تقارنی که به شکلی زیبا در ساخت این قسمت به کار گرفته شده است، و در نهایت تناسب رنگ‌ها که زیبایی این قسمت را تکمیل کرده است، باعث می‌شود برای دقایقی هم که شده همه چیز را فراموش کنید و در آرامش این فضا شناور شوید. اتاق‌هایی که در این بخش قرار دارند، اکنون نام‌های خاصی برای خود دارند، سمرقند، بخارا، استرآباد. این اتاق‌ها در حقیقت مهمان‌خانه‌هایی هستند که می‌توانند از قبل رزرو شوند و به این ترتیب حریم خصوصی برای افرادی که به اینجا می‌آیند فراهم کنند.

حیاط کوچک اندرونی سرای خان

از این قسمت که گذر کنید، وارد حیاطی کوچک‌تر می‌شوید که از لحاظ ساختار شبیه به حیاط ورودی است، حوضی کوچک، درهای چوبی با شیشه‌های رنگین و یک سکوی کوچک با نرده‌های چوبی. پس از عبور از این قسمت، به زیباترین بخش سرای خان وارد می‌شویم. حیاطی بزرگ در مقابل دیدگان پدیدار می‌شود، دلباز، زیبا و پر از آرامش.

آبی آسمان، نور خورشید، صدای پرندگان، آرام بودن فضا و نظمی که در این قسمت وجود دارد نخستین چیزهایی هستند که در اینجا احساس می‌شوند. بزرگ بودن فضای حیاط اصلی این امکان را ایجاد کرده است که تعداد زیادی میز و صندلی با فاصله‌ی مناسب از هم در اینجا قرار گیرند، در سمت چپ، اتاقی چوبی با بخش‌هایی خراطی‌شده و زیبا که محل آماده‌سازی غذاهاست، بر زیبا کردن این فضا تاثیری ویژه گذاشته است.

نام پروژه-عملکرد: مرمت و احیای خانه‌ی رضا قلی‌نژاد، مجموعه تاریخی-فرهنگی

معمار و مجری: علی نیک‌سرشت / **سرمایه‌گذار، بهره‌بردار و همکار طراحی:** هادی یمینی

طراح مرمت: صدف نامور / **طراح داخلی:** سعیده احمدی، ناهید حیدری / **سازه:** استحکام‌بخشی، چوب و آجر

تاسیسات: اسپلیت (سرمایش و گرمایش) / **آدرس پروژه:** گرگان، خیابان امام خمینی، آفتاب دهم، ضلع غربی امامزاده نور، بن‌بست سجاد علوی، مجموعه‌ی تاریخی-فرهنگی سرای خان / **مساحت کل-زیربنا:** ۶۶۷ مترمربع، ۳۵۵ مترمربع

تاریخ شروع و پایان ساخت: ۱۳۹۸-۱۳۹۷ / **عکاس و مستندساز:** محمدرضا اکبری / **اینستاگرام:** Art-Nikseresht@

SECTION A-A SC : 1:100

GROUND FLOOR PLAN SC : 1:100

مرمت و احیای بناهای معاصر

رتبه‌ی نخست مشترک

بوتیک هتل شمشک

امیررضا فرهبد

عملیات مرمت و احیای مجموعه‌ی بوتیک هتل شمشک از سال ۱۳۹۴ آغاز و در سال ۱۳۹۷ با افتتاح آن توسط وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایران آغاز به کار کرد.

از مهم‌ترین رویدادها در این مجموعه، انجام عملیات مرمت و احیا بر اساس اصول علمی و فنی بین‌المللی بوده و اصالت اولیه‌ی بنا حفظ شده است. این هتل بعد از حدود ۲۰ سال تعطیلی که منجر به تخریب و ریزش بخش‌های بسیاری از آن شده و رفته رفته در حال نابودی کامل بود با حمایت بخش خصوصی مرمت و احیا گردید و برای نجات همیشگی آن، در تاریخ ۱۳۹۸/۰۶/۱۷ به شماره‌ی ۳۲۶۱۴ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید و در حال حاضر ۳۵ نفر محلی در آن مشغول به کار بوده و از مهاجرت آنها و خانواده‌های محترمشان به شهرهای بزرگتر جلوگیری شده است. کلیپ معرفی مرمت این بنا با ۳ دقیقه، دارای رکورد بازدید با ۱۵ میلیون بار نمایش در شبکه‌های اجتماعی ایران است.

تاریخچه‌ی هتل

در ابتدای دوره‌ی پهلوی اول (بعد از سال ۱۳۰۴ شمسی) شهر «شمشک» و اطراف آن، معدن استخراج ذغال سنگ بود و از آن برای سوخت و حرکت قطارها استفاده می‌شد. برای انجام امور استخراج از آلمانی‌ها کمک گرفته شد و مرکز برق و ساختمان‌هایی برای اقامت آنها در شمشک احداث شد. مرکز تولید برق در سال ۱۳۰۵ و عمارت خوابگاه در سال ۱۳۱۲ تکمیل و مورد استفاده قرار گرفتند ولی پس از چند سال با تغییراتی که در فناوری و تولید سوخت در ایران انجام شد، مرکز تولید برق و عمارت خوابگاه تعطیل شد.

در دوره‌ی پهلوی دوم تصمیم گرفتند «پیست اسکی» در شهر شمشک احداث و هتلی برای اقامت مهمانان ساخته شود. شرکت «تونبرگ آلمان» در سال ۱۹۶۵ میلادی (۱۳۴۴ شمسی) برای احداث هتل به محل مراجعه و ساختمان مرکز تولید برق را حفظ و هتل را در سه طبقه بر فراز آن احداث کرد. هتل تا بعد از انقلاب اسلامی فعال بود تا اینکه در دهه‌ی هشتاد تعطیل شد. در سال ۱۳۹۴ بخش خصوصی با سرمایه‌گذاری موفق شد هتل را مجددا پس از دو سال و نیم عملیات اجرایی در سطح استانداردهای بین‌المللی مرمت و ساختمان خوابگاه را به رستوران مجموعه تبدیل و در سال ۱۳۹۷ با عنوان نخستین «بوتیک هتل ایران» بهره‌برداری نماید. دیواره‌ها، درها، پنجره‌ها، چراغ‌های سقفی و دیواری و بسیاری از لوازم هتل بدون تغییر با دقت فراوان به شکل اولیه مرمت شده است.

رستوران چراغان

رستوران چراغان متعلق به مجموعه‌ی بوتیک هتل شمشک، رستورانی با انواع غذاهای ایرانی و اروپایی بوده و در فضایی زیبا و تاریخی شکل گرفته است. طراحی و دکوراسیون داخلی رستوران چراغان منحصربه‌فرد بوده و نمونه‌ی آن از لحاظ سبک معماری در سطح ایران کم‌نظیر است.

سالن رستوران ۶۰۰ مترمربع وسعت و ظرفیت پذیرش ۱۰۰ مهمان را دارد. همچنین تراس‌های بزرگ رستوران امکان دسترسی مهمانان به مناظر کوهستانی اطراف مجموعه را دارد.

اتاق‌های هتل

بوتیک هتل شمشک دارای ۱۲ اتاق دونفره و چهار سوییت سه‌نفره است. تمام اتاق‌های هتل از لحاظ ابعاد و اندازه و فرم و فضای داخلی و منظره با توجه به موقعیت قرارگیری در ساختمان با یکدیگر متفاوت هستند. سرویس بهداشتی اتاق‌ها با توجه به استانداردهای جهانی طراحی و لوازم آنها از بهترین اجناس اروپایی تهیه شده است. اتاق‌ها دارای سیستم صوتی و تصویری بوده و مهمانان می‌توانند از خدمات داخل مینی‌بار و امکانات رستوران و کافی‌شاپ در داخل اتاق بهره‌مند گردند.

نام پروژه-عملکرد: بوتیک هتل شمشک، بوتیک هتل

طرح مرمت، معماری و اجرا: امیررضا فرهبد / **همکار طراحی:** آرش احمدی

مشاور معماری داخلی: احسان مهاجر / **همکاران اجرایی:** بابک فرهبد، عماد امینی، پویا مومنی، امید مربی، درسا کفیلی

نوع سازه: ترکیب دیوارهای حمال و سازه فلزی / **نوع تاسیسات:** سیستم مرکزی

آدرس پروژه: شهر شمشک / **مساحت کل زیربنا:** ۱۲۰۰۰ مترمربع، ساختمان بوتیک هتل در ۴ طبقه ۱۱۰۰ مترمربع

ساختمان رستوران یک طبقه ۶۰۰ متر مربع / **تاریخ شروع مرمت و احیا:** ۱۳۹۷-۱۳۹۴

عکاس: پیمان امیرغیاثوند / **وبسایت:** www.shemshakboutiquehotel.com-www.farahbodarchitect.com

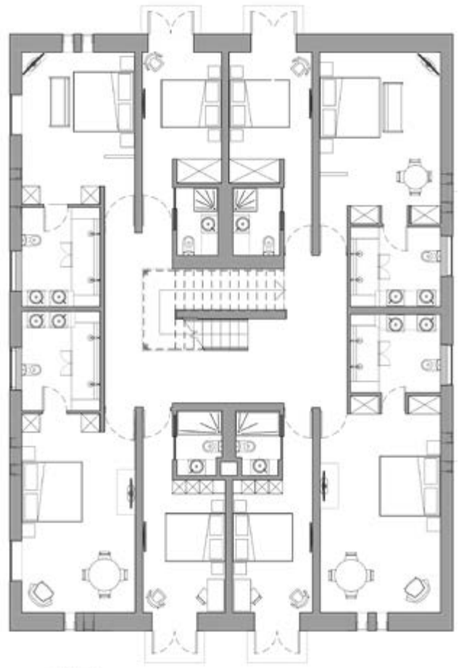

طبقه اول P
1 : 100

مرمت و احیای بناهای معاصر

رتبه‌ی نخست مشترک

هاســتل روبــرو

ساناز خداداد، مهران عارفیان (استودیو طراحی مهرسان)، کیمیا معتمدی

هاستل روبرو

«دیواری بر دیواری افزوده می‌شود و خطی میان چیزی کشیده می‌شود. حال ما دو چیز هستیم. در دو جا، در دو زمان و باز دیواری بر دیواری، خطی بر خطی. ما در میان مرزها زندگی می‌کنیم. مرزهای خانه‌هامان، شهرها، کشورها، ذهن‌ها و زمان.

هاستل روبرو در میان مرزها ایستاده است تا راهی میان هر دو سو یا چند سوی مانده اطراف مرز پیدا کند و آدم‌ها را به هم و زمان‌ها را به هم و آدم‌ها و زمان‌ها را به یکدیگر متصل کند.»

روبرو شدن با بازسازی یک بنای قدیمی، بیش از آنکه بازسازی کالبد خانه باشد، کشف و آشکار کردن لایه‌های مختلف وجودی آن است. قدمت خانه بیش از آنکه سن و سالِ گذشته بر آن باشد، انباشت لایه‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، شهری و عاطفی مانده در خانه و بازسازی خانه، زدودن زنگار از این لایه‌ها و دمیدن روحی جدید در آن است. روحی که خانه‌ی امروزی را نه در شروع و نه پایان یک مسیر که در میانه‌ی مسیری در طول زمان قرار می‌دهد. پروژه‌ی هاستل روبرو نیز بخشی از روند آشکارسازی لایه‌های موجود در یک خانه و یک امکان است برای تولید روایتی معاصر.

انعطاف و اتصال؛ مرزهای عمیق

هاســتل روبــرو در روح، کالبــد و جزئیات خــود تلاش می‌کند تا بستری باشد برای تولید روایتی از مفهــوم بنیادیــن ارتبــاط و مرز در معمــاری. خــارج از عــرف تقســیم‌بنــدی‌هــای کاربــری‌مآب مــدرن، پاسـخ سـیالی است بـه بسـط کیفیت‌هـای متنـوع در فضـا و امکانی برای گسترش کیفیت. کیفیت بسط فضا، کیفیت ارتباط با فضای باز، کیفیت ارتباط کالبدی و معنایی با خانه، کیفیت خلوت، اجتماع، و فراتر از آن. در هاستل روبرو مرزها، دریچه‌اند. خود برای تعین، نیازمند گفتمان میان معماری و آدم‌ها هستند و خانه واکنشی صلب نسبت به نیاز آدم‌ها نیست. بلکه خود یک امکان است. هاستل روبرو بیش از آنکه یک ساختمان باشد یک بستر است. بستری که در آن آدم‌ها با خانه و با یکدیگر به واسطه‌ی خرده روایت‌های ماندگار در خانه متصل می‌شوند و خود بخشی از یک گفتمان وسیع میان آدم‌ها، خانه، زمان و فرهنگ می‌گردند.

بهسازی وضع موجود

بنای قدیمی حاصل همزیستی و گفتمان مداوم انسان و معماری در سیطره‌ی فرهنگ و زندگی است. از همین سبب بخش بزرگی از کار احیای این خانه در حوزه‌ی بهسازی صورت پذیرفت به گونه‌ای که جدا از مرمت آسیب‌های ناشی از گذشت زمان بر خانه، بسیاری از مصالح آسیب دیده در روند بازسازی و یا قسمت‌هایی از مصالح باقی مانده از ساختمان، بهسازی و باز استفاده شده و قاب‌هایی از گذشته‌ی خانه به یادگار نگاه داشته شده است، خواه کنجی از اتاق و کاغذ دیواری‌ها، خواه کلید و پریزها قدیمی مانده و خواه کاشی‌ها و مبلمانی که با چینش مجدد در ساختار جدید معاصر شده‌اند و حیات جدیدی را آغاز نموده‌اند.

بازسازی

تبدیل یک خانه، به یک هاستل، نیازمند ملاحظاتی است که خود را در فراهم کردن فضاهای اقامتی متنوع و افزایش فضاهای خدماتی و اجتماعی مجموعه نشان می‌دهد. بخش تاثیرگذار در بازسازی این خانه، ایجاد ارتباط معنادار میان فضاهای مختلف این مجموعه برای بهره‌برداری هر چه بیشتر و متنوع‌تر است. با توجه به ماهیت هاستل و نیازش به ایجاد فضاهای متنوع اقامتی، این فضاها در طبقات به گونه‌ای شکل گرفته است که امکان مدیریت فضا و برنامه را فراهم کرده و هاستل در یک گفتمان منعطف خود را با نیاز بهره‌برداران هماهنگ کند و هر کدام از فضاهای اقامتی با امکان تفکیک و یا اتصال به فضاهای دیگر قابلیت قرار گرفتن در میان طیفی از فضاهای خصوصی تا اشتراکی را داراست. در همین راستا، فضاهای اجتماعی که بخشی بنیادین در شکل زیست موقت در هاستل به شمار می‌روند، به بهانه‌ی هر فضا و فعالیتی شکل می‌گیرد و تعریف متنوعی از قابلیت‌های فضاهای اجتماعی برای ارتباط بیشتر را امکان‌پذیر می‌کند. خواه در آشپزخانه‌ای که از پستوی خانه‌ی پیشین خارج شده و غذا را بهانه‌ای برای ارتباط بین گروه‌های مختلف از فرهنگ‌های متنوع قرار داده است و یا رختشویخانه و حتی ساده‌تر از آن، امکان ایجاد فضای اجتماعی در راهرو به واسطه‌ی ایجاد محلی برای شستن دست و رو. حیاط و بام خانه نیز به عنوان قلب ارتباطی و فضایی مجموعه، به گونه‌ای در میان فضاها و فعالیت‌های گروهی سامان یافته است که امکان ارتباط را به شیوه‌های متنوع میسر سازد.

الحاق

برای تکمیل چرخه‌ی اقامت فرهنگی در مجموعه، با اضافه شدن و کاستن بخش‌هایی به فضاهای موجود بنا، بخشی از کیفیت‌های نهان و متروک بنا مجدد احیا شده و مورد استفاده و بهره‌برداری مجدد قرار گرفت همانند تعریف فضای اقامتی در زیرزمین (آب‌انبار) بلا استفاده‌ی مجموعه به واسطه‌ی تعریف دسترسی و فضای مناسب. همچنین با توجه به نیازهای فرهنگی مجموعه، با مقاوم‌سازی بخشی از ساختمان موجود در ضلع جنوبی که محل کار و انبار شمرده می‌شد و الحاق بخشی جدید، مرکزی برای رویدادها شکل گرفت که پاسخگوی بخشی از نیازهای چندمنظوره‌ی مجموعه بود. مرکز رویداد در این پروژه بخشی از تاثیری است که جریان فرهنگی غالب در پروژه در کالبد، خود را متظاهر کرده است که هدف از ایجاد آن نه یک تماشاخانه که ایجاد بستر و امکانی است چندمنظوره تا علاوه بر تجربه‌ی زیست در فضا به تولید و ارائه‌ی آثار هنری و فرهنگی بپردازند.

در واقع روایت هاستل روبرو، روایت پیش‌رونده‌ی خانه و آدم‌هائیست که مرزها را بهانه‌ای کردند برای ارتباط. هاستل روبرو بیش از آنکه یک اقامتگاه باشد، یک رویکرد فرهنگی برای زیستن موقت و تجربه‌ی کوتاه‌مدت یک شهر است. هدف این هاستل بیش از هر چیز جستن راهی است برای پل زدن میان مرزهای فرهنگی و جغرافیایی. فضایی برای اقامت، تجربه، تولید و ارائه.

نام پروژه-عملکرد: پروژه‌ی هاستل روبرو، تهران، هاستل

معماران اصلی: ساناز خداداد، مهران عارفیان / **تیم طراحی:** ساناز خداداد، مهران عارفیان، کیمیا معتمدی، میثم خاوری

مدیر اجرایی: کیمیا معتمدی / **تیم اجرایی:** کیمیا معتمدی، میثم خاوری، بابک عباسی / **سیستم سازه:** دیوار باربر

تاسیسات پیش از بازسازی: کولر آبی و بخاری گازی / **تاسیسات پس از بازسازی:** سیستم داکت اسپلیت

مشاور سازه و تاسیسات: شرکت فانتوس / **گرافیک و گرافیک محیطی:** میثم خاوری / **کارفرما:** مهمانپذیر (هاستل) روبرو، مارال محمدی

و کیمیا معتمدی / **آدرس پروژه:** میدان بهارستان، ابتدای خیابان صفی علیشاه، بن‌بست مولا، پلاک ۳ / **مساحت زمین-زیربنا:** ۲۹۸

مترمربع-۳۰۳ مترمربع-۳ طبقه روی زمین و ۱ طبقه زیرزمین / **تاریخ شروع و پایان ساخت:** ۱۳۹۹-۱۳۹۸

عکاسان: ساناز خداداد، خشایار رحیمی / **وبسایت:** rooberoohostel.com

ایمیل: Hostel@rooberoomansion.com ،Mehrsan.designstudio@gmail.com

اینستاگرام: @Rooberoohostel ،@Mehrsan.designstudio

راهروی طبقه دوم

پلان ها پس از بازسازی

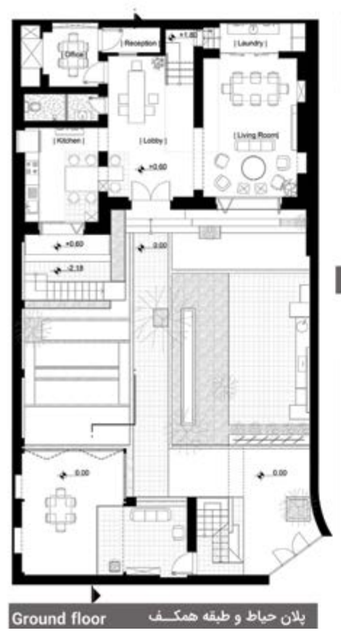

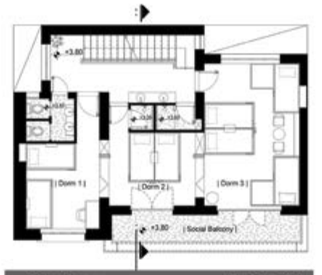

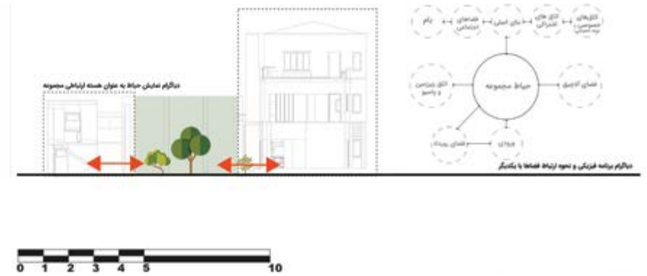

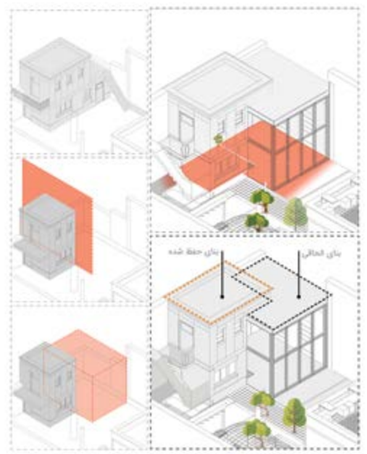

دیاگرام شکل‌گیری فضای رویداد

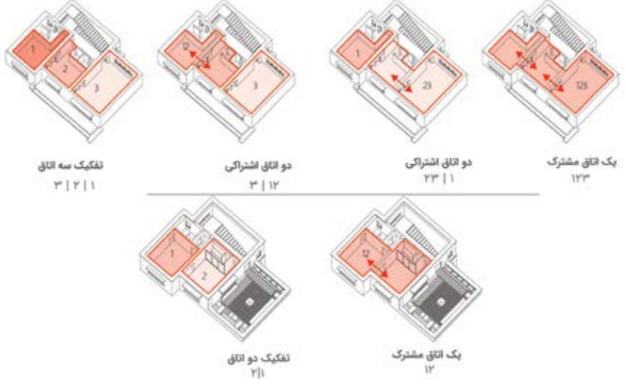

دیاگرام نحوه‌ی ارتباط فضایی اتاق‌های اشتراکی و خصوصی و نیمه‌خصوصی

ROOBEROO
HOSTEL

ROOBEROO HOSTEL

مرمت و احیای بناهای معاصر

تقدیر شده

ساختمان اداری فرشته

امیر یاری، سارا بروجردی، رهام احمدیان

پروژه‌ی فعلی در یک سایت با کاربری عمدتا باغ به مساحت ۵۰۰۰ مترمربع واقع شده است. این باغ در دوره‌ی قاجار بخشی از یک باغ بزرگتر متعلق به شاهزادگان قاجار بوده است. در سال ۱۳۱۰ به خانواده‌ی دکتر حسنعلی جراح باشی رسیده و بنای فعلی در اوایل دهه‌ی چهل شمسی (۱۹۶۱ میلادی) توسط ایشان ساخته شده است.

در اواخر دهه‌ی ۵۰، این ملک به تصرف بنیاد علوی درآمده و کاربری‌های مختلفی را تجربه کرده است. در دهه‌ی ۸۰، ملک به یکی از بانک‌ها واگذار و با مداخلات بیشتر و به عنوان محلی برای نمایشگاه و برگزاری مراسم مورد استفاده قرار می‌گرفت.

پس از حدود ۷ سال متروکه ماندن بنا و واگذاری به بخش خصوصی، پس از طراحی مجدد و اصیل باغ، این فضا به عنوان دفتر کار مالک خصوصی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

رویکرد طراحان در این پروژه حفظ کلیت بنا و تاریخ‌مندی آن و ویژگی‌های معماری مدرن دهه‌ی چهل ایران بوده است. از دیگر سو، با توجه به بازطراحی پروژه در قرن ۲۱ میلادی، نیازهای جدید کاربری فعلی و همچنین استفاده از جزئیات، رنگ‌ها و مصالح کمینه‌گرا (مینیمال) و حفظ ارتباط کالبد بیرونی و درونی جدید پروژه مورد توجه طراحان بوده است.

First floor

Ground floor

نام پروژه-عملکرد: ساختمان اداری فرشته، اداری

دفتر طراحی: کلوان طراحی میان رشته‌ای / **معماران اصلی:** امیر یاری، سارا بروجردی، رهام احمدیان

همکاران طراحی: مائده عاشوری، غزاله حنائی، محمدرضا واعظی

ارائه: ستاره موسوی، مهسا اردستانیان / **اجرا:** امید سپهری، علیرضا کاردگر

آدرس پروژه: تهران، الهیه، میدان تختی، پلاک ۷۰ / **مساحت زمین-زیربنا:** ۵۰۰۰ مترمربع / ۱۰۰۰ مترمربع / **کارفرما:** آقای امانی

تاریخ شروع و پایان ساخت: ۱۳۹۸-۱۳۹۷ / **عکاس:** استودیو ۲۶، نگار میرزابابائی

وبسایت: kelvan.design / **ایمیل:** mail@kelvan.design

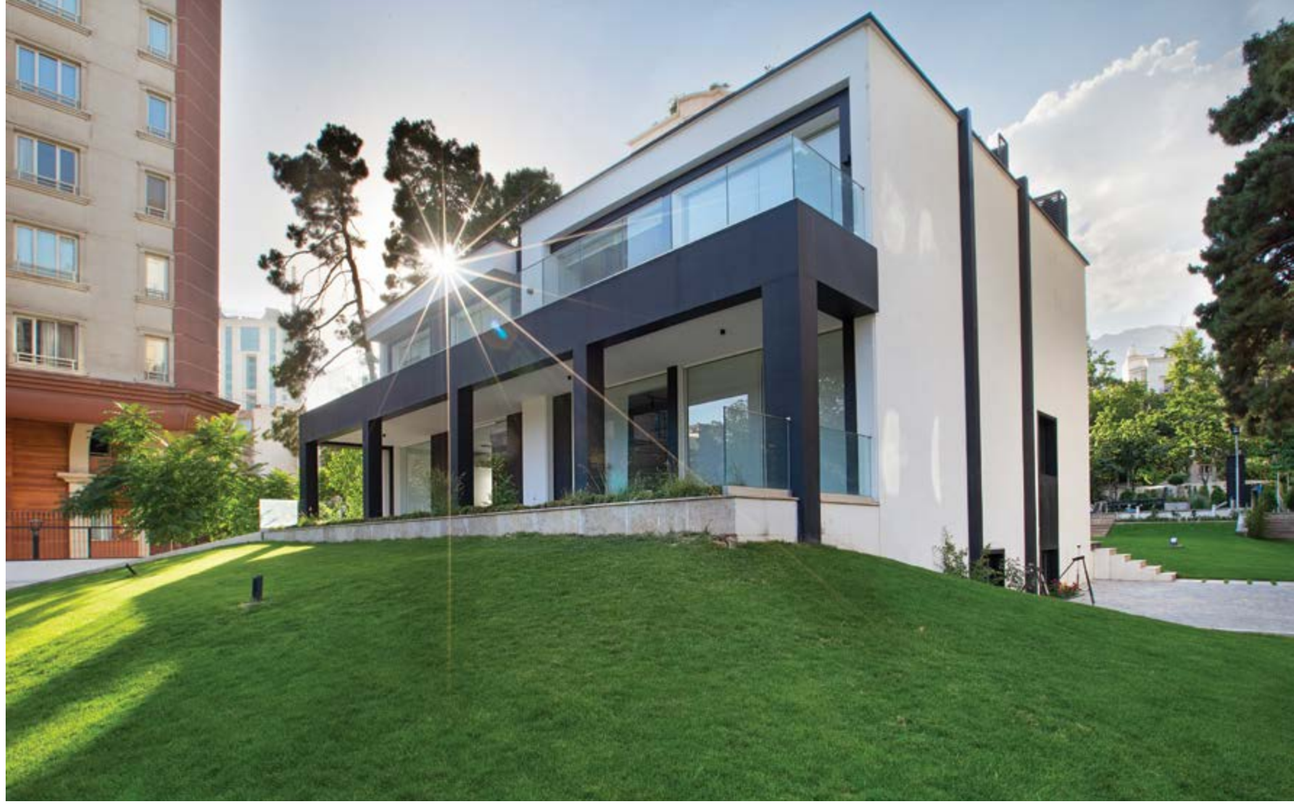

آرایه‌ها در معماری (تزئینات)

تقدیرشده

مرمت و احیای خانه‌ی تاریخی شـــهید صـــــدوقی یـــــزد

مهدی صادق احمدی، فائزه اصفهانی‌پور، ساشا ریاحی مقدم

خانه‌ی تاریخی آیت‌الله شهید صدوقی، در شش دهه‌ی گذشته و پس از سکونت شهید، یکی از مهم‌ترین کانون‌های اجتماعی شهر تاریخی یزد و محل رجوع قشرهای مختلف مردم بوده است. حیات اجتماعی معاصر این خانه پیش از انقلاب اسلامی و در دهه‌ی اول انقلاب اوج گرفته و با ترکیب خانه با دفتر شهید تا به امروز ادامه یافته است. در جهت حفاظت توامان وجوه ملموس و ناملموس این اثر، هدف پروژه، حفظ و تداوم ارزش‌های اجتماعی معاصر آن به عنوان میراثی زنده در انطباق با شرایط امروزی تعریف شد. از این رو در برنامه‌ریزی و طرح احیا، علاوه بر تداوم رویدادهای مذهبی، سیاسی و اداری قبلی مجموعه از جمله روضه‌خوانی و مراسم مذهبی، ایجاد ظرفیت برای برگزاری رویدادهای فرهنگی-اجتماعی جدید در قالب «خانه‌ی فرهنگ صدوقی» همچون نشست‌های ماهانه‌ی شب یزد، نمایشگاه‌های فرهنگی هنری، دوره‌های آموزشی فرهنگی و... در نظر گرفته شد.

از سوی دیگر پس از مطالعه‌ی تاریخی بنا و به خصوص شناخت آرایه‌ها و تزیینات بنا و لایه‌برداری سطوح و کشف تزیینات پنهان بنا، مشخص شد این خانه از دسته خانه‌های فاخر تاریخی یزد در دوره‌ی قاجار است. بر طبق تاریخ کتیبه‌ی گچی ایوان جنوبی، بنا در تاریخ ۱۲۵۹ قمری ساخته شده است. تناسب محتوایی و مفهومی آرایه‌ها و تزیینات بنا از جمله کتیبه‌های قرآنی و صلوات بر معصومین در اتاق آینه، شعر محتشم و تکرار نقوش منحصربه‌فرد کبوتران با نگاره‌ی واشهیداه در آرایه‌های گچبری با فضای مذهبی حاکم بر خانه و شخصیت فرهنگی و اجتماعی شهید محراب بسیار قابل توجه بوده و حکایت از قدمت ارزش‌های مذهبی در این بنا داشت. بنابراین رویکردهای مرمت و احیا در بخش‌های مختلف بر اساس ارزش‌های برجسته‌ی هر بخش در نظر گرفته شد: در بخشی از بنا که بیشترین خاطره‌ی حضور اجتماعی شهید محراب وجود داشت، تاریخ معاصر بنا، حفظ و تثبیت شد. در محدوده‌ی با ارزش تاریخی، ساختار تاریخی بنا بازنمایی شد و لایه‌های تزیینات تاریخی بر اساس اصول و قواعد بین‌المللی مرمت و احیا شد. در سایر بخش‌ها رویکرد ساماندهی کالبدی جهت برگزاری بهتر رویدادهای مختلف مذهبی و فرهنگی، با تمهیداتی چون اجرای پوش متحرک به کار گرفته شد.

در مرمت تزیینات و آرایه‌های بنا با توجه به تنوع آن در آینه‌کاری، گچبری، تزیینات مُهری گچی، نقاشی دیواری، نقاشی پشت شیشه و گچبری بدنه‌های حیاط، مهم‌ترین اصل که مستمرا مورد توجه قرار می‌گرفت، حفظ اصالت تزیینات حین مداخله بود. در مرمت تزیینات جداره‌های حیاط، به دو شیوه، بخش‌های مرمتی از بخش‌های بازسازی متمایز شدند. بدنه‌هایی که آثاری از رد ابزار یا ته مایه‌ی سفید رنگ گچبری بر روی بدنه باقی مانده بود، به شیوه‌ی موزون‌سازی نقوش مرمت و احیا شد. در این شیوه «تمایز رنگی»، در موزون‌سازی بخش‌های کمبود نسبت به بخش‌های اصیل به کار گرفته شد. سایر بدنه‌های حیاط که آثار عینی تزیینات آن در تعمیرات قبلی از بین رفته بود، با استفاده از نتایج حاصل از بررسی تطبیقی الگوهای تزئینی هم‌دوره با اثر با تکرار نقوش موجود در خود اثر، به شیوه‌ی گچبری بازسازی شد.

بازسازی کلیه‌ی درب‌های چوبی، بر اساس شواهد به دست آمده از سوراخ‌های به جای مانده بر روی چهارچوب درب‌ها و مطالعه‌ی تطبیقی با نقوش گره و اسلیمی موجود در خود بنا انجام شد. بازسازی گره هشت و دوازده بسیار ظریف درب‌های سه‌دری و قواره‌بری پیچیده‌ی اتاق پنج‌دری نیز نیازمند مهارت درودگران سنتی بود. متناسب با تزیینات فاخر اتاق میانی، پنجره‌ی الحاقی دوره‌ی پهلوی این اتاق برچیده و ارسی منطبق بر اسلوب ارسی‌های دوره‌ی قاجار طراحی شد. طراحی این ارسی متاثر از الگوهای تزیینات داخل بنا، از جمله نقوش گیاهی، هندسی و پرندگان انجام شد. همچنین نقش سرو روی درب‌های ارسی به عنوان نماد مفهومی شهادت و یادآور تاریخ معاصر بنا به کار گرفته شد.

نام پروژه-عملکرد: مرمت و احیای خانه تاریخی شهید صدوقی یزد، خانه‌ی فرهنگ
مطالعه، طراحی و نظارت: مهندسان مشاور هنرسرای معماری یزد / **معمار مسئول و مدیر طرح احیا:** مهدی صادق احمدی
طراح مسئول و مدیر مرمت تزئینات: فائزه اصفهانی‌پور / **مدیر طرح مرمت بنا:** ساشا ریاحی مقدم / **گروه مطالعات، طرح مرمت و احیا بنا:** سید محمدرضا قدکیان، لیلی اولیا / **گروه معماری، طرح احیا و نورپردازی:** سید محمدرضا فهیمی، طوبی اولیا، شعری اولیا
تاسیسات برقی: رضا طلایی‌پور / **تاسیسات مکانیکی:** سمیه الوانساز یزدی / **برداشت:** سید هادی رضوی (خانه تراب) / **مدیر پیمان و مجری مرمت بنا:** استاد معمارحسین کمالی اردکانی / **مجری مرمت و احیای آرایه‌ها(تزیینات):** فائزه اصفهانی‌پور
گروه اجرای مرمت تزیینات: فخرالسادات حسینی، فاطمه دریس، نجمه جعفری، نازنین چابک، زهرا چابک، فاطمه دهقانی، مرجان گندم، ملیحه سادات قدکیان، فرخ موسوی، محمود پیله‌ور، ولی حجتی‌زاده / **سازندگان ارسی:** حسن ابومسعودی و محسن ابومسعودی از کارگاه صنایع دستی مسعود / **مجری تاسیسات مکانیکی:** شرکت سرداب / **سازه:** سازه‌ی سنتی خشتی-آجری
تاسیسات مکانیکی: سیستم VRF (گرمایش-سرمایش) / **مجری مبلمان:** گروه مارلیک / **عکاس:** محمدهادی آخوندی
کارفرما: دفتر شهید صدوقی، حجه الاسلام شیخ محمد صدوقی / **آدرس پروژه:** یزد، خیابان امام خمینی، کوی سهل بن علی، کوچه‌ی شهید صدوقی / **مساحت کل-زیربنا:** ۲۵۰۰ مترمربع / **تاریخ شروع و پایان ساخت:** فروردین ۱۳۹۵- اسفند ۱۳۹۸
وبسایت: architecthome.ir / **ایمیل:** home_yazd@yahoo.com / **اینستاگرام:** @honarsaray_memari

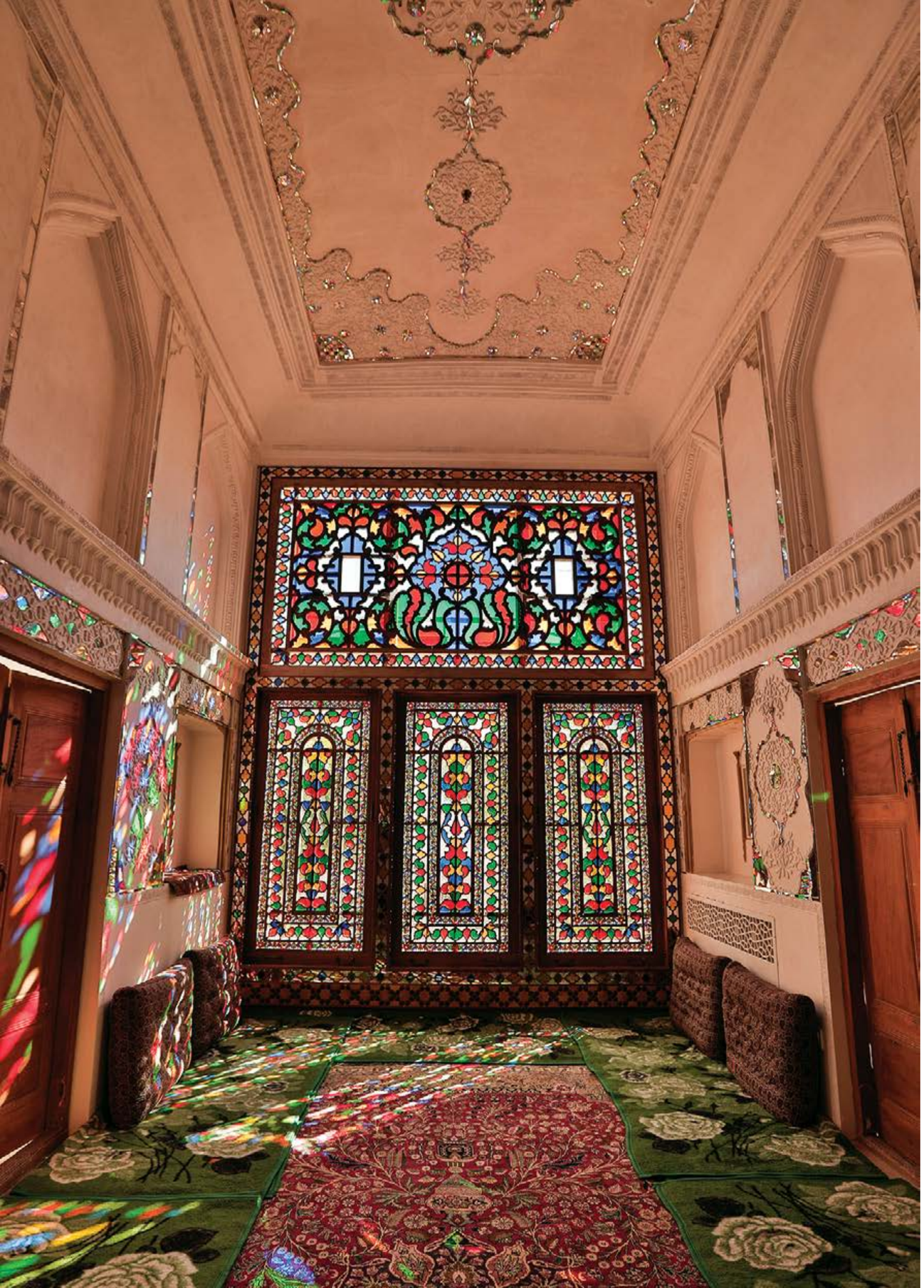

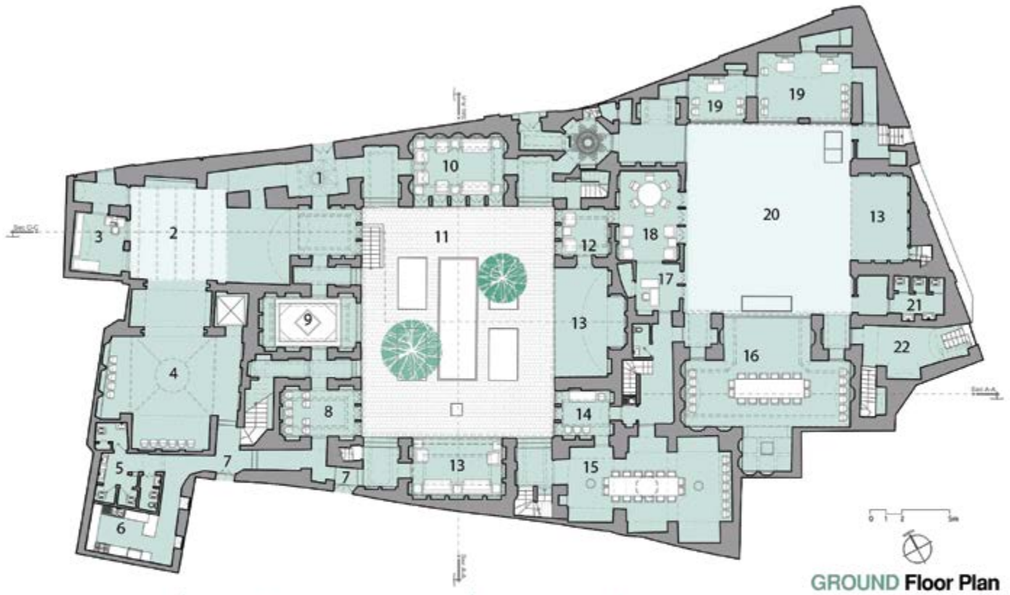

GROUND Floor Plan

1	Enterance	هشتی ورودی	8	Ceremony Service- Class	پشتیبانی مراسم-پرکاری کلاس	15	Conference Room	اتاق کنفرانس
2	Yard	حیاط بیرونی	9	Orsi Room	اتاق ارسی	16	Meeting Room	اتاق جلسات
3	Control Room	اتاق کنترل	10	Ayeneh Room	اتاق آینه	17	Secretary	اتاق منشی
4	Multi-functional	فضای چند عملکردی	11	Main Yard	حیاط اصلی	18	Manager Room	اتاق مدیر
5	Public WC	سرویس بهداشتی عمومی	12	PV Meeting Room	اتاق جلسات خصوصی	19	Office	دفتر اداری
6	Kitchen	آشپزخانه	13	Talar	تالار	20	Office Yard	حیاط دفتر
7	Secondary Enterance	ورودی فرعی	14	Ceremony Service	پشتیبانی مراسم-خدماتی	21	WC	سرویس بهداشتی
						22	Caretaker	سرایداری

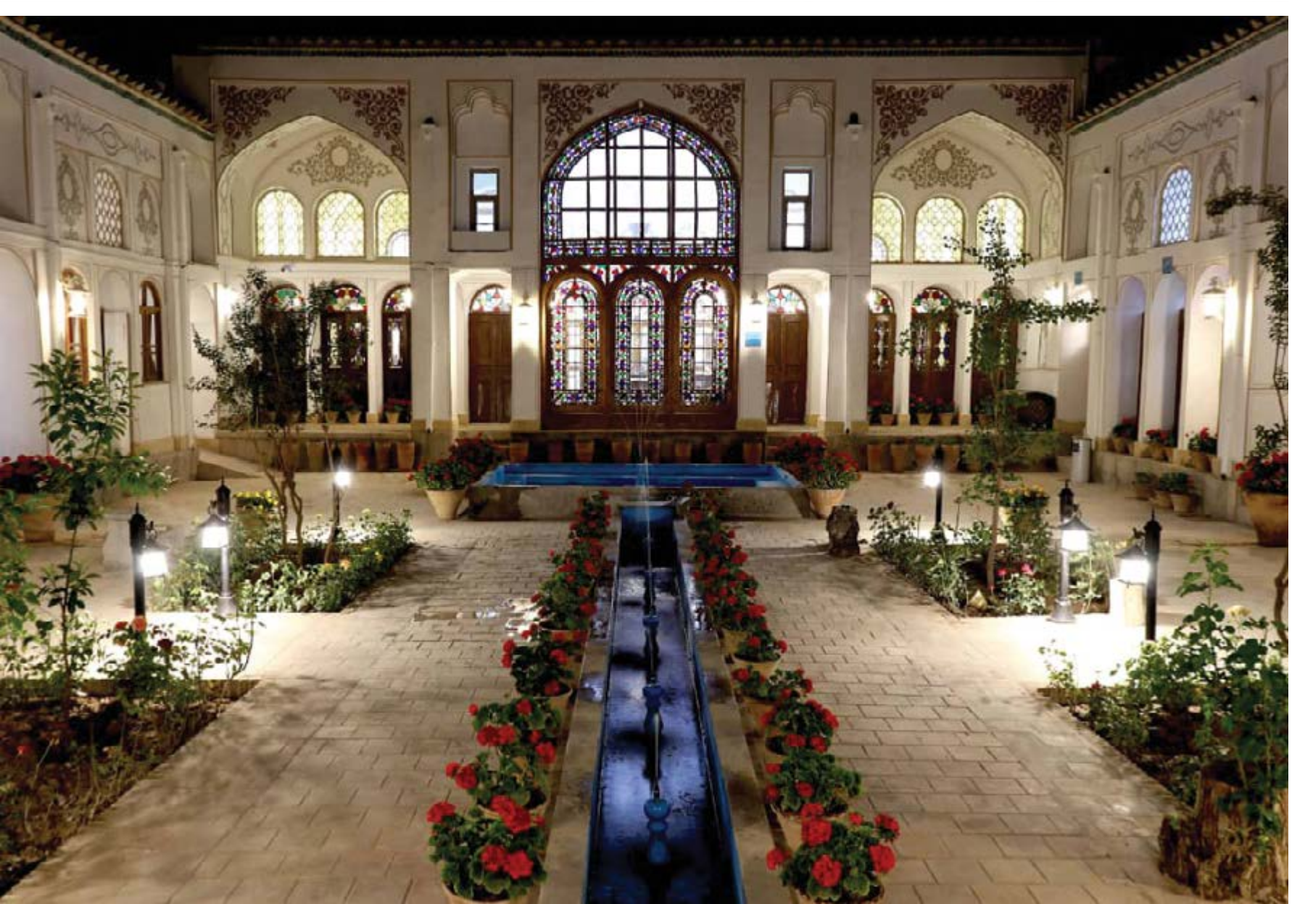

آرایه‌ها در معماری (تزئینات)

تقدیرشده

مرمت و احیای خانه‌ی تاریخی دُرمیانی

علیرضا اشرفی

خانه‌ی تاریخی دُرمیانی مربوط به اواسط دوران قاجار بوده و در شهر اصفهان، محله‌ی بیدآباد، کوچه‌ی شهید مقراض‌گر، به شماره‌ی ۱۳۰۱۳ در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۲۲ به ثبت ملی رسیده است. این بنا که یکی از مجموعه خانه‌های تاریخی مربوط به سادات دُرمیانی می‌باشد دارای شاه‌نشین سه‌دری، حوض‌خانه و چندین اتاق در جبهه‌ی شرقی، غربی و جنوبی است. در دوران پهلوی جبهه‌ی جنوبی که مطبخ‌خانه بوده است جای خود را به اتاق‌ها داده و تنها در ضلع جنوب شرقی مطبخی نسبتا کوچک دیده می‌شود. بنای مذکور پس از تغیر مالکیت از وراث به اشخاص دیگر فروخته شده اما همچنان به همین نام خانه‌ی دُرمیانی در اداره‌ی میراث فرهنگی اصفهان به ثبت رسیده است. مرمت و بازسازی این بنا پس از شناخت دقیق اثر، در مرداد ماه ۱۳۹۷ آغاز و در اسفند ماه ۱۳۹۷ به پایان رسید. این بنا پس از مرمت و بازسازی، جهت احیا تغییر کاربری داده و به مجموعه هتل‌های سنتی تبدیل شده است.

مراحل انجام طرح احیا:

در مورد بنای دُرمیانی، کارکرد پیشنهادی برای این بنا از سوی کارفرما، اقامتگاه تعیین شد که ایده‌ی کلی آن از نظر مشاور طرح نیز با توجه به ویژگی‌های بنا مورد قبول بوده است. زیرا اولا بنای دُرمیانی، که خود دارای بخش‌هایی برای سالن پذیرایی بوده، قابلیت‌های کالبدی تطابق با چنین عملکردی را داراست؛ ثانیا کارکرد اقامتگاه را با در نظر گرفتن ملاحظه‌هایی، می‌توان از نظر اجتماعی و فرهنگی درخور چنین بنایی دانست. ثالثا عملکرد نمایش و برگزاری مراسم مختلف در ارتباط با آئین‌های فرهنگی شهر، که منظور نظر مشاور طرح بوده، در زیر پوشش کارکرد اقامتگاه مطرح شود. پس از تعیین عملکرد بنا، روند برنامه‌ریزی به این ترتیب بوده است که مشاور طرح در گام اول به شناخت کاربران آتی بنا و نیازهای آنان پرداخته است و این امر همان‌گونه که گفته شد، به تعیین محدوده‌های عملکردی بنا منجر شده است. در گام بعدی، فضاهای موجود در بنا در ارتباط با عملکرد پیشنهادی امکان‌سنجی شده است. نتیجه‌ی حاصل از این دو مرحله، برنامه‌ی فیزیکی طرح بوده که به تعیین فضاهای عملکردی مورد نیاز و مکان‌یابی آنها در مجموعه پرداخته، این کار با ارائه‌ی چند گزینه صورت گرفته که در آنها به امکانات تطبیق برنامه بر کالبد بنا پرداخته شده و پس از ارزیابی آنها، گزینه‌ی نهایی جهت ادامه‌ی کار و ارائه‌ی طرح نهایی انتخاب شده است.

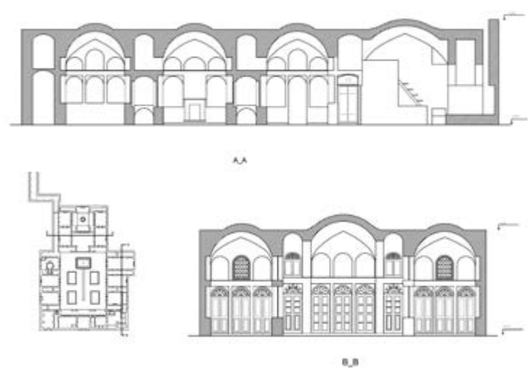

نام پروژه-عملکرد: مرمت و احیای خانه‌ی تاریخی دُرمیانی، اقامتی

طراح اصلی و اجرا: مهندس علیرضا اشرفی / همکاران طراحی: افسانه فیروزنیا، سودابه قاسمیان، سید محسن نوربخش / **سازه:** مهندس علیرضا اشرفی / **تاسیسات:** عباس صادقی

عکاس: هاجر مجاهدی، شیدا زابلی / **آدرس پروژه:** اصفهان، محله‌ی بیدآباد، کوچه‌ی شهید مقراض‌گر

مساحت کل زیربنا: ۹۰۰ مترمربع / **کارفرما:** شیدا زابلی، علی دیری / **تاریخ شروع و پایان ساخت:** مرداد ۱۳۹۷- اسفند ۱۳۹۷

ایمیل: a.ashrafi1975@gmail.com / **اینستاگرام:** @ali_reza_restoration، @sohrevardi-hotel

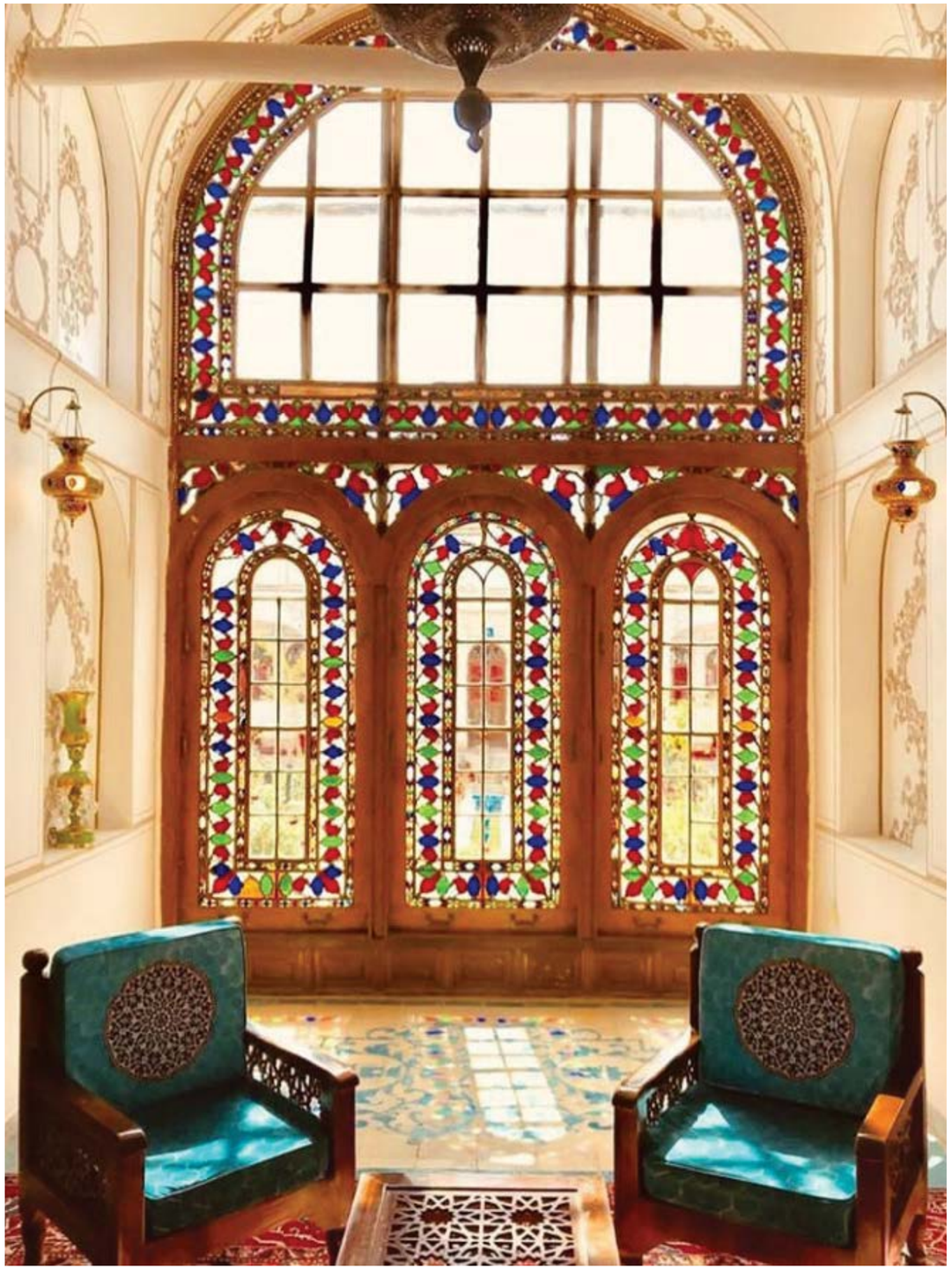

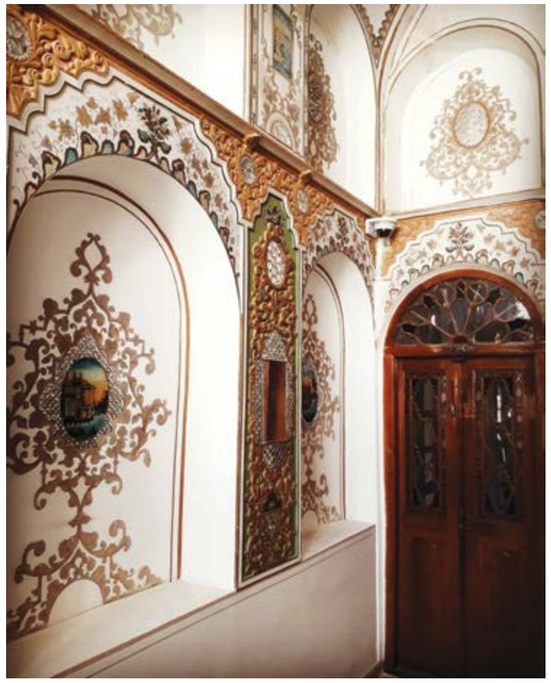

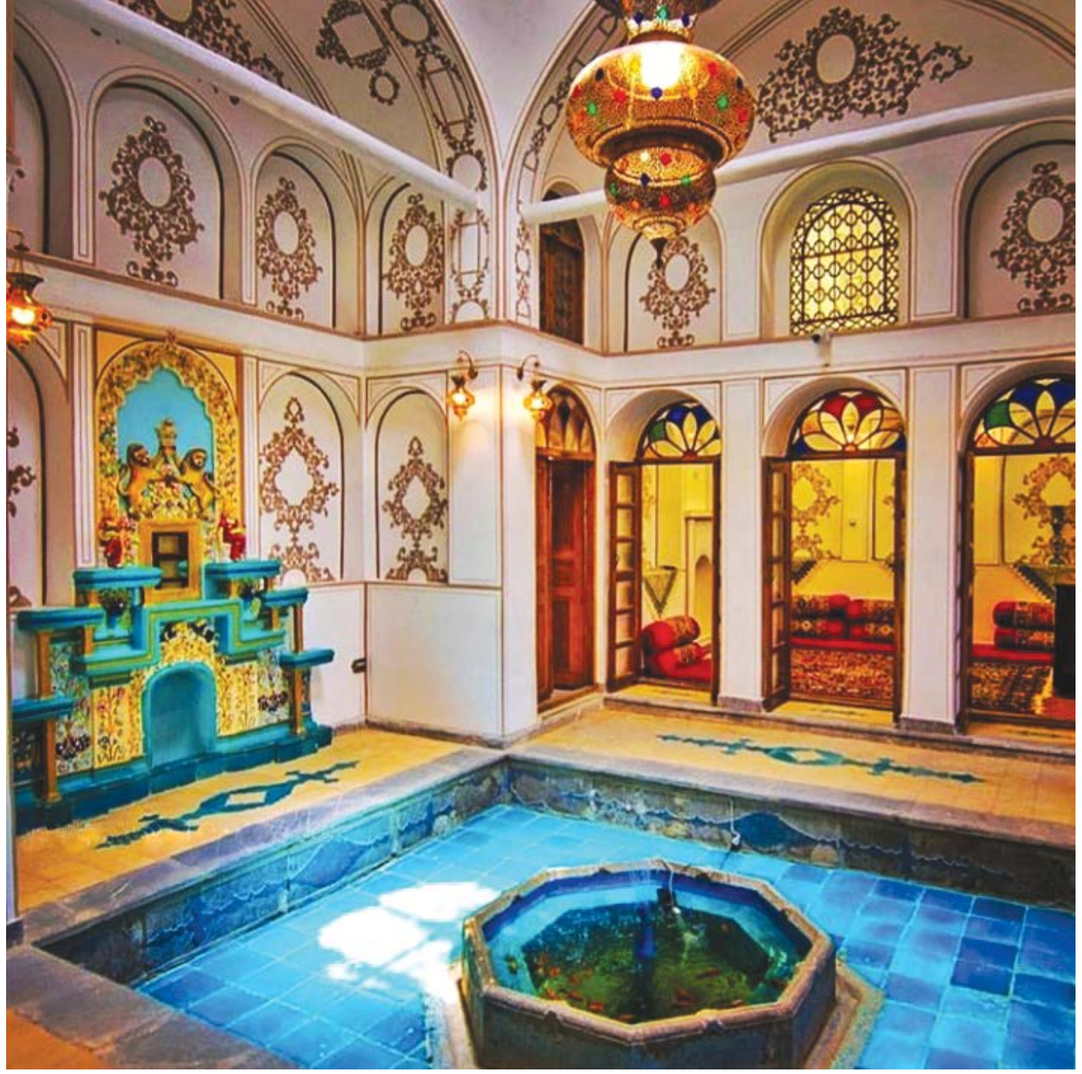

چهارمین جایزه‌ی بین‌المللی معماری باکو ۲۰۱۹

نگار سریع الطلاق، محسن نوروزوند

الbی قاسم‌زاده
معمار جمهوری آذربایجان
رئیس هیئت اتحادیه‌ی معماران آذربایجان

Elbay Qasımzadə
Azərbaycan Respublikasının əməkdar memarı
Azərbaycan Memarlar İttifaqının İdarə heyətinin sədri

Şəhərlər, insanlardan fərqli olaraq, yeniləşmək qabiliyyətindədirlər. Belə olmasa, şəhərlər də insanlar kimi dünyalarını dəyişmiş olarlar. Məhz buna görə, tarixi şəhərlərin müasirləşməsi, zəruri də olsa, böyük diqqət və məharət tələb edir. Fikrimcə, ən vacib tələblərdən biri - mövcüd tarixi mühitin ruhunun və miqyasının qorunub saxlanılmasıdır. Etiraf edək ki, müasir dövrdə yaranan memarlıq, öz dövrünün xüsusiyyətlərinə, nailiyyətlərinə uyğun olmalıdır. XXI əsrdə yaranan memarlıq əsəri orta əsrlərin memarlıq nümunələrini təkrarlamamalıdır. Bu, primitiv eklektik yanaşma olardı. Müasir memarlıq tarixi mühitdə adaptasiya olunmalı, mövcüd mühitin miqyasını dağıtmamalı, əksinə, onun ömrünü daha da artırmalıdır. Mühitə daxil olan insanların imkanı olmalıdır ki, hər əsərin yaranma dövrünü anlasınlar və onun müəllifinin ustadlığını qiymətləndirsinlər.

شهرها، برخلاف انسان، قادر به تجدید حیات خود هستند. در غیر این صورت، شهرها نیز دنیای خود را مانند انسان تغییر می‌دادند. به همین دلیل نوسازی شهرهای تاریخی هرچند ضروری است، اما نیاز به توجه و مهارت زیادی دارد. به نظر من یکی از مهم‌ترین الزامات، حفظ روح زندگی و مقیاس محیط تاریخی موجود است. بیایید بپذیریم که معماری ایجاد شده در دوران معاصر باید مطابق با ویژگی‌ها و دستاوردهای زمان خود باشد. اثر معماری ایجاد شده در قرن ۲۱ نباید نمونه‌های معماری قرون وسطی را تکرار کند. این یک رویکرد التقاطی بدوی خواهد بود. معماری معاصر باید با محیط تاریخی سازگار شود، نه اینکه مقیاس محیط موجود را از بین ببرد، باید باعث افزایش عمر آن شود. افراد در محیط باید این فرصت را داشته باشند که از روی اثر خلق شده دوره‌ی ایجاد آن اثر را درک کنند و از تسلط خالق آن اثر قدردانی کنند.

شیدا نوروززاده
رئیس بخش معماران جوان جمهوری آذربایجان

Şeyda Novruzzadə
Gənc Memarlar və Tələbələr Klubunun Prezidenti

Tarixi şəhərlərin, ümumiyyətlə tarixi irsin qorunub saxlanılması memarlar qarşısında, ictimaiyyət qarşısında duran əsas vəzifələrdən biridir. Həyatın, texnologiyaların, düşüncələrin inkişafı bu məqsədə zərər gətirməməlidir. Əksinə, tarixi mühitin daha da zənginləşdirilməsi məqsədinə qulluq etməlidirlər. Hər birimiz anlayırıq ki, tarixi şəhərlərimiz əsrlərlə, minillərlə formalaşıb. Bu gün bizim gözümüzü oxşayan abidələr müxtəlif əsrlərdə yaradılıb. Belə olan halda, nə üçün elə şəhərlərin XXI əsrdə inkişafı olmamalıdır? Tarixi şəhərlər mütləq yeniləşmək hüququnda olmalıdır. Olmasa, onlar insanlar kimi ölər. Sadəcə, tarixi şəhərlərdə yaranan müasir memarlıq əsərləri mövcüd şəraitə uyğunlaşdırılmalıdır. Görkəmi ilə yox. Görkəmi müasir olmalıdır. Lakin miqyası, şaquli və üfüqi ritmi tarixi binaların ritmini pozmamalıdır. Düşünürəm ki, memarlıq yaradıldığı dövrə uyğun olmalıdır. Dövrün estetik, mühəndislik və texnoloji tələblərindən geniş istifadə edilməlidir.

به طور کلی حفظ شهرهای تاریخی و میراث تاریخی یکی از اصلی‌ترین وظایف معماران و عموم مردم است. توسعه‌ی زندگی، فناوری و تفکر نباید به این هدف آسیب برساند. در عوض، آنها باید در جهت غنی‌سازی بیشتر محیط تاریخی در خدمت باشند. هر یک از ما می‌دانیم که شهرهای تاریخی در طول قرن‌ها و توسط هزاران نفر شکل گرفته‌اند. بناهایی که امروز در برابر دیدگان ما قرار گرفته‌اند در قرون مختلف ساخته شده‌اند. حال اینکه، چرا چنین شهرهایی نباید در قرن ۲۱ توسعه پیدا کنند؟ شهرهای تاریخی باید بازسازی و احیا شوند. در غیر این صورت، آنها مانند انسان می‌میرند. باید توجه نمود که آثار معماری معاصر ایجاد شده در شهرهای تاریخی باید با شرایط موجود تاریخی سازگار باشند. این مسئله تنها در ظاهر نیست و نگاه باید معاصر باشد. با این وجود، مقیاس، ریتم عمودی و افقی نباید باعث اختلال در ریتم ساختمان‌های تاریخی شود. من فکر می‌کنم که معماری باید مطابق با دورانی باشد که در آن ایجاد شده است. الزامات زیبایی‌شناختی، مهندسی و تکنولوژیکی زمان حاضر باید به طور گسترده مورد استفاده قرار گیرد.

دوستان گرانقدر

جایزه‌ی بین‌المللی معماری باکو در سال ۲۰۱۳ تاسیس شد و از همان ابتدا اعتبار جامعه‌ی بین‌المللی معماری را به دست آورد. این اعتبار به دلیل تصویر برجسته‌ی آذربایجان باستان است که در سطح جهان به کشوری موفق، در حال توسعه و خلاق شناخته شده است. این جایزه در چارچوب اولین گردهمایی معماری بین‌المللی برگزار گردید و توسط رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان حمایت شد. ایده‌ی گردهمایی در جلسه‌ی رئیس جمهور با رهبر اتحادیه‌ی بین‌المللی معماران مطرح شد و رئیس دولت نیز آن را تصویب کرد. از اتحادیه‌ی بین‌المللی معماران برای اعتماد به اتحادیه‌ی معماران آذربایجان سپاسگزاریم که باعث شد چنین رویداد معتبری را فقط در باکو، پایتخت جمهوری آذربایجان برگزار کنیم. چهارمین دوره‌ی این رویداد تعداد بیشماری از کشورها از تمام قاره‌ها را پوشش داد. ۲۰۰ پروژه از ۳۸ کشور جهان از آنگولا، آرژانتین، آذربایجان، بنگلادش، بلاروس، برزیل، مجارستان، ویتنام، یونان، جورجیا، هنگ‌کنگ، دانمارک، مصر، ایران، اسپانیا، ایتالیا، قزاقستان، قرقیزستان، چین، کنیا، لبنان، مالزی، مکزیک، امارات متحد عربی، پرتغال، روسیه، صربستان، اسلواکی، رومانی، ایالات متحده، ترکیه، اوکراین، ازبکستان، فرانسه، سریلانکا، استونی، آفریقای جنوبی، ژاپن، برای این جایزه معرفی شدند. در مجله‌ی ارائه نتایج چهارمین جایزه بین‌المللی باکو، سعی کردیم کلیه‌ی پروژه‌های ارسالی را پوشش دهیم. از همه‌ی کسانی که به دعوت ما پاسخ داده‌اند صمیمانه تشکر می‌کنیم و معتقدیم که در کنار هم، حرفه‌ی معماری را ارتقا داده و روابط خلاقانه و دوستانه‌ی خود را توسعه خواهیم داد. همچنین از همه‌ی کسانی که در آماده‌سازی و برگزاری گردهمایی و جوایز کمک‌های ارزنده‌ای به ما کرده‌اند، صمیمانه قدردانیم. همچنین به همه‌ی برندگان که جایزه‌ای مناسب با اثر خود دریافت کرده‌اند؛ خالصانه تبریک می‌گوییم.

الbی قاسم‌زاده
رئیس هیئت مدیره‌ی اتحادیه‌ی معماران آذربایجان
عضو اتحادیه‌ی بین‌المللی معماران

چهارمین جایزه‌ی بین‌المللی معماران باکو

معماری شهرهای آذربایجان هر روز دستخوش دگرگونی شده و به واسطه‌ی اصالت خود روز به روز جذاب‌تر می‌شود. امروزه معماری یکی از اولویت‌های اصلی در توسعه‌ی کشور است. در طول ۱۰ سال گذشته، آذربایجان مستقل وارد مرحله‌ی جدید توسعه شده و به موفقیت‌های زیادی دست یافته است. تحت تاثیر این پیشرفت‌ها، اتحادیه‌ی معماران آذربایجان و وزارت فرهنگ جمهوری آذربایجان با حمایت اتحادیه‌ی بین‌المللی معماران، جایزه‌ی معماری بین‌المللی باکو را در سال ۲۰۱۳ پایه‌گذاری کرد. اولین دوره به مناسبت نودمین سالگرد تولد رهبر ملی حیدر علی‌اُف برگزار شد. این رویداد موفقیت بزرگی بود که باعث شد ذهنیتی بسیار به یادماندنی از کشور باکو در ذهن بازدیدکنندگان ایجاد شود. بازتاب دوره‌ی اول این جایزه از سطح انتظاراتی که از آن در رتبه‌بندی رویدادهای بین‌المللی معماری می‌رفت فراتر رفت و به یادماندنی شد. در سال ۲۰۱۵ و در آستانه‌ی اعلام دومین دوره‌ی جایزه‌ی بین‌المللی معماری باکو، اتحادیه‌ی معماران سوالات و پیشنهاداتی را در زمینه‌ی مشارکت از معماران خارجی نیز دریافت کرد. دوره‌ی سوم، با حمایت هلدینگ گیلان در سال ۲۰۱۷ در زیباترین گوشه‌ی آذربایجان، شهر گابالا، برگزار شد و میهمانان مجذوب زیبایی این تفرجگاه کوهستانی شدند.

مجموعه‌ی شرکت‌کنندگان رویداد قبل شامل تمامی قاره‌های جهان از آمریکای شمالی تا استرالیا، از اروپا تا کشورهای قاره‌ی آفریقا می‌شد. در کل، معماران از ۸۵ کشور جهان در این مسابقه شرکت کردند و بیش از ۶۰۰ پروژه ارائه شد. برندگان این شهر معمارانی از پرتغال، ایالات متحده، فرانسه، ژاپن، آذربایجان، روسیه، مراکش، اسلوونی، کرواسی، جورجیا، ایتالیا، بنگلادش، اسپانیا، آلمان، ویتنام، سنگاپور، قرقیزستان، یونان، رومانی، مالزی بودند.

امسال به پیشنهاد اتحادیه‌ی بین‌المللی معماران، تصمیم بر این شد که چهارمین جایزه‌ی بین‌المللی معماری باکو با همکاری نخستین مجمع بین‌المللی معماری «گردشگری انبوه در شهرهای تاریخی» برگزار شود که از اهمیت ویژه‌ای برای حفظ میراث تاریخی و توسعه‌ی گردشگری در سراسر جهان برخوردار است.

اهداف

شناسایی پروژه‌هایی که نمونه‌های عالی از شیوه‌های طراحی و برنامه‌ریزی‌های مسئولانه در خصوص توسعه‌ی گردشگری در مکان‌هایی با اهمیت میراث تاریخی هستند.

برای یافتن امکانات جدید برای اسکان گردشگران، رونمایی از مکان‌های مهم تاریخی و استفاده‌ی مجدد از ساختمان‌های موجود برای اهداف مرتبط با گردشگری.

دسته‌بندی نامزدهای جوایز

A- بهترین پروژه‌های اجرایی امکانات توریستی
B- بهترین پروژه‌های بازسازی بناها و سایت‌های تاریخی
C- بهترین پروژه‌های مرمت فضای داخلی آثار تاریخی
D- بهترین پروژه‌های بازسازی کامل یک سایت در زمینه‌ی معماری منظر
E- بهترین پروژه‌های اجرا نشده در زمینه‌ی بازسازی ساختمان‌های تاریخی
F- بهترین نشریات در خصوص استفاده از میراث فرهنگی با اهداف گردشگری

داوران بین‌المللی

شرکت‌کنندگان توسط هیئت داوران بین‌المللی ارزیابی خواهند شد. تصمیمات هیئت داوران به روشی که خود آنها تعیین کنند و با اکثریت آرا اتخاذ می‌گردد. در صورتیکه در تعیین آراء مشکلی پیش آید رای رئیس هیئت داوران بین‌المللی تعیین‌کننده خواهد بود. هیئت داوران بین‌المللی از ابتدای مرحله داوری تا زمان اعطای جوایز در اتخاذ تصمیم مختار خواهند بود.

اسـامی هیئت داوران

واسیلیس اسقوتاس / یونان
Vassilis Sgoutas / Greece
رئیس سابق اتحادیه بین‌المللی معماران

اسا محمد / مالزی
Esa Mohamad / Malaysia

الbی قاسم‌زاده / آذربایجان
Elbay Gasimzada / Azerbaigan
رئیس هیئت اتحادیه‌ی معماری آذربایجان، عضو شورای اتحادیه‌ی بین‌المللی معماران

کاترین جاکوت / فرانسه
Catherine Jacquot / France
رئیس شورای ملی معماران فرانسه

ویتی کلاود نسالامبی/ آنگولا
Vity Claude Nsalambi / Angola
رئیس کمیسیون آموزش و پرورش اتحادیه‌ی معماران آفریقا

آثار برتر و تقدیرشدگان

بخش پروژه‌های اجرایی امکانات توریستی

رتبه‌ی نخست: تسهیلات توریستی روستای ویتس، بوش‌باکریج، کاترین ماری اوتن

رتبه‌ی دوم: کارگاه‌های سفالگری، حمدی السطوحی

رتبه‌ی سوم مشترک: موزه‌ی تاریخ و مردم‌شناسی سوانتی، کیکنادزه گریگول

رتبه‌ی سوم مشترک: مرکز توریستی کوهستانی یانان بائوتا، ژوانگ ویمین

تقدیر شده: مجموعه‌ای از خانه‌های سنتی احیا شده و استراحتگاه‌های لوکس در جزیره‌ی آمامی، یاماشیتا یاسوهیرو

بخش بازسازی ساختمان‌ها و مکان‌های تاریخی

رتبه‌ی نخست: تئاتر ماریونت، ترانه باقیراوا و جمعی از معماران

رتبه‌ی دوم: رویاهای سواحیلی، اورکو سانچز

رتبه‌ی سوم: لبه‌ی شهری به عنوان گالری شهری، محسن نوروزوند

تقدیر شده: احیای خطه‌ی صنایع دستی و بازسازی منطقه‌ی سنگر جلاد، دراهوسکی مارتین

تقدیرشده: خانه‌ی کبوتر-انبار غلات، تیاگودوواله

بخش مرمت فضای داخلی آثار تاریخی

رتبه‌ی نخست: سه کلبه‌ی نوک تیز، تیاگودوواله

بخش بازسازی کامل یک سایت در زمینه‌ی معماری منظر

رتبه‌ی نخست صومعه‌ی راهبه‌ی رانچن در دره‌ی «تسوم»، سونگ میو سین مل

رتبه‌ی دوم: بازسازی اثر نمادین پیژارت، کارلوس کودو رکساس

رتبه‌ی سوم: پارک پدر کالینز، فرناندو آبلیرو، مائورو رومرو

بخش پروژه‌های اجرا نشده در زمینه‌ی بازسازی ساختمان‌های تاریخی

رتبه‌ی نخست: ویرانه‌هامادر چندنیرز، جوآئو تاوارس، آنا سانتوس، جوآئو وارلا، پائولو دیاس

رتبه‌ی دوم: مرکز طراحی بغداد، اسلام المشتولی

رتبه‌ی سوم مشترک: احیا و تجدید زندگی-مرمت و بازسازی برج دوازدهم باروی موزه اسلحه‌های باستانی، راسیم بابا کیشی‌اُف، فهادالدین میرعلی‌اُف

رتبه‌ی سوم مشترک: اسلاید در زمان ـ مرمت معادن آتلانتی، تیسام پیکوس پتراس

تقدیر شده: هتل راه ابریشم سوریه، جوآن لین آو

تقدیرشده: هتل بازار شهر، مارکو برنتز

بخش بهترین نشریات در زمینه‌ی استفاده از میراث فرهنگی و اهداف گردشگری

رتبه‌ی نخست: اصول اصلی پژوهش، حفاظت و مرمت آثار معماری، توفیق شاکیهانوف

رتبه‌ی دوم: برج دختر باکو ـ تاریخ و مشخصات مندرج در کتیبه، جعفر قیاسی

رتبه‌ی سوم: معماری مسجد در بنگلادش، ابوسعید ام. احمد

جوایز نقدی

جوایز نقدی برندگان ۴۵۰۰۰ منات (پول رایج آذربایجان) می‌باشد، که این جایزه‌ی نقدی طبق دسته‌بندی زیر به برندگان تعلق می‌گیرد:

جایزه‌ی نفرات اول

۴۰۰۰ منات (پول رایج آذربایجان)، تندیس و لوح افتخار

جایزه‌ی نفرات دوم

۲۵۰۰ منات (پول رایج آذربایجان) و لوح افتخار

جایزه‌ی نفرات سوم

۱۰۰۰ منات (پول رایج آذربایجان) و لوح افتخار

ارزیابی و اعطای جوایز برندگان

هیئت داوران چهارمین دوره‌ی جایزه‌ی معماری باکو در تاریخ ۹-۸ ماه جون ۲۰۱۹ دیدار داشتند. در طول این دو روز نمایشگاه آثار ارسالی در مرکز حیدر علی اف ارائه و مراسم اعلام برندگان در تاریخ ۱۱ ماه جون ۲۰۱۹ در مرکز حیدر علی اف برگزار شد. تمامی کارهای برگزیده و نتایج جوایز در ویژه‌نامه‌ی مجله منتشر گردید.

First place of implemented project in the architecture of tourist facilities

Wits Rural Facility, Bushbuck Ridge, South Afrika

Katherine Maree Otten, South Africa

تسهیلات توریستی روستای ویتس، بوش‌باکریج، آفریقای جنوبی

کاترین ماری اوتن، آفریقای جنوبی

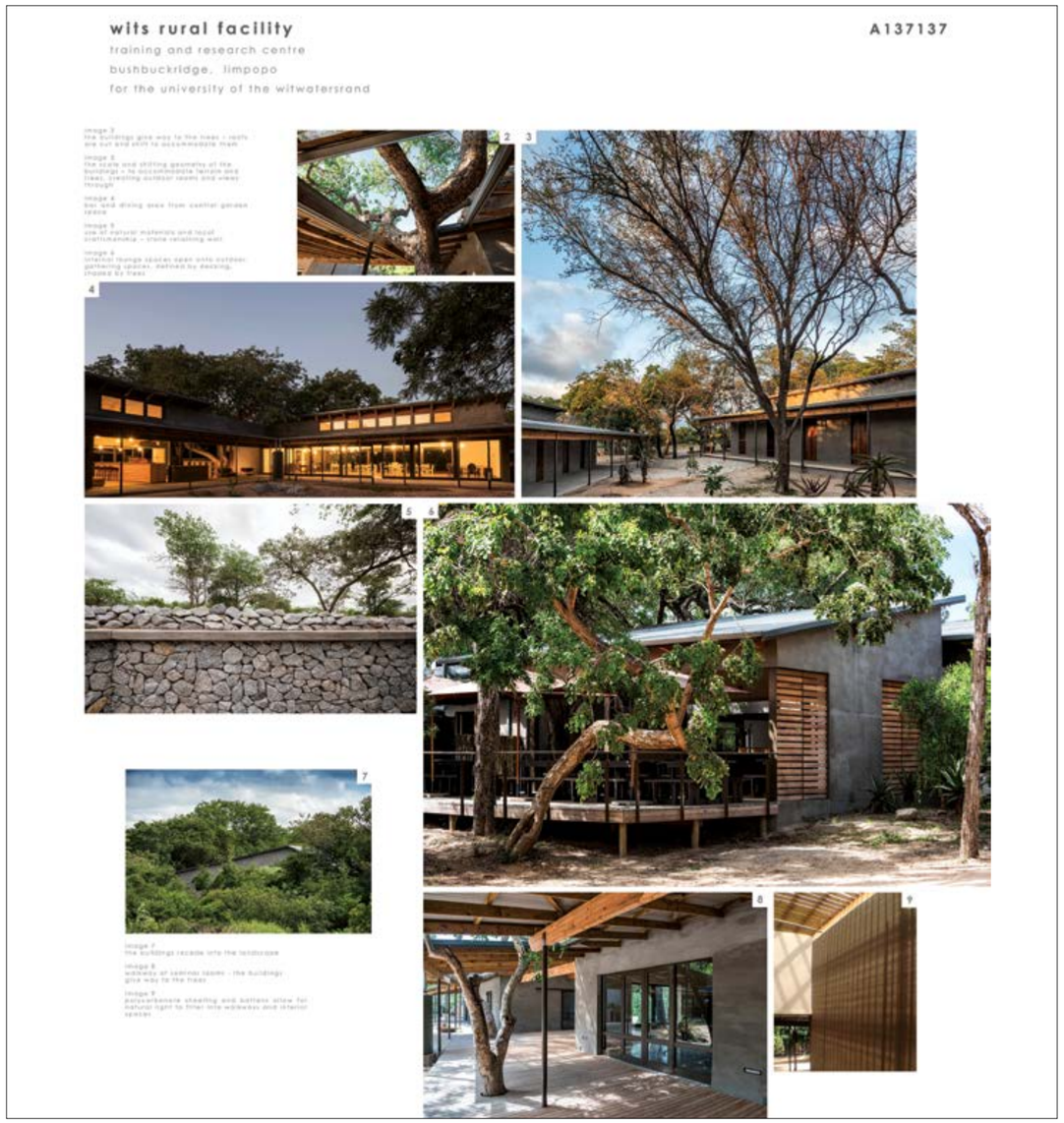

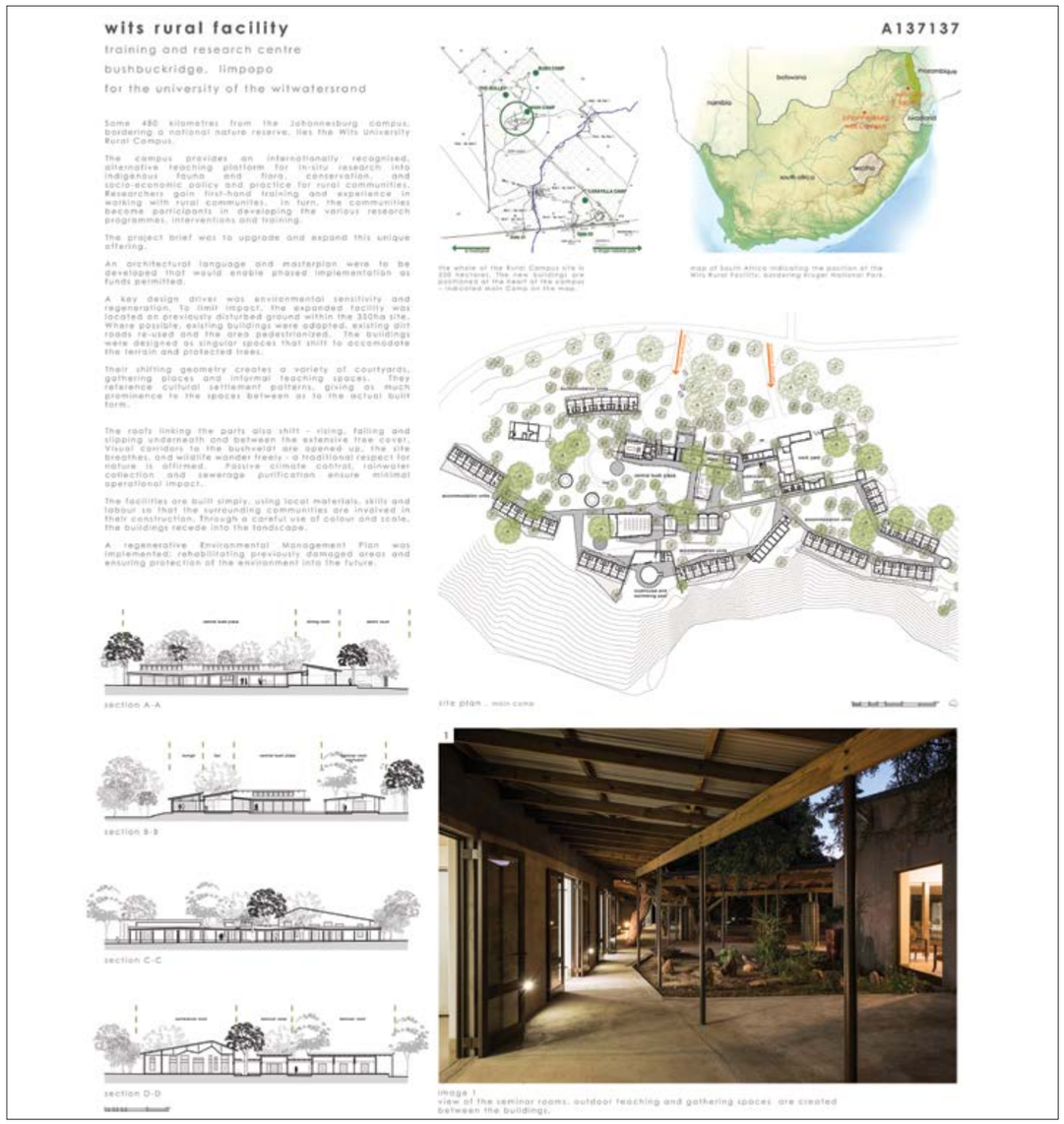

Pottery Workshops

Hamdy EL-Setouhy, Egypt

کارگاه‌های سفالگری

حمدی السطوحی، مصر

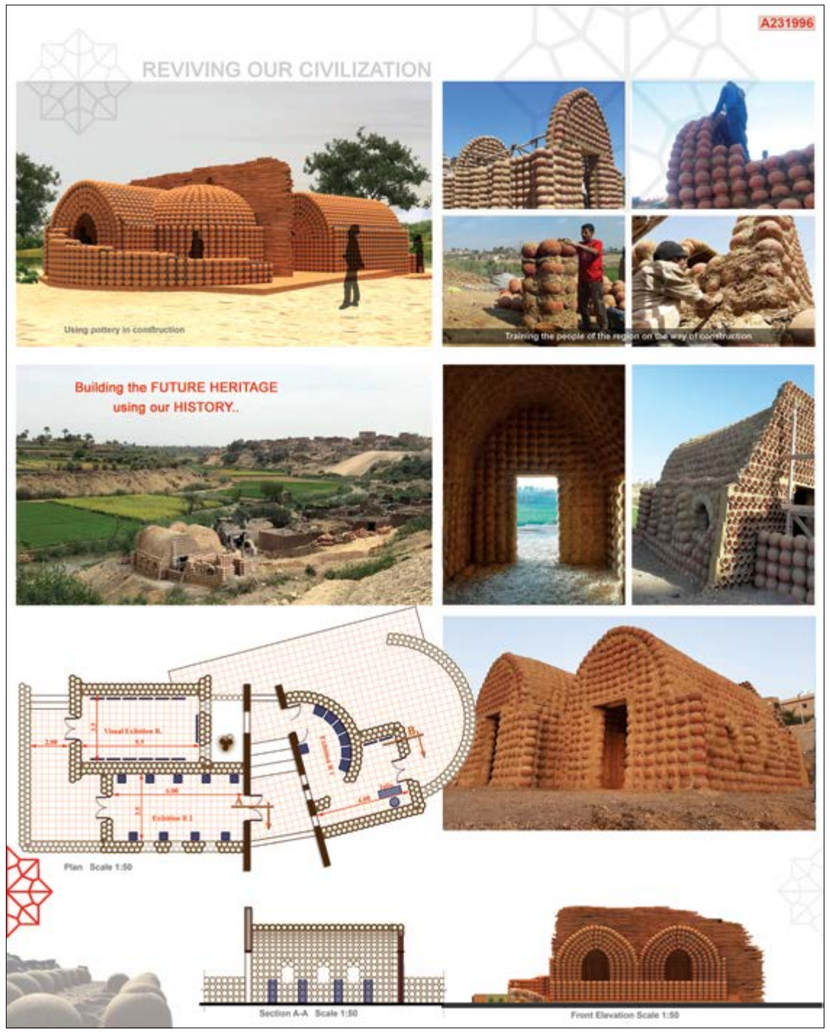

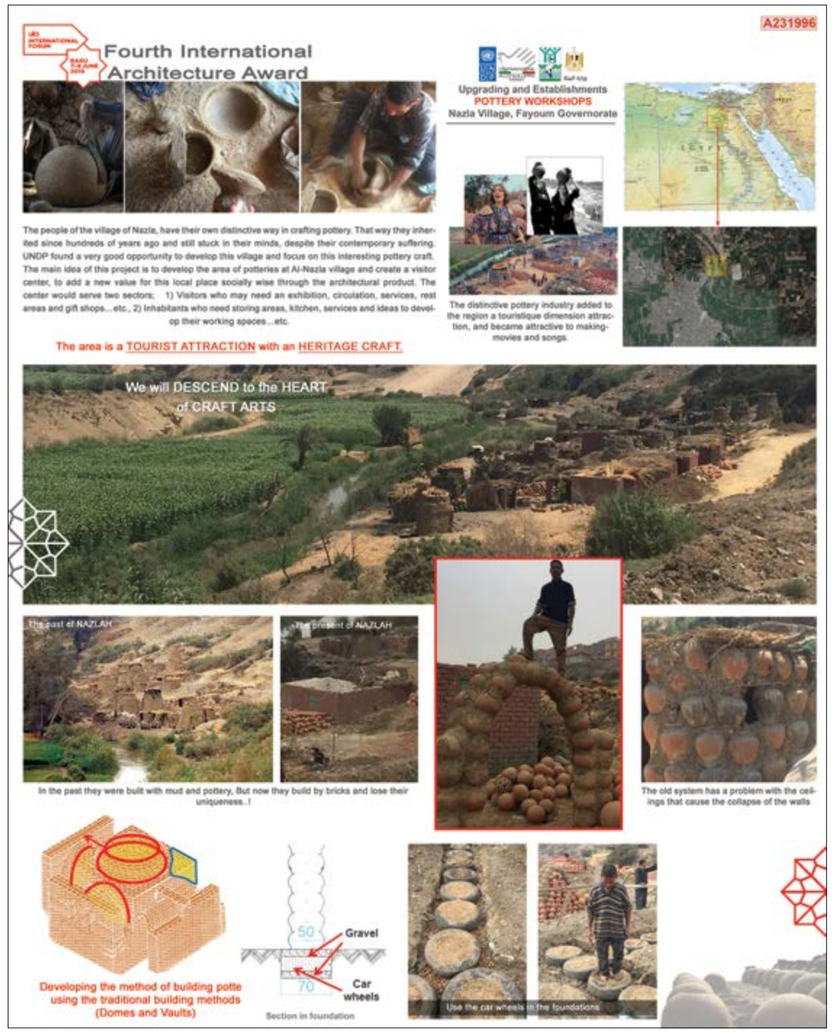

Third place of implemented project in the architecture of tourist facilities

رتبه‌ی سوم در بخش پروژه‌های اجرایی امکانات توریستی

موزه‌ی تاریخ و مردم‌شناسی سوانتی در مستی (سوانتی)

کیکنادزه گریگول، گرجستان

Svaneti Museum of history and ethnography in Mestia (Svaneti)

Kiknadze Grigol (Architects.ge 2 Ltd.), Georgia

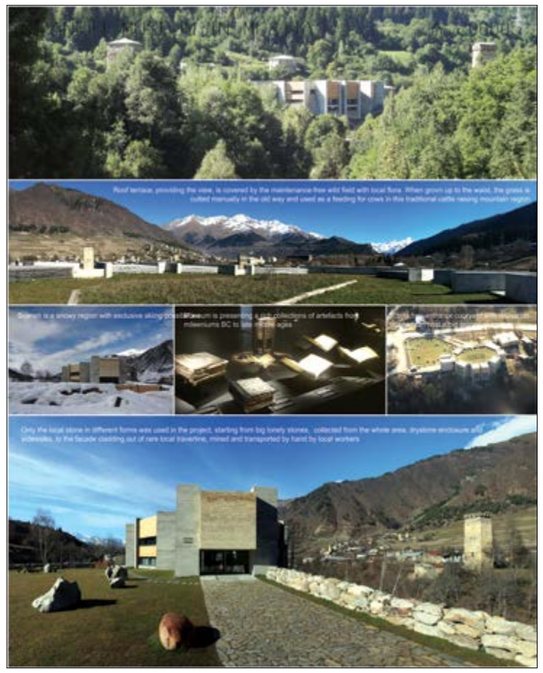

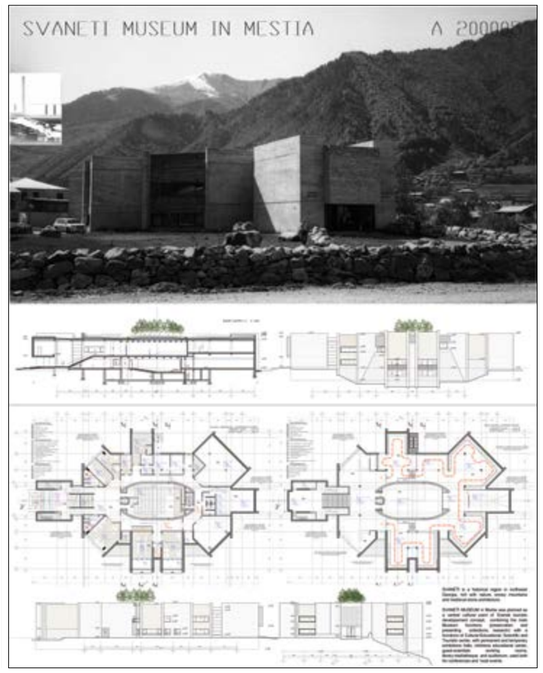

Third place of implemented project in the architecture of tourist facilities

رتبه‌ی سوم بهترین پروژه‌ی اجرایی امکانات توریستی

مرکز توریستی کوهستانی یانان بائوتا

ژوانگ ویمین، چین

Yan'an Baota Mountain Tourist Center

Zhuang Weimin, China

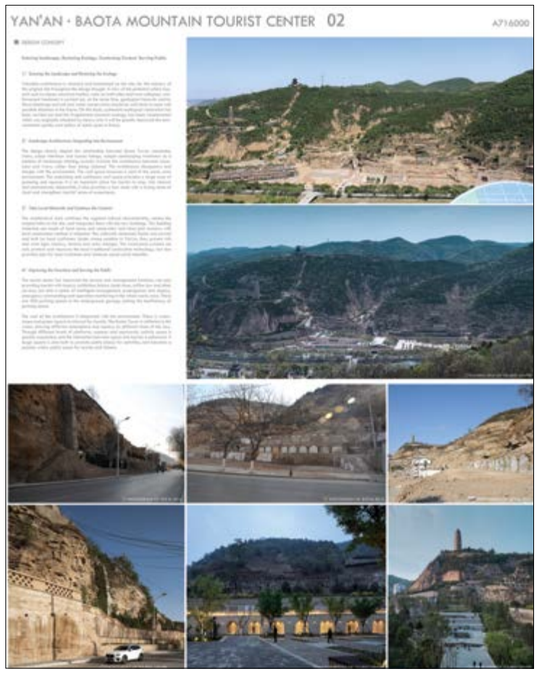

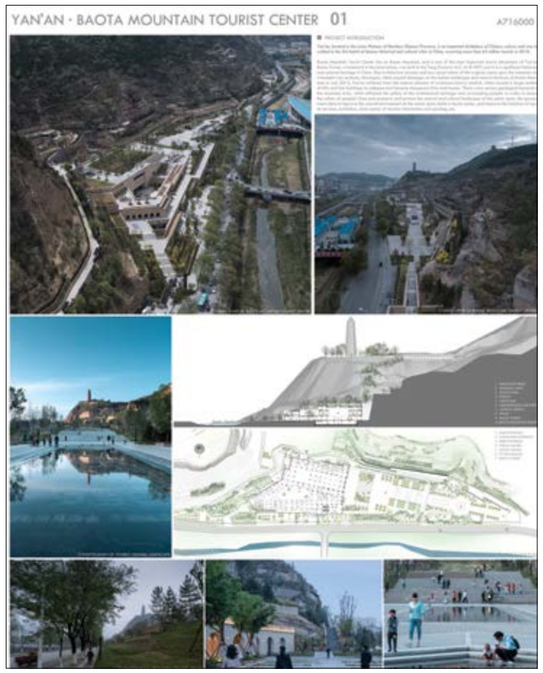

B

First place of project undertaken in the field of rehabilitation & reconstruction of historic buildings & sites

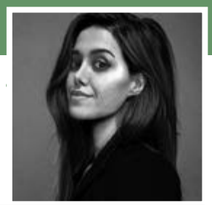

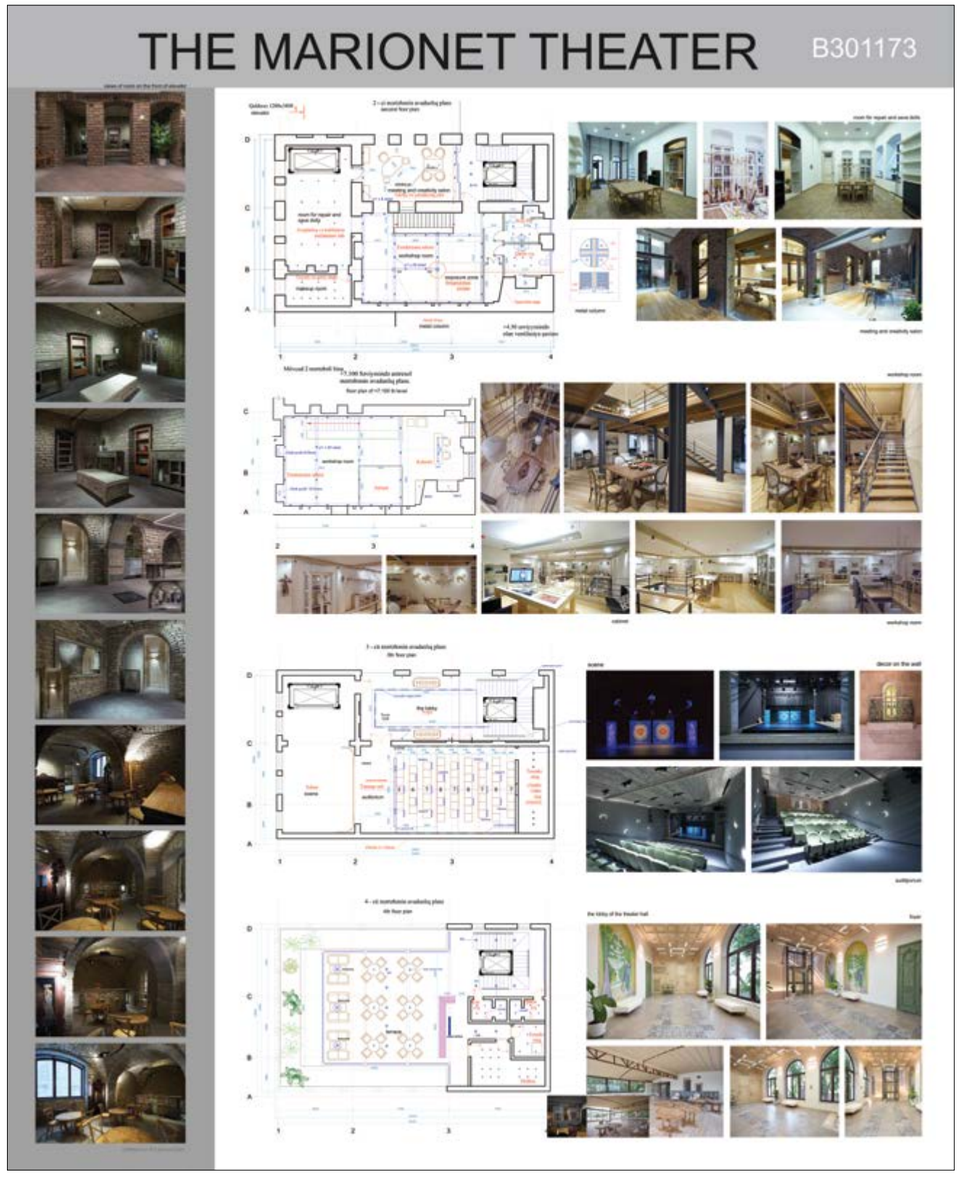

Marionet Theatre

Tarana Bakirova and a group of architects, Azerbaijan

تئاتر ماریونت

ترانه باقیراوا و جمعی از معماران، آذربایجان

B

Second place of project undertaken in the field of rehabilitation & reconstruction of historic buildings & sites

رتبه‌ی دوم در بخش بازسازی ساختمان‌ها و سایت‌های تاریخی

رویاهای سواحیلی

اورکو سانچز، کنیا

Swahili Dreams

Urko Sanchez, Kenya

B

Third place of project undertaken in the field of rehabilitation & reconstruction of historic buildings & sites

رتبه‌ی سوم در بخش بازسازی ساختمان‌ها و سایت‌های تاریخی

لبه‌ی شهری به عنوان گالری شهری

محسن نوروزوند، ایران

An Urban Edge as an Urban Gallery

Mohsen Noruzvand, Iran

First place of implemeted restoration of historic interiors

The Three Cups Chalet

Tiago do Vale, Portugal

سه کلبه‌ی نوک تیز (The Three Cups CHalet)

تیاگودووالە، پرتغال

The domestic program relates with the interior plaza and the morning light. The interior plaza is punctuated by several orange trees: these provide a delicious shadow during the summer and display a beautiful show during winter, covered with bright fruits.

The program asked for the cohabitation of a work studio and a home program. Given the reduced area of the building, the original strategy of hierarchizing spaces by floor was followed. The stairs are narrower with each flight of steps, informing the changing nature of the spaces it connects.

The staircase geometry efficiently filters the visual relations between both programs while still allowing for natural light to seep down from the upper levels.

The first floor was kept for the social program of the house. Refusing the natural tendency for compartmentalizing, the staircase was allowed to define the perimeters of the kitchen and living room, creating an open floor with natural light all day long. Light enters from the kitchen in the morning, from the staircase's skylight and from the living room in the afternoon.

Climbing the last narrow flight of stairs we reach the sleeping quarters where the protagonist is the roof, whose structure was kept apparent, though painted white. On the other side of the staircase there's a clothing room, backed by a bathroom.

The white color is methodically repeated on walls, ceilings, carpentry and marble. The clothing room is the surprise at the top of the building. Both the floor and roof structure appear in their natural colors, surrounded by closet doors constructed in the same material. It reads as a small wooden box, a counterpoint to the home's white box and to to the marble box of the bathroom.

THE THREE CUSPS CHALET

A Caring Refurbishment

The "Three Cusps Chalet" is a very peculiar building, documenting this region's history and diaspora, combining typical 19th century portuguese architecture and urban design with an unexpected alpine influence, brought by a documented big wave of rich portuguese returning from Brazil in the eighteen hundreds, influenced by central-europeans building Brazil's second industrial revolution.

Though this building doesn't deal with intense snowing -as does its alpine counterpart- this morphology, with pitched roofs, decorated eaves, tall windows and vertical proportions, is a convenient fit for the region's intense winter and spring rainfalls and would end up deeply influencing northern Portugal's architecture throughout the next decades.

Conceived as an annex serving the small palace by its side and siting at the heart of both the roman and medieval walls of Braga, this is a particularly sunny building with two fronts, one facing the street at West and another one facing a delightful, qualified block interior plaza at East, enjoying natural light all day long.

The building's identity had been lost in 120 years of small unqualified interventions, over-compatmenting it, closing it to the street and to the light.

Its façade was equally adulterated: modern aluminium window frames and exterior shade head boxes changed the openings' stereotomy, the building's scale and detail, and disrupted the original sense of the street.

The studio's mission was to clarify the building's spaces and functions, returning it to its original characteristics, while simultaneously making it fit for today's way of living.

The façade was restored to its original glory, reinstating the original wooden window frames and preserving the delightfully decorated eave. The interior recuperated the original spacial and functional distribution, wooden floor and ceiling structures and the original staircase, while introducing portuguese Estremoz marble on the wet areas and ground-floor.

We believed our mission was to give back to the neighbourhood this building's original role in its urban landscape, particularly on the street were it participated which encompasses buildings from the middle ages to the early 20th century.

We felt we needed not only to give the building's image back to the city, but also its architecture as a whole, including the original constructive techniques and materials but specially its program, mainly habitational.

This would be our contribution to the rehabilitation and preservation of this particular urban landscape, trying to invert the neighbourhood's growing tendency for a services and commerce mono-functionalism.

On the inside, our interest was to clarify the building's spaces and functions, returning it to its original characteristics, while simultaneously making it fit for today's way of living, making it a model for future rehabilitation projects in the neighbourhood.

The interior recuperated the original spacial and functional distribution, wooden floors and ceiling structures and the original staircase, while introducing portuguese Estremoz marble on the wet areas and ground-floor.

A 1,5 m height difference between the street and the block's interior plaza allowed to place the working area on the ground level, turning it westward and relating it to the street. This façade is bathed with the afternoon light, filtered by the leafs of a Maple tree.

Being the Maple a deciduous tree, it allows light to permeate the building during the cold months of winter while casting a refreshing flickering shadow during the summer.

The façade was restored to its original glory, reinstating the original wooden window frames and preserving the delightfully decorated eave.

First place of implemeted rehabilition of a site in the field of landscape architecture

صومعه‌ی راهبه‌ی رانچن در دره‌ی «تسوم» در منطقه‌ی هیمالیایی نپال

سونگ میو سین مل، مالزی

Ranchen Nunnery Tsum Valley Himalayan Region Nepal

Soong Meow Sin Mel, Malaysia

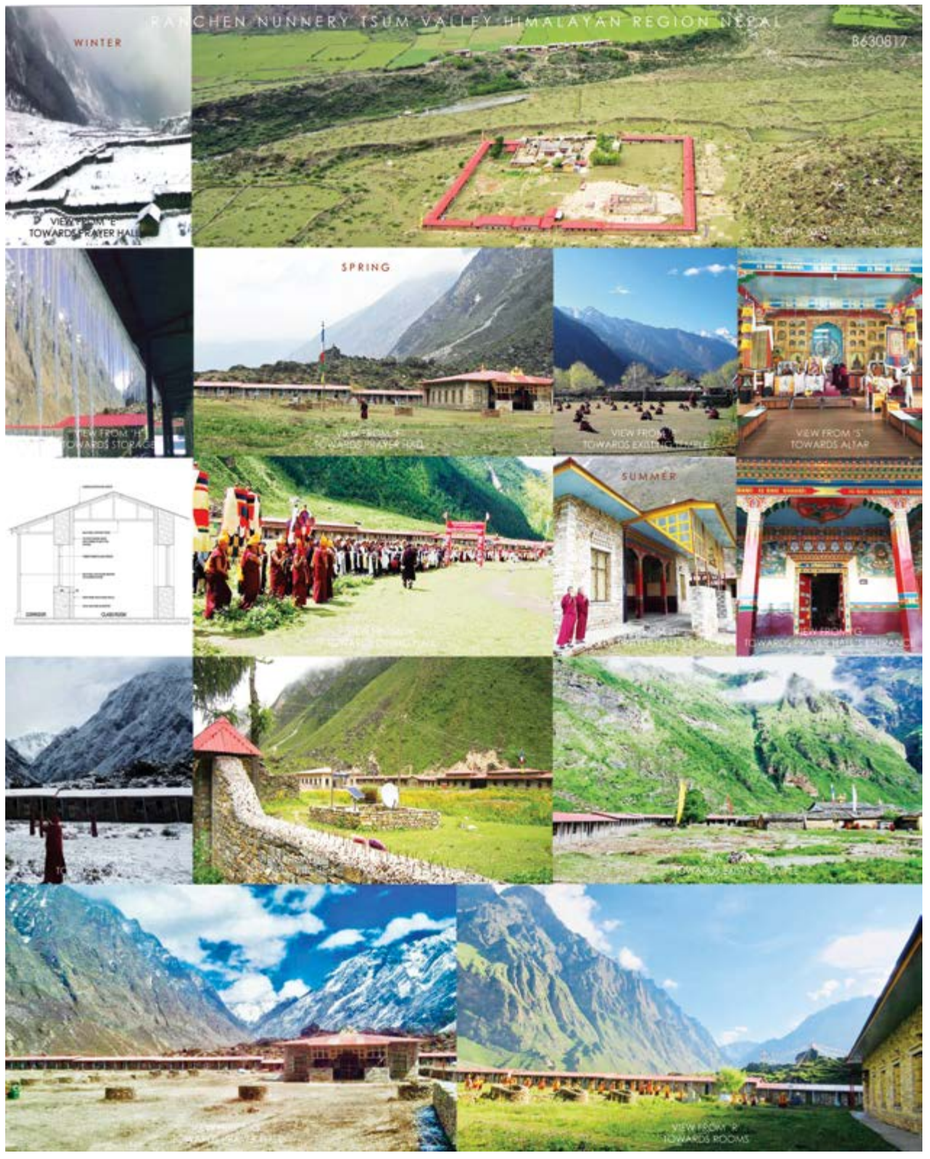

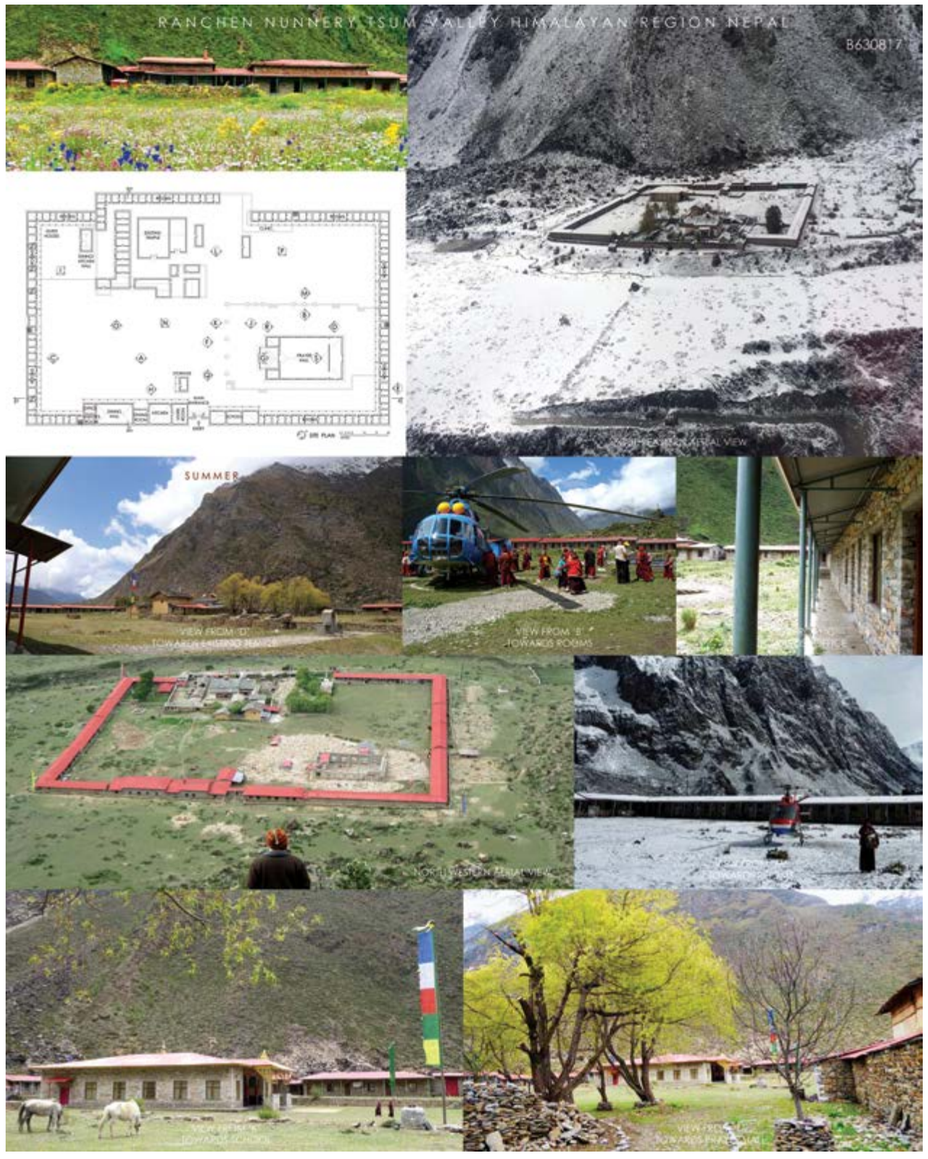

Second place of implemeted rehabilition of a site in the field of landscape architecture

رتبه‌ی دوم در بخش بازسازی کامل یک سایت در زمینه‌ی معماری منظر

Iconic Recovery in Pajarete
Karlos Kevedo Roxas, Ispaniya

بازسازی اثر نمادین پیژارت
کارلوس کودو رکساس، اسپانیا

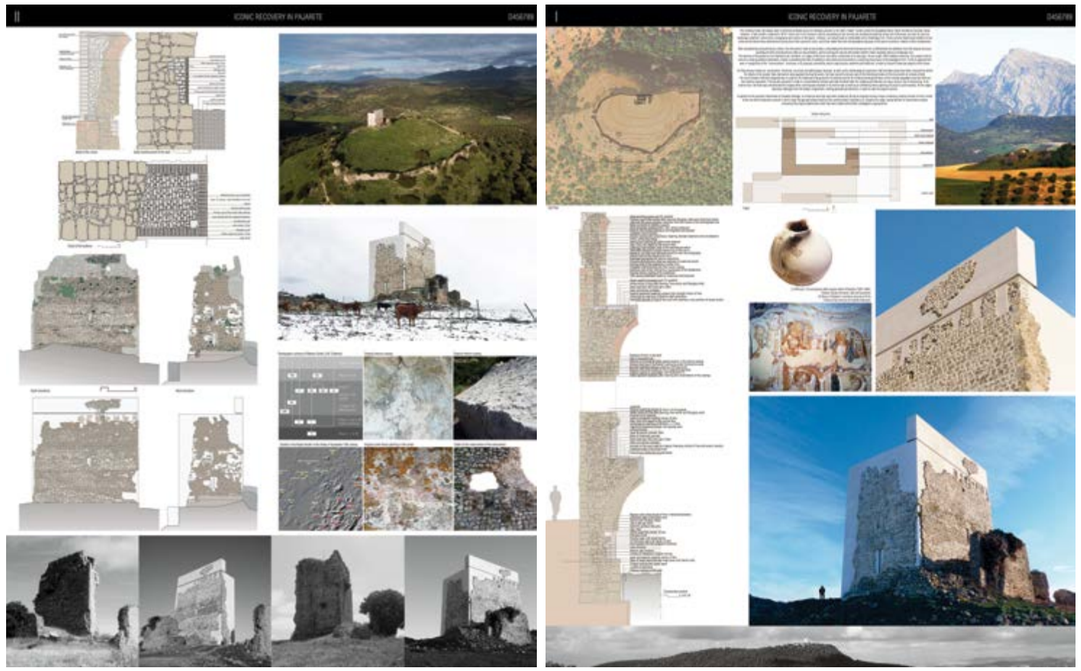

Third place of implemeted rehabilition of a site in the field of landscape architecture

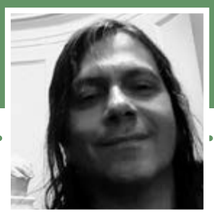

رتبه‌ی سوم در بخش بازسازی کامل یک سایت در زمینه‌ی معماری منظر

Father Collins Park
Fernando abelleyro, Mauro romero

پارک پدر کالینز
فرناندو آبلیرو، مائورو رومرو

First place of unrealised project in the field of restoration & reconstruction of buildings

Common Ruins _ Mother Chandeniers

Joao Tavares, Ana Santos, Joao Varela, Paulo Dias, Portugal

ویرانه‌ها_مادر چندنیرز

جوآئو تاورس، آنا سانتوس، جوآئو وارلا، پائولو دیاس، پرتغال

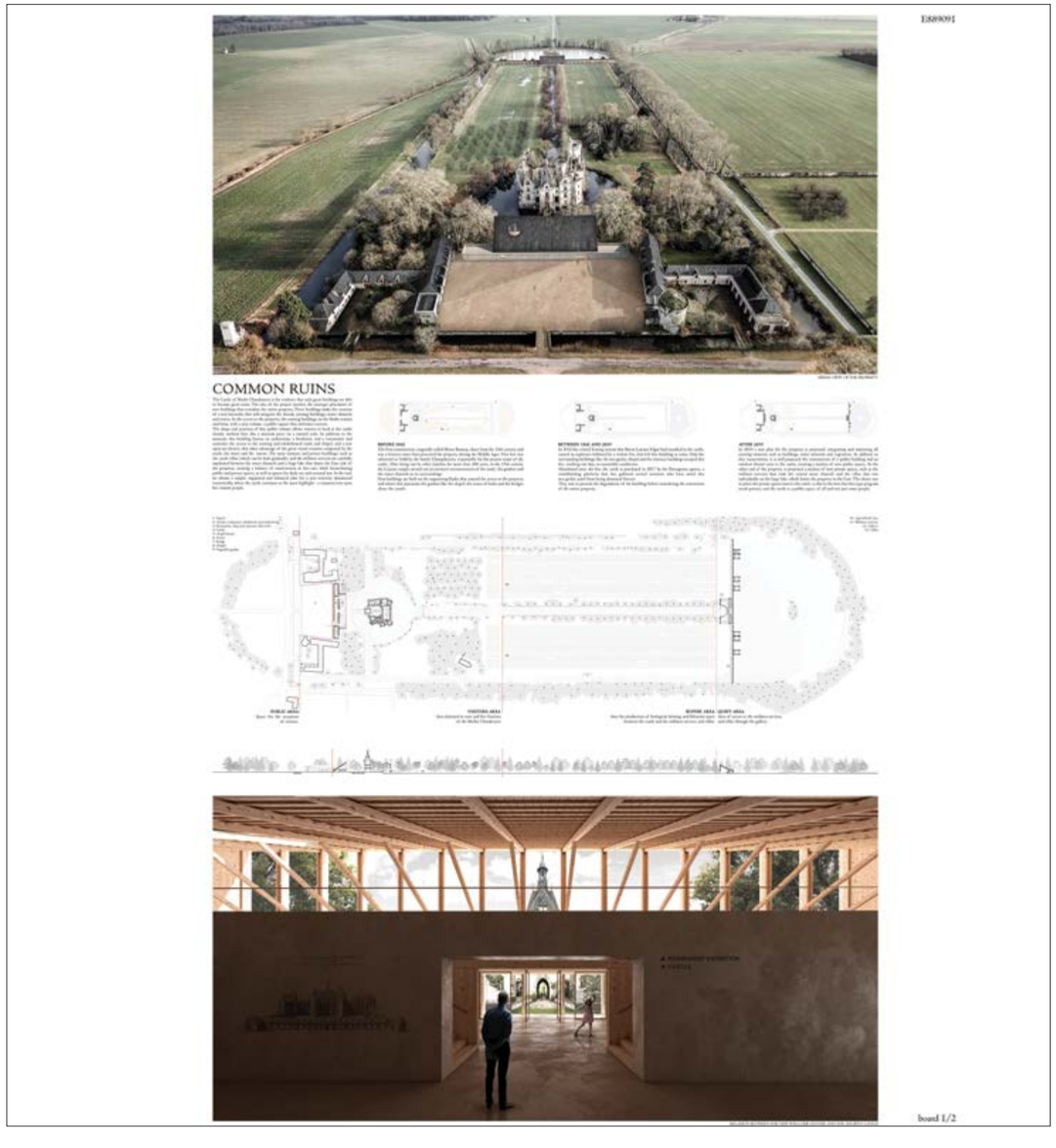

board 1/2

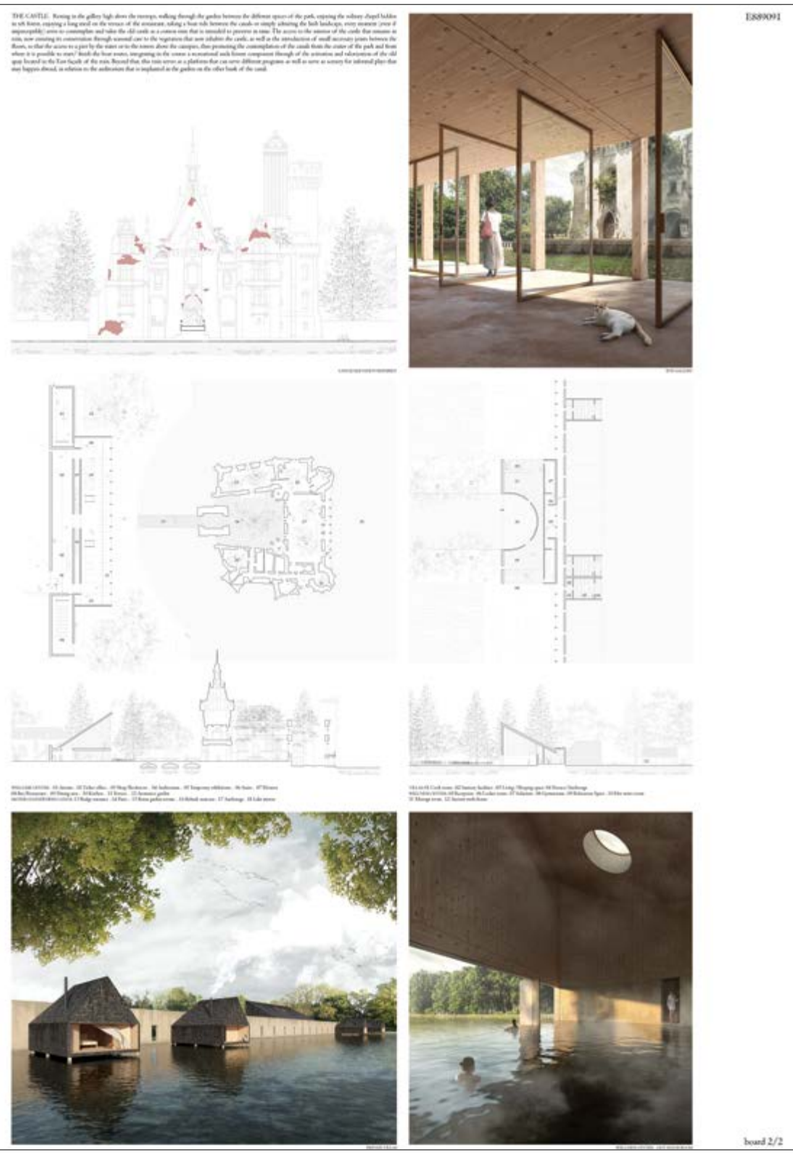

board 2/2

Second place of unrealised project in the field of restoration & reconstruction of buildings

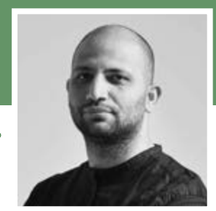

رتبه‌ی دوم در بخش پروژه‌های اجرا نشده در زمینه‌ی بازسازی ساختمان‌های تاریخی

مرکز طراحی بغداد

اسلام المشتولی، امارت

Baghdad Design Center

Islam El Mashtooly, UAE

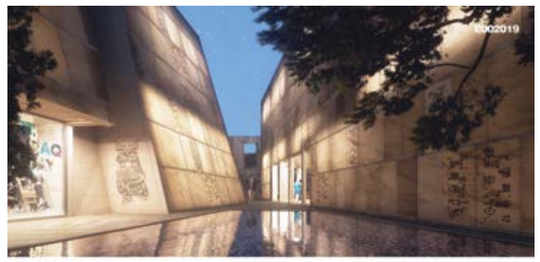

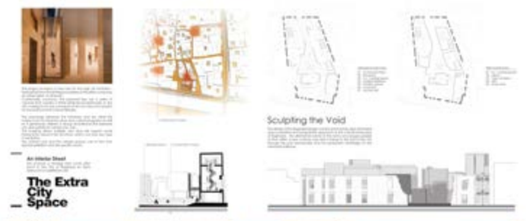

Second place of unrealised project in the field of restoration & reconstruction of buildings

رتبه‌ی دوم در بخش پروژه‌های اجرا نشده در زمینه‌ی بازسازی ساختمان‌های تاریخی

احیا و تجدید زندگی ـ مرمت و بازسازی برج دوازدهم باروی موزه اسلحه‌های باستانی

راسیم بابا کیشی‌اُف، فهادالدین میرعلی‌اُف، جمهوری آذربایجان

Restore and give a new life ـ Restoration and Regeneration of the 12th tower of the fortress Wall for the ancient weapons museum

Rasim Babakishiyev & Fahraddin Miralayev, Azerbaijan

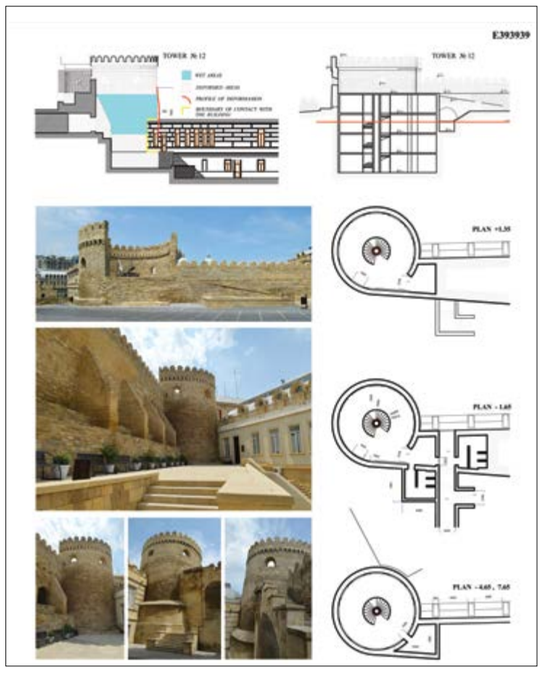

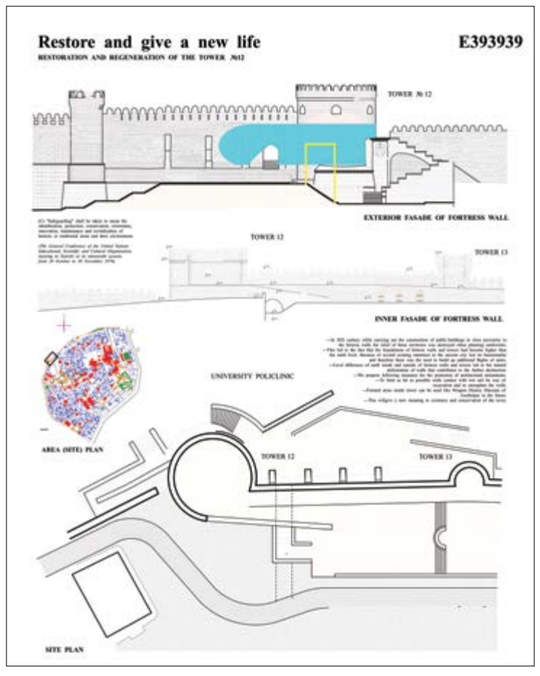

The Best publication in the field of the use of historical heritage for tourism purposes

FI-F 252525

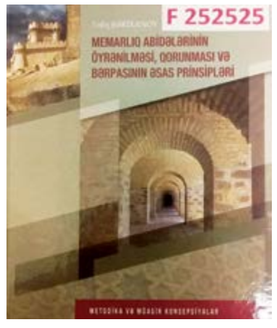

رتبه‌ی نخست بهترین نشریه در زمینه‌ی استفاده از میراث فرهنگی با اهداف گردشگری

اصول اصلی پژوهش، حفاظت و مرمت آثار معماری

توفیق شکیانانوف، جمهوری آذربایجان

Main Principles of Research, Preservation & Restokation of Architectural monuments

Tifiq Shakihanov, Azarbaijan

FII-F 194224

رتبه‌ی دوم بهترین نشریه در زمینه‌ی استفاده از میراث فرهنگی با اهداف گردشگری

برج دختر باکو ـ تاریخ و مشخصات مندرج در کتیبه

جعفر قیاسی، آذربایجان

The Maiden Tower of Baku ـ date & designation reflected by archeological descriptions

Jafar Qiyasi, Azarbaijan

FIII-F 456123

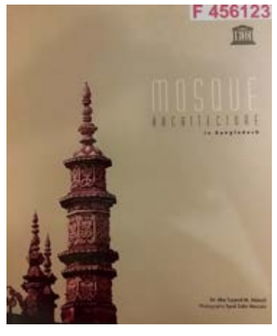

رتبه‌ی سوم بهترین نشریه در زمینه‌ی استفاده از میراث فرهنگی با اهداف گردشگری

معماری مسجد در بنگلادش

ابوسعید م. احمد، بنگلادش

Mosque Architecture in Bangladesh

Abu Sayeed M. Ahmad, Bangladesh

Third place of unrealised project in the field of restoration & reconstruction of buildings

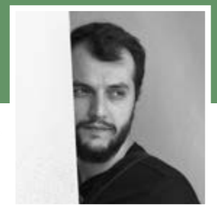

رتبـه‌ی سـوم در بخش پـروژه‌های اجرا نشده در زمینـه‌ی بازسـازی سـاختـمان‌های تاریـخـی

اسلاید در زمان ـ مرمت معادن آتلانتی در یونان

تیسام پیکوس پتراس، یونان

Slide in Time ـ Restoration of Atalanti's Mines in Greece

Tsampikos Petras, Greece

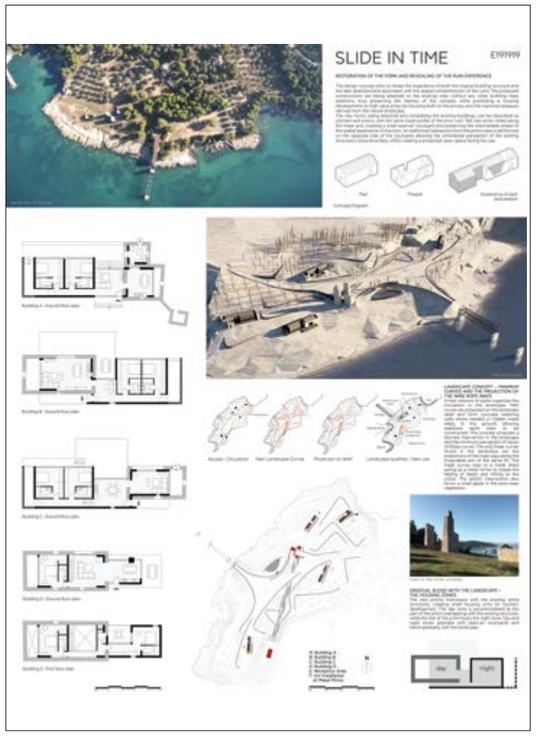

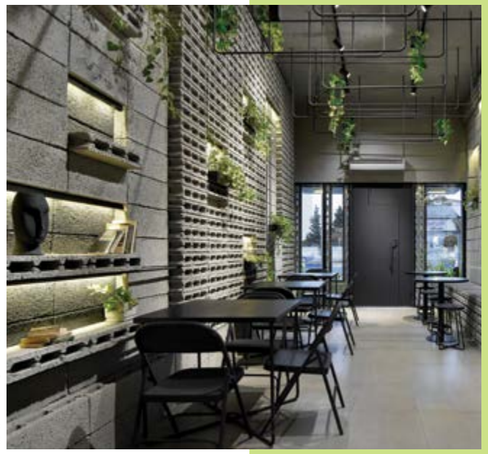

[کافه آبوی، عکاس: دید استودیو]

بیانیه‌ی هیئت داوران هشتمین جایزه‌ی ملی طراحی داخلی ایران معاصر ۱۳۹۹

بنیان‌گذار: هنر معماری
۱۳۸۸

با مشارکت مبلمان هارمونی

فراخوان جایزه‌ی ملی طراحی داخلی ایران معاصر ۱۳۹۹ در مهر ۱۳۹۹ منتشر گردید. در ابتدا هنرمعماری از تمامی شرکت‌کنندگان گرامی، هیئت محترم داوران، حامی انحصاری رویداد مدیریت محترم شرکت مبلمان هارمونی، حامیان رسانه‌ای و تمامی عزیزانی که ما را در این راه یاری نمودند تشکر و قدردانی می‌نماید و امید است با یاری شما عزیزان و انتقادات و پیشنهادات سازنده، رویدادهای هنرمعماری هر سال با پیشرفت قابل توجهی نسبت به سال قبل برگزار گردد. هدف از برگزاری این رویداد شناسایی طرح‌های جریان‌ساز، حرفه‌ای، تاثیرگذار و منطبق با معیارهای رویداد و معرفی آنها به جامعه‌ی معماری بود. معماری و طراحی داخلی در سال‌های اخیر اهمیتی دو چندان یافته است، زیرا با کاهش زمین‌های بافت شهری و افزایش قیمت زمین‌های باقی‌مانده، کارفرمایان امکان خرید زمین در شهر را فقط برای ساخت بنایی یک یا دو طبقه با کاربری باشگاه، رستوران و ... . را ندارند و برایشان توجیه اقتصادی نخواهد داشت، لذا خرید ملکی در یکی از بناهای ساخته شده و یا بنایی نیازمند بازسازی و بهره‌گیری از دانش معماران و طراحان داخلی برای تطبیق کاربری مورد نیاز با بنای موجود بصرفه‌تر می‌نماید. برای آپارتمان‌های مسکونی نیز چنین است. واحدهای بیشماری وجود دارند که به دلیل تعدد و یا در واقع نامعلوم بودن مخاطبان، بر اساس پیش‌فرض‌های موجود ساخته شده‌اند. در اینجا معمار و طراح داخلی است که وظیفه‌ی هماهنگی محیط با روحیه و درخواست‌های کارفرما را دارد و این کار در واحدها و بناهایی که پلان آزاد ندارند بسیار مشکل‌تر است.

هشتمین جایزه‌ی ملی طراحی داخلی ایران معاصر، در هفت بخش آپارتمانی، ویلایی، عمومی (فرهنگی، آموزشی، ورزشی، مذهبی، درمانی، تجاری، اداری و صنعتی)، رستوران، فست فود و کافی شاپ، هتل (سنتی و بوم گردی، بوتیک هتل و معاصر)، بخش کانسپت (شامل تمامی فضاها در سایت دلخواه) و طراحی مبلمان (داخلی و شهری) تعریف گردید. به جز انتخاب رتبه‌های برتر در هر بخش نشان‌هایی برای بهترین نورپردازی، بهترین کاربرد رنگ و بهترین بهترین‌ها از بین آثار رسیده در نظر گرفته شد که نشان رنگ و نور می‌توانست از بین تمامی آثار و نه فقط فینالیست‌ها و برندگان انتخاب گردد. لازم به ذکر است که انتخاب سه رتبه‌ی برتر یا کمتر، وجود رتبه‌های مشترک و یا حذف یکی از بخش‌ها، وابسته به مجموع امتیاز داوران و قرار گرفتن امتیازات بالاتر از معیار نمره در هر بخش می‌باشد.

آخرین مهلت ارسال آثار دوشنبه، ۱۰ آذر ۱۳۹۹ اعلام گردید. پس از بررسی آثار توسط داوران، فینالیست‌ها در تاریخ چهارشنبه، ۲۶ آذر ۱۳۹۹ و پس از آن، طی بررسی دور دوم، رتبه‌های نخست و نشان‌ها نیز در تاریخ چهارشنبه ۳ دی ۱۳۹۹ اعلام شدند. در بخش هتل، آثار رسیده مورد تایید داوران نبوده و به این دلیل در این بخش فینالیست و برنده‌ای انتخاب نگردید، همچنین در بخش ویلا فقط یک پروژه به عنوان رتبه‌ی نخست برگزیده شد. متاسفانه به دلیل شیوع کووید ۱۹ مانند سال‌های قبل امکان برگزاری جلسات دفاع و جشن اختتامیه نبود و ما از دیدار مخاطبان عزیز و گرامی بی‌نصیب ماندیم. امید است در سال آتی، و با پایان یافتن این بیماری بتوانیم دوباره جلسات و اختتامیه‌ی رویدادها را با حضور گرم معماران، طراحان و همراهان گرامی هنرمعماری برگزار نماییم و گامی موثرتر در جهت همبستگی، اعتلای معماری، طراحی داخلی و نهایتا، خلق فضاهای باکیفیت برای تجربه‌ی زندگی بهتر برداریم.

برندگان و فینالست‌های هر بخش

بخش آپارتمانی:

- **رتبه‌ی نخست:** خانه‌ی شماره‌ی ۱۰۱ اثر یسنا مختاری
- **رتبه‌ی دوم:** پروژه‌ی کامرانیه اثر آرش مدنی
- **رتبه‌ی سوم:** پروژه‌ی یاسمین اثر سروش شمس‌عالم و اشکان نیکبخت
- **فینالیست‌ها:** ساختمان شیمی گیاه اثر امیرحسین اشعری/ خانه‌ی سفید نانسی اثر مهیار جمشیدی

بخش ویلا:

- **رتبه‌ی نخست:** ویلا دنا اثر امیرحسین اشعری
- **فینالیست:** ویلا سروستان اثر نریمان کریم‌زاده

بخش رستوران، فست فود و کافی‌شاپ:

- **رتبه‌ی نخست:** کافه آیوی اثر ندا میرانی
- **رتبه‌ی دوم:** بوتیک رستوران خان اثر محمد وارسته، رزا تبادار و فاطمه محمدی
- **رتبه‌ی سوم:** کافه رستوران ژیوار اثر فروغ رضوی و کیمیا والیانی
- **فینالیست:** کافه رستوران آرمه اثر اسماعیل عابدی، فمیلی فودبوتیک اثر مرتضی همتی

بخش عمومی:

- **رتبه‌ی نخست:** کارن فیتنس فکتوری اثر مجتبی هوشنگیان شیرازی
- **رتبه‌ی دوم مشترک:** ساختمان اداری «میان» اثر بهناز سرتیپی و محسن کفایی

رتبه‌ی دوم مشترک: باشگاه بدنسازی راک اثر مجتبی هوشنگیان شیرازی

- **رتبه‌ی سوم:** سینما توپوگرافی اثر امیرحسین اشعری
- **فینالیست‌ها:** داروخانه‌ی امین اثر رضا اسلامی / بیمارستان حیوانات خانگی الیت اثر حامد بهاءلو هوره/ دفتر مدیریت ثروت پایتخت اثر بهادر کاشانی مدنی/ نمایشگاه ماشین اتولچی اثر آرش مدنی/ دفتر مرکزی پرپروک اثر آرش مدنی/ پروژه‌ی اداری طبقه‌ی هفت اثر سپهر مهردادفر/ نمایشگاه مبلمان و اثاثیه‌ی رست اثر محمد وارسته و رزا تبادار/ هایپر مارکت هاب اثر محمد وارسته و رزا تبادار/ شوروم VIP مبلمان آیسان اثر مجتبی هوشنگیان شیرازی

بخش کانسپ:

- **رتبه‌ی نخست:** سوئیت لواسان اثر پارمیس میرزا بابایی
- **رتبه‌ی دوم:** عمارت دهلیز اثر گروه هامون
- **رتبه‌ی سوم:** پروژه‌ی ELEVE8 اثر شهروز زمردی
- **فینالیست‌ها:** خانه‌ی سرو اثر سید رضی علوی‌نژاد و بهاره رجایی

بخش مبلمان:

- **رتبه‌ی نخست:** اثاث برای آرگولانژ اثر گروه هامون
- **رتبه‌ی دوم:** تشیله اثر منصور زارع
- **رتبه‌ی سوم:** صندلی شاهرخ اثر گروه هامون

در ادامه رتبه‌های برتر هر بخش معرفی می‌گردند. شما می‌توانید برای مشاهده‌ی آثار فینالیست به دانشنامه‌ی هنرمعماری به آدرس aoapedia.ir مراجعه نمایید.

هیئت داوران

هشتمین جایزه ملی طراحی داخلی ایران معاصر ۱۳۹۹

اسامی به ترتیب حروف الفبا: سونا افتخاراعظم، ایمان امین‌لاری، سیدمهدی حسینی، ریحانه زاهدی، نگار سریع‌الاطلاق، شیرین صمدیان، نازنین کازرونیان، عبدالرضا محسنی، رضا مفاخر، مهدی یوسفی‌نیا

مدیر و دبیران علمی و اجرایی هشتمین جایزه ملی طراحی داخلی ایران معاصر

اسامی از سمت راست: شهریار خانی‌زاد(مدیر رویداد)، دکتر عبدالرضا محسنی(دبیر علمی)، مهندس رضا مفاخر(دبیر علمی)، رکسانا خانی‌زاد(دبیر اجرایی)

مسکونی-آپارتمان

رتبه‌ی نخست

ساختمان شماره‌ی ۱۰۱

یسنا مختاری

طراحی داخلی این واحد با توجه به تجربیات معمار، نیازهای جسمی، روحی و عاطفی افراد استفاده‌کننده و محدودیت‌های موجود انجام شده است. این خانه متعلق به یک زوج معمار و مهندس معدن می‌باشد که هر کدام خواسته‌هایی در ذهن داشتند و با هدف برآورده شدن خواسته‌ها تغییراتی در پلان داده شده است. نیاز به خانه‌ای کاملا مدرن و مجهز و پذیرا، اتاق خواب مستر بزرگ، آشپزخانه‌ی دلنشین و داشتن یک تراس زیبا و نیز فضایی برای بار و پذیرایی و نهارخوریِ متفاوت، از ایده‌آل‌های آنها بود. چالش معمار برای این طراحی، برآورده کردن خواسته‌های این زوج و در عین حال خلق فضایی بود که در عین داشتن آرامش برای ساکنین، یک فضا یا نقطه‌ای خیره‌کننده برای جذابیت در فضای نهارخوری و بار ایجاد شود.

این واحد با حذف تعدادی از پارتیشن‌ها برای روشنایی بیشتر فضا و ادغام دو اتاق برای داشتن یک اتاق مستر بزرگ دارای کمد لباس (Walk-in closet)، تلوزیون (TV Stand area) و مینی‌بار (Mini bar) تغییر کرده است.

در طراحی پوسته‌ی داخلی خانه سعی در پیوسته دیده شدن از دیگر چالش‌های معمار به شمار می‌رود. تبعیت از کشیدگی پلان و استفاده از خطوط کشیده و ادامه‌دار در بدنه‌ها و سقف و حتی مبلمان و نورپردازی در همه جا به چشم می‌خورد. نقطه‌ی خیره‌کننده‌ی این واحد میز بار و نهارخوری ساخته شده از ترکیب سنگ، فلز و چوب و آویز بالای میز که با کانسپت هنر انتزاعی توسط معمار طراحی شده است می‌باشد.

فضای نشیمن (TV room) با مخفی شدن ویدئو پروژکتور در زیر پوسته‌ی سقف، فضایی دو منظوره برای استفاده فراهم می‌کند. در این خانه از یک پالت سفید، خاکستری و چوبی برای فراهم کردن زمینه‌ای آرام استفاده شده است.

خانه‌ی شماره‌ی ۱۰۱طیف وسیعی از امکانات در یک خانه‌ی مدرن را فراهم می‌کند که از مجموعه فضاهای محدود، به یک خانه‌ی باز و معاصر تبدیل شده است.

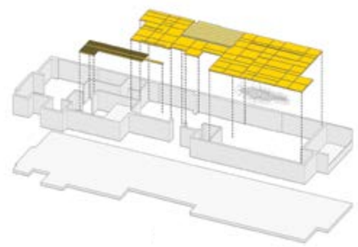

USING LINE IN CEILING DESIGNE

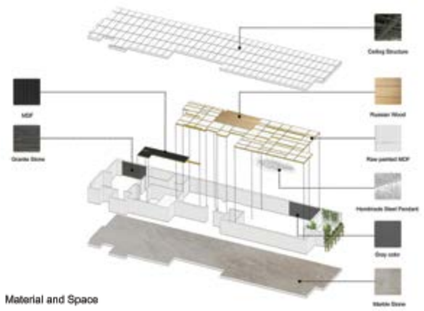

Material and Space

نام پروژه-عملکرد: خانه‌ی شماره‌ی ۱۰۱-مسکونی / **دفتر طراحی:** استودیو معماری یسنا مختاری
معمار و مجری: یسنا مختاری / **طراحی و معماری داخلی:** یسنا مختاری / **نورپردازی:** یسنا مختاری / **نوع سازه:** اسکلت فلزی
نوع تاسیسات: اسپلیت و پکیج / **اجرای سازه‌های فلزی:** حجت آروین، عباس امین‌پور / **طراح سه‌بعدی:** مصطفی یکتازاده،
امین مرادی / **گرافیک:** زهرا قادری، مینا شاه‌کرمی / **آدرس پروژه:** شیراز، بلوار بعثت / **مساحت زمین:** ۲۲۰ مترمربع
کارفرما: مهدی زارع / **تاریخ شروع و پایان ساخت:** ۱۳۹۸-۱۳۹۷
عکاسان: پرهام تقی‌اف، آرش اختران / **ایمیل:** yasnamokhtari@gmail.com
اینستاگرام: @yasnamokhtari

ORIGINAL
Ceiling plan
0
5
10 m

DESIGN
Ceiling plan
0
5
10 m

Plan Level +7.70
0
5
10 m

Plan Level +7.70

Before
After

مسکونی-آپارتمان

رتبه‌ی دوم

پروژه‌ی کامرانیه

آرش مدنی

این پروژه در فضایی به متراژ ۴۸۰ مترمربع در محله‌ی کامرانیه‌ی شمالی تهران در طبقه‌ی پنجم یک ساختمان مسکونی قرار دارد. با توجه به تصاویر وضع موجود، طرح قبلی این ساختمان به طور کامل کلاسیک بوده، با ابزارهای متنوع که گویای یک ساختمان مسکونی پر از جزئیات بودند. با توجه به سلیقه‌ی کلاسیک کارفرما که محدودیتی جدی برای تیم طراحی ایجاد کرد، تصمیم ما بر آن بود که ساختمانی تماما مدرن طراحی کنیم که فقط بیانگر عظمت و شکوه یک ساختمان مسکونی کلاسیک هست اما با ظاهر و پرداختی مدرن. از این رو برخی از آبجکت‌ها را نیز با حفظ طرح کلاسیک قبلی دوباره طراحی کردیم، از جمله شومینه‌ها، کمدهای دیواری و... . ایده‌ی اصلی طراحی نیز طاق‌هایی هستند که در نقاط اصلی با هم تقاطع‌هایی دلنشین در فضا ایجاد کرده‌اند.

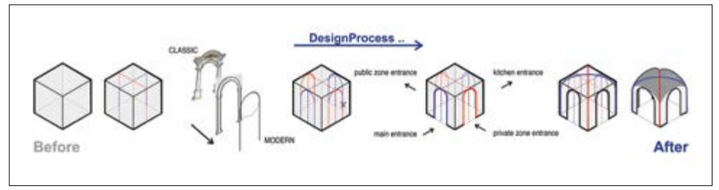

نام پروژه-عملکرد: پروژه‌ی کامرانیه-مسکونی

دفتر طراحی: استودیو طراحی و معماری آرش مدنی (آرشیفرم) / **معمار اصلی:** آرش مدنی

همکاران طراحی: مینا نظم‌جو / **ترسیم:** آریا بجروانی / **مدیر پرژه:** ایرج سمیاری / **همکاران اجرا:** مسعود فرشیدنسب

آدرس پروژه: ایران، تهران، کامرانیه / **مساحت زمین:** ۴۸۰ مترمربع / **کارفرما:** آقای سمیعی

تاریخ شروع و پایان ساخت: شهریور ۱۳۹۸-اسفند ۱۳۹۸ / **عکاس:** محمدحسین حمزه‌لویی

وبسایت: www.arashmadani.design / **ایمیل:** arshiform@gmail.com / **اینستاگرام:** @arashmadani.design

After

01. Enterance
02. Living Room
03. Dinning Roo
04. Kitchen
05. Pantry
06. WC
07. Living Privat
08. Room
09. Master Room

Section B-B

Section A-A

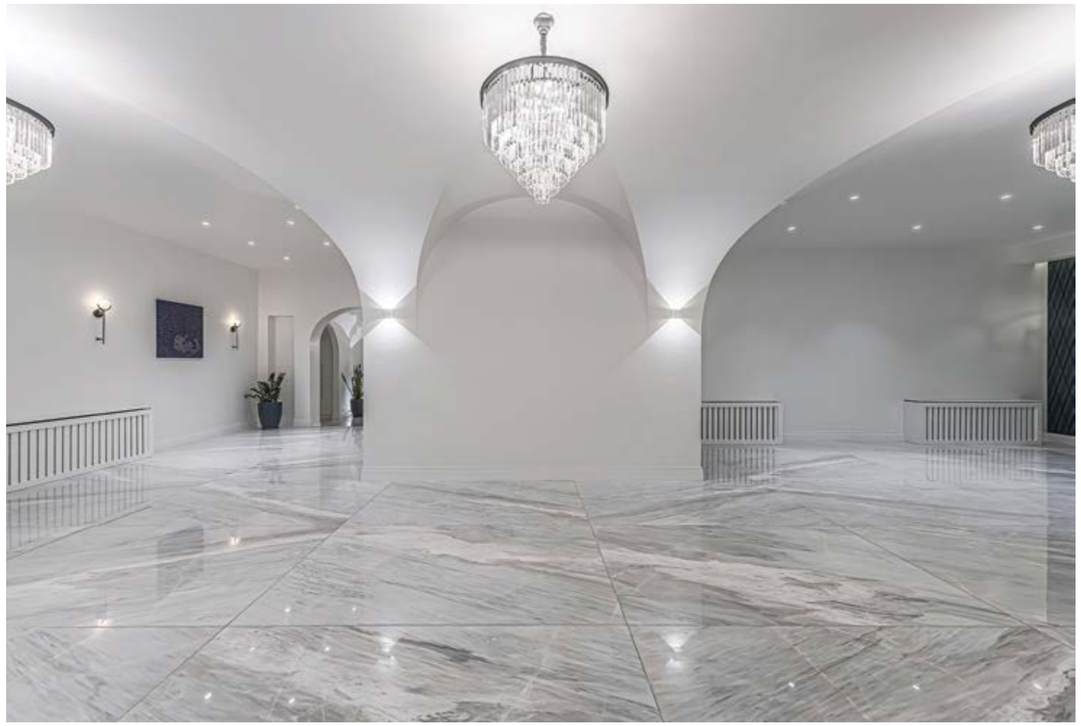

مسکونی-آپارتمان

رتبه‌ی سوم

ساختمان مسکونی یاسمین

سروش شمس‌عالم، اشکان نیک‌بخت

طراحی داخلی این فضا، حول خواست اصلی کارفرما مبنی بر نوآوری، سادگی و حفظ یکپارچگی بصری فضا صورت گرفت. نظر به اینکه سازنده با حذف یک ستون و جایگذاری تیر با ارتفاع تقریبی نیم‌متر، تا حدودی به وسعت کار افزوده بود، ما نیز بر آن شدیم تا نه تنها تیر اصلی در طراحی سقف کاذب پوشیده نشود بلکه با طراحی روشنایی و نورپردازی، به عنوان المانی شاخص جهت جدا کردن عرصه‌ی خصوصی و عمومی در نظر گرفته شود. حال آنکه امتداد آن نیز جداکننده‌ی آشپزخانه‌ی خصوصی از قسمت عمومی آن بود. با این حال دغدغه‌ی حفظ یکپارچگی فضا مانع از تقسیم‌بندی فضایی نشد بلکه به کمک خطوط ظریف و معنادار در سقف کاذب این مهم به دست آمد و مکانی مناسب از برخورد این خطوط، جهت روشنایی و نورپردازی (هالوژن‌ها) حاصل شد.

کم بودن ارتفاع سقف نیز ما را بر آن داشت تا با استفاده از خطوط عمودی بر جداره‌ها حس مرتفع بودن سقف به ناظر القا شود. این مهم در پشت پیانو به صورت چفت‌هایی عمودی بر دیوار کاذب (در تناسب با طراحی سقف)، در قاب تلویزیون به صورت پروفیل‌های عمودی (در تناسب با قاب فلزی کتابخانه) و در جداره‌ی بیرونی سرویس نیز (در تناسب با قاب تلویزیون) با اِسلَب‌های سرامیکی محقق شد.

در دوره‌ای که متاسفانه به دلیل عدم آگاهی کارفرما از طراحی مدرن و یا خودنمایی طراح، سعی بر استفاده از عناصر غیربومی و حشو همچون «بار» می‌شود، سعی بر آن شد تا المانی قدیمی و به مراتب ارزشمندتر همچون بوفه‌ی کتاب احیا شده و به صورتی نوین بازنگری شود.

بوفه‌ی کتاب که عنصر لاینفک طراحی سنتی بوده و غالبا نقش جداکننده‌ی نیمه‌شفاف نشیمن عمومی و خصوصی را ایفا کرده، در این طراحی دفرمه شده و در قابی معلق، با هویتی مستقل (و نه صرفا جداکننده) در همنشینی عنصری مدرن(میز نهارخوری جزیره) قرار گرفته تا یادآور شود سنت همیشه در تقابل با مدرنیته نیست.

قاب مشکی رنگ در باطن، نقش نگه‌دارنده‌ی کتابخانه و جزیره را ایفا می‌کند حال آنکه حس بصری آن، تجلی وحدت بین سنت و مدرنیته است. قاب فلزی به کمک تیرهای بتنی بالایی و پایینی کاملا مستحکم شده و عناصر مهارکننده به لطف دیوار کاذب از نظر پنهان شده‌اند تا حس معلق بودن (میز نهارخوری جزیره و بوفه‌ی کتاب) دوچندان شود.

سرامیک‌های استفاده شده در قلب قاب فلزی نه تنها پیوستگی بصری ایجاد می‌کند که در واقع با بهره‌گیری از دور ریز سرامیک‌های قاب تلویزیون و جداره‌ی بیرونی سرویس پایبندی خود به معماری پایدار را اثبات می‌کند.

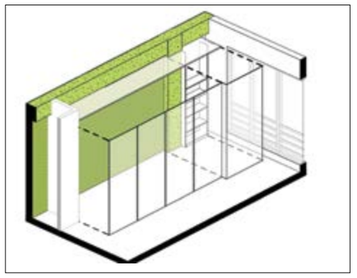

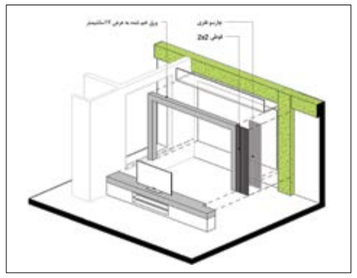

نام پروژه-عملکرد: ساختمان مسکونی یاسمین-مسکونی
دفتر طراحی: Mass Architects / **معماران اصلی:** سروش شمس‌عالم، اشکان نیک‌بخت
همکاران طراحی: لادن حسنی‌نژاد، سحر ابراهیم‌نژادحقیقی / **اجرا:** Mass Architects
نوع سازه: بتن آرمه / **نوع تاسیسات:** پکیج / **سیستم تهویه‌ی مطبوع:** داکت اسپلیت
آدرس پروژه: شیراز، خیابان ستارخان / **مساحت زمین:** ۲۶۰ مترمربع / **کارفرما:** آقای جهانمیری / **تاریخ شروع و پایان ساخت:** ۱۳۹۹-۱۳۹۸ / **فیلمبرداری:** آرش اختران / **عکاسان:** پرهام تقی‌اف، آرش اختران
ایمیل: MassArchitectsOfficial@gmail.com / **اینستاگرام:** @Mass_Architect

PINK FLOYD

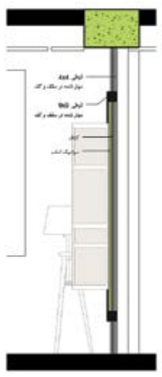

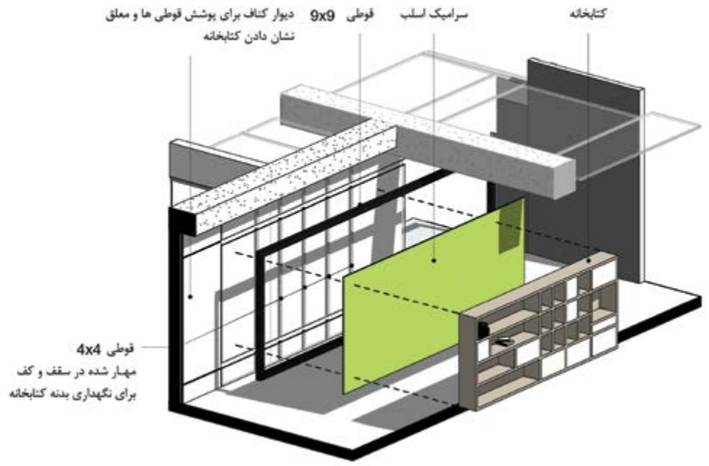
کتابخانه
سرامیک اسلب
قوطی 9x9
دیوار کناف برای پوشش قوطی ها و معلق
نشان دادن کتابخانه
قوطی 4x4
مهار شده در سقف و کف
برای نگهداری بدنه کتابخانه

PINK FLOYD

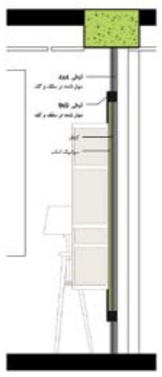

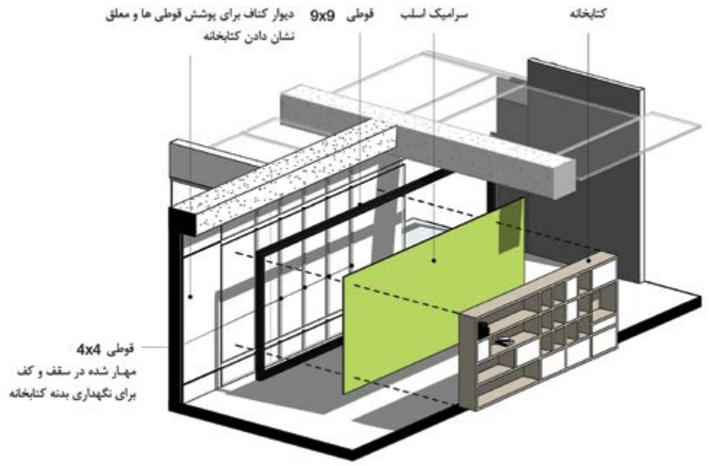
کتابخانه
سرامیک اسلب
قوطی 9x9
دیوار کناف برای پوشش قوطی ها و معلق
نشان دادن کتابخانه
قوطی 4x4
مهار شده در سقف و کف
برای نگهداری بدنه کتابخانه

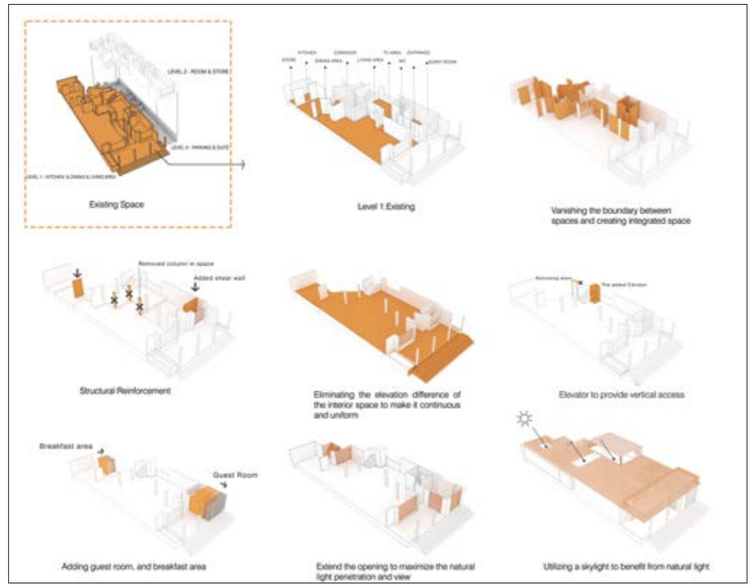
Existing Space
Level 1: Existing
Vanishing the boundary between spaces and creating integrated space
Structural Reinforcement
Eliminating the elevation difference of the interior space to make it continuous and uniform
Elevator to provide vertical access
Adding guest room, and breakfast area
Extend the opening to maximize the natural light penetration and view
Utilizing a skylight to benefit from natural light

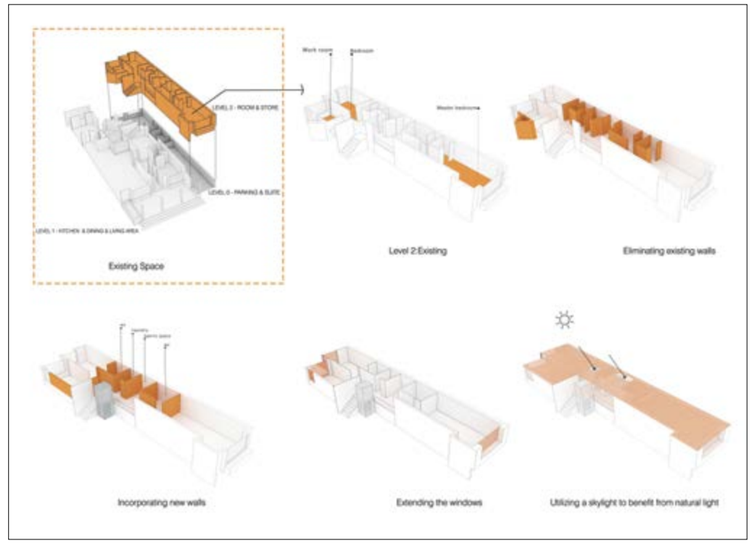
Existing Space
Level 2:Existing
Eliminating existing walls
Incorporating new walls
Extending the windows
Utilizing a skylight to benefit from natural light

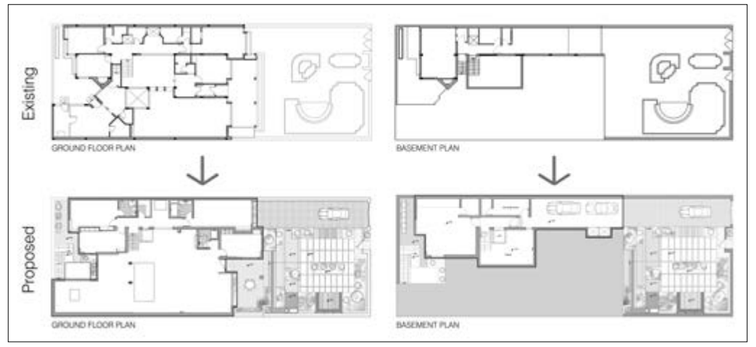
Existing
Proposed
GROUND FLOOR PLAN
BASEMENT PLAN
GROUND FLOOR PLAN
BASEMENT PLAN

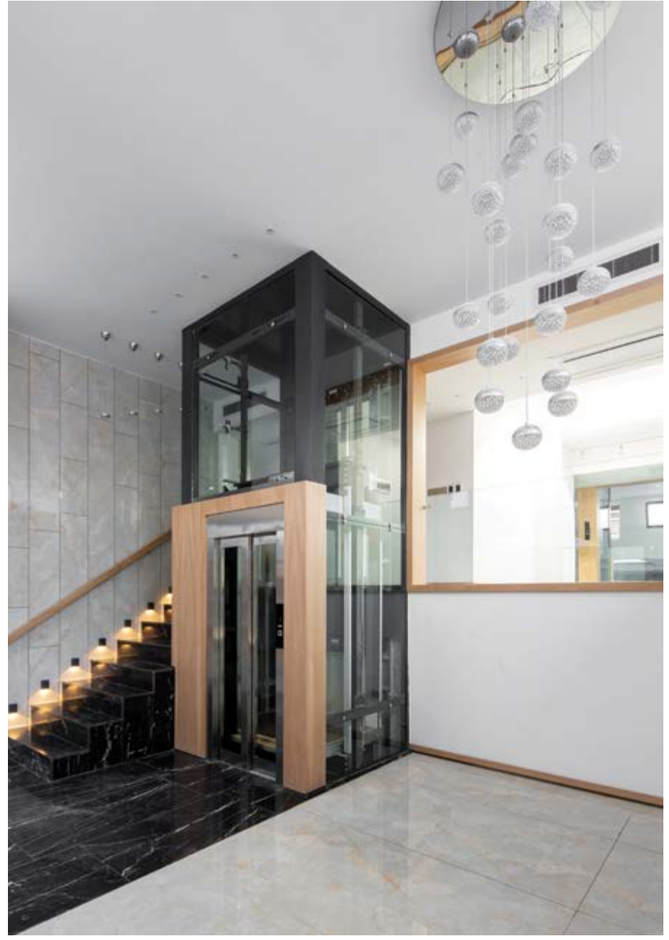

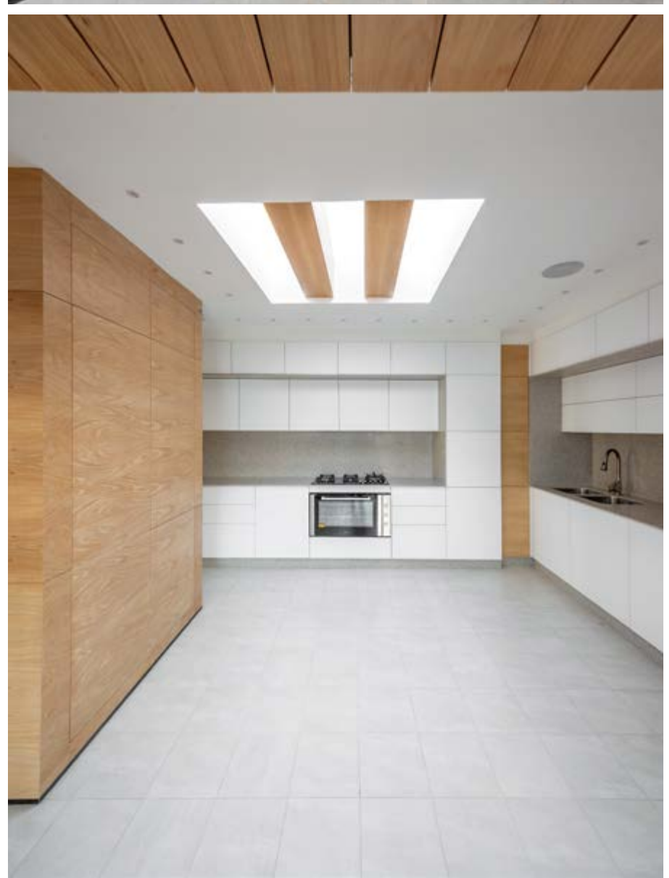

رستوران، فست‌فود و کافی‌شاپ

رتبه‌ی نخست و بهترین بهترین‌ها در
بین آثار رسیده به دبیرخانه‌ی دوسالانه

کافه IVY

ندا میرانی

ایده و توسعه‌ی طراحی

هدف این پروژه بازسازی فروشگاهی در جنب خیابان و تغییر کاربری آن به کافه بود. آنچه که در این پروژه به عنوان خواسته مطرح شد، معیارهایی همچون صرفه‌ی اقتصادی، سریع‌الاجرا بودن طرح و همچنین نوآوری به جهت خلق فضایی متمایز در شهر بود. فراهم‌کردن تمامی این موارد چالش مهمی را رقم زد. برای حل چالش، سوالی که به ذهن ما آمد این بود که: داشته‌های ما در این منطقه چیست؟ داشته‌هایی که هم بتواند به این خواسته‌ها پاسخ دهد و هم جذابیت‌های طراحی را ارتقا بخشد. بدین منظور نیاز به شناخت متریالی حس شد که به تنهایی بتواند ساختار کلی پروژه را شکل دهد و در اجزا و مبلمان فضا نیز نقش مهمی ایفا کند. با این کار تعدد متریال از پروژه حذف و به جای آن تمرکز به سمت خلق عملکردهای متنوع با به کارگیری یک متریال، متمایل می‌شود. بنابراین چند فاکتور مهم می‌بایست در این انتخاب در نظر گرفته می‌شد، مانند:

۱- فراوانی (از این جهت که در تعداد بالا به جهت سطح زیاد پوشش‌دهی موجود باشد.) ۲- اقتصادی بودن (که سطح کلی هزینه‌ها با انتخاب آن برای پروژه بصرفه باشد.) ۳- ساختارمند بودن (از این جهت که به عنوان یک مدول در طراحی عمل کند) و در مجموع همه‌ی این موارد نیز، نوع استفاده از آن متفاوت باشد.

این پروژه در شمال کشور و در شهر تنکابن واقع شده است. در منطقه‌ی مازندران کارگاه‌ها و کارخانه‌های بلوک‌زنی فراوانی وجود دارد. همین مسئله باعث شد تا بلوک سیمانی به دلیل فراوانی، قیمت مناسب، مدولار بودن و بافت خالص آن انتخاب شود. نحوه‌ی چیدمان متفاوت بلوک‌ها نیز می‌تواند در ایجاد عملکردهای گوناگون کمک فراوانی به طرح کند.

متریالی با بافتی متفاوت و رنگی خنثی همانند بلوک، نیاز به مکملی معکوس خود دارد. انتخاب یک بافت گیاهی در کنار آن علاوه بر ایجاد یک تاچ رنگی، بسیار به سرزندگی فضا نیز کمک می‌کند. لذا با توجه به شرایط فضاهای داخلی، گیاهی به نام آیوی انتخاب شد.

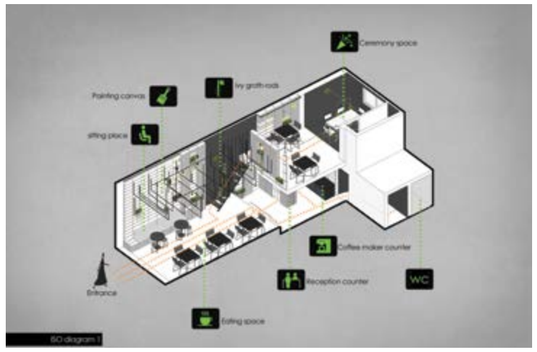

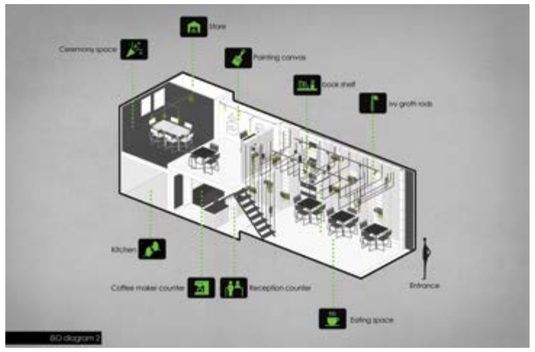

نام پروژه-عملکرد: کافه IVY-کافه

معمار اصلی: ندا میرانی / **همکار طراحی:** محمدرضا کهزادی / **اجرا:** ندا میرانی / **همکار اجرا:** میلاد عابدینی

تاسیسات الکتریکی: سجاد اشکوری / **تاسیسات مکانیکی:** حسن حسن‌نژاد / **نقاش:** رامین مقدم

اجرای چیدمان بلوک: میرحسین خلیلی گنجگاه / **اجرای جزئیات فلزی:** محمد ملائی، بهنام ملائی

نقاشی دیواری: مهدیس ملکوتی / **آدرس پروژه:** مازندران، تنکابن، بلوار کریم آباد، جنب مبلمان بهرامی

زیربنا: ۸۰ مترمربع / **کارفرمایان:** فریبا محمدی، شعله توفیقی / **تاریخ شروع و پایان ساخت:** اسفند ۱۳۹۸-تیر ۱۳۹۹

/ **عکاس:** دید استودیو

اینستاگرام: neda.mirani@ / **ایمیل:** nmirani27@yahoo.com

First floor plan
1. salon
2. reception
3. kitchen
4. wc
5. vip salon
6. store
cement block

Ground floor plan
1. salon
2. reception
3. kitchen
4. wc
5. vip salon
6. store
cement block

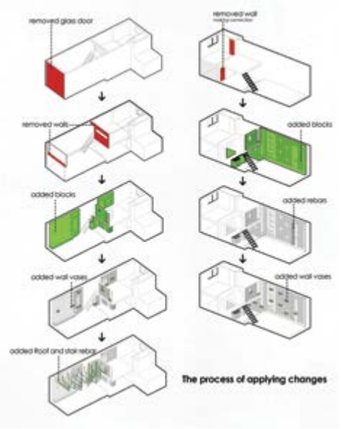
removed glass door
removed wall
removed wall
added blocks
added blocks
added rebar
added wall vases
added wall vases
added Roof and stair rebar
The process of applying changes

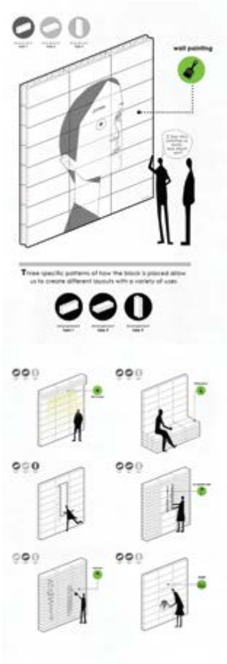
wall painting

CAFE

By reversing the color of the space in this part, a space is created that is different from other spaces in the cafe, which has even affected the color of the furniture. This section in the cafe is considered as a VIP space

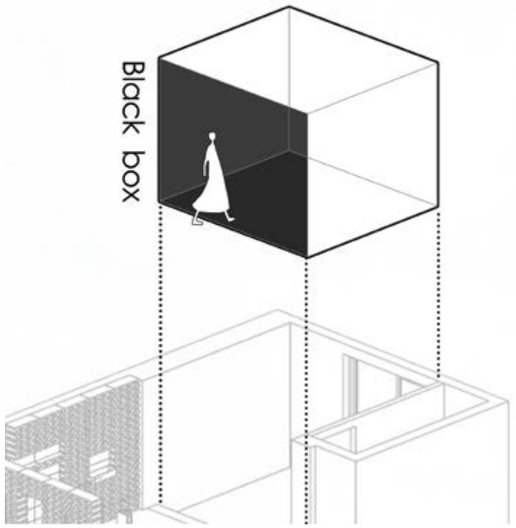

رستوران، فست‌فود و کافی‌شاپ

رتبه‌ی دوم

بوتیک رستوران خان

محمد وارسته، رزا تبادار، فاطمه محمدی

ایده و توسعه‌ی طراحی

بوتیک رستوران خان در بافت تاریخی شیراز و در مجاورت با بازار حاجی، بازار مسگرها و از طرفی در همسایگی مدرسه‌ی خان که یکی از مهم‌ترین بناهای تاریخی شیراز است، قرار گرفته است. این رستوران با زیربنای ۷۰۰ مترمربع در دو طبقه در مجتمع تازه تاسیس نیکان واقع شده بود که با وجود استفاده از مصالح سنتی هیچگونه روایتی از گذشته‌ی زیرین و بستر با ارزش و تاریخی خود نداشت. در راستای بهبود کیفیت وضعیت موجود، سعی شد در ابتدا فضای موجود را چه از نظر چیدمان و چه از نظر مصالح بر اساس لایه‌های تاریخی زیرین خود سازمان‌دهی کنیم و به نزدیک‌ترین چهره از هویت تاریخی خود برگردانیم و از طرفی سعی شد به هویت و تاریخ موجود در بستر پروژه به عنوان مهم‌ترین نیروهای موجود، توجه و حداکثر تاثیرپذیری را داشته باشیم.

به همین دلیل برای ارتقای کیفیت فضایی، حریم منظری و ایجاد معنایی تازه، پنجره‌های وضع موجود با پنجره‌های چوبی و دست‌ساز تعویض و جداره‌های آجری با آجرهای دست‌ساز جایگزین شدند. با باز کردن یکی از جداره‌های رو به بازار و حرم شاه‌چراغ که امکان ارتباط بیرون و درون را امکان‌پذیر می‌کرد به نوعی تاریخ را قاب کردیم و امکان ایجاد ارتباط بصری فراهم شد. علاوه بر آن، ورود نور طبیعی به فضا باعث ایجاد کیفیتی از جنس سایه‌روشن‌ها در فضای داخلی شد.

از طرفی یکی از خواسته‌های کارفرما با توجه به وضعیت موجود و موقعیت پروژه رسیدن به بنایی شاخص و همچنین مدرن بود. لذا با توجه به این موارد ما در صدد ایجاد ایده‌ای منعطف و تعریفی نو از فضاهای تازه ساخت در بافت تاریخی قرار گرفتیم که می‌بایست ضمن حفظ ارتباط خود با تاریخ و گذشته‌ی خود، نمادی از کارکردهای مدرن را ارائه می‌کرد، به همین دلیل فرهنگ به عنوان مهم‌ترین شاخصه و به عنوان پلی ارتباطی در راستای رسیدن به توسعه‌ی پایدار در این مجموعه مورد توجه قرار گرفت. سعی شد با بهره‌گیری انتزاعی از آرایه‌ها و نشانه‌های متعلق به بافت قدیم شیراز حس تعلق به مکان افزایش یابد.

از آنجا که بناهای تاریخی ما صاحب تجمیع فرم‌ها و هندسه‌های موزون و تناسبات متعددی هستند، ما بر آن شدیم که الگوهای مشابه را به رغم ایجاد اصالت هندسه‌های تاریخی، زنده نگه‌داریم، همچنین با خلق جداره‌ای با نام طاق آینه که برشی انتزاعی و الگو گرفته از طاق‌های اصیل مدرسه‌ی خان است، و با دخیل کردن آن با آینه‌کاری‌های برگرفته از نقش فرش ایرانی، سعی شد تعریفی نو از معماری ایرانی ارائه شود.

آینه طاق ما را به درنگ وا می‌دارد و با حضور خود به عنوان بخشی از معماری بنا، فضا را از سکون در می‌آورد و به آن معنا می‌بخشد. اینجا نقطه‌ایست که زمان را در خود ثبت و تکرار می‌کند؛ اینجا آینه‌ها به مانند فرش‌هایی که نقششان خاطره است به گستره‌ی طاقی پهن شده‌اند تا ما و تاریخ را در مواجه با هم بگذارند.

نام پروژه-عملکرد: بوتیک رستوران خان -بوتیک رستوران
دفتر طراحی: دفتر طراحی وارتا و همکاران / **معماران اصلی:** محمد وارسته، رزا تبادار، فاطمه محمدی
اجرا: محمد وارسته، رزا تبادار، فاطمه محمدی / **سازه:** موجود / **تاسیسات برقی:** موجود-محمد علیزاده
نورپردازی: محمد وارسته، محمد علیزاده / **تاسیسات مکانیکی:** موجود / **گرافیک:** پیمان تحقیقی، پیمان باقری / **آدرس پروژه:** شیراز، خیابان لطفعلی خان زند، روبه‌روی مدرسه‌ی خان
زیربنا: ۷۰۰ مترمربع / **کارفرما:** سیامک خلفی / **تاریخ شروع و پایان ساخت:** ۱۳۹۹-۱۳۹۸
عکاس: امیرعلی غفاری / **وبسایت:** www.vartaoffice.com / **ایمیل:** varasteh.mohamad.ar@gmail.com
اینستاگرام: @VARTA_OFFICE

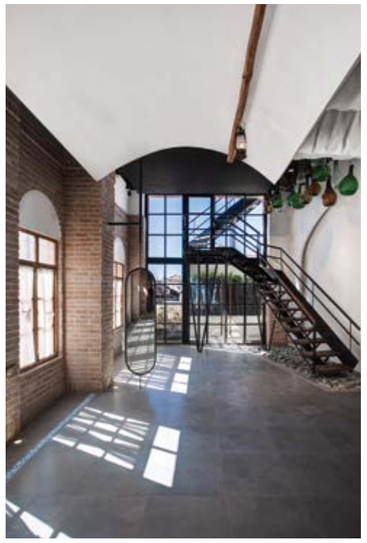

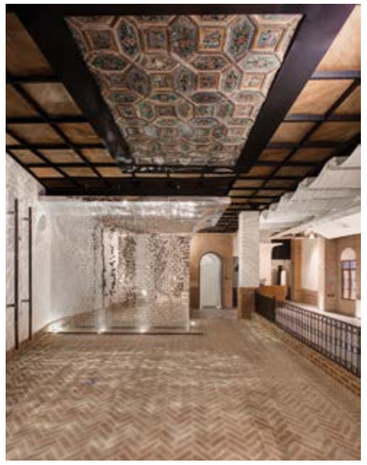

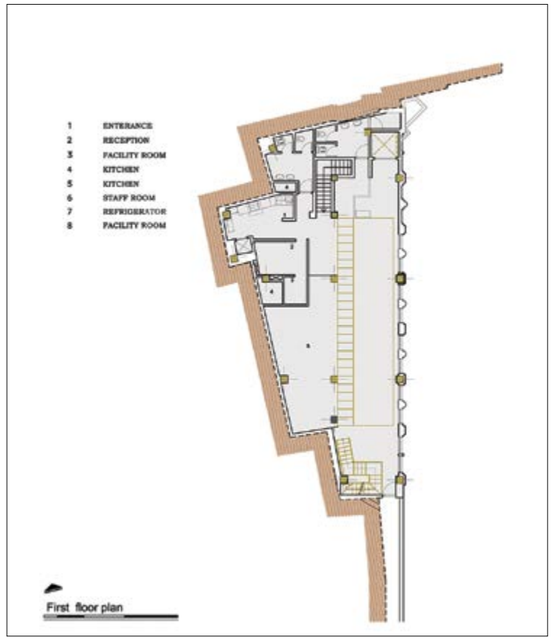
1 ENTERANCE
2 RECEPTION
3 FACILITY ROOM
4 KITCHEN
5 KITCHEN
6 STAFF ROOM
7 REFRIGERATOR
8 FACILITY ROOM
First floor plan

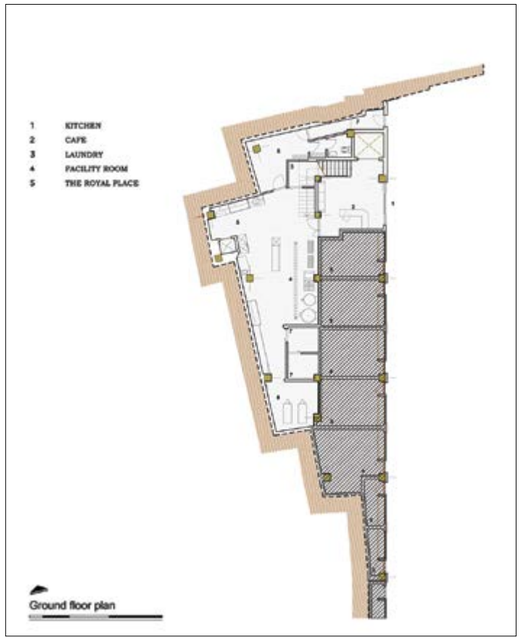
1 KITCHEN
2 CAFE
3 LAUNDRY
4 FACILITY ROOM
5 THE ROYAL PLACE
Ground floor plan

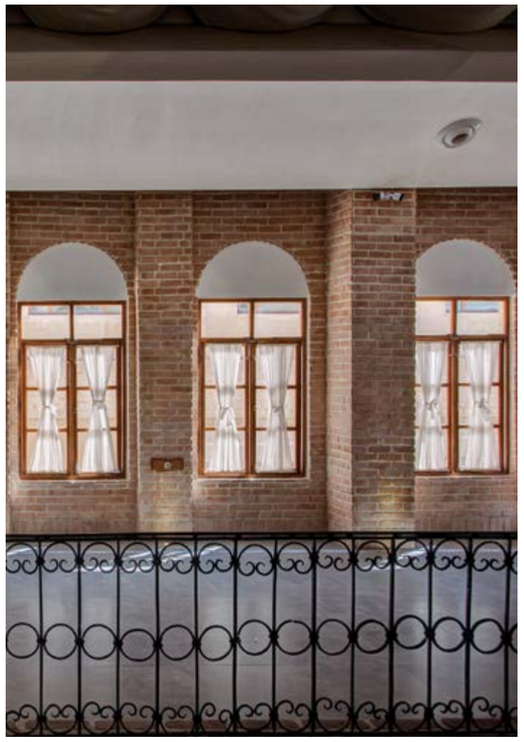

رتبه‌ی سوم

کافه رستوران ژیوار

فروغ رضوی، کیمیا والیانی

سایت این پروژه در محوطه‌ی باغی قدیمی متعلق به هوانیروز اصفهان بوده که مدتی است کاربری آن به مجموعه‌ی تفریحی-غذایی اختصاص یافته است. این مجموعه به دلیل قرار گرفتن در میان فضای سبز باغ و همچنین امکان انتخاب کافه‌ها و رستوران‌های مختلف برای مخاطبان به فضایی جمعی و دلچسب برای افراد و خانواده‌ها تبدیل شده است.

بستر طراحی این پروژه در میان باغی است که انبوهی از درختان در درون آن قرار گرفته‌اند. نظام سازماندهی این باغ، یک راسته‌ی اصلی است که مجموعه‌ای از کافه‌ها و رستوران‌ها در اطراف این راسته به صورت منظم در میان درختان و فضای سبز قرار گرفته‌اند. در دو حاشیه‌ی اطراف سایت نیز فضاهای خدماتی در نظر گرفته شده است. این محوطه بر اساس اندازه و مساحت زمین تقسیم‌بندی شده و هر قسمت آن به یک کافه یا رستوران اختصاص داده شده و درختان به صورت تصادفی در فضاهای تقسیم شده قرار گرفته‌اند. فضای اختصاص داده شده به این کافه تنها داری یک تک درخت در مرکز می‌باشد. حضور در طبیعت امکان برقراری ارتباط بی‌واسطه با آسمان، درختان و زمین را فراهم می‌کند. می‌توان زیر سایه‌ی درخت آرمید، به دور دست نگریست و تغییر زمان را با طلوع و غروب خورشید درک کرد. از طرفی در طراحی کافه نیاز به داشتن فضایی محصور، دنج و خلوت حائز اهمیت است. فضایی که امکان گفتگو، یادآوری خاطرات، خوردن و نوشیدن را فراهم می‌کند. از این رو ایده‌ی اصلی برای طراحی این پروژه، توجه به طبیعت به ویژه فضای سبز و درختان است. کافه‌ای متفاوت که با طبیعت در ارتباط است، سقف آن آسمان، دیوارهای آن فضای سبز و کف آن سبز (چمن) است. حال این سوال مطرح است که ارتباط با فضاهای سبز پارک و ایجاد فضای خصوصی برای کافه با وجود همجواری کافه‌ها و رستوران‌های دیگر در کنار این پروژه چگونه میسر می‌شود.

طراحی این پروژه از درون شکل گرفت. وجود تک درختی در مرکز این کافه، توجه و دید و منظر را به درون پروژه متمایل کرده و این درخت همچون نقطه عطفی امکان ارتباط با آسمان و زمین را ممکن می‌سازد. فضاهای نشستن در دو سمت درخت، رو به درون دارند، حال آنکه ارتباط بصری به اطراف آنچنان است که خلوت و محصوریت کافه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از این جهت حجمی شفاف و نیمه‌شفاف همچون پرده‌ای متخلخل نیاز است که از درون، می‌توان به اطراف نگریست بدون آنکه از بیرون و سایر کافه‌ها، فضای داخل کافه به‌وضوح دیده شود.

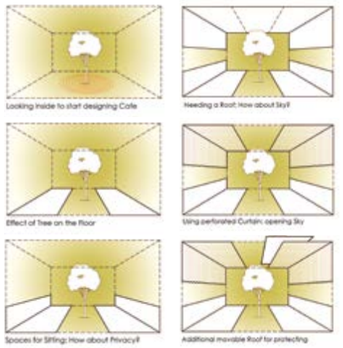

نحوه‌ی شکل‌گیری پروژه براساس تک‌درخت مرکزی و از درون به بیرون

نام پروژه-عملکرد: کافه‌رستوران ژیوار-خدماتی
دفتر طراحی: استودیوی طراحی معماری ژیوار / **معماران:** فروغ رضوی، کیمیا والیانی
طراحی و دکوراسیون داخلی: فروغ رضوی، کیمیا والیانی
مجریان طرح: محمد رضوی و مسیح مشگ فروش / **نوع سازه:** اسکلت فلزی
آدرس پروژه: اصفهان، خیابان آزادگان، مجموعه تفریحی-غذایی ۱۹۳ / **مساحت-زیربنا:** ۷۰ مترمربع-۷۰ مترمربع
کارفرمایان: محمد رضوی، فروغ رضوی / **تاریخ شروع و پایان ساخت:** مهرماه ۱۳۹۷-دی‌ماه ۱۳۹۷
عکاس: محمود گلستان‌نژاد / **وبسایت:** www.jivarstudio.com/ **اینستاگرام:** / **ایمیل:** jivar.archstudio@gmail.com

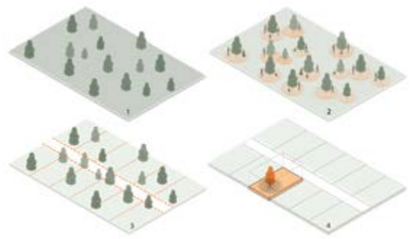

نحوه شکل‌گیری مجموعه و پلاک‌بندی کافه رستوران‌ها و قرارگیری درختان به صورت رندوم در پلاک‌ها و در نهایت تک درخت ژیوار

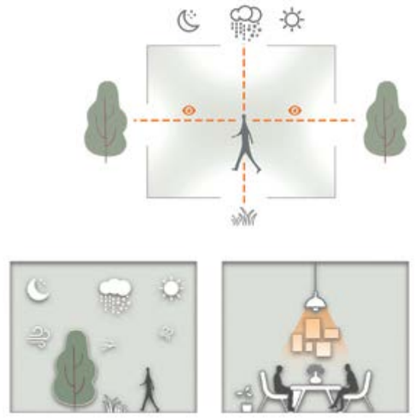

ارتباط کافه با آسمان، زمین و اطراف و همچنین درک فضا و تغییرات در ساعت شبانه‌روز با توجه به جداره‌های نیمه‌شفاف و سقف نیمه‌باز

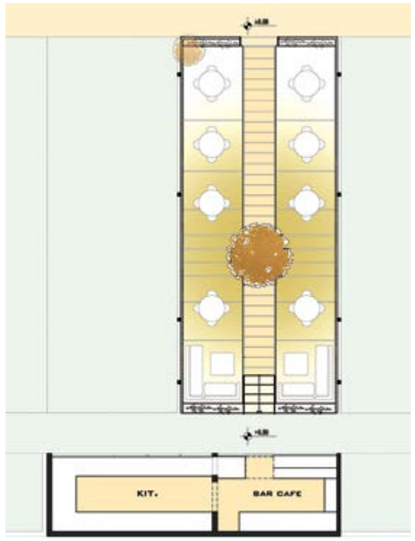

پلان

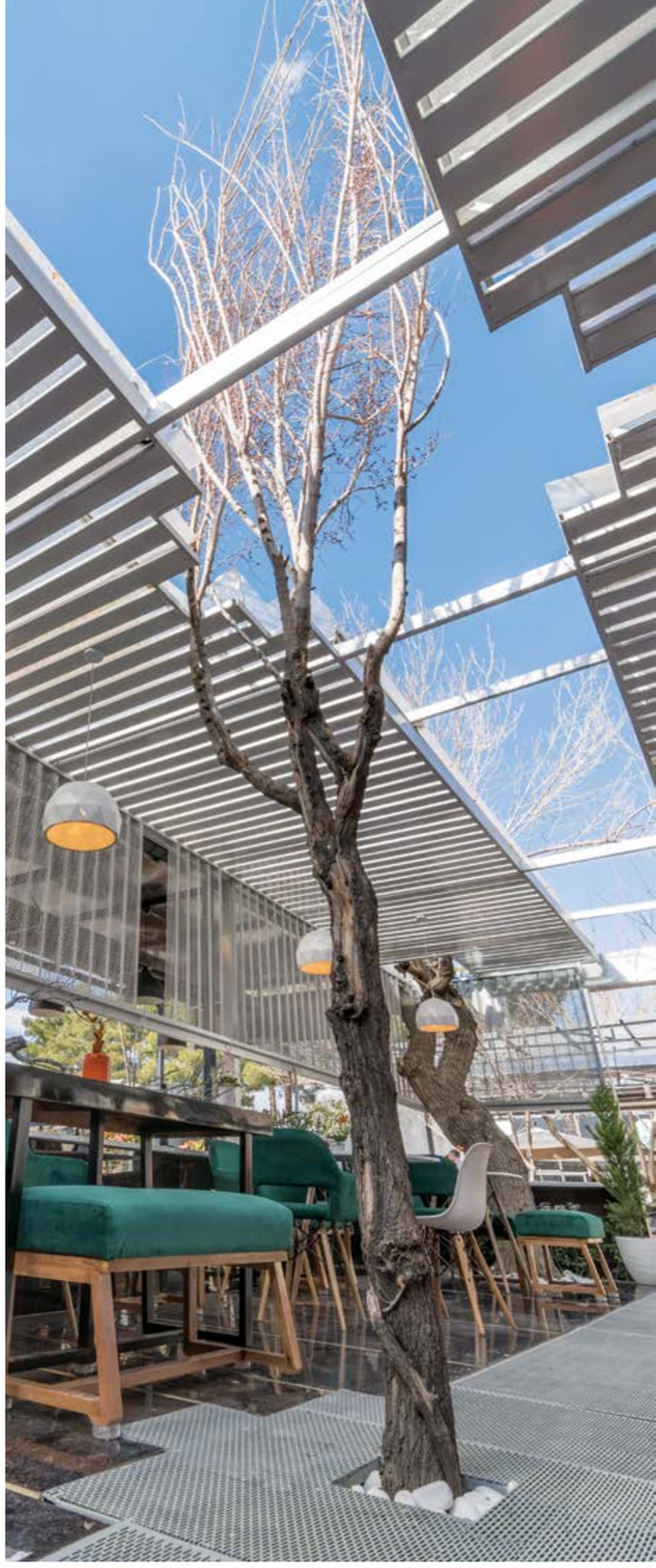

فود بوتیک فمیلی

مرتضی همتی

گروه غذایی فمیلی یکی از معتبرترین نام‌های عرضه‌ی محصولات خوراکی در اهواز است. این گروه پس از افتتاح موفق دو شعبه رستوران و کافه در سال‌های گذشته، برای توسعه‌ی خدمات خود به دنبال تاسیس شعبه‌ی جدیدی بود که با ایده‌ای نو به ارائه‌ی طیف گسترده‌ای از خدمات به صورت «بیرون‌بر» بپردازد. اگرچه در ابتدا مرزبندی این خدمات چندان مشخص نبود ولی با مصاحبه‌ای عمیق با کارفرما مشخص شد که محصولات مورد نظر را-بر اساس ماهیت، نحوه‌ی آماده‌سازی و نحوه‌ی عرضه-می‌توان در چهار گروه طبقه‌بندی نمود. پس از آن با توجه به عملکرد «بیرون‌بر» مجموعه، جزئیات گرافیک و بسته‌بندی محصولات اهمیت یافت. در تعامل با ایده‌های گرافیکی به مرور ایده‌هایی برای گسترش رنگ‌ها از بسته‌بندی به فضا مطرح شد. پس از آن با تعامل با گرافیست تصمیم بر آن شد که رنگ‌ها بیشترین مرزبندی را با یکدیگر داشته باشند تا از طریق تفکیک رنگ بتوان تنوع خدمات در یک کل واحد را به مخاطبان اعلام نمود. بنابراین مفهوم، این چنین از «بسته‌بندی» به «معماری داخلی» سرایت نمود: فضایی تفکیک‌شده با چهار رنگ آبی، سبز، زرد و قرمز. در این حالت از طریق رنگ، مفاهیم «فضا» و «خدمات» با یکدیگر گره می‌خورند و کلیت جدیدی به نام «فضا-خدمات» پدید می‌آورند که در ذهن مخاطب بازی‌های رنگی میان فضا و خدمات را می‌تواند شکل دهد.

در مواجهه با بستر پروژه، انتظامی «دوتایی» در ابعاد مختلف فضا آشکارا خودنمایی می‌نمود. این جوهره‌ی دوتایی در محور طول ناشی از سازه‌ی ساختمان است که برای دو دهانه‌ی تجاری طرح‌ریزی شده بود. چنانکه علاوه بر سازه و امتدادهای سازه‌ای آن تاسیسات-وجود دو تابلو برق-و ورودی‌ها-دو در اتوماتیک-نشانگر این موضوع هستند. همچنین در عرض (عمق) سایت نیز به دلیل وجود تراس یک دوتایی دیگر به وجود آمده است: فضایی مرتفع، با دسترسی به نور و منظر و فضایی با ارتفاع کمتر و با دسترسی به نور غیرمستقیم و دور از منظر. در محور ارتفاع نیز وجود صفحه‌ی تراس و تیرهای سازه‌ی بنا این محور را به یک دوتایی تقسیم نموده‌اند. این تقسیمات دوتایی گویی احجامی فضایی و با ابعادی تقریبا برابر در فضا ایجاد نموده‌اند. در طرح کاربری پیشین عدم توجه به این انتظام فضایی، فضا را دارای آشفتگی بصری نموده بود. در فرایند طراحی ابتدا انتظام درونی بنا آورده شد، پس از آن اضافه شدن جداکننده‌ها و سنتز آن با ایده‌های برگرفته از خواسته‌های کارفرما نمایش داده شد. در مرحله‌ی بعدی برای مفاهیم و کانسپت‌های ابتدایی نخستین فرم‌ها تصور شدند. نخست آنکه با ایجاد چهار بخش درون بنا عملا با عدول از ایده‌های «پلان آزاد» به دوران پیش از آن بازگشت می‌نماییم. همین موضوع بهانه‌ای بود برای اندیشیدن به حرکت‌های پی در پی که از اتاقی به اتاق دیگر در معماری سنتی صورت می‌گرفت. در این زمان بود که فرم اتاق‌های ایرانی با مدولی از «سه‌دری» به «پنج‌دری» و... بر حسب نیاز و شرایط تغییر می‌نمودند. پس در نگاه طراح هرکدام از بخش‌ها یک «اتاق» هستند که با هم یک کلیت «چهاراتاقی» را پدید می‌آورند که انتزاعی رنگی از اتاق‌های ایرانی است.

نام پروژه-عملکرد: فمیلی فودبوتیک
دفتر طراحی: طرح و ساخت تیسفون / **معمار اصلی:** مرتضی همتی / **همکاران طراحی:** آذرنوش امیری
مجری: راستین حمیدی / **نوع سازه:** سازه‌ی پروژه اسکلت بتنی است و سقف به وسیله‌ی تیرچه و بلوک سفالی ایجاد شده است. / **تاسیسات الکتریکی:** احسان منجزی / **تاسیسات مکانیکی:** داوود بقائی
آدرس پروژه: خوزستان، اهواز، خیابان وهابی، بین خیابان ۲ و ۳ کیان‌آباد، فودبوتیک فمیلی
مساحت زیربنا: ۹۸ مترمربع / **تاریخ شروع و پایان ساخت:** مرداد ۱۳۹۸-آبان ۱۳۹۸
کارفرمایان: گروه غذایی فمیلی؛ داوود بقایی، راستین حمیدی، سینا حشمتی / **عکاس:** محمد زرانژاد
ایمیل: hemmati.m@ut.ac.ir

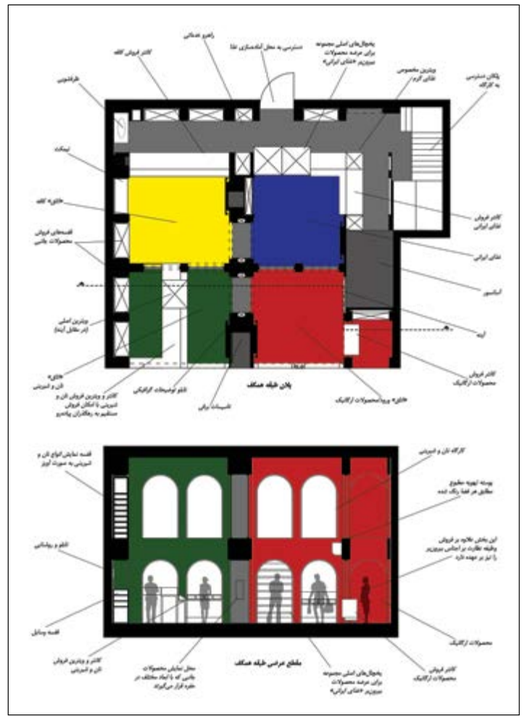
پلان طبقه همکف
مقطع عرضی طبقه همکف

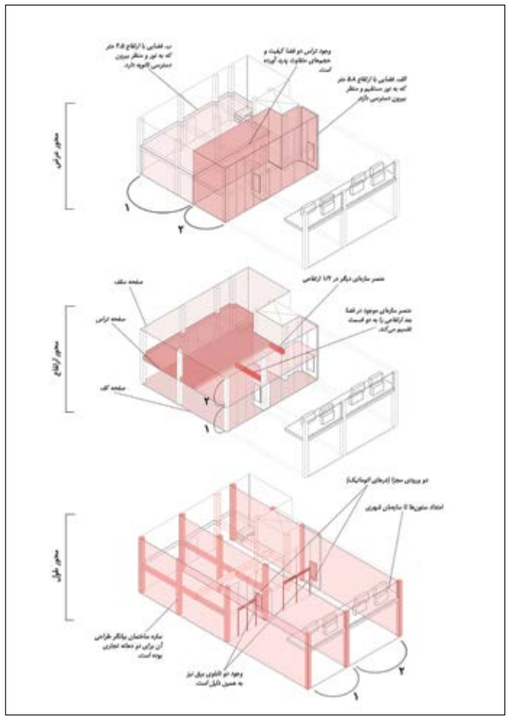
محور عرضی
محور ارتفاع
محور طول

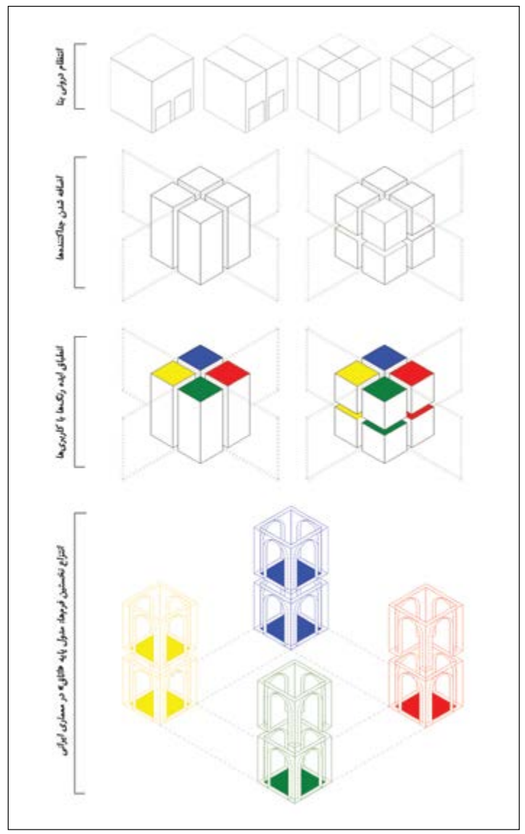
انتظام درونی بنا
اشغاله شدن جداکننده‌ها
انطباق ابعاد رنگ‌ها با کاربری‌ها
انتزاع نخستین فرمها، حول پایه هفتگی در معماری ایرانی

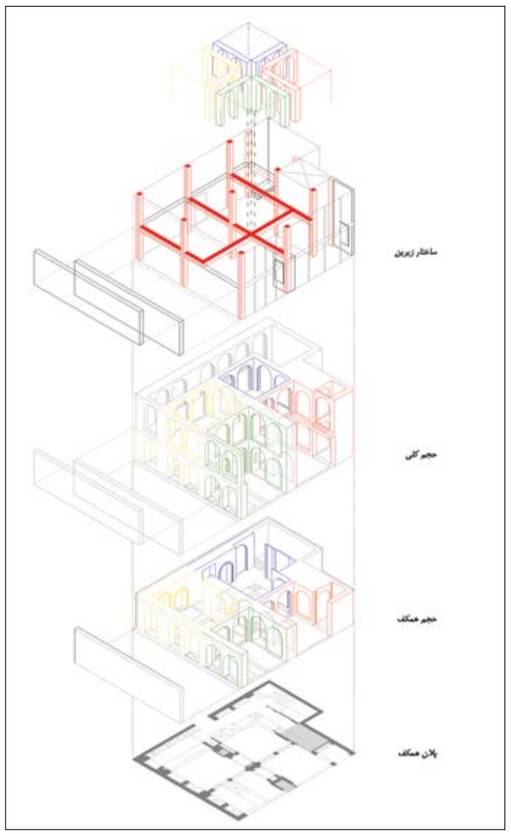
ساختار زیرین
حجم کلی
حجم همکف
پلان همکف

عمومی

رتبه‌ی نخست

باشگاه تناسب اندام کارن

مجتبی هوشنگیان شیرازی

این باشگاه در محل دپوی یک کارخانه‌ی بیسکوییت‌سازی ساخته شده است. ساختمان آن یک سوله به مساحت ۴۰۰ مترمربع و با حیاطی به مساحت ۳۰۰ مترمربع از معبر ورودی جدا شده که پس از اخذ مجوزهای شهرداری به ساختمان سوله افزوده شده است. علاوه بر این یک بالکن ۲۰۰ مترمربعی نیز به طرح اضافه شده است که مجموع همه‌ی اینها، فضای باشگاه را تشکیل می‌دهند. نام باشگاه «کارن فیتنس فکتوری» در واقع از کاربری سابق این سوله برگرفته شد و ایده‌ی آن در طراحی لوگوی این باشگاه نیز دیده شده، در ادامه سعی شد حال و هوای کارخانه به وسیله‌ی آجرهایی در طراحی داخلی باشگاه حفظ شود. در هنگام ورود به باشگاه پس از پذیرش، باشگاه به دو بخش تقسیم می‌شود. یک مسیر وارد بخش عمومی که شامل رختکن و سرویس‌های بهداشتی عمومی می‌شود و دارای قسمت‌های دیگری چون کافه و آرایشگاه هم می‌باشد و از مسیر دیگر وارد بخش وی.آی.پی شده که علاوه بر رختکن و سرویس‌های بهداشتی، دارای سونا و جکوزی هم می‌باشد. فضاهای این باشگاه مخصوص آقایان طراحی شده و در آن علاوه بر سالن بدنسازی بخش‌های دیگری نظیر پذیرش، مدیریت، اتاق مربیان، دو رختکن، سرویس‌های بهداشتی و دوش‌ها، کافه، آرایشگاه و همچنین استودیویی برای ورزش‌های گروهی چون تی.آر.ایکس و کراس فیت در نظر گرفته شده است. در بخشی از فضای محوطه تعدادی درخت وجود داشت که با نظر معمار پروژه حفظ شده و تبدیل به فضای پاسیو در طرح شدند. این فضا هم به عنوان نورگیر و هم به عنوان واسطه‌ای میان بخش عمومی و وی.آی.پی توانست نقش حیاتی خود را ایفا نماید که بدین صورت افراد از بخش وی.آی.پی، عمومی و کافه به این فضا دسترسی پیدا می‌کنند. سازه‌ی بخش‌های توسعه یافته‌ی سوله به گونه‌ای ساخته شده که به سازه‌ی اصلی متصل شود و در عین تقویت آن، به صورت یکپارچه عمل کند تا بتواند نه تنها بار تاسیسات سرمایشی و گرمایشی تعبیه شده بر روی سقف، بلکه بار مربوط به تجهیزات روشنایی و دیگر سازه‌های ورزشی چون تی.آر.ایکس را نیز تحمل نماید. تاسیسات سرمایشی و گرمایشی بر روی سقف قرار گرفته و هوای تازه از طریق کانال‌هایی وارد فضاهای مختلف باشگاه می‌شود. بدین منظور از داکت اسپلیت به همراه کانال‌های عایق شده استفاده شد و از طریق کانال‌هایی دیگر و به کمک سانتریفیوژها هوای مانده به خارج از محیط باشگاه انتقال داده می‌شود. از آجر در فضای داخلی، برای گرم‌تر نمودن فضای باشگاه، متریالی با رنگ گرم در سقف و از تخته‌های چوب روسی که رنگ کرم و زرد دارند برای پوشش تیرهای سقف سوله استفاده شد. همچنین در بخشی از نما که تا پیش از این درب ورودی برای خودروهای سنگین قرار داشت، یک سری پنل‌های فلزی کار شد تا بتوان آن را در صورت نیاز باز و بسته نمود.

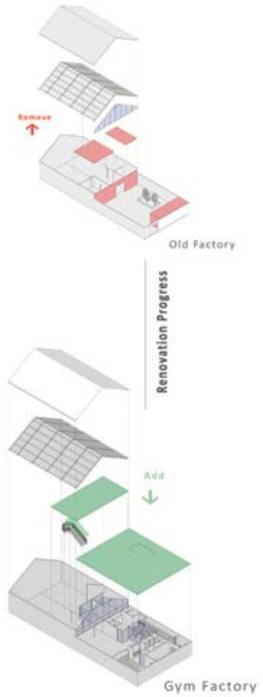

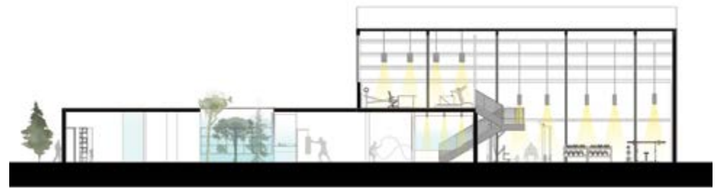

نام پروژه: باشگاه تناسب اندام کارن / **عملکرد:** ورزشی / **دفتر طراحی:** گروه معماری مشیر
معمار اصلی و ناظر: مجتبی هوشنگیان شیرازی / **همکار طراحی:** کسری خواجه‌ای / **مجری پروژه:** عباس خلیلی
پرزانته: مهسا پاک‌شیر / **ترسیم:** رخساره شکیبایی، علیرضا قاسمی‌راد، علیرضا ادیبی / **گرافیک:** محمدرضا عدلو
نقاشی: زهرا نصیری / **آدرس پروژه:** فارس، شیراز، خیابان صلح ،کوچه‌ی ۲۵ / **مساحت کل-زیربنا بعد از بازسازی:** ۸۵۰ مترمربع
کارفرما: حمید زارع / **تاریخ شروع و اتمام ساخت:** ۱۳۹۸ / **عکاس:** آرش اختران
وبسایت: www.mo-shir.com / **ایمیل شرکت:** moshirdesign@gmail.com

ACTURE MUSCLES!

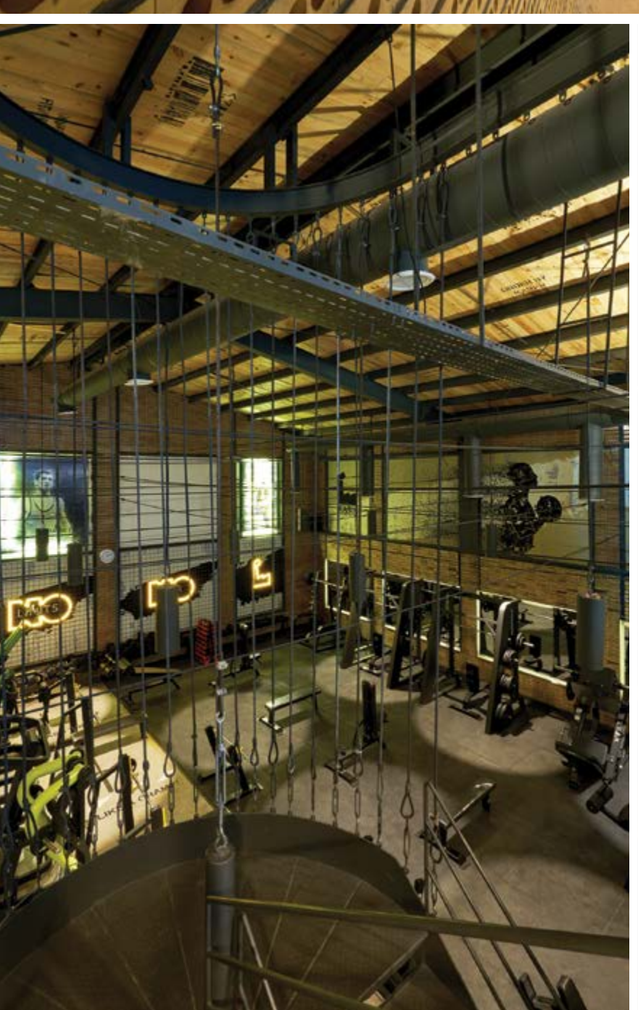

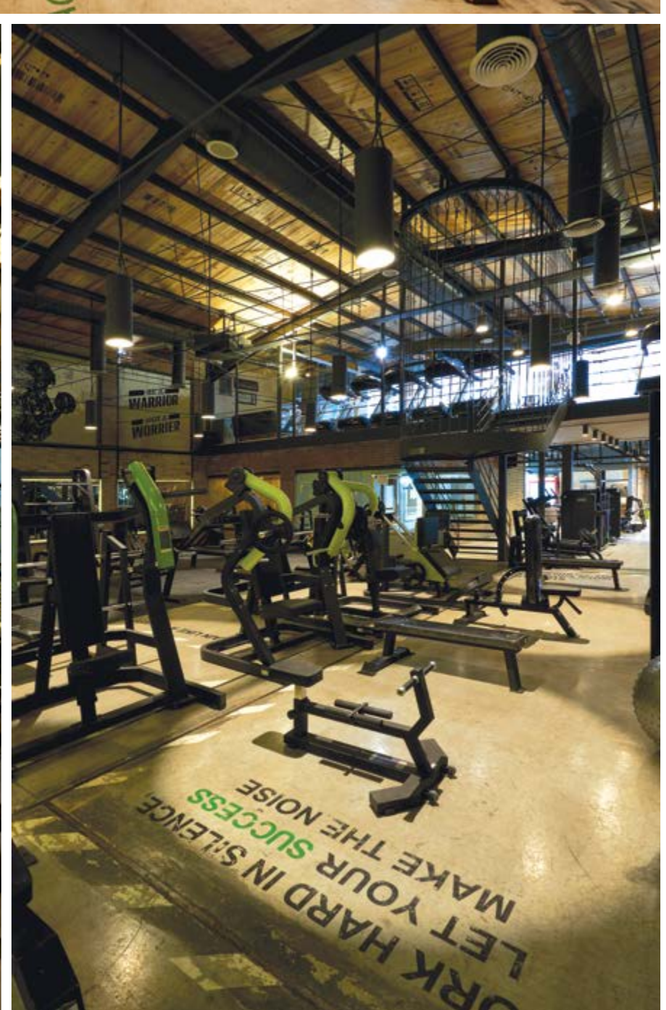
WARRIOR
WORRIER
ORK HARD IN SILENCE
LET YOUR SUCCESS
MAKE THE NOISE

Free Weight Area
Dry Sauna
Jacuzzi
Sauna
Cardio Area
Restroom
Barber Shop
Cafe
Restroom
Vip Locker Area
Locker Area
Reception
Entrance

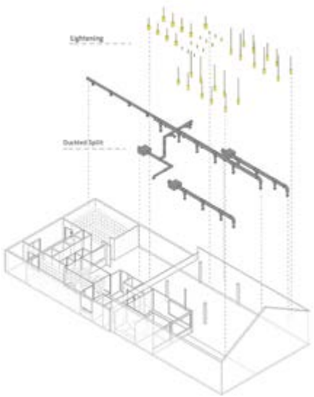
Lightening
Ducktwd Split

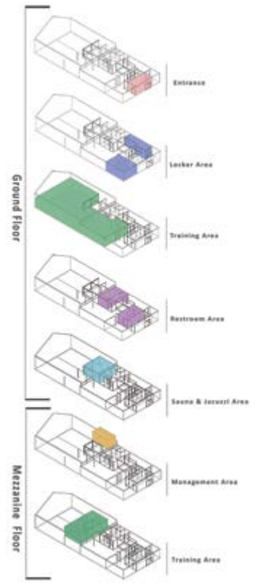
Entrance
Locker Area
Training Area
Restroom Area
Sauna & Jacuzzi Area
Management Area
Training Area
Ground Floor
Mezzanine Floor

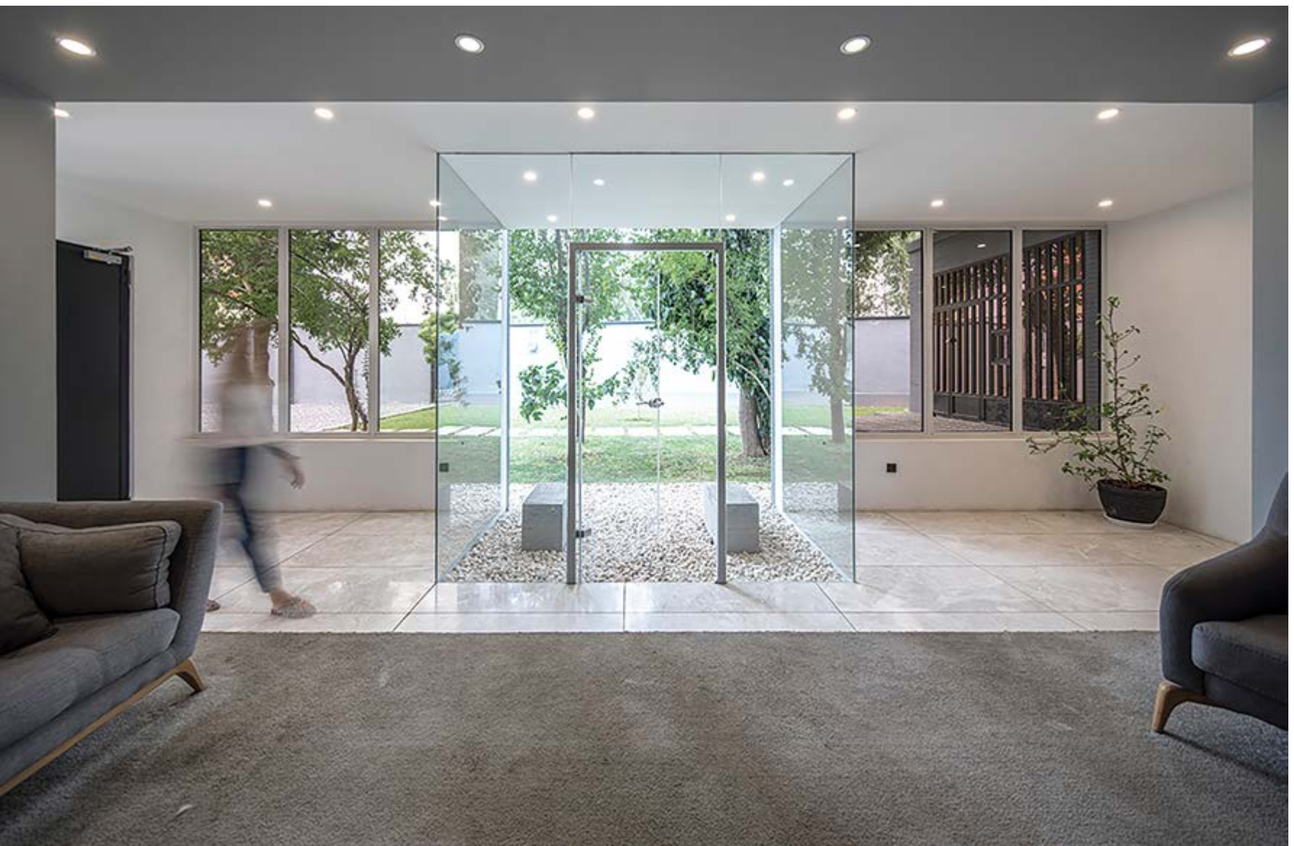

عمومی

رتبه‌ی دوم مشترک

ساختمان اداری "میان"

بهناز سرتیپی، محسن کفایی

این پروژه بازسازی طبقه‌ی همکف بخشی از ساختمان اداری (به مساحت ۷۰ مترمربع) و ساماندهی محوطه‌ی یک انبار سنگ واقع در شهرک صنعتی محمودآباد اصفهان است. با توجه به عملکرد مجموعه (انبار سنگ) با ایده گرفتن از سنگ کوپ (بلوک‌های سنگی استخراج شده از معدن سنگ) به عنوان الگو، و به منظور تقسیم‌بندی فضا، به جای استفاده از دیوار به عنوان عنصر جداکننده، یک حجم با الگوی بلوک سنگ در درون فضای اصلی در نظر گرفته شد که فضا را به دو بخش تقسیم می‌نماید. سپس با خالی کردن توده‌ی حجم اضافه شده، فضا به سه بخش (اداری، جلسات و غذا خوری) تقسیم گردید، به نحویکه ضمن حفظ یکپارچگی فضا و در عین حال بخش‌بندی آن به سه ناحیه‌ی عملکردی، هر سه بخش از نور و چشم‌انداز مطلوب به فضای سبز برخوردار باشند.

همچنین با استفاده از الگوی سنگ‌کوپ به خالی نمودن بخشی از جداره‌ی بنا و فضای داخلی پرداختیم که ماحصل آن به وجود آمدن فضای سوم یا فضای میانجی است. فضایی که در حقیقت مرز گسترش یافته‌ای است میان درون و بیرون که نه به شکل جداره و توده بلکه به صورت فضا و با بیانی نو بازتعریف شده است. فضایی که ضمن ایجاد ارتباط حرکتی میان درون و بیرون، ارتباط مطلوب‌تر با طبیعت و ارائه‌ی تجربه‌ی بصری متفاوت (طبیعت قاب شده)، موجب ارتقای کیفیت فضای داخلی می‌گردد. این تعریف فضایی موجب گردیده تا مرز میان درون و بیرون که پیش از این به صورت یک جداره‌ی باریک تعریف شده بود با توجه به الگوی فضایی معماری ایرانی گسترش یافته و تبدیل به فضایی میانی و بینابین گردد. همانگونه که در الگوی معماری ایرانی (حیاط، ایوان، شاه‌نشین) همواره فضایی میانجی (ایوان) به عنوان حلقه‌ی واسط میان درون و بیرون، این دو فضا را به یکدیگر پیوند داده است، در این پروژه نیز سعی بر آن شد تا مطابق با همین الگو و با ایجاد فضایی میانی و گسترده مانند ایوان به بازتعریف این مفهوم فضایی پرداخته و به جای ایجاد یک جداره‌ی باریک، معین و مطلق به عنوان مرز درون و بیرون، یک مرز سیال، گسترده و پیوسته به صورت فضا پدید آید.

این ادغام و در هم آمیختگی فضای درون و بیرون موجب ایجاد فضای سومی شده است که ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود را دارا می‌باشد. فضایی که نه بیرون است و نه درون و هم بیرون است و هم درون. فضایی که "میان" دو فضای درون و بیرون و آمیخته ای از هر دو فضا است. این فضای میانی ماحصل کاستن از فضا به صورت کمی به منظور افزودن به فضا به صورت کیفی است. بعلاوه این مرز فضایی به شکل یک فضای تقسیم شفاف و بلورین، با محدود نمودن مسیر حرکت موجب فیلتر شدن، حفظ حریم و سلسله مراتب بخش‌های مختلف فضا گشته، به گونه‌ای که به طور ناخودآگاه این حس به افراد غریبه القا می‌شود که خود را مجاز به عبور از آن برای ورود به سایر بخش‌ها نمی‌دانند. بر اساس بازتعریف ارائه شده از نظام و الگوی فضایی معماری ایرانی (حیاط، ایوان، شاه‌نشین) سعی بر آن شد تا رکن سوم (شاه‌نشین) از این نظام فضایی نیز با بیانی متفاوت بازتولید گردد. بر این اساس فضای مرکزی به صورت متمایز از سایر بخش‌های فضای درونی طراحی و در نظر گرفته شد تا ارائه‌دهنده‌ی بیانی نو از فضای شاه‌نشین باشد. همانگونه که فضای شاه‌نشین چشم‌اندازی ویژه و ممتاز به حیاط خانه‌های ایرانی داشته، در این پروژه نیز فضای ایجاد شده درون مکعب (شاه‌نشین) با قاب شدن بخشی از سبزینگی در مقابل خود، ارائه دهنده‌ی تجربه‌ی فضایی و بصری متفاوتی با بیانی نو از کیفیت فضایی و بصری شاه‌نشین به کاربر فضا است.

نام پروژه-عملکرد: ساختمان اداری "میان"-اداری

معماران اصلی: بهناز سرتیپی، محسن کفایی / **نظارت معماری:** بهناز سرتیپی

اجرا: پوریا بابائیان / **آدرس پروژه:** اصفهان، شهرک صنعتی محمود آباد، خیابان ۲۴، پلاک ۸۵، انبار سنگ اکسیژن

مساحت-زیربنا: ۷۰ مترمربع / **کارفرما:** مهرداد رشیدیان / **تاریخ شروع و پایان ساخت:** ۱۳۹۸-۱۳۹۷

عکاس: فرشید نصرآبادی / **گرافیک:** علیرضا زمانی، نفس دادگر

ایمیل: Behnazsatripi@gmail.com / **اینستاگرام:** @behnaz_sartipi_3ordibehesht -@Mohsen.kafaei

سنگ کوب (بلوک های سنگی
استخراج شده از معدن)

در نظر گرفتن حجم کلی
به مثابه یک بلوک سنگی
استخراج شده از کوه

اضافه شدن یک حجم با الگوی
سنگ کوب به فضا، خالی شدن توده
درون حجم، ایجاد فضای شاه نشین

کاسته شدن یک حجم با الگوی
سنگ کوب، کاستن از فضا به صورت کمی
به منظور افزودن به فضا به صورت کیفی

باز تعریف و ارائه بیانی متفاوت
از سلسله مراتب فضایی معماری ایرانی

رتبه‌ی دوم مشترک
و بهترین نورپردازی

باشگاه بدنسازی راک

مجتبی هوشنگیان شیرازی

این باشگاه در تراز زیرزمین واقع شده و هدف در این پروژه به وجود آمدن فضایی متفاوت از باشگاه‌های متداول زیرزمین بوده است و به این منظور با ایجاد فضایی روشن، خارج از قالب، محدودیت و استفاده از صفحات کف، سقف و صفحات عمود بر بدنه‌ها، کانسپت آن شکل گرفت. تیره نمودن سقف و استفاده از رنگ‌های روشن در کف‌سازی تلاشی بود در جهت نزدیک نمودن این دو صفحه، کادر نمودن دیدها و به وجود آمدن عمق دید افقی فضا. خطوط ممتد افقی در بدنه‌ها نیز بدین امر کمک نموده است. این خطوط در مسیر افقی، خود آینه‌ها را نیز در بر می‌گیرد و در برخی نواحی نورپردازی نواری آن را تکمیل می‌کند.

نورپردازی باشگاه ترکیبی از صفحه‌های گسترده‌ی نوری با پخش‌کننده‌های دکوراتیو و حلقه‌های توخالی نوری است. بدین منظور دو لایت باکس متفاوت برای این باشگاه ساخته شد که یکی به صورت نوارهایی باریک در سطح، کشیده شده و فضا را روشن کرده است، و دیگری صفحه‌های گسترده و نوری، که درون آنها تیوب LED هایی قرار گرفته و توسط دفیوزرهایی نورشان پخش شده است که سبب می‌شود چشم ورزشکار در حین ورزش خسته و دچار خیرگی نشود. به وجود آمدن فرم‌های غیرهندسی و چتری شکل با استفاده از ستون‌ها که صفحه‌های نورانی را در بر گرفته‌اند و رها نکردن ستون‌ها در فضا به عنوان یک عنصر صرفا سازه‌ای یکی از نکاتی بود که در طراحی مورد توجه قرار گرفته است. در واقع ستون‌ها حاملان چترهای غیرهندسی سقف شدند که ارتباط فضای باشگاه را با آسمان در ناخودآگاه ورزشکار برقرار می‌کنند. سقف تیرچه و فوم باشگاه در طراحی به گونه‌ای تغییر داده شده که عمق سقف بیشتر نمایان شود. برای این کار سقف و تکنیکال فلور شامل تاسیسات الکتریکی و مکانیکی که به صورت اکسپوز کار شده به رنگ تیره در آمده و پس از آن تجهیزات روشنایی قرار گرفته است. بدین ترتیب یک فضای واسط میان سقف و پایین که در آن فعالیت ورزشی اتفاق می‌افتد به وجود آمد. در باشگاه بانوان نورگیری وجود داشت که در عین بهره‌مندی از نور غیرمستقیم و جلوگیری از دید به فضای داخل، پوسترهایی مطابق با فضای داخلی باشگاه طراحی شد. در این پروژه تلاش شده از عناصر و گرافیک محیطی در سبک و فرمی استفاده شود که علاوه بر زیباسازی محیط با کانسپتی همسو با طراحی کلی باشگاه، به اندکی تفکر منجر شود. پوسترها و گرافیک محیطی که در باشگاه طراحی شده است، هرکدام نکته و مفهوم خاص خود را به مخاطب منتقل می‌کنند.

در جداره‌ای از باشگاه ماشینی تصویر شده که خروجی آن تجهیزات بدنسازی و موازی آن ماشینی قرار گرفته که خروجی آن بدنساز و ورزشکار است. این الگو برای ورزشکارانی که از خود یک ماشین بدنساز می‌سازند، ممکن است راهگشا و ملموس باشد و نوع نگاه کاراکترهای سوررئال آن آثار، توجه ورزشکاران را به محیط جلب کند. در واقع این حس تداعی می‌شود که جداره‌ی معماری داخلی، دنیایی مملو از تحرک ورزشی را القا می‌نماید.

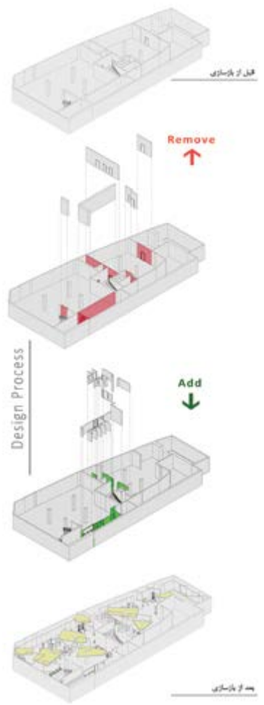

نام پروژه: باشگاه بدنسازی راک / **عملکرد:** باشگاه ورزشی / **دفتر طراحی:** گروه معماری مشیر
معمار اصلی و ناظر: مجتبی هوشنگیان شیرازی / **همکاران طراحی:** رخساره شکیبایی، کسری خواجه‌ای
مجری پروژه: مسعود هوشنگیان شیرازی / **سرپرست کارگاه:** پویا شاهوران / **پرزانته:** رخساره شکیبایی، علیرضا ادیبی
گرافیک: علی آزادی / **نقاشی:** ریحانه عظیمی / **آدرس پروژه:** شیراز، خیابان نیایش،کوچه‌ی ۶، ساختمان هیراد
مساحت زمین: ۷۵۰ مترمربع / **کارفرمایان:** احمد یوسفی، مهدی حسن‌زاده / **تاریخ شروع و اتمام ساخت:** اردیبهشت تا مهرماه ۱۳۹۸
عکاس: آرش اختران / **وبسایت:** www.mo-shir.com / **ایمیل شرکت:** moshirdesign@gmail.com

ARE YOU READY?

Women Club
Strength Area
Free Weight Area
Training Area
Cafe
Locker Restroom
Battle Area
Reception
Mechanical Room
Training Area
Coach Room
CrossFit Area
Restroom
Cafe
Locker
Cardio Area
Reception
Men Club

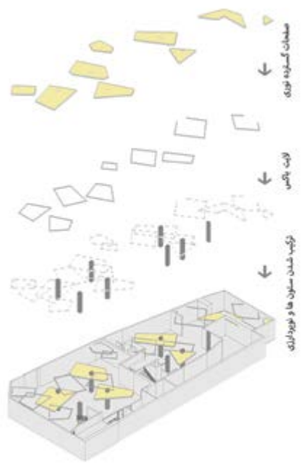
صفحات گسترده خورد
لوب پاس
ترکیب شدن سلول ها و خوردگی

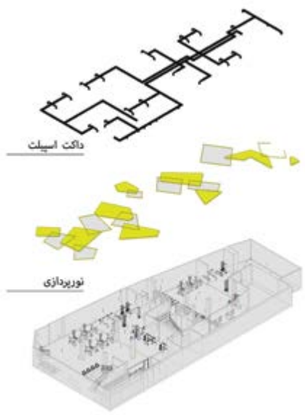
داکت اسپیلت
نورپردازی

PAIN IS TEMPORARY
PRIDE IS FOREVER

عمومی

رتبه‌ی سوم

مجموعه فرهنگی و سینمایی شمیران "سینما توپوگرافی"

امیرحسین اشعری

در سال‌های اخیر سالن‌های بزرگ سینما جای خود را به مجموعه‌هایی از چند سالن کوچک داده‌اند. در بسیاری از موارد کاربری عمومی دیگری از قبیل مراکز تفریحی و تجاری در کنار این مجموعه‌ها ساخته می‌شود. این فرصتی مناسب است که سینماها به عنوان فضای فرهنگی بتوانند نقش بستری مناسب برای تعاملات شهروندان در این مجموعه‌ها بازی کنند.

مرکز تجاری اداری شمیران در منطقه‌ی شمیرانات تهران احداث شده است. یکی از قابلیت‌ها در این بخش وجود باغات شمیرانات است که طبقات مختلف در این مجتمع از دید و منظر آن بهرمند هستند. طبقه‌ی چهارم مجموعه در طراحی اولیه به عنوان کاربری تجاری دیده شده و زیرساخت‌های مربوط به سینما همچون ارتفاع کف تا سقف، فاصله‌ی بین ستون‌ها، تاسیسات و... در نظر گرفته نشده بود. لذا برای جبران کمبود فضا با وجود محدودیت‌های ارتفاعی مجبور شدیم خیلی از بخش‌ها را در دو سطح حل کنیم، به طور مثال زیر سکوهای سینماها، بالای اداری و سرویس بهداشتی به عنوان فضای کمکی استفاده شد.

هدف اساسی در طراحی مجموعه‌ی فرهنگی و سینمایی شمیران خلق یک نقطه عطف به عنوان حلقه‌ی واسط سایر طبقات با ایجاد فضایی متفاوت با آنها بود، به صورتیکه شهروندان که در طبقات دیگر در حال رفت و آمد و حرکت هستند هنگامی که این طبقه می‌رسند با فضای مکثی مواجه شوند تا قدری درنگ کنند، سعی شد تا حد ممکن عناصر طبیعی موجود در طبیعت اطراف به محیط داخلی وارد شود. بدین جهت متریال‌های طبیعی همچون پوشش گیاهی و چوب جایگزین مصالح سخت گردید همچنین در این طرح، می‌خواستیم یک پاتوق فرهنگی را به صورت یک چشم‌انداز طبیعی در مقیاس خردتر، در فضای داخلی ایجاد کنیم. در واقع تلاش بر این بود که افراد پس از حرکت در سایر طبقات، یک باره، در طبقه‌ی چهارم تجربه‌ی محیط طبیعی خارجی را به گونه‌ای داشته باشند که بتواند موجب افزایش نوعی از هیجان در فضا شود و باعث گفتمان بیشتر شهروندان گردد که ماحصل آن رشد و ارتقای سطح فرهنگی خواهد بود.

عنصر اتصال‌دهنده‌ی سالن‌ها یک لابی سبز (پلتفرم فرهنگی) است، که به عنوان نقطه‌ی کانونی مجموعه عمل می‌کند. سیتینگ به عنوان نقطه‌ی عطف این فضا، یک مونومان با فرم خطوط توپوگرافی با باغچه‌هایی از گیاهان طبیعی است که امکانی را برای اقامت طولانی‌تر افراد و انجام تعاملات اجتماعی و فرهنگی در مواقع انتظار و هنگام برگزاری رویدادهای مختلف فراهم می‌آورد. همچنین در زیر این نشیمن، بخشی از فضای سرویس بهداشتی جانمایی شده است. فرم خطوط توپوگرافی در طراحی ابژه‌های عملکردی همچون، کانترهای بلیط فروشی و تنقلات و گلدان‌هایی که در قسمت‌های مختلف لابی طراحی شده نیز استفاده شده است. شبیه‌سازی محیط طبیعی و خلق یک لنداسکیپ داخلی با طراحی دیوارهای سبز و جداره‌های منحنی سالن‌های سینما از جنس نوارهای چوبی، تقویت شده است.

به منظور ایجاد یک هویت متمایز برای هر یک از سالن‌های نمایش یک رنگ مشخص در نظر گرفته شده است. این رنگ در درب‌های ورودی و طرح داخلی هر سالن دیده می‌شود.

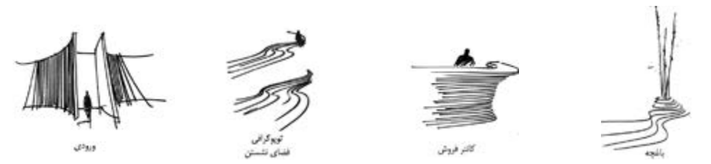

نام پروژه-عملکرد: مجموعه فرهنگی و سینمایی شمیران "سینما توپوگرافی"
دفتر طراحی: گروه معماری اشعری و همکاران / **معمار اصلی:** امیرحسین اشعری
همکاران طراحی: زهرا جعفری، الناز امینی‌خانیمنی، احسان شبانی، زهرا رحیمی / **بهره‌بردار:** محسن خباز
اجرای پروژه: پژمان زمانی‌فر / **طراحی تاسیسات:** شرکت طرح و تجهیز سامان مهر (شهراد فریفته)
نظارت پروژه: امیرحسین اشعری / **آدرس پروژه:** تهران، مرکز تجاری اداری شمیران، طبقه‌ی چهارم
مساحت زیربنا: ۱۸۰۰ مترمربع / **کارفرما:** سید مجتبی نعمتی / **تاریخ شروع و پایان ساخت:** خرداد ۱۳۹۸-اسفند ۱۳۹۸
گرافیک: زهرا جعفری / **سه بعدی:** مصطفی یکترزاده، احسان شبانی / **مطالعات:** الناز امینی‌خانیمنی
هماهنگ‌کننده: اسما سیرجانی‌اصل / **مشاورکار بتن:** موسی کلهر / **عکاس:** حمید یزدان‌پناه
وبسایت: www.ashari-architects.com / **ایمیل:** asharіarchitects@yahoo.com / **اینستاگرام:** @asharіarchitects

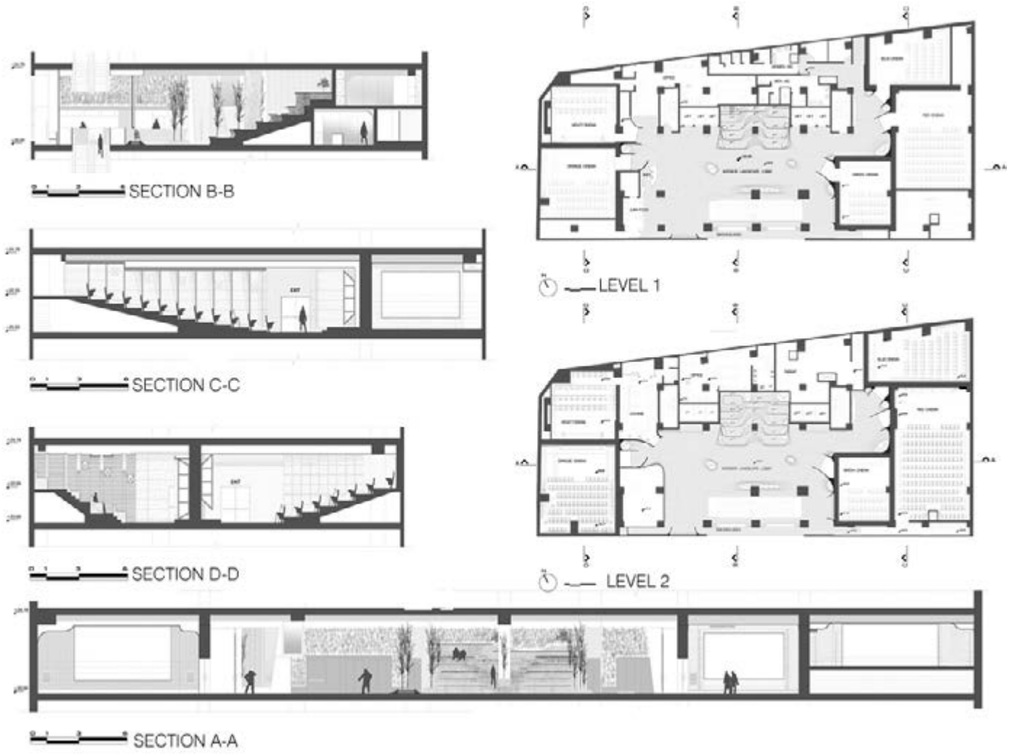
SECTION B-B
LEVEL 1
SECTION C-C
SECTION D-D
LEVEL 2
SECTION A-A

سوئیت لواسان

پارمیس میرزابابایی

روند شکل‌گیری طرح در راستای همگام‌سازی با بستر طبیعی و آسیب نزدن به آن شکل گرفت. در سوئیت لواسان، احترام و تاثیرپذیری از طبیعت، به عنوان هسته‌ی اصلی ایده‌ی طراحی انتخاب شد، چرا که انسان خود بخشی از طبیعت و محیط اطراف بوده و هر نوع آسیب به آن در نهایت به خود او باز خواهد گشت. به علاوه استفاده از عناصر طبیعی در محیط، زیستن را کیفیت می‌بخشد و باعث تجربه‌ی متفاوتی از فضا خواهد شد.

همچنین سعی بر آن بود که پوسته‌ی نما نیز در راستای ناهمگونی و سختی طبیعیِ تخته‌سنگ و صخره طراحی شود. در نتیجه با کنار هم قرار دادن ناهماهنگِ شبکه‌ها، به ایده رسیدیم و با ایجاد قسمت‌های پر و خالی در این شبکه‌های برآمده، نورگیری داخلی پروژه را به‌خوبی کنترل کردیم.

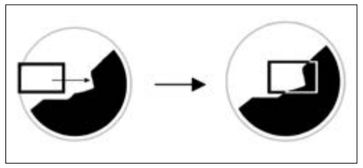

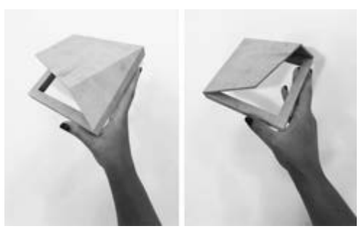

نام پروژه-عملکرد: سوئیت لواسان-مسکونی
معمار اصلی: پارمیس میرزابابایی
نوع سازه: اسکلت بتنی
آدرس پروژه: تهران، لواسان
زیربنا: ۸۰ مترمربع
تاریخ شروع و پایان طراحی: تابستان ۱۳۹۷-پاییز ۱۳۹۷
گرافیک و ترسیم: پارمیس میرزابابایی
اینستاگرام: @4thart.studio

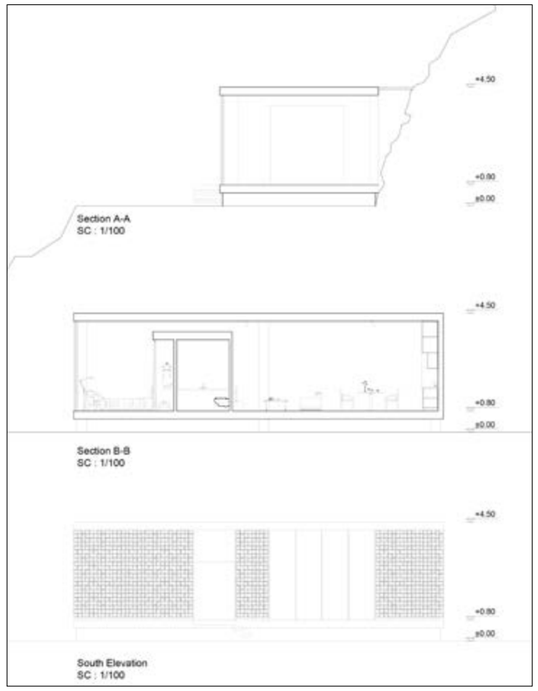
+4.50
+0.80
±0.00
Section A-A
SC : 1/100
+4.50
+0.80
±0.00
Section B-B
SC : 1/100
+4.50
+0.80
±0.00
South Elevation
SC : 1/100

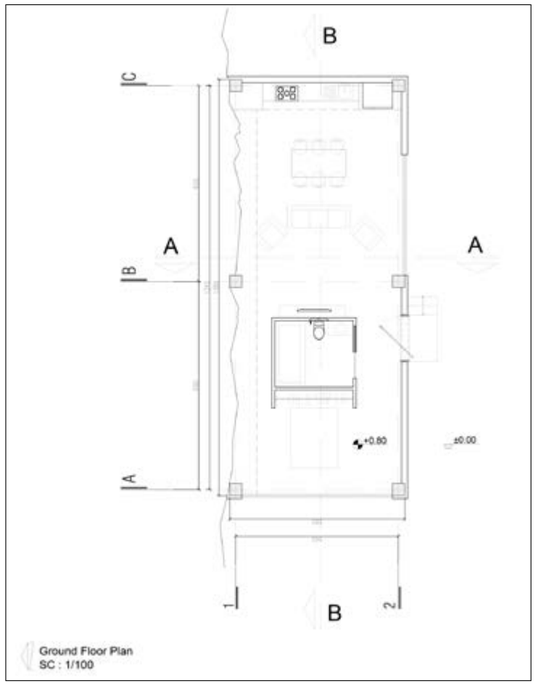
B
C
A
A
B
+0.80
±0.00
A
1
2
B
Ground Floor Plan
SC : 1/100

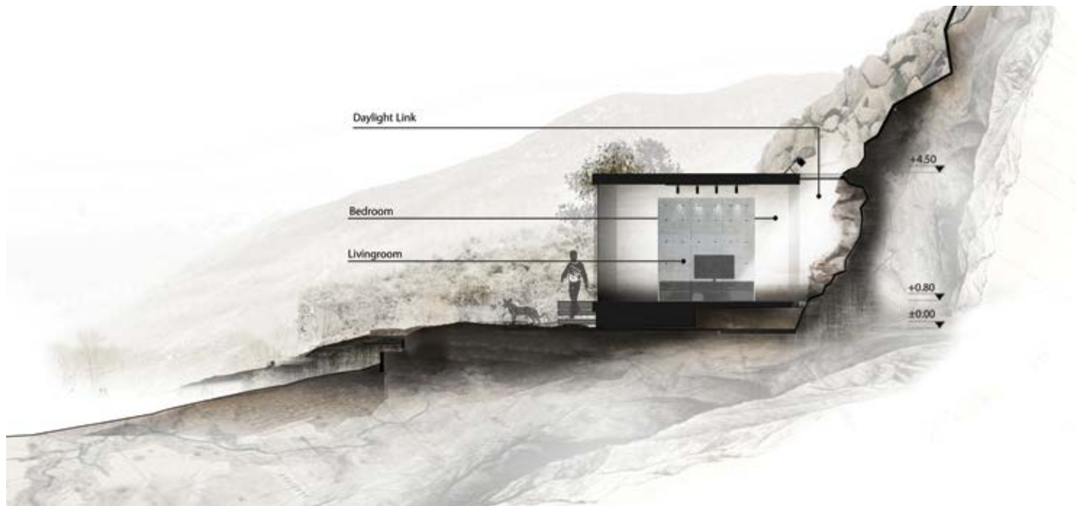
Daylight Link
Bedroom
Livingroom
+4.50
+0.80
±0.00

کانسپت

رتبه‌ی دوم

عمارت دهلیز

گروه هامون

موضوع اصلی طراحی این بنا رسیدن به فضای زندگی و کار برای یک نقاش است. دو امر اصلی که در شیوه‌ی زندگی هنرمند درهم آمیخته شده و در بستر یکدیگر حضور مداوم دارند. «من در بین نقاشی‌هایم زندگی می‌کنم و در مسیر زندگی‌ام نقاشی می‌کنم. نقاشی‌های من از من و زندگی من جدا نیستند.» طراح در امتداد این نقل قول از صاحبخانه سعی بر خلق مکانی داشت ملغمه‌ای از زندگی و نقاشی. شاید به صورت عمومی هر هنرمند نیازمند فضایی در قالب کارگاه یا استودیو برای کار کردن باشد ولی اینکه در سطحی بالاتر «کار اصلی هنرمند، هنرمندانه زندگی کردن است» حقیقتی ملموس و قابل باور به نظر می‌رسد. در این راستا تولید اندیشه‌ی طراحی از درون به بیرون بنا شکل گرفته و طراح سعی بر ارائه‌ی فضایی برای نوع مشخصی از الگوی زندگی داشته است.

«دهلیز» به عنوان اندام اصلی در این بنا انتخاب شد تا هم توجه به بافت معماری روستا را تامین کند و هم با کیفیات فرمالیستی و مکانی خود پاسخی بر ایده‌ی طراحی باشد. در اندام‌شناسی معماری کلاسیک ایران، دهلیز گونه‌ای از اجزای بنا معرفی می‌شود که عموما ارتباط دو نقطه از فضا را میسر می‌کند اما در طرح پیش رو نیاز بر ارتقای عملکرد دهلیز بود چرا که می‌بایست نه تنها دسترسی به «جا»های مختلفی از بنا را ممکن می‌ساخت بلکه با کاربست ذات درونگرا و خلوت جوهری خود فضا را مستعد فعل «دیدن» می‌کرد.

برانگیختن نوعی از حواس در ادراک فضا ضروری به نظر می‌رسید، لازم بود انسان به محض حضور، درگیر دیدن و خیال شود ولی مهم دیدن «نقاشی» بود، پس ظرف نباید خود را بیش از مظروف عرضه می‌کرد. فضا باید به نقاشی امکان «بودن» می‌داد.

دهلیز در بطن بنا جا گرفت و سایر فضاها در پیرامونش طوری سامان داده شد که تمامیت معماری در تحقق آنچه گفته شد ایفای نقش کند. طراح به صورتی از دهلیز استفاده کرده تا محرکی برای مخاطب و مامنی برای نقاشی ایجاد کند. تمامی ارتباطات افقی و عمودی در این معماری از طریق دهلیز انجام شده و زندگی در این معماری مستلزم قرارگیری در میان نقاشی و ادراک آن است. در این ایده زندگی نقاشانه جاریست و تابلوی نقاشی جدی‌تر از ابژه‌ای زینت‌بخش برای فضای داخل تلقی می‌شود.

سایت طراحی در نزدیکی روستای هنجن، یکی از روستاهای شهرستان نطنز واقع شده است. روستای هَنجَن در کنار جاده قدیم نطنز به کاشان و در فاصله‌ی ۱۷ کیلومتری نطنز قرار گرفته است. هنجن مدخل ورودی به روستاهای محورهای ابیانه و فریزهند است.

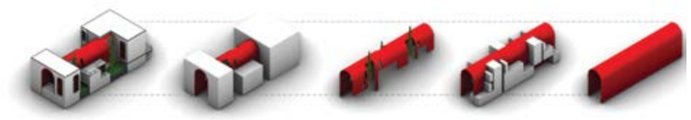

نام پروژه-عملکرد: عمارت دهلیز-مسکونی

دفتر طراحی: گروه هامون / **معمار اصلی:** سپهر مهردادفر

همکاران طراحی: سعید میرطهماسب، حسین خراسانی / **آدرس پروژه:** اصفهان، روستای هنجن / **مساحت:** ۶۵۰ مترمربع

کارفرما: خانواده‌ی ذاکری / **تاریخ شروع و پایان طراحی:** ۱۳۹۹

وبسایت: www.hamounstudio.com / **ایمیل:** info@hamounstudio.com / **اینستاگرام:** @hamoun.studio

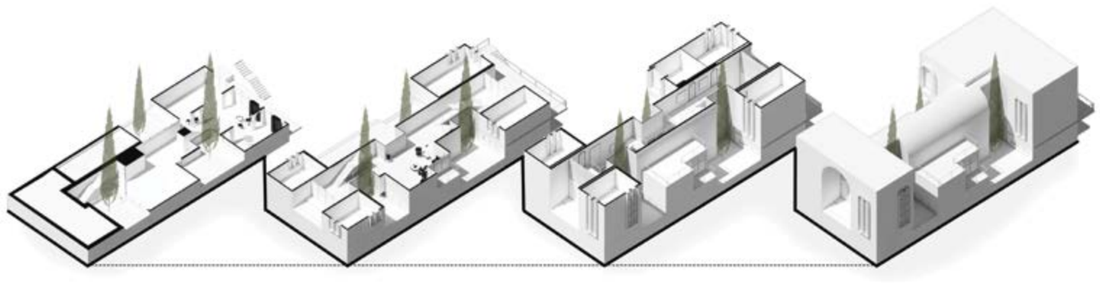

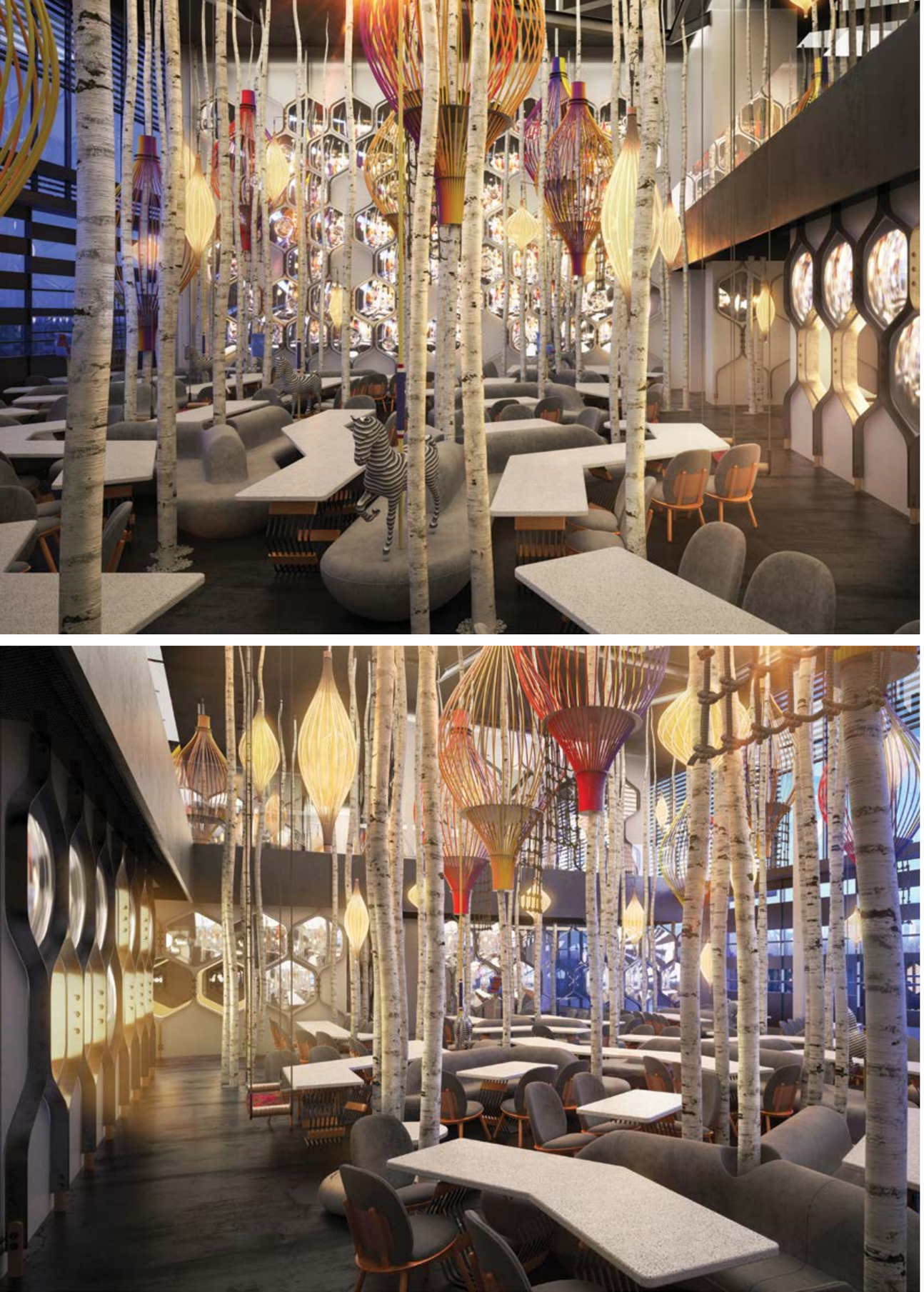

کانسپت

رتبه‌ی سوم

مجموعه‌ی چندعملکردی ELEVE8

شهروز زمردی

پروژه‌ی دبی، با متراژی حدود ۴۰۰۰ مترمربع، پذیرای ۱۰۰۰ نفر، واقع در منطقه‌ی Blue waters شهر دبی در امارات متحده‌ی عربی، پروژه‌ای است با طیف بهره‌برداری گسترده که شامل سالن‌های بازی و مهمانی مخصوص کودکان تا رستوران و فودکورت و فضاهای مختلف سرگرمی و پذیرایی برای بزرگسالان از جمله Laser Tag و Trampoline park می‌باشد، بنابراین مهم‌ترین اتفاق در روند طراحی این پروژه مخاطب قرار دادن طیف گسترده‌ی سنین مختلف کاربران مجموعه بوده تا طرح نهایی برای تمامی سنین به یک اندازه جذاب باشد.

طراحی فضاهای مختلف برای کاربران با سنین متفاوت و در عین حال حفظ هارمونی و هم‌خوانی فضاهای مختلف با یکدیگر با طراحی مختص به خود طی روند طراحی، بزرگترین چالش معمار بوده است. از نکات حائز اهمیت تاکید همیشگی معمار به حس سورئالیستی است که در اکثر طراحی‌های وی نیز کاملا مشهود است و در این پروژه نیز به‌وضوح قابل رویت است. این مهم به واسطه‌ی استفاده از المان‌ها و خط و خطوط الهام گرفته از طبیعت، استفاده از المان‌های بیومیمتیک و طراحی آبجکت‌های سورئال که در محیط پروژه پخش هستند انجام گرفته شده، از المان‌های نورپردازی گرفته تا مبلمان، خانه‌های درختی، پترن‌های شش‌ضلعی نصب شده بر روی دیوار و آینه‌های موجود، همگی در راستای تحقق این هدف به کار برده شده‌اند که در حین تفاوت در کاربری‌های فضاهای مختلف پروژه، در نهایت باعث ایجاد حس یکپارچگی در کل فضا شده‌اند. نکته‌ی قابل توجه در این اثر، طراحی اکثر المان‌ها به صورت منحصربه‌فرد و خاص این پروژه توسط معمار می‌باشد و کمترین استفاده از مبلمان و اقلام موجود شده است که به خودی خود شاخصه‌ی پر اهمیتی برای طراحی داخلی این پروژه محسوب می‌شود. و در انتها توجه همیشگی معمار به طبیعت و حس طبیعت‌گرایی نیز با استفاده از درختان موجود، کاملا مشهود و قابل لمس است، درختانی که با حضورشان در فضا، محیط را برای کاربر گرم و دلنشین می‌کنند تا ساعاتی دلچسب را سپری کنند.

نام پروژه-عملکرد: ELEVE 8 -مجموعه‌ی چند عملکردی

دفتر طراحی: استودیو معماری زمردی و همکاران / **معمار اصلی:** شهروز زمردی

همکاران طراحی: علی مروج، پیام الرحمان، آنا اخلاقی، حامد نوریان‌پور، پریسا ابوترابیان، نسترن شعبان‌زاده

آدرس پروژه: امارات متحده‌ی عربی، دبی / **زیربنا:** ۴۰۰۰ مترمربع / **کارفرما:** شهروز زمردی

تاریخ شروع و پایان طراحی: آبان ۱۳۹۸ / **وبسایت:** www.Zomorrodi-associates.com

ایمیل: Zomorrodi@zomorrodi-associates.com / **اینستاگرام:** @Zomorrodi.associates

مبلمان

رتبه‌ی نخست

طراحی اثاث برای آرگولانژ

گروه هامون

در فرآیند شکل‌گیری ایده، اندیشه‌ی طراحی از معماری داخلی به طراحی ابژه‌ای معطوف شد که بایدهایی را مرتفع می‌ساخت.
باید مسیر را مشخص می‌کرد.
باید دید را حفظ می‌کرد.
باید جسم بنا را مخدوش نمی‌کرد.
باید با روح فضا همساز می‌شد.
باید زمان را در خود بازتاب می‌داد.
باید کارایی را برای فضا ایجاد می‌کرد.
باید عرصه‌ها را تعریف می‌کرد.
باید بخش‌هایی را می‌پوشاند.
باید دیده می‌شد.
باید دعوت می‌کرد.
باید خاطره می‌ساخت.
باید حسی آشنا ایجاد می‌کرد.
باید احوالی را منجر می‌شد.
باید همچون بنا ماندگار می‌شد.

اثر به وجود آمده یک پیشخوان بزرگ قرار گرفته در میان است که با انحنا و درخشش، فضا را تحت تاثیر قرار داده و او را صاحب احوالی آشنا کرده است.

در گوشه‌ی جنوب شرقی حیاط کارخانه‌ی آرگو، فضایی بسته به مساحت ۶۴ مترمربع با دو درب ورودی و سه پنجره‌ی بزرگ قرار گرفته است. شیارهایی از آجر بر روی دیوار که در اثر فروریختن پوشش اصلی آشکار شده، کهولت بنا را به رخ می‌کشند. همچنین کف‌سازی آجری این فضا چشم بیننده را در امتداد حیاط اصلی قرار می‌دهد. طراح در مسیر ایجاد کارایی مورد نظر برای فضایی با این مشخصات ضرورتی را پیش داشت. در بنای آرگو جسم بنا از حیث هویت چنان حائز اهمیت بود که کمترین دخالت در کالبد معماری و همچنین بنا همچون اصلی غیرقابل گریز جلوه کرده و در واقع شاخصه‌ی ایده‌ی پیشِ رو را تفسیر می‌کرد. به بیان دیگر ایده باید چنان شکل می‌گرفت که در عین حضور نه تنها خدشه‌ای به معماری (روح فضا) و بنا (جسم فضا) وارد نکند، بلکه در راستای شخصیت آن دو گام بردارد.

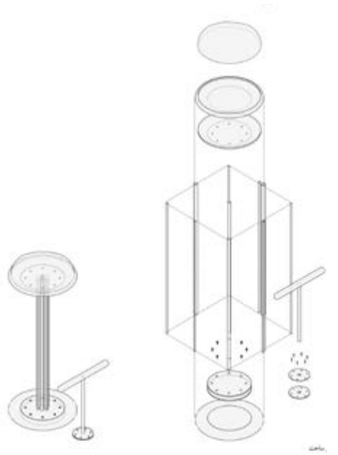

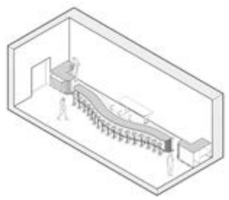

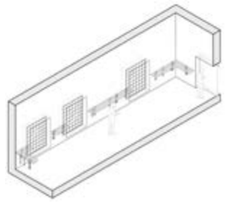

نام پروژه-عملکرد: طراحی اثاث برای آرگولانژ-مبلمان
دفتر طراحی: گروه هامون / **طراح اصلی:** سپهر مهردادفر
همکاران طراحی: سعید میرطهماسب، حسین خراسانی، محمد میریان / **اجرا:** گروه هامون، گروه آروییناژ، فرهاد آقازاده، سهیلا فلاح، داود حسنی / **آدرس پروژه:** تهران، لاله‌زار / **کارفرما:** بنیاد پژمان، کارخانه‌ی آرگو، آرگولانژ
تاریخ شروع و پایان ساخت: ۱۳۹۹-۱۳۹۸ / **عکاس:** دید استودیو
وبسایت: www.hamounstudio.com / **ایمیل:** info@hamounstudio.com / **اینستاگرام:** @hamoun.studio

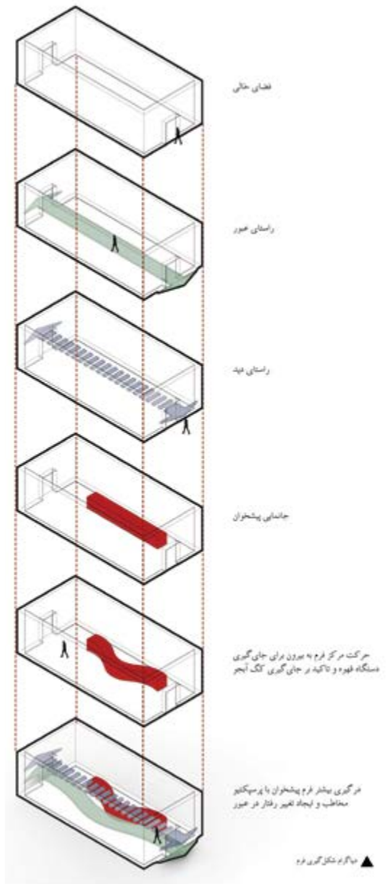

▲ نحوه شکل‌گیری فرم

مبلمان

رتبه‌ی دوم

تشیله (در کردی به معنای تیله)

منصور زارع

بیانیه

با تکیه بر مفهوم بازی می‌توان تمرکز را از ساخت ساختمان و خیابان به چگونگی مداخله در شکل‌گیری زندگی اجتماعی و طراحی فضای روانی غالب در جامعه تغییر داد. ساخت فضای بازی صرفا مداخله‌ی فیزیکال در بستر شهر نیست، اگرچه زمین بازی در ذات خود پدیده‌ی فیزیکی دلنشینی است، اما ساخت آن در موقعیت و مکان‌های متفاوت محل تبلورِ گونه‌ای از نقد فرهنگی خواهد بود. ما به دنبال مبلمانی با مقیاس شهری می‌گردیم که بازی را مبنای تعامل شهروندان با یکدیگر قرار داده باشند. ما باید نشان دهیم معماری چگونه می‌تواند رابطه‌ی میان افراد را در جامعه سازنده‌تر کرده و آن را جهت‌دهی کند.

نکته آن است که بازی دارای زمینه‌های اجتماعی، اقلیمی و مهم‌تر از همه دارای روایت‌های خرده فرهنگی است. ما به دنبال راهکارهای برخاسته از خرده فرهنگ‌های ایران برای بازتعریف فضای بازی هستیم. لذا در این فضا (مبلمان شهری) ایجاد یک بازی گروهی با یک هدف خاص در ایجاد حس امید و انگیزه و رشد اجتماعی افراد تاثیر بسزایی دارد.

ایده‌ی طراحی

بازآفرینی بازی‌های گروهی که در گذشته نحوه‌ی تعامل بین افراد و ایجاد همبستگی بوده است مبنای طراحی قرار گرفت. تقریبا تمام بازی‌های گذشته به صورت گروهی بوده مانند ماسه‌بازی، تیله‌بازی و... .

تیله‌بازی یک بازی گروهی است که مبنای طراحی قرار گرفت. با این تفاوت که در این بازی همه‌ی اعضای گروه یک هدف را دنبال می‌کنند. آنها در جهت رساندن گوی شیشه‌ای به سمت مرکز و حرکت در محیط صفحه راه‌حلی مناسب برای خلق بازی پیدا می‌کنند.

بازی کردن گروهی افراد با خلاقیت و تلاش، حس امید را در افراد گروه به وجود می‌آورد. ما برآنیم با این بازی به بازیکنان با القای حس وحدت و تلاش، پیروز شدن را در بطن یک فاجعه بیدار نماییم.

دستورالعمل بازی: بازی شامل دو صفحه‌ی معلق است که برای هرکدام از صفحه‌ها یک بازی طراحی شده است. هدف رسیدن گوی شیشه‌ای به مرکز است. جهت حرکت به وسیله‌ی جابه جایی افراد روی صفحه و فنرهای تعبیه شده زیر صفحه با ایجاد ممان و چرخش عمودی به وجود می‌آید. هماهنگی و تمرکز و ایجاد تعادل افراد گروه باعث حرکت گروه در مسیر تعریف شده می‌شود. همین بازی در مرحله‌ی دوم روی سقف صورت گرفته و حرکت صفحه‌ی اول باعث حرکت صفحه‌ی دوم شده و گوی بالا نیز شروع به حرکت می‌کند. هر گروه که در زمان کمتری موفق به رساندن گوی به هدف باشد برنده می‌شود. حرکت صفحه باعث بر هم خوردن تعادل افراد می‌گردد که با حلقه‌ی تعبیه شده در دور صفحه می‌توانند تعادل خود را حفظ کنند.

چالش‌های طراحی

مقیاس شهری بازی باید سبب تعامل شهروندان می‌گشت (به خصوص آسیب‌دیدگان پس از سانحه). بازی شامل زمینه‌ی اجتماعی، اقلیمی و مهم‌تر از همه دارای روایت خرده فرهنگی است. فضای بازی قابل جابه‌جایی است و همچنین هوشمندی، سرعت اجرا، متریال و نحوه‌ی جابه جایی نیز باید در نظر گرفته می‌شد. ابعاد در یک محدوده‌ی ۳*۴*۳ و گروه سنی مخاطب اثر نیز از کودکان تا سالمندان تعیین شده است.

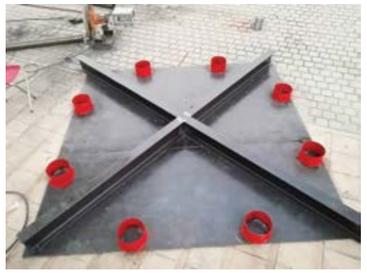

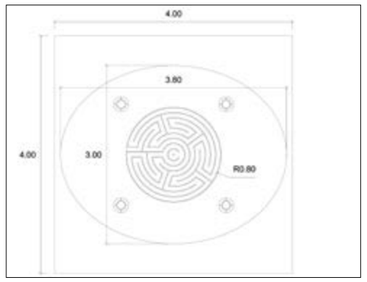

نام پروژه-عملکرد: تشیله (در کردی به معنای تیله)-مبلمان

طراح اصلی: منصور زارع / **همکاران طراحی:** نسرین بهروزی، سید محمد موسوی،محمدصادق عباسی

همکاران ساخت: مصطفی حجی، نازنین فخری‌نیا، سحر آماده، پریا بدیعی، علی دانش، سید احمدرضا محمودی، پژمان دمیری، محمدهادی سلاخ‌نژاد / **آدرس پروژه:** شیراز، جلو خان عفیف‌آباد / **کارفرما:** مسابقه‌ی قوام‌الدین شیراز

تاریخ شروع و پایان ساخت: اردیبهشت ۱۳۹۸ / **عکاس:** علی سهل‌البیعی، سعید زنگنه / **اینستاگرام:** _mansourzare_@

مبلمان

رتبه‌ی سوم

صندلی شاهرخ

گروه هامون

نام این صندلی شاهرخ است. نسخه‌ی اولیه‌ی شاهرخ با ارتفاع کم، به مقصود بازانگاری سنت (نشستن روی زمین) و با الهام از تصویری متعلق به استاد شجریان در یک محفل خصوصی (در این تصویر استاد شجریان روی زمین نشسته و به یک پشتی تکیه داده‌اند) طراحی و ساخته شد.

در نسخه‌ی حاضر سعی شد تا با حفظ کلیات زیبایی‌شناسی فرم اولیه، نوعی از صندلی با تنوع بیشتر در کارکرد حاصل شود؛ یا به تعبیری دیگر مقصود، ایجاد فرمی فضامند بود تا در تقابل با محیط، کنشی موثرتر بروز دهد. بنابراین ارتفاع صندلی افزایش و عرض و عمق آن کاهش یافت؛ سازه‌ی لوله‌ای اصلی باقی ماند ولی در تنیدگی صندلی و مسیر انتقال وزن به زمین تغییراتی ایجاد شد. سازه‌ی صندلی سه تکه طراحی شده که با لوله‌هایی ظریف به هم متصل می‌شوند و در نهایت پیکره‌ای دو تکه را تصویر می‌کنند که با خلاء بصری میانی، حالتی معلق را ارائه می‌کند.

قابلیت تولید صنعتی یکی از اهداف برای شاهرخ بود لذا به دو مسئله در امتداد هم باید فکر می‌شد، یکی طراحی شاهرخ و دیگری طراحی روش ساخت شاهرخ. این طرح باید طوری آماده می‌شد که روشمند ساخته شود، متریال بهینه مصرف شود، صرفه‌ی اقتصادی را توجیه کند، اقبال فروش را تضمین کند و... . شاهرخ باید ساده ساخته می‌شد، یعنی برای ساخت، وابستگی به فرد یا کارگاهی خاص جایز نبود. شاهرخ اکنون در مدت زمان یک هفته ساخته می‌شود و در بستر چند پروژه به اهداف مورد نظر طراح دست یافته است. این صندلی برای اولین بار در نهمین نمایشگاه بین‌المللی صنعت مبلمان رونمایی و توسط «اتحادیه‌ی صادرکنندگان و تولیدکنندگان مبلمان ایران» تقدیر شد.

برای ساخت شاهرخ قالب و «فیکسچر» طراحی و ساخته شد، به واسطه‌ی نمونه‌سازی و آزمایش، ارتباط و تعادلی بین درجه‌ی خمیدگی و قطر لوله‌ی انتخابی برقرار گردید، همچنین ایجاد این تعادل بین ضخامت لوله، استقامت سازه و صرفه‌ی اقتصادی ضروری بود. مورد جدیدی که در این فرآیند دارای ارزش و اهمیت شد «زمان تولید» و «سهولت ساخت» بود. نظامِ فروش شاهرخ طوری برنامه‌ریزی شد که بایستی بعد از سفارش تولید می‌شد، لذا فاصله‌ی بین سفارش تا تحویل به فاکتور مهمی برای اقبال فروش تبدیل شد.

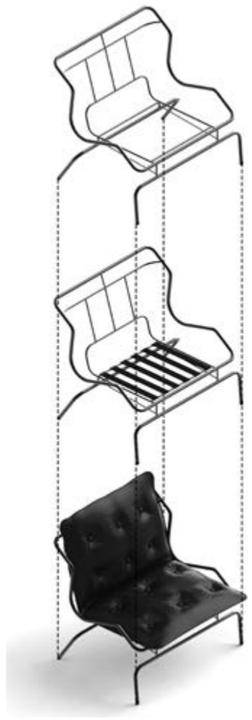

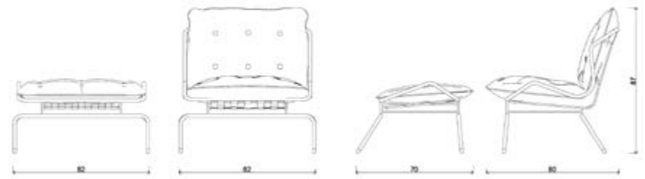

نام پروژه-عملکرد: صندلی شاهرخ-مبلمان
طراح اصلی: سپهر مهردادفر / **دفتر طراحی:** گروه هامون / **همکاران طراحی:** سعید میرطهماسب، حسین خراسانی
اجرا: گروه آرویناژ، گروه تهران فبتوری / **کارفرما:** گروه آرویناژ / **تاریخ شروع و پایان ساخت:** ۱۳۹۹-۱۳۹۸
عکاس: گروه هامون / **وبسایت:** www.hamounstudio.com / **ایمیل:** info@hamounstudio.com
اینستاگرام: @hamoun.studio

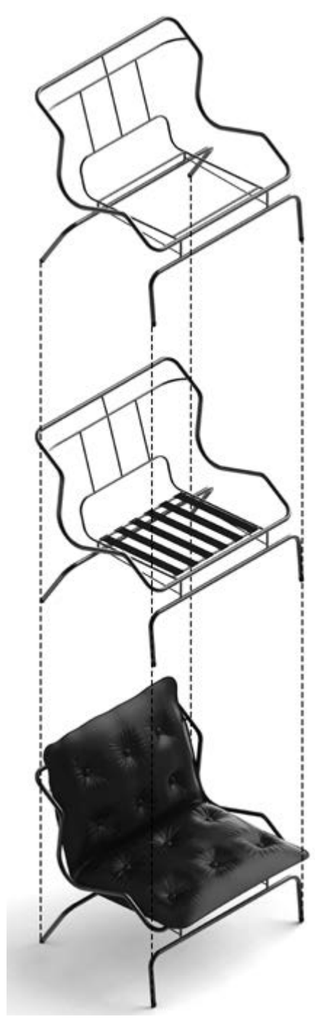

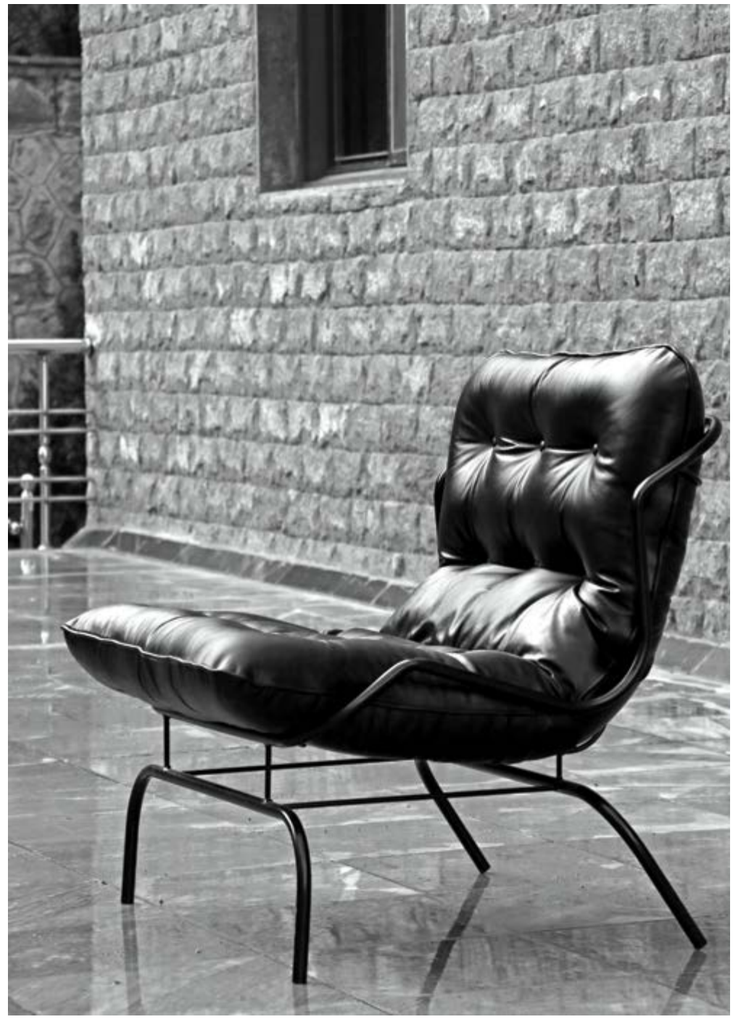

ADORN YOUR DREAM...

روکاسرام
RokaCeram
tile & ceramic company

CETRA
Group

(+98 21) 2267 3909
@CETRAGROUP
WWW.CETRA-CO.COM

la fabbrica · BELLOSTA · GALASSIA Italy · CERAMICA ALTHEA

Harmony

Harmony Out Door | Harmony | Harmony BAROQUE | Harmony | Harmony Harmonic Center | Harmony | Harmony C&J | Harmony | Harmony | Harmony Café

خلق زیبایی کاستن از زشتیهاست.

www.Harmony.ir